



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

رساله دکتری مشاوره

تدوین الگوی ازدواج پایدار رضایتمند و بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای

مبتنی بر آن

استاد راهنما

دکتر معصومه اسمعیلی

استادان مشاور:

دکتر کیومرث فرحبخش، دکتر احمد برجعلی

استادان داور:

دکتر بهمن بهمنی، دکتر آتوسا کلانتر هرمزی

پژوهشگر:

ابوالفضل حاتمی ورزنده

بهمن ۱۳۹۴





به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداوند است و همواره ناظر به اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری و دانشجویان دانشمند و دانشجو علامه طباطبائی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل تحقیق جوی: تلاش در راستای پی جویی تحقیق و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی تحقیق،
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق،
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش،
- ۴- اصل منفعت ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش،
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار،
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق،
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی،
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد،
- ۹- اصل برانست: التزام به برانست جوی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.

نام و نام خانوادگی: ابوالفضل حاتمی ورزنه

تاریخ و امضاء:



تعمدنامه ی اصالت پایان نامه / رساله

ایجناب ابوالفضل حاتمی ورزنه دانش آموخته مقطع تحصیلی دکتری در رشته مشاوره که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ از رساله خود تحت عنوان تدوین الگوی ازدواج پدیدار رضایت‌مند و بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای مبتنی بر آن با کسب نمره ۱ درجه عالی دفاع نموده ام، متعهد می‌شوم:

- ۱- این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط ایجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از مقاله، کتاب، پایان نامه و غیره) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت بیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده از هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ازین دست موارد از این پایان نامه / رساله را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و دانشگاهی مجاز است با ایجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام بیچ گونه ادعائی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: ابوالفضل حاتمی ورزنه

به نام خدا

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

صورتجلسه دفاعیه رساله دکتری

دفاع از رساله دکتری آقای ابولفضل حاتمی ورزنه دانشجوی دکتری رشته مشاوره به شماره دانشجویی

۹۰۱۲۲۴۹۱۰۱

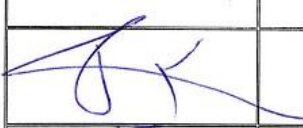
تحت عنوان: تدوین الگوی ازدواج پایدار رضایتمند و بررسی اثربخش برنامه مداخله ای مبتنی بر آن

روز دو شنبه مورخه ۹۴/۱۱/۲۶ ساعت ۷:۳۰ صبح با حضور هیات داوران و نماینده تحصیلات تکمیلی مطرح و

پس از بحث و بررسی رساله مذکور قبول با سطح: ☒ عالی ☐ بسیار خوب ☐ خوب ☐ و غیر قابل قبول ☐

اعضای هیات داوران

ارزیابی شد.

سمت	نام و نام خانوادگی	امضا
استاد راهنما	خانم دکتر اسمعیلی	
استاد مشاور	آقای دکتر فرحبخش	
استاد مشاور	آقای دکتر برجعلی	
استاد داور	آقای دکتر بهمنی	
استاد داور	خانم دکتر کلانتر هرمزی	
نماینده معاونت پژوهشی	آقای دکتر نعیمی	

این مجموعه را هر چه می شود نامش گذاشت تقدیمش می کنم به:

پدرم که مزرعه ای بود به مهربانی آب و سبزی و آفتاب. دستانش بزرگ ترین درس زندگی ام بود و نگاهش چراغ راهم

مادم که آغوش پر مهر بچندش بهترین بهانه زیستن است و اشک هایش زلال ترین غزل های آفتاب

همسرم که عاشقانه همه وجودش را گذاشت تا نهال آرزوهای ما به بار بنشیند

تشکر می‌کنم از:

خانم دکتر اسمعیلی که صادقانه دریای بیکران وجودشان را بر من ارزانی داشتند تا بتوانم گوهر علم و دانش را اندوخته راهم کنم.

آقای دکتر فرحبخش که مهر و موم‌هاست چگونه زیستن را در مکتبش می‌آموزم و خود را شاگرد کوچکی در نگاه بزرگش احساس می‌کنم.

آقای دکتر برجلی که از گنجینه علم و دانششان استفاده فراوان برده‌ام.

و همچنین از اساتید داور محترم آقای دکتر بهمنی و خانم دکتر کلانتر هرمزی که در این راه یاری‌گرم بودند و از همراهی‌شان صمیمانه سپاسگزارم

چکیده

ازدواج پایدار رضایتمند، نتایج مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد. این پژوهش باهدف شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با عمری بیش از ۲۰ سال و عوامل مؤثر در طلاق زوجین انجام گرفت تا با مقایسه عوامل شناسایی شده در دو گروه مذکور برنامه مداخله‌ای را طراحی و به اعتبار یابی آن بپردازد. این پژوهش با شیوه ترکیبی انجام شد. بخش کیفی با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، آزمودنی‌ها در هر دو گروه نمونه‌ی زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند و زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری‌ها ادامه یافت به این صورت که در نهایت ۲۰ نفر (۱۰ زوج) دارای ازدواج پایدار رضایتمند (با طول مدت ازدواج ۲۰ سال و بالاتر) و ۲۰ نفر (۱۰ زوج) در حال جدایی مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. در بخش کمی این پژوهش از روش تک موردی (طرح AB) استفاده شد؛ و یک زوج از بین زوجین مراجعه‌کننده‌ها به مرکز مشاوره رشد در شهر زنجان که دارای تعارض زناشویی بالا و رضایت پایین بودند، انتخاب شدند و تحت مداخلات مشاوره‌ای قرار گرفتند. در بخش کمی از پرسشنامه رضایت زن و شوهری انریچ (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹) و تعارضات زن و شوهری (ساخت ثنائی و براتی، ۱۳۷۹) به‌منظور سنجش تغییرات زوج در طول اجرای برنامه مداخله‌ای استفاده شد.

داده‌های به‌دست‌آمده در بخش کیفی از دو گروه زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی و زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند مبتنی بر روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای (رویکرد اشتراوس و خوربین) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از ازدواج‌های پایدار رضایتمند نشانگر این است که سفری به‌سوی ازدواج بالنده، مقوله مرکزی الگوی ازدواج پایدار رضایتمند است. نتایج بیان‌کننده این است که مقوله شکل‌گیری مناسب ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج پایدار رضایتمند هست که دربردارنده‌ی مفاهیمی همچون داشتن آمادگی نسبی پیش از ازدواج، استقلال نسبی پیش از ازدواج، داشتن علاقه اولیه، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل و انتخاب آگاهانه است. عوامل درون شخصی (نگرش‌های مؤثر و ویژگی‌های شخصیتی مناسب) و بین شخصی (منظومه زناشویی و والدینی و چند نسلی کارآمد) و فرا شخصی (مالی و کاری) ازجمله عوامل مداخله‌ای (میانجی) مؤثر در ازدواج پایدار می‌باشند. همچنین برخی راهبردهایی که توسط زوجین پایدار رضایتمند (نظیر گذشت، حل مسئله، عذرخواهی و شوخ‌طبعی) و خانواده‌های مبدأ آن‌ها (اتخاذ رفتارهای تعدیل‌کننده‌ی مشکل) در هنگام سختی‌ها و شرایط عدم وجود عوامل منتهی به ازدواج پایدار مورد استفاده قرار می‌گرفت نیز شناسایی شد. پیامد نهایی عبارت از رضایتمندی (از خود، همسر، فرزندان) و پایداری ازدواج بود.

همچنین نتایج به‌دست‌آمده از ازدواج‌های در حال جدایی حکایت از آن دارد که سیر ازهم‌پاشی ازدواج، مقوله مرکزی الگوی ازدواج‌های در حال فروپاشی است. همچنین یافته‌های این بخش بیانگر این است که مقوله شکل‌گیری نامناسب ازدواج جزء شرایط علی برای ازهم‌پاشیدن ازدواج است که دربردارنده‌ی مفاهیمی همچون عدم وجود علاقه اولیه، انگیزه نامناسب انتخاب، عدم آمادگی، آشنایی ناقص پیش از ازدواج، ازدواج اجباری و

انتخاب ناآگاهانه است. عوامل درون شخصی (نگرش‌های ناکارآمد، ویژگی‌های شخصیتی نامناسب)، بین شخصی (منظومه زناشویی و والدینی و چند نسلی ناکارآمد) و فرا شخصی (مالی و کاری) ازجمله عوامل مداخله‌ای (میانجی) مؤثر در ازدواج‌های در حال جدایی است. البته برخی راهبردهای ناکارآمد نیز در تحقیق به دست آمد که زوجین متقاضی طلاق (نظیر علنی کردن سختی‌ها برای خانواده و فامیل، محبوس کردن همسر و ابراز خشم ناکارآمد) و خانواده‌های آن‌ها (نظیر تشویق فرزند به طلاق) در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌ها به آن‌ها متوسل شده‌اند و منجر به تشدید یافتن مشکلات آن‌ها شده است. پیامد نهایی عبارت از پیامدهای احساسی، شناختی و رفتاری منفی بود. البته یک سری شرایط زمینه‌ای نیز در زوجین متقاضی طلاق کشف شد که شامل رواج طلاق در خانواده‌ی اصلی، سابقه اعتیاد و دوستی با افراد دارای ازدواج‌های ناموفق بود.

یافته‌های بخش کمی با استفاده از روش نمایش نموداری، شاخص درصد بهبودی و شاخص معناداری بالینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که برنامه مداخله‌ای طراحی شده مبتنی بر مقایسه عوامل شناسایی شده از ازدواج‌های در حال جدایی و ازدواج‌های پایدار رضایتمند (که الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زناشویی نام گرفت) منجر به بهبود رضایت زن و شوهری و کاهش تعارضات زناشویی گردیده است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که رسیدن به ازدواج بالنده اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب‌های زندگی، زوجین می‌توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیبایی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد و ازدواج‌هایی به بالندگی می‌رسند که مجهز به مؤلفه‌ها و راهبردهای خاص این سفر باشند.

کلیدواژه‌ها: پایداری، طلاق، رضایتمندی زن و شوهری، تعارضات زن و شوهری

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه.....	۸
بیان مسئله.....	۹
اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۱۲
اهداف پژوهش.....	۱۳
سؤال‌ها و فرضیه های پژوهش.....	۱۴
تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم.....	۱۴

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رضایتمندی زن و شوهری در ازدواج.....	۱۷
ازدواج پایدار رضایتمند.....	۲۰
تعریف ازدواج پایدار رضایتمند.....	۲۱
عوامل کلیدی کمک کننده به ازدواج پایدار رضایتمند.....	۲۲
مراحل ازدواج پایدار.....	۳۶
طلاق و تأثیرات منفی آن.....	۳۸
عواملی که منجر به ازهم پاشی ازدواج (طلاق) می شوند.....	۳۹
پیشینه پژوهشی مرتبط در داخل و خارج از کشور.....	۴۸

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

طرح تحقیق.....	۵۶
جامعه، نمونه و روش نمونه گیری.....	۵۸
روش جمع آوری داده ها.....	۵۹
روش اجرای پژوهش.....	۶۱
روش تجزیه و تحلیل داده ها.....	۶۲

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

بخش کیفی	۶۷
سؤال اول:	۶۷

سؤال دوم: ۹۷.....

سؤال سوم: ۱۲۲.....

سؤال چهارم: ۱۳۰.....

بخش کمی ۱۳۷.....

فرضیه اول: ۱۳۸.....

فرضیه دوم: ۱۴۳.....

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

بخش کیفی ۱۵۷.....

بخش کمی ۱۷۹.....

محدودیت های پژوهش ۱۸۷.....

پیشنهادهای پژوهش ۱۸۷.....

منابع ۱۸۸.....

پیوست ها ۲۰۵.....

فهرست جداول

جدول ۴-۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین متقاضی طلاق.....	۶۸
جدول ۴-۲. مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از مصاحبه با زوجین متقاضی طلاق.....	۶۹
جدول ۴-۳. ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند.....	۹۷
جدول ۴-۴. مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از مصاحبه با زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند.....	۹۸
جدول ۴-۵. مقایسه عوامل علی دو گروه ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی.....	۱۲۲
جدول ۴-۶. مقایسه عوامل مداخله‌ای دو گروه ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی.....	۱۲۳
جدول ۴-۷. مقایسه استراتژی‌های دو گروه ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی.....	۱۲۸
جدول ۴-۸. مقایسه پیامدهای دو گروه ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی.....	۱۲۹
جدول ۴-۹. مقایسه شرایط زمینه‌ای دو گروه ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی.....	۱۲۹
جدول ۴-۱۰. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در رضایت زناشویی.....	۱۳۹
جدول ۴-۱۱. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس ارتباطات.....	۱۴۱
جدول ۴-۱۲. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس حل تعارض.....	۱۴۳
جدول ۴-۱۳. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در تعارض زناشویی.....	۱۴۵
جدول ۴-۱۴. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس کاهش همکاری.....	۱۴۶
جدول ۴-۱۵. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس کاهش رابطه جنسی.....	۱۴۸
جدول ۴-۱۶. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس افزایش واکنش هیجانی.....	۱۵۰
جدول ۴-۱۷. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس افزایش رابطه فردی با خویشان خود.....	۱۵۱
جدول ۴-۱۸. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس کاهش رابطه خانوادگی با خویشان.....	
همسر و دوستان.....	۱۵۳
جدول ۴-۱۹. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس جدا کردن امور مالی از یکدیگر.....	۱۵۵

فهرست اشکال

شکل ۴-۱. الگوی ازدواج‌های در حال فروپاشی.....	۷۷
شکل ۴-۲. الگوی ازدواج پایدار رضایتمند.....	۱۰۴

فهرست نمودارها

- نمودار ۴-۱. روند تغییر نمرات در رضایت زناشویی..... ۱۳۹
- نمودار ۴-۲. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس ارتباطات..... ۱۴۰
- نمودار ۴-۳. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس حل تعارض..... ۱۴۲
- نمودار ۴-۴. روند تغییر نمرات در تعارض زناشویی..... ۱۴۴
- نمودار ۴-۵. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس کاهش همکاری ۱۴۶
- نمودار ۴-۶. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس کاهش رابطه جنسی..... ۱۴۷
- نمودار ۴-۷. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس افزایش واکنش هیجانی زوج..... ۱۴۹
- نمودار ۴-۸. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس افزایش رابطه فردی با خویشان خود..... ۱۵۱
- نمودار ۴-۹. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس کاهش رابطه خانوادگی با خویشان همسر و دوستان..... ۱۵۲
- نمودار ۴-۱۰. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس جدا کردن امور مالی از یکدیگر..... ۱۵۴

فصل اول: معرفی پژوهش

این داستان افسانه‌ای بسیار مشهور است: دو نفر عاشق همدیگر شدند، ازدواج کردند و پس از آن شادمانه زندگی کردند. البته زندگی داستان افسانه‌ای نیست، در حقیقت بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامند. در جامعه آمریکا طلاق به یک‌راه حل نسبتاً رایج برای نا رضایتمندی^۱ تبدیل شده است. ۴۱,۶ درصد از همه ازدواج‌ها و ۵۰ درصد از ازدواج‌های اول به طلاق ختم می‌شوند (کوپان، دنیلز، وسپا و موشر^۲، ۲۰۱۲) همچنین در ایران در نه‌ماهه اول سال ۱۳۹۴ در مقابل هر ۴,۳ ازدواج ۱ طلاق ثبت شده است (سازمان ثبت‌احوال ایران، ۱۳۹۴).

افزایش نرخ طلاق در جامعه ایران منجر به انجام مطالعات بسیاری در این باره شده است. این مطالعات تلاش کرده‌اند تا گرایش به طلاق را با بررسی کردن عوامل مؤثر در ازهم‌پاشیدن ازدواج‌ها و پیامدهای متعاقب منتج شده از طلاق درک کنند (باچاند و کارون^۳، ۲۰۰۱). باوجوداین حقیقت که بسیاری از ازدواج‌ها برای دهه‌ها ادامه می‌یابند، بیشتر تحقیقات در مطالعات روان‌شناختی بر زوج‌های نسبتاً جوان و ازدواج‌های ازهم‌پاشیده متمرکز است تا ازدواج‌هایی که پایدار مانده‌اند (ایزابلا استرادا^۴، ۲۰۰۹).

اگرچه حجم عظیمی از تحقیقات در رابطه با ازدواج عمدتاً بر روی طلاق تمرکز کرده‌اند، گرایش جدید به‌سوی بررسی ازدواج‌هایی است که به طلاق ختم نمی‌شوند (به نقل از گنیلکا^۵، ۲۰۰۷) و مسئله تداوم ازدواج را موردتوجه ویژه قرار داده‌اند. این گرایش‌ها هم‌راستا با تحول حوزه روانشناسی مثبت‌گرا است و با تغییر تمرکز بر این موضوع که چه عوامل و متغیرهایی در ازدواج‌های پایدار عمل می‌کنند، تصویر متفاوتی به دست می‌دهد که می‌تواند سرنخ‌هایی برای شکل دادن و حفظ ازدواج‌هایی بادوام‌تر، مطرح نماید (باچاند و کارون، ۲۰۰۱). طیفی از مطالعات تلاش کرده‌اند تا عوامل و متغیرهایی را بررسی کنند که به ازدواج‌های پایدار کمک می‌کند و نشان می‌دهد چطور زوجین در جهت پایداری ازدواجشان عمل می‌کنند (به نقل از گنیلکا، ۲۰۰۷).

با توجه به این مسئله که برخلاف روند موجود در غرب که کمتر به‌سوی ازدواج رسمی روی می‌آورند، جامعه ما جامعه‌ای ازدواج و خانواده محور است و همچنین عدم وجود پژوهشی که بر درک خانواده و ازدواج‌های پایدار از یک رویکرد قوت محور تمرکز کند، بررسی و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار و مهم در ازدواج‌های پایدار رضایتمند

¹ dissatisfaction.

² Copen, C. Daniels, K., Vespa, J., & Mosher, W.

³ Bachand, L. & Caron, S.

⁴ Isabel Estrada, R.

⁵ Gnilka, A. S

در جامعه ما و یادگیری از این ازدواج‌ها از دیدگاهی قوت محور دارای اهمیت زیادی است. در همین راستا در این پژوهش درصدد این بوده‌ایم که مؤلفه‌های مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند را بررسی کرده و با مقایسه آن با مؤلفه‌های مؤثر در طلاق زوجین، الگویی از ازدواج پایدار در ایران ارائه دهیم و درنهایت بر اساس الگوی تدوین‌شده برنامه مداخله طراحی و با طرح پژوهش تک موردی درصدد اعتبارسنجی آن برآمدیم.

بیان مسئله

روابط زن‌وشوهری پایدار و رضایت‌بخش، ویژگی‌های مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورند. این روابط زن‌وشوهری محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و همچنین رشد و سلامتی اعضای خانواده را ارتقاء می‌دهند (میخالیتسیانوف^۱، ۲۰۱۴).

از سوی دیگر تعارضات زن‌وشوهری و طلاق تهدیدهایی جدی برای واحدهای زن‌وشوهری هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش کشیده و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند؛ تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره‌وری پایین در کار ازجمله این پیامدها برای بزرگسالان به شمار می‌رود. علاوه بر آن برای فرزندان نیز عواقب منفی شدیدی در پی دارد، احتمال بالای بروز اختلالات منش، اضطراب، افسردگی و بزهکاری نوجوانی، بروز مشکلات در مدرسه، ازدواج ناموفق و انتقال الگوهای تبادلی نافرجام زندگی والدین به نسل‌های جدید، مثال‌هایی از این پیامدها هستند (محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰).

درحالی‌که برخی ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامند، تعدادی از ازدواج‌ها هم وجود دارند که سالم و پایدار باقی می‌مانند، تمرکز بر اینکه چه عواملی باعث پایداری این ازدواج‌ها می‌شود، باعث به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد. اگر محققان بتوانند عواملی را شناسایی کنند که ازدواج را بر روی مسیر خود به سمت موفقیت قرار دهد، جامعه می‌تواند نرخ پایین‌تری از طلاق، افزایش دوام، پایداری و رضایت در ازدواج را تجربه کند (نیمتز^۲، ۲۰۱۱).

رضایتمندی زن‌وشوهری حالتی از خشنودی و رضایت در ازدواج است که از جنبه درون فردی تجارب ذهنی خوشایند و از جنبه میان فردی هماهنگی میان انتظارات یک طرف با رفتارهای طرف مقابل است که در زمینه های گوناگون چون سبک زندگی، ارتباط، رابطه جنسی، شرایط اقتصادی و نحوه تصمیم‌گیری وجود

¹ Michalitsianos, N.

² Nimtz, M.A.

دارد(اسپانیر و لوئیس^۱، ۱۹۸۰). مطالعات نشان می‌دهند که رضایت زن‌وشوهری با بهزیستی^۲ همسران رابطه دارد (کار، فریدمن، کورنمن، اسکوارز^۳، ۲۰۱۴)، عاملی حفاظتی برای واحد خانواده محسوب می‌شود، کیفیت زندگی بهتر را رقم می‌زند (پلگ^۴، ۲۰۰۸) و قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی رضایت از زندگی در بین تمام مؤلفه‌های پیش‌بینی کننده رضایت از زندگی است (هلر، واتسون و ایلز^۵، ۲۰۰۴)

اگرچه مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام‌شده، کمتر پژوهشی روی ازدواج‌های رضایتمند و پایدار تمرکز کرده است و بیشتر پژوهشگران بر عوامل ازهم‌پاشیدن ازدواج‌ها متمرکز شده‌اند (نیمتز، ۲۰۱۱). مدنظر ما ازدواج‌های پایدار بسیار بدون رضایت زن‌وشوهری (پارکر^۶، ۲۰۰۲؛ دانکان^۷، ۲۰۱۱) نیست، بلکه منظور ازدواج‌های پایداری است که رضایتمند هستند.

عمده ادراک‌های سازنده در مورد ازدواج‌های پایدار رضایتمند از بافت بالینی سرچشمه گرفته است (نیمتز، ۲۰۱۱) و به نظر می‌رسد که بلوک‌های سازنده نظری بسیاری از صاحب‌نظران مشهور نظیر اسمالی^۸ (۱۹۹۶) و هارلی^۹ (۱۹۹۴) درباره روابط زن‌وشوهری سالم، مبتنی بر ادراک‌هایی است که از محیط‌های بالینی نشأت گرفته و از ادراک‌هایی که می‌توان از ازدواج‌های رضایتمند کسب نمود غافل بوده‌اند.

فرض‌بنیادی در تحقیقاتی که از دیدگاه توانایی محور به مسائل خانواده می‌نگرند، مثل پژوهش درباره ازدواج‌های پایدار رضایتمند، این است که احتمالاً زوج‌های دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگی‌ها و منابعی هستند که آن‌ها را قادر ساخته تا روابطشان را در برابر فشارهای اجتناب‌ناپذیر زندگی به‌خوبی حفظ کنند (کاسلو و رابینسون^{۱۰}، ۱۹۹۶).

پژوهش‌هایی در کشورهای دیگر مسئله عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند را موردبررسی قرار داده‌اند. در پژوهش انجام‌شده توسط باچاند و کارون (۲۰۰۱) بر روی ۱۵ زوج دارای ازدواج پایدار عوامل زیر را که به نظر زوجین موردتحقیق، عوامل کمک‌کننده به دیرپایی و رضایتمندی در ازدواج بودند را شناسایی نموده است:

¹ Spanier, G and Lewise, R.A.

² Well being

³ Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N.

⁴ Peleg, O.

⁵ Heller, D., Watson, D. & Ilies, R.

⁶ Parker, R.

⁷ Duncan, E. M.

⁸ Smalley

⁹ Harley

¹⁰ Kaslow, F., & Robinson, J. A.

دوستی و عشق، احترام^۱ و احساس قدردانی^۲، اعتماد و وفاداری^۳، ارتباط خوب^۴، رابطه جنسی خوب^۵، ارزش‌های مشترک^۶، همکاری و حمایت متقابل^۷، لذت بردن از زمان مشترک^۸، توانایی انعطاف‌پذیری در هنگام مواجهه با تغییر^۹ و حسی از معنویت^{۱۰} باور به نهاد ازدواج و فرض بقا^{۱۱} ازدواج‌های پایدار را توصیف می‌کند.

چیونگ^{۱۲} (۲۰۰۵) یادآور شده که ازدواج‌ها دارای اشکال، ساختار و معانی مختلفی در فرهنگ‌های مختلف هستند و همچنین طی زمان تغییر می‌کنند. در ازدواج‌های امروزی در غرب، افراد برای عشق، شادی و کامروایی شخصی باهم دیگر ازدواج می‌کنند. آن‌ها در جستجوی چیزی بیش از یک محیط مولد هستند و تعریف خانواده، خانواده قانونی معمول، هم‌جنس‌گراها، خانواده‌های تک والدی و خانواده‌های ترکیبی را شامل می‌شود (دونگ لی^{۱۳}، ۲۰۰۸). در فرهنگ ما (ایران) مذهب و قوانین مذهبی یک بخش جدانشدنی از خانواده را تشکیل می‌دهند، سنت‌ها و آداب‌ورسوم خاص فرهنگ ایرانی اسلامی، خانواده ایرانی را متمایز می‌سازد و همچنین فرهنگ جمع‌گرای ایران باعث شده که در ازدواج، همسران بر ارتباط، نوع‌دوستی و دیگر خواهی متمرکز بشوند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳). با توجه به تفاوت‌های اساسی یافته‌های پژوهشگران به نظر می‌رسد نمی‌توان نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در فرهنگ غربی را به فرهنگ ایرانی تعمیم دهیم.

مطالعات پیشین موجود بیشتر با روش تحقیق کمی به بررسی ازدواج‌های پایدار رضایتمند و حتی بررسی عوامل مؤثر در طلاق زوجین پرداخته‌اند اما در این پژوهش از روش پژوهش کیفی برای بررسی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند و عوامل مؤثر در طلاق زوجین استفاده کرده‌ایم. این رویکرد تلاش می‌کند به جای تمرکز و مرتب کردن برون دادها و نادیده گرفتن اهمیت تجربه فردی و خانوادگی دقیقاً بر تجربه‌ی کنشگران متمرکز شود. پژوهش کیفی بالأخص در مطالعه خانواده‌ها به خاطر «گشودن پنجره‌ای که از طریق آن ما می‌توانیم الگوهای تعامل بین اعضای خانواده را مشاهده کنیم» و کشف حجاب‌ها از معانی، فرایندها و روابطی که

¹ Respect

² Feeling appreciated

³ Trust and Fidelity

⁴ Good communication

⁵ Good sexual relations

⁶ shared values

⁷ cooperation and mutual support

⁸ enjoyment of shared time

⁹ the ability to be flexible when confronted with change

¹⁰ a sense of spirituality

¹¹ assumption of permanence”

¹² Cheung, M.

¹³ Dung Le, T. M.

رسیدن به آن‌ها از طریق دیگر رویکردها مشکل است، متناسب‌تر است (هاپکینز-ویلیامز^۱، ۲۰۰۷) و می‌توان از طریق آن دید عمیق و چندبعدی از موضوع تحقیق ارائه داد.

با توجه به آنچه گفته شد مطالعه حاضر درصدد شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با عمری بیش از ۲۰ سال و عوامل مؤثر در طلاق زوجین است تا با مقایسه آن عوامل در دو گروه مشخص نماید ویژگی‌ها برنامه مداخله مبتنی بر یافته‌ها و اثر آن بر یک زوج آزمودنی چه می‌تواند باشد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

رضایت از رابطه زن و شوهری از سازه‌های بنیادی حفظ‌کننده بنیاد خانواده و عامل تکامل آن است. این سازه یکی از متغیرهایی است که به‌طور گسترده در تحقیقات خانواده و ازدواج موردبررسی قرار گرفته است و یک سازه زیربنایی هم در مطالعات بنیادی رابطه‌ای و هم در مطالعات درمانی در زمینه خانواده محسوب می‌شود. رضایت زناشویی برای ادامه زندگی مشترک یک عنصر حیاتی به شمار می‌رود (نصیری ده سرخی و موسوی، ۱۳۹۴).

اساساً وجود یک ازدواج توأم با رضایت محل تبادل و تلاقی احساسات و عواطف مثبت بین زن و شوهر بوده و تشکیل خانواده بهنجار نقش مهمی در سلامت و بهزیستی کل جامعه دارد. از این‌رو محققان بر این باورند که زن و شوهر به‌مثابه نیرویی تعیین‌کننده در جهت حرکت خانواده، در چرخه زندگی نقشی بنیادین ایفا می‌کنند (بنائیان، پروین و کاظمیان، ۱۳۸۵).

بالاین‌وجود، آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی در جامعه است نشانگر آن است که رضایت زناشویی به‌آسانی قابل‌دستیابی نیست. از همان روزهای آغازین رابطه زناشویی، عدم توافق‌های جدی و مکرری به وجود می‌آیند که اگر حل نگردند، می‌توانند رضایت و ثبات زناشویی را با تهدیدی جدی روبرو کنند (یوسفی، عابدین، تیرگری و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹).

لازم به ذکر است که تعریف خانواده از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت زیادی دارد. تعریف آمریکایی (غربی) از خانواده بر خانواده هسته‌ای تمرکز دارد (مک‌گلدریک، جو و نایدیا^۲، ۲۰۰۵)، جایی که خانواده در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی از جمله ایران کاملاً متفاوت است و ممکن است خانواده گسترده را نیز شامل شود و انواع متفاوت خانواده‌ای پذیرفته‌شده در فرهنگ غربی همچون هم‌جنس‌گرا و هم‌خانگی را نمی‌پذیرد. فرهنگ جمع‌گرا

¹ Hopkins-Williams, K. D.

² McGoldrick, M.; Joe, G. and Nydia, G-P.

بر روی پیوند و وابستگی بین فردی تأکید دارد (دانش پور^۱، ۱۹۹۸)؛ بنابراین ما نمی‌توانیم نتایج مطالعات انجام‌شده در فرهنگ‌های غربی را به‌آسانی به فرهنگ‌های شرقی همچون ایران تعمیم بدهیم.

خانواده‌های اصلی در فرهنگ ایرانی برعکس خانواده‌های غربی نقش مهمی در فروپاشی یا پایداری ازدواج‌ها بازی می‌کنند. پژوهش‌های انجام‌شده در فرهنگ ایرانی نشان‌دهنده این هستند که نظریه‌ها و پژوهش‌های مشاوره خانواده و ازدواج که در بافت فرهنگ فردگرای غربی شکل گرفته‌اند بخشی از تجارب زن‌شویی روی‌داده در ازدواج‌های ایرانی را توصیف نمی‌کنند. از این‌رو بومی‌گرایی پژوهشی و نظری و طراحی مداخلات مبتنی بر دانش بافتی، پیشنهاد مهم اما چالش‌برانگیزی است که باید دنبال شود (محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰).

با توجه به ضرورت انجام پژوهش در فرهنگ بومی همان‌طور که در بالا آمد و پژوهشگران بر آن تأکید کرده‌اند و همچنین با توجه به جستجوهای پژوهشگر که نشان‌دهنده آن بود که پژوهشی تاکنون بر روی ازدواج‌های پایدار رضایتمند در فرهنگ ایران انجام نگرفته است، پس انجام پژوهش حاضر دارای اهمیتی قابل توجه است.

نتایجی که از پژوهش حاضر حاصل‌شده در کمک به زوج درمانگران و زوجین متأهل در درک ازدواج دو نقش بنیادی خواهد داشت: اول اینکه مشاوران و زوج درمانگران یک توصیف غنی و عمیق از تجارب افراد در ازدواج‌های پایدار به دست خواهند آورد؛ و همچنین اطلاعاتی را برای زوجینی که متأهل هستند در مورد عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند و چگونگی این ازدواج‌ها فراهم می‌آورد که می‌تواند برای زوجین متأهل راهگشا و کمک‌کننده باشد. دوما یافته‌های به‌دست‌آمده می‌تواند اساسی را برای مطالعات آینده در زمینه بررسی عوامل مرتبط با ازدواج‌های پایدار در فرهنگ ایرانی فراهم آورد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه الگویی از ازدواج‌های پایدار رضایتمند است.

هدف‌های جزئی این پژوهش موارد زیر است:

- ۱- شناسایی عوامل ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زن و شوهرهای دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند.
- ۲- شناسایی عوامل ازهم‌پاشی ازدواج‌ها در زن و شوهرهای متقاضی طلاق
- ۳- مقایسه عوامل ازدواج‌های پایدار رضایتمند با ازدواج‌های در حال فروپاشی

¹ Daneshpour, M.

- ۴- تعیین ویژگی‌های فرایندی، محتوایی و فنون الگوی پایدارسازی روابط زن‌وشوهری
- ۵- تعیین اعتبار برنامه مداخله‌ای مستخرج از الگوی تدوین‌شده (الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری) با استفاده از طرح مطالعه تک موردی بر بهبود رضایتمندی زناشویی و تعارضات زناشویی

سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش

- سوال ۱. عوامل جدایی و ازهم‌پاشی ازدواج از نظر زن و شوهرهای متقاضی طلاق چیست؟
- سوال ۲. عوامل ازدواج پایدار رضایتمند از نظر زن و شوهرهای دارای ازدواج پایدار رضایتمند چیست؟
- سوال ۳. بین ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی در عوامل علی، مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای چه تفاوتی وجود دارد؟
- سوال ۴. الگوی ازدواج پایدارسازی روابط زن‌وشوهری دارای چه ویژگی‌های فرایندی، محتوایی و فنی است؟
- فرضیه ۱. الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر افزایش رضایتمندی زن‌وشوهری تاثیر دارد.
- فرضیه ۲. الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر کاهش تعارضات زناشویی تاثیر دارد.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

ازدواج پایدار:

تعریف نظری: ازدواج پایدار ازدواجی است که زوجین زمانی بیش از طول زمان مجردی‌شان را در سال‌های تأهلشان با همسرشان صرف کرده باشند که این زمان به‌طور تقریبی حداقل ۲۰ سال است و زوجین در این ازدواج‌ها یک شبکه‌ای از خصایص و راهبردها را ایجاد نموده‌اند که آن‌ها را در مدیریت موقعیت‌های مشکل‌یاری می‌دهد (گنیلکا^۱، ۲۰۰۷؛ کاسلو و رابینسون، ۱۹۹۶).

تعریف عملیاتی: ازدواجی است که تا زمان مصاحبه بدون وقفه طی ۲۰ سال و بیشتر ادامه پیدا کرده باشد.

¹ Alexander S. Gnilka

رضایتمندی در زندگی زن و شوهری:

تعریف نظری: رضایتمندی زن و شوهری حالتی از خشنودی و رضایت در ازدواج است که از جنبه درون فردی تجارب ذهنی خوشایند و از جنبه میان فردی هماهنگی میان انتظارات یک طرف با رفتارهای طرف مقابل است که در زمینه های گوناگون چون سبک زندگی، ارتباط، رابطه جنسی، شرایط اقتصادی و نحوه تصمیم گیری وجود دارد (اسپانیر و لوئیس^۱، ۱۹۸۰)

تعریف عملیاتی: منظور از رضایتمندی نمره‌ای است که از فرد در پرسشنامه رضایت زن و شوهری انریچ (ترجمه آسوده و همکاران، ۱۳۸۹) به دست می‌آید. این پرسشنامه هم قبل از مصاحبه اولیه با ازدواج‌های پایدار رضایتمند به منظور ارزیابی سطح رضایت داوطلبان به منظور اطمینان یافتن از دارا بودن شرایط لازم برای انتخاب به عنوان نمونه و هم در اثربخشی برنامه مداخله مورد استفاده قرار گرفت.

تعارض زن و شوهری:

تعریف نظری: تعارض زناشویی متشکل از عواطف، افکار و رفتارهایی است که بازتابنده خشم، ناکامی، عدم توافق، تنفر، رنجش، تلخی و نظایر آن است، به عبارت دیگر هر جا عدم توافق، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد احتمال ایجاد تعارض وجود دارد (مارکمن و هالفورد، ۲۰۰۵؛ به نقل از اسماعیل زاده، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: منظور از رضایتمندی نمره‌ای است که از فرد در پرسشنامه تعارضات زناشویی (ساخته شده توسط ثنایی و براتی، ۱۳۷۹) به دست می‌آید.

¹ Spanier, G and Lewise, R.A.

فصل دوم:

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این فصل را با مبحث رضایتمندی زن و شوهری در ازدواج آغاز کرده‌ایم، در این مبحث در مورد رضایتمندی زن و شوهری، پایداری و تعریف و نقش آن در سلامت زن و شوهری مطالبی آورده شده است. در پایان مبحث به عوامل کلیدی کمک‌کننده به ازدواج پایدار خواهیم پرداخت.

این فصل را با مبحث طلاق ادامه خواهیم داد. در مبحث طلاق به طلاق و تأثیرات منفی طلاق می‌پردازیم و در مورد عوامل مؤثر در فسخ پیوند زن و شوهری مواردی را ذکر می‌کنیم. در پایان نیز به پیشینه پژوهشی مرتبط با پژوهش حاضر در داخل و خارج از کشور اشاره می‌کنیم.

رضایتمندی زن و شوهری در ازدواج

ازدواج به‌جز در میان مردمان نادر^۱ استان یونان جنوبی در جنوب شرقی چین یکی از بنیادهای اولیه در تمام جوامع در دنیا است. کونتز^۲ (۲۰۰۵) گزارش می‌کند که مردمان نا روابط خواهر و برادری را بالاتر از همه روابط در نظر می‌گیرند. در این جامعه تقریباً سی هزار نفری، برادرها و خواهرها باهم زندگی می‌کنند و آن‌ها مشترک بزرگ می‌شوند، آموزش می‌بینند و از کودکانی که از این خواهرها از طریق مواجهه‌های رمانتیک احتمالی متولد می‌شوند حمایت می‌کنند. در همه جوامع و فرهنگ‌های دیگر سرتاسر جهان، ازدواج یکی از بنیادی‌ترین نهادهایی است که زندگی‌های شخصی و اجتماعی را سازمان می‌دهد (اداسومپرامیل^۳، ۲۰۱۴).

ازدواج به‌عنوان یک بنیاد از لحاظ اجتماعی ساختارند، حقوق و التزام‌های افراد را در ارتباط با جنسیت، نقش‌های جنسی، مشروعیت فرزندان، رابطه با خویشاوندان و نظایر آن تعیین می‌کند. رایان (۱۹۸۱) به ازدواج به‌عنوان «یک نهادی که در آن دو نفر پیمان می‌بندند و خودشان و دنیا را تعریف مجدد می‌کنند» اشاره دارد (اداسومپرامیل، ۲۰۱۴).

افراد نهاد ازدواج خواهان و نیازمند ثبات رابطه در زندگی‌شان هستند و کودکان به سازمان‌دهی و پیش‌بینی پذیری زندگی ساختارند و همچنین عشق و عاطفه نیاز دارند. دولت نیز زمانی که افراد به ازدواج متعهد هستند سود می‌برد زیرا هدف نهایی این بنیاد برقراری نظم است (رو^۴، ۲۰۱۲).

¹Na

² Coontz, S.

³ Edathumparambil, B.

⁴ Rowe, L. D.

زندگی متأهلی دارای مزایای روشن هیجانی و روان‌شناختی است. ازدواج روشی را که افراد در مورد خودشان، همسرشان، دیگران و آینده فکر می‌کنند بهبود می‌بخشد. الری، آسودو، آرن، هادی و ماشک (۲۰۱۱) بیان داشته‌اند عشق رمانتیک پایدار در ازدواج (شامل فکر کردن به صورت مثبت در مورد همسر و فکر کردن در مورد همسر زمانی که پیش فرد نیست) با شادکامی کلی زندگی رابطه دارد. هیون و مک کرنی^۱ (۲۰۰۲) گزارش کرده‌اند که هم خانگی نیز دارای تأثیرات سودآور همسان با ازدواج برای بهزیستی روان‌شناختی نیست. داده‌های زمینه‌یابی اجتماعی عمومی ۱۹۷۲-۱۹۹۶ نشان می‌دهد که گزارش‌های شادکامی در میان آن‌هایی که در آن زمان متأهل بودند بالاتر از آن‌هایی بود که هرگز ازدواج نکرده‌اند یا قبلاً متأهل بوده‌اند. این روند در طی ۳۵ سال ثابت مانده و برای مردان و زنان به یک صورت است (وایت و گالاگر^۲، ۲۰۰۰).

آن‌هایی که متأهل هستند احتمال کمتری دارد که افسرده بشوند، دچار سوءمصرف الکل گردند، یا مرتکب خودکشی شوند (هیون و مک کرنی، ۲۰۰۲).

دانشمندان ازدواج و خانواده به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه ازدواج مهم‌ترین بنیاد در بیشتر فرهنگ‌ها و کشورهای سرتاسر دنیا است، جوامع درروشی که ازدواج را تعریف کرده و قرارداد می‌بندند متفاوت هستند. همچنین قواعد و مقررات خاص در هر جامعه‌ای در مورد فردی که باید ازدواج‌هایشان را ترتیب داده و تکالیفشان را به انجام رساند، وجود دارد (کونترز، ۲۰۰۵).

خانواده‌ها در جوامع متعدد تفاوت‌های خاص خود را دارند. در بسیاری از جوامع (نظیر ایالات متحده، آلمان، استرالیا، پرتغال) ازدواج بین خویشان نزدیک را تأیید نمی‌کنند و حتی ممنوع می‌کنند. به‌هرحال در کشورهای نظیر هند، ایران، آفریقای جنوبی و ترکیه ازدواج‌های فامیلی (ازدواج بین خویشان خونی) بسیار شایع هستند (اداسومپرامیل، ۲۰۱۴). البته بدون در نظر داشتن نوع ازدواج (ازدواج‌های خویشاوندی و یا غیر خویشاوندی) مؤلفه‌ای که در ازدواج‌ها دارای اهمیت بسیار است، دوام و رضایت‌مندی ازدواج است.

رضایت زن‌وشوهری یک حالت ارزیابی ذهنی شخص از رابطه در ازدواج است (لی و فانگ^۳، ۲۰۱۱). از دهه ۱۹۳۰ دانشمندان در جستجوی تبیینی کلی از رضایت‌مندی زن‌وشوهری بوده‌اند و محققین قبلی دریافته‌اند که

¹ Hyoun, K., & McKenry, P.

² Wait, L. and Gallagher, M.

³ Li, T., & Fung, H. H.

بسیاری از جنبه‌های رابطه می‌تواند رضایت کلی از ازدواج را متأثر سازد، از این جنبه‌ها می‌توان از مواردی نظیر ارتباط مؤثر، تعاملات مثبت، مدیریت تعارض، حل مسئله و صمیمیت نام برد (راگوف^۱، ۲۰۱۳).

مطالعات متعدد ویژگی‌های متفاوتی را به‌عنوان مؤلفه‌های همبسته با رضایتمندی زن‌وشوهری مطرح کرده‌اند. روزن گراندون، مایرز و هاتی^۲ (۲۰۰۴) در یک پژوهش به‌مرور مطالعات بررسی‌کننده ویژگی‌های رضایتمندی زن‌وشوهری پرداختند، این پژوهشگران بیان کردند که وفاداری^۳، درک کردن، زندگی جنسی خوب، فرزندان، علایق مشترک^۴، مشارکت در کارهای خانه^۵، داشتن پول کافی و اشتراک در زمینه‌های مشابه^۶ مهم‌ترین متغیرهای همبسته با رضایتمندی زن‌وشوهری است.

به اعتقاد لی و فانگ (۲۰۱۱) عوامل درون شخصی^۷ (شخصیت)، بین شخصی^۸ (ارتباط و درک رفتار همسر) و محیطی^۹ (حضور فرزندان، رضایت زن‌وشوهری والدین، شرایط اقتصادی و سیاست‌های حکومتی^{۱۰}) متعددی وجود دارد که تعیین‌کننده رضایت زن‌وشوهری است.

سطوح پایین رضایتمندی زن‌وشوهری می‌تواند برای رابطه آسیب‌زا باشد ازاین‌رو که ممکن است آشفتگی جسمانی را موجب شده و منجر به کاهش ارتباط، فقدان صمیمیت و طلاق گردد و همچنین سطوح پایین رضایتمندی با وقوع بالاتر افسردگی، اضطراب و اختلال سوء‌مصرف مواد مرتبط است (لی و فانگ، ۲۰۱۱).

فرض بر این است که رضایت تأثیر زیادی روی تعهد دارد. احتمال می‌رود اگر پاداش‌های ادراک‌شده یا نتایج مثبت حاصل از رابطه بالا باشد، افراد از رابطه‌شان راضی‌تر باشند. به نظر می‌رسد همسران در این صورت برآورده‌ی نیازهای بااهمیت یکدیگر باشند. رضایت بالاتر، عاملی است که تعهد نسبت به حفظ یک رابطه را افزایش می‌دهد (فریکر^{۱۱}، ۲۰۰۶).

¹ Rogoff, L.D.

² Rosen-Grandon, Myers, and Hattie

³ faithfulness,

⁴ common interests

⁵ sharing household chores

⁶ sharing similar backgrounds

⁷ intrapersonal

⁸ interpersonal

⁹ environmental

¹⁰ governmental policies

¹¹ Fricker, J.

ازدواج پایدار رضایتمند

رضایت زن و شوهری سازه‌ای است که در متون ازدواج مورد پژوهش قرار گرفته است. با این حال، ازدواج‌های پایدار بسیاری بدون رضایت زن و شوهری وجود دارند (دانکان^۱، ۲۰۱۱). باید یادآور شد که رابطه به صرف پایداری لزوماً رضایتمند نیست. روابطی که در آن جذابیت‌ها پایین هستند اما موانع زیادی برای ترک کردن وجود دارد ازدواج سالم را نخواهد ساخت (راور^۲، ۲۰۰۶). پس ازدواج سالم ازدواجی است که در آن پایداری همراه با رضایتمندی باشد.

در سراسر مسیر زندگی زوجی، زوجین با زمانه‌ای شادکامی و در عین حال زمانه‌ای سختی مواجه می‌شوند. در پاسخ به این زمان‌ها، برخی زوجین طلاق می‌گیرند در حالی که برخی دیگر با وجود سختی‌های پیش رو، رابطه‌ای شاد و کامروا را ایجاد می‌کنند (دونگ لی، ۲۰۰۸).

انبوهی از متون پژوهشی وجود دارد که بر روابط زن و شوهرهای جوان تمرکز کرده است. وقتی نوبت به ازدواج‌های پایدار و بینش‌هایی که می‌توان از تحلیل زوجین دارای ازدواج پایدار به دست آورد می‌رسد، متون خیلی اندک و کمیاب می‌شوند. از طریق این متون بینش‌هایی هم از طریق پژوهش‌های کیفی و هم از طریق پژوهش‌های کمی به ارمغان آورده شده است. پژوهش کمی مواردی همچون اهمیت شناخت تغییرات در نقش‌های سنتی زن و شوهر در طی گستره زندگی، شناسایی رفتارهای هیجانی ابراز شده به وسیله زوجین در تعارض و غیره را مورد تأکید قرار داده‌اند (دیکسون^۳، ۲۰۱۳).

محققان کیفی که ازدواج‌های بلندمدت را مورد بررسی قرار داده‌اند اغلب مصاحبه‌هایشان را پیرامون عوامل کمک‌کننده‌ای که از طریق کمی پیداشده‌اند بنا کرده‌اند. مصاحبه تلاشی است برای کشف اینکه واقعاً چه چیزی زوجین را کمک می‌کند تا یک مدت‌زمان طولانی در ازدواج بمانند و این هدف معمولاً توسط مجموعه‌ای از سؤال‌های باز پاسخ مرتبط با عوامل کمک‌کننده انجام می‌شود (دیکسون، ۲۰۱۳).

در دهه ۱۹۹۰، مطالعه ازدواج‌های پایدار سخت و پیچیده‌تر شد. تعدادی از صاحب‌نظران ادعان دارند که بیشتر ازدواج‌های پایدار رضایتمند هستند. کاسلو و رابینسون (۱۹۹۶) یادآور شدند افرادی که باهم برای ۲۰ سال یا

¹ Duncan, E. M.

² Rauer, A.J.

³ Dixon, D. C.

بیشتر زندگی کرده‌اند یک شبکه‌ای از خصایص و اسناد را ایجاد نموده‌اند که آن‌ها را در مدیریت موقعیت‌های مشکل یاری می‌کند.

روابط زن‌وشوهری پایدار و رضایت‌بخش، در فراهم آوردن ویژگی‌های مثبت بسیار برای اعضای خانواده ازجمله سلامت روانی مثبت، سلامت جسمانی و رشد کودک کارآمد هستند. این روابط زن‌وشوهری محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و همچنین رشد و سلامتی اعضای خانواده را ارتقاء می‌دهد (میخالی‌تسیانوف، ۲۰۱۴).

صاحب‌نظرانی نظیر برادبوری و کارنی (۲۰۱۰)، گاتمن (۱۹۹۹) و مایرز و همکاران (۲۰۰۵) بیان نموده‌اند که ازدواج‌های سالم به بهزیستی جسمانی و روان‌شناختی، همیاری، پیوند بیشتر با جامعه بزرگ‌تر، ثبات اقتصادی و دیرپایی زندگی زن و شوهر کمک می‌کنند (اداسومپرامیل، ۲۰۱۴).

تعریف ازدواج پایدار رضایتمند

تعریف ازدواج پایدار در متون موردبحث زیادی قرار گرفته است. برخی محققان تنها به ازدواج‌هایی نظر انداخته‌اند که حدود ۲۰ سال از عمرشان می‌گذرد. تحقیق انجام‌شده به‌وسیله گلن (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که زمان تأهل نیست که از ازدواج یک ازدواج پایدار می‌سازد بلکه گروه یا دوره‌ای که ازدواج صورت گرفته مهم است. در ادامه گلن بیان می‌کند آنچه از لحاظ فرهنگی در طی تأهل قابل‌پذیرش است در تعداد سال‌های تأهل نیز تأثیر دارد. به‌عبارت‌دیگر بسته به اینکه چه زمانی شما ازدواج کرده‌اید نظیر دهه ۱۹۷۰، نرخ طلاق و طول مدت ازدواج متفاوت از زوجینی خواهد بود که در دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ ازدواج کرده‌اند. ویگل و بالارد-ریش و میلر و همکاران از یک طیفی از زوجین متأهل استفاده کردند و آن‌هایی که پایدار نامیده شدند در مقایسه با برخی از زوجین جوان‌تر، مدت‌زمان طولانی‌تری متأهل بودند اما هیچ‌یک از آن‌ها بالاتر از ۲۰ سال از ازدواجشان نمی‌گذشت (به نقل از گنیلکا^۱، ۲۰۰۷).

گروهی از محققان ازدواج‌های پایدار را به‌عنوان ازدواج‌هایی تعریف کرده‌اند که بیشتر از ۲۰ سال از عمرشان می‌گذرد. در بیشتر مطالعات، محققان برای اینکه ازدواجی را به‌عنوان ازدواج پایدار در نظر بگیرند حداقل سالیان تأهل را تعیین کرده‌اند. محققان در ۳ تا از این مطالعات یعنی گودمن، روزیبلات و همکاران و وایت حداقل تعداد سال‌های تأهل برای اینکه ازدواج پایدار در نظر گرفته شود را ۲۵ سال یا بیشتر در نظر گرفته‌اند. فیلیپسون

¹ Gnilka, A . S.

حداقل ۲۰ سال را در نظر گرفته است. اگر بخواهیم به‌طور علمی بحث کنیم هیچ‌یک از محققان دلیلی منطقی برای سال‌هایی که به‌عنوان حداقل انتخاب‌شده‌اند ارائه نکرده‌اند (گنیلکا، ۲۰۰۷).

سرانجام باید اذعان داشت که درزمینه تعداد سالیانی که باید از ازدواج بگذرد تا ازدواج پایدار نامیده شود هماهنگی بین محققان وجود ندارد. برخی مطالعات تعداد حداقل سالیان تأهل نظیر ۱۰، ۲۰، ۳۰ سال و بیشتر را در نظر گرفته‌اند. مطالعات دیگر سن و مدت ازدواج نظیر سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال و حداقل مدت ازدواج ۱۵ سال را در نظر گرفته‌اند (لونسون، کرسنتس و گاتمن^۱، ۱۹۹۳).

عوامل کلیدی کمک‌کننده به ازدواج پایدار رضایتمند

زوجین پایدار و رضایتمند می‌توانند در مورد متغیرهای مؤثر در رشد و ارتقاء بهزیستی ازدواج‌ها سرنخ‌هایی را فراهم نمایند زیرا این زوجین به‌منظور ایجاد دوام و رضایتمندی در واحد زن‌وشوهری خود، در طول زمان توانسته‌اند کشف کنند چه کار کنند (دیکسون، ۲۰۱۳).

در مطالعات اولیه، محققان بر روی عواملی که به ازدواج‌های پایدار کمک می‌کند تمرکز کرده‌اند. در طی دهه ۱۹۸۰ مطالعات پژوهشی به شناسایی این عوامل نظیر تعهد مادام‌العمر، وفاداری به همسر، انتظار رابطه متقابل و ارزش‌های اخلاقی مشترک، کمک زیادی نموده‌اند. مطالعه فنل (۱۹۸۷) در ایالت متحده نشان داد که احترام به همسر به‌عنوان بهترین دوست و همراه، عاملی است که به ازدواج‌های پایدار کمک می‌کند (به نقل از دونگ لی، ۲۰۰۸).

عشق، عاطفه، شوخ‌طبعی، تغییر در درک نقش‌های سنتی، گوش دادن پاسخگرانه، تعهد، نوع‌دوستی و افزایش گوش دادن پاسخگرانه ای که از لحاظ هیجانی کمتر منفی و بیشتر با محبت است از عوامل دیگری است که به ایجاد ازدواج‌های پایدار رضایتمند کمک می‌کند (دیکسون، ۲۰۱۳).

در زیر عوامل کلیدی کمک‌کننده به ازدواج‌های پایدار (نظیر تعهد، مقدس دانستن ازدواج، توافق ادراکی، همدم و همراه بودن، مسائل جنسی، مدیریت تعارض، مذهب، درک انتظارات زن‌وشوهری و عاطفه مثبت) که در مطالعات خارجی بر روی افرادی از ملیت‌های آفریقایی، اروپایی، آسیایی، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی شناسایی شده‌اند، آورده شده است.

¹ Levenson, R., Carstensen, L., & Gottman, J.

۱- تعهد

بسیاری از محققان به این نتیجه رسیدند که تعهد از مؤلفه‌های عمده در ازدواج‌های پایدار است. تعهد دربردارنده سرمایه‌گذاری زمانی، انرژی و تلاشی است که زوجین در ساخت یک رابطه هم در لحظات خوب و هم در لحظات سختی زندگی روزمره می‌کنند. تعهد زوجینی را توصیف می‌کند که مصمم هستند که باهم کار کنند تا رشد متقابل را ارتقا دهند (شیرسیا^۱، ۲۰۱۴).

همه زوجین با تغییرات در زندگی روبرو می‌شوند اما زوجینی که تغییرات را می‌پذیرند بقا می‌یابند. تغییرات حقیقت زندگی هستند و زوجینی که تغییرات را در زندگی‌شان نمی‌پذیرند ازدواجشان را به‌عنوان یک رابطه نامطلوب تحمل می‌کنند (شیرسیا، ۲۰۱۴).

بسیاری از صاحب‌نظران نشان داده‌اند به‌منظور دستیابی به ازدواج پایدار، افراد نیاز دارند تا هویت و شخصیت خودشان را در نزدیکی و صمیمیت رابطه زن‌وشوهری‌شان حفظ کنند. ارزش‌هایی نظیر تعهد و عشق در ازدواج ضروری هستند و اگر این ارزش‌ها وجود نداشته باشند و یا یاد گرفته نشوند ازدواج ممکن است سریعاً از هم بپاشد (شیرسیا، ۲۰۱۴).

مارستون، چپت، مانک، مک دانیل و ریدر^۲ (۱۹۹۸) ابراز داشتند که تعهد نسبت به رابطه را می‌توان به شیوه‌های متعددی تجربه کرد. تعهد نقشی تمام و کمال در برانگیختن زوجین برای مقابله با فراز و نشیب‌های ازدواج به‌منظور رسیدن به ازدواج پایدار بازی می‌کند. تعهد مبتنی بر عواطفی که ماهیتاً ناپایدار هستند نیست بلکه بر اساس انتخاب هوشیارانه است. در مطالعه این محققان، همسران متعهد، گزارش نمودند فارغ از اینکه چه احساسی دارند برای رابطه تلاش نموده و انرژی صرف می‌کنند. تعهد زن‌وشوهری به‌صورت نویدی از آینده مشترک و پیمانی برای باهم بودن، تجربه‌شده بود. همسران در مواقع ضروری، برای توجه کردن به همسر خود، ستایش کردن وی و مواجهه‌شدن با تعارض‌ها، زمان‌هایی را صرف می‌کردند. زوجین متعهد در برابر نقص‌های یکدیگر شکیب‌تر بوده، انتظارات واقع‌گرایانه‌تری را ایجاد کرده و از فنون کاهش تنش نظیر حس شوخ‌طبعی هنگام مقابله با تفاوت‌ها استفاده می‌کردند (مارستون و همکاران، ۱۹۹۸). به‌طور خلاصه، تعهد زن‌وشوهری

¹ Shirisia, L.

² Marston, P.J.; hecht, M. L.; manke, M. L.; mcdaniel, S. and reeder, H.

می‌تواند به‌عنوان انتخابی سودمند برای داشتن یک ازدواج پایدار، توصیف گردد و فرآیندی پویاست که مؤلفه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری را دربرمی‌گیرد (اریاج و آگنیو^۱، ۲۰۰۱).

یکی از مدل‌های مرتبط با تعهد در روابط زن‌وشوهری مدل سرمایه‌گذاری است. مدل سرمایه‌گذاری تلاش برای توصیف خصایص عمده‌ی روابط صمیمی^۲ است. مدل سرمایه‌گذاری بالا رفتن یا زوال یافتن رضایت و تعهد در روابط رمانتیک و رفتارهای ماندن/ترک کردن همسران را تبیین می‌کند؛ این مدل پیشنهاد می‌کند که تغییر در سطوح تعهد، تصمیم برای ماندن یا ترک یک رابطه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. سطح تعهد فرد عمدتاً توسط رابطه‌ی متقابل سه عنصر رضایت^۳، کیفیت گزینه‌های جایگزین^۴ و سرمایه‌گذاری‌ها^۵ تعیین می‌گردد. زیربنای هر یک از این عناصر، ارزیابی ذهنی فرد از پاداش‌های^۶ حاصل‌شده و هزینه‌های^۷ متحمل شده توسط این رابطه است. پاداش‌ها شامل تعداد نتایج مثبت ادراک‌شده‌ای است که از رابطه حاصل می‌گردد؛ پاداش‌ها ممکن است شامل خاطرات شاد، منابع مشترک و علایق مشترک و در کل، نتایج مثبت ادراک‌شده باشد. هزینه‌های متحمل شده ممکن است شامل هر یک از این عوامل یا عوامل دیگر نظیر فرصت‌های ازدست‌رفته که منجر به نتایج ادراک‌شده‌ی منفی می‌گردد، باشد (فریکر^۸، ۲۰۰۶).

فرض می‌گردد که رضایت تأثیر بسیار زیادی روی تعهد دارد. احتمالاً اگر پاداش‌های ادراک‌شده یا نتایج مثبت حاصل از رابطه افراد بالا باشد از رابطه‌شان رضایتمندتر هستند. هنگامی که این چنین باشد، همسران برآورنده‌ی نیازهای بااهمیت یکدیگرند. بعلاوه اگر هزینه‌های ادراک‌شده از رابطه پایین باشد رضایت بالاتری حاصل خواهد شد؛ بنابراین روابط باید از سطوح مقایسه بالاتر بروند؛ سطح مقایسه‌ی یک شخص، استاندارد است که توسط آن جذابیت یا رضایت از رابطه اندازه‌گیری می‌گردد. سطوح مقایسه می‌تواند توسط تجربه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم یا نمادین متأثر گردد. تجربه‌ی قبلی از روابط، قضاوت درباره‌ی روابط افراد مهم دیگر و مقایسه کردن نتایج بودن با یک همسر دیگر، همه نقش خاص خود را بازی می‌کنند. رضایت بیشتر، عاملی است که باید تعهد نسبت به حفظ یک رابطه را افزایش دهد (فریکر، ۲۰۰۶).

¹ Arriage, X. B., Agnew, C. R.

² intimate relationships

³ satisfaction

⁴ alternative quality

⁵ investments

⁶ rewards

⁷ costs

⁸ Fricker, J.

کیفیت گزینه‌ها، به جذابیت گزینه‌های دیگر غیر از آن‌هایی که در رابطه اصلی موجودند اشاره دارد که این عامل نیز تعهد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گزینه‌ها ممکن است صرف کردن زمان در تنهایی، یک همسر جایگزین، قرارهای عشقی دیگر، صرف زمان با دوستان و خانواده، فراغت یا علایق کاری باشد. برای مثال اگر افراد از رابطه‌شان نسبتاً ناراضی باشند و صرف زمان با دوستان را به‌عنوان یک جایگزین مثبت ببینند، ممکن است کمتر متعهد به حفظ رابطه شوند. بالعکس اگر ادراک گزینه‌ها برای روابط کنونی در سطح ضعیف باشد، تعهد به رابطه احتمالاً بیشتر می‌گردد؛ بنابراین کیفیت گزینه جایگزین برای رابطه توسط پاداش‌ها و هزینه‌های قابل پیش‌بینی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (فریگر، ۲۰۰۶).

منابع متعدد سرمایه‌گذاری شده در یک رابطه نیز روی تعهد تأثیر خواهد گذاشت. سرمایه‌گذاری ممکن است درونی^۱ (مستقیماً در روابط سرمایه‌گذاری کردن) یا بیرونی^۲ (منابع که با روابط ارتباط داشته باشند) نظیر دوستان متقابل، فعالیت‌های مشترک، دارایی‌ها و خاطرات مشترک، باشد؛ سرمایه‌گذاری ممکن است پاداش‌دهنده باشد همچنان که در دوستان متقابل مصداق دارد یا هزینه‌بر باشد، جایی که پول یا تلاش عاطفی صرف گردیده است. سرمایه‌گذاری‌ها، یکجا و یک‌باره و به‌آسانی نمی‌تواند برداشته شود و بنابراین هزینه‌های پایان دادن به یک رابطه را افزایش می‌دهد (به نقل از فریگر، ۲۰۰۶).

۲- مقدس دانستن ازدواج

گروه‌های مذهبی گوناگون آموزش می‌دهند که ازدواج یک امر مقدس است که خدا سفارش کرده است یا اتحادی از دو جان یا روح با قلمروی مقدس است. بنابراین مقدس قلمداد کردن ازدواج می‌تواند عاملی حمایتی در ازدواج باشد. گروه‌های مذهبی که مراسم‌های عروسی، غسل تعمید نوزادی و دیگر مراسم‌های پرستش را انجام می‌دهند زوجین را نسبت به اینکه ازدواج را به‌صورت یک امر مقدس و قدرتمند ببینند، ترغیب می‌نمایند (شیرسا، ۲۰۱۴).

کاسلو و رابینسون (۱۹۹۶) ۵۷ زوجی که بین ۲۵ تا ۴۷ سال از تأهلشان می‌گذشت را به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر در پایداری و کیفیت رابطه‌شان، موردپژوهش قرار دادند. درحالی‌که تمرکز اولیه این مطالعه روی متغیرهای جمعیت‌شناختی و ارتباطی بود که با رضایت بیشتر در روابط پایدار رابطه دارد، کاسلو و رابینسون دریافتند که

¹ intrinsic

² extrinsic

یک‌سوم از زوجین اعتقاد به مقدس بودن نهاد ازدواج داشتند و این اعتقاد را به‌عنوان انگیزه‌ای برای ماندن در رابطه و پایداری رابطه توصیف کردند.

۳- توافق ادراکی^۱

توافق ادراکی عامل کلیدی دیگری است که در مطالعات بر روی ازدواج‌های آمریکایی شناسایی شده است.

حدی که همسران دارای دیدگاه‌های مشابه راجع به موضوعات و تجارب زندگی هستند، توافق ادراکی نامیده می‌شود. سه نوع متغیر توافق ادراکی وجود دارد که قویاً باکیفیت رابطه همبستگی دارد: شباهت ادراک‌شده^۲، شباهت متقابل^۳ و درک کردن^۴. شباهت ادراک‌شده به تفاهم بین ادراک از خود و ادراک از دیگری مربوط است. شباهت متقابل توافق بین خود پنداره‌های همسران را نشان می‌دهد و درک کردن زمانی وجود دارد که ادراک فرد از همسر متناسب با خود پنداره همسر باشد یعنی صحت ادراک در مورد طرف مقابل وابسته به ادراک طرف مقابل از خودش باشد (ایافریت، برتونی، مارگولا، کیگولی و اکیتهلی^۵، ۲۰۱۲).

به‌طورکلی این سه مؤلفه توافق مدرکی به ایجاد ابعاد مهم در رابطه کمک می‌کنند، این ابعاد مهم شامل رضایت‌مندی از رابطه و پایداری رابطه است (ایافریت، برتونی، مارگولا، کیگولی و اکیتهلی، ۲۰۱۲).

برخی مطالعات یادآور شده‌اند که زوجین پایدار بر روی موضوعات مهم نظیر اینکه چطور امور مالی خانواده را مدیریت کنند، خانواده سببی، اهداف مشترک و چگونگی مدیریت زندگی درون خانه، توافق دارند (دونگ لی، ۲۰۰۸).

نظریه تبادل اجتماعی که بر مدل تبادل اجتماعی تیباوت و کلی^۶ (۱۹۵۹) در مورد روابط متکی است می‌تواند در تبیین این موضع کمک‌کننده باشد. این نظریه مطرح می‌نماید که روابط درنتیجه فرایند تبادل اجتماعی، رشد و زوال^۷ می‌یابند. بالأخص مطرح‌شده که شادکامی و پایداری روابط به تعادل نسبی جذابیت‌ها رابطه برای ماندن شخص در رابطه (نظیر کامروایی جنسی، امنیت هیجانی) در مقابل موانع ترک کردن رابطه (نظیر الزامات

¹ perceptual congruence

² perceived similarity

³ actual similarity

⁴ understanding

⁵ Iafrate, R.; Bertoni, A.; Margola, D.; Cigoli, V.; Acitelli, L. K.

⁶ Thibault and Kelly

⁷ grow and decline

مذهبی، وابستگی مالی) و گزینه‌های دیگری که درحالی‌که حاضر برای رابطه موجود است (نظیر همسران مرجح تر بیرون رابطه) بستگی دارد. در این نظریه، شکست زناشویی^۱ زمانی اتفاق می‌افتد که پاداش‌های رابطه در حداقل و موانع ترک کردن با گزینه‌های جایگزین و سوسه‌انگیز^۲ همراه می‌شوند (راور^۳، ۲۰۰۶).

با این چشم‌انداز نظری، آنچه یک ازدواج سالم را تشکیل می‌دهد می‌تواند برای زوجها بسیار گوناگون باشد. آنچه برای ساختن ازدواج سالم دارای اهمیتی روشن است جذابیت‌های رابطه یا آن جنبه‌هایی از رابطه است که رابطه را برای هردو همسر پاداش‌دهنده^۴ و ارزشمند می‌سازد. با توجه به اینکه نیازها و تمایلات افراد در رابطه متنوع^۵ هستند، این می‌تواند هم در بین زوجها و هم در درون زوجها گوناگون باشد. یک زوج ممکن است ارزش بیشتری به اهداف مشترکی که آن‌ها برای آینده‌شان دارند بدهد و این وزن بیشتری برای باقی ماندن در رابطه خواهد داد. ممکن است زوج دیگری صمیمیت هیجانی در رابطه را پاداش‌دهنده‌تر ببیند. حتی در همین زوج، شوهر ممکن است حمایتی را که در ازدواج دریافت می‌دارد ارزشمند بداند درحالی‌که زن تأکید بیشتری بر توانایی همسرش برای ارضای نیازهای صمیمی‌شان قائل شود. نکته کلیدی نظریه تبادل اجتماعی این است که ازدواج سالم ازدواجی است که در آن جذابیت‌ها برای حفظ ازدواج برجسته‌ترین ویژگی رابطه باشد (راور، ۲۰۰۶).

در دوران طلاق افراد روابط خود را از منظر هزینه و فایده آن ارزیابی می‌کنند. خوب بودن ازدواج بستگی به میزان دریافت پاداش‌ها و هزینه‌ها برای فرد دارد. پاداش‌ها عبارت‌اند از عشق، حمایت، همراهی، امنیت هیجانی، موقعیت اجتماعی و پیوندها، رابطه جنسی، دارایی‌ها و منابع مالی، همکاری در وظایف روزانه هستند و هزینه‌ها شامل مسئولیت‌ها و کار بیش‌ازحد، عادات آزاردهنده، انتخاب‌ها و آزادی‌های فردی محدود می‌باشند (کلارک - استوارت و برنتانو^۶، ۲۰۰۶).

این نظریه فرض را بر این می‌گذارد که افراد به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که منافع خود را به بیشترین حد و هزینه‌های خود را به کمترین حد ممکن برسانند اگرچه این خواسته‌ها روشن و عقلانی نباشند. وقتی افراد احساس کنند که پاداش رابطه با هزینه آن برابری می‌کند در رابطه باقی می‌مانند، در صورتی که یک تبادل نابرابر باعث فسخ شدن رابطه می‌شود (کلارک - استوارت و برنتانو، ۲۰۰۶).

¹ marital failure

² tempting

³ Rauer, A. J.

⁴ worthwhile.

⁵ diverse.

⁶ Clarke-Stewart, A. and Brentano, C.

مهم است که یادآور شویم که در به کار بردن این نظریه برای درک ازدواج‌های پایدار سالم و رضایتمند توجه کنیم که رابطه به‌صرف این‌که پایدار است لزوماً رضایتمند نیست. روابطی که در آن جذابیت‌ها پایین هستند اما موانع زیادی برای ترک کردن وجود دارد ازدواج سالم نخواهد بود (راور، ۲۰۰۶).

۴-همدم و همراه بودن

چیونگ (۱۹۹۹) نشان داد که ازدواج‌های پایدار واجد میزان زیادی از همراهی و همدم بودن است. همراهی دربردارنده‌ی زمانی است که زوجین با یکدیگر همراه با لذت و قدردانی از یکدیگر صرف می‌کنند (چیونگ^۱، ۲۰۰۵).

همراه بودن نیاز به پاسخگری از سوی شخص مقابل را برآورده ساخته و حضور طرف مقابل را موردتقدیر قرار می‌دهد. امروزه میزان همراهی‌ای که افراد از ازدواج انتظار دارند به‌شدت افزایش یافته است، زیرا با صنعتی شدن گروه‌های اجتماعی ازدست‌رفته‌اند و خانواده‌ها در شهرهایی زندگی می‌کنند که افراد زیادی را نمی‌شناسند. همچنین جدایی بین خودهای خصوصی^۲ و نقش‌های عمومی نیاز به روابط صمیمی را افزایش داده است، افراد نیاز به جهان خصوصی‌ای دارند که در آن قادر باشند خود واقعی‌شان را نشان دهند (ساکایاما^۳، ۲۰۰۳).

مطالعات به‌وضوح نشان می‌دهد که برای ازدواج‌هایی که بادوام و رضایتمند هستند زوجین نیاز دارند که از همراهی یکدیگر لذت ببرند، تلاش همدیگر را موردتقدیر قرار دهند و زمان‌هایی را که آن‌ها با یکدیگر بدون فشار از طرف همسر دیگر مشارکت می‌کنند، ارزش بدانند (چیونگ^۴، ۲۰۰۵).

به‌طور خلاصه، همراهی عنصر مهمی در رضایت زن و شوهری است. در عصر حاضر جنبه‌هایی از همراهی که توسط خانواده و جامعه ارضا می‌شدند ازدست‌رفته‌اند؛ بنابراین زوجین مجبورند برای حفظ میزان قابل‌توجه‌ای از همراهی سخت تلاش کنند. زن و شوهر هر دو نیاز دارند احساس نمایند که دارای میزان قابل‌توجه‌ای از همراهی در رابطه هستند تا احساس رضایت نمایند و در جهت پایداری ازدواج تلاش نمایند (ساکایاما، ۲۰۰۳).

¹ Cheung, M.

² private selves

³ Sakayama, M.

⁴ Cheung, M.

لوین ۱۹۵۱ در کتاب‌هایش ذیل مبحث مدل فسخ و پایداری زن‌وشوهری بحثی تحت عنوان نیروهای سوق‌دهنده و نیروهای مانع شونده مطرح کرد؛ نیروهای سوق‌دهنده، نیروهایی هستند که یک فرد را به سمت شیء مثبت سوق می‌دهد و نیروهای مانع شونده، نیروهایی هستند که یک فرد را به سمت اجتناب و دوری جستن از یک شیء منفی هدایت می‌کند. لوینگر (۱۹۶۵، ۱۹۷۶) با ترکیب عقاید لوین و نظریه‌ی مبادله‌ی هرماتز توانست در حوزه‌ی ازدواج مدلی با عنوان مدل فسخ و پایداری زن‌وشوهری ارائه دهد. مطابق با این مدل به ازدواج به‌عنوان یک گروه دونفره نگریسته می‌شود و بنابراین ازدواج دستخوش نیروهایی است که در جهت انحلال گروه یا تداوم گروه در جریان‌اند. اولاً مشوق‌ها و عواملی وجود دارند که باعث بقای فرد در گروه و تداوم رابطه‌ی زن‌وشوهری می‌شوند، مانند همراهی زوج با یکدیگر و یک سری موانع نیرومند که مانع ترک گروه می‌گردند. دوماً مشوق‌ها و عواملی وجود دارند که خروج فرد از گروه را تشویق و تسهیل می‌کند مانند جذابیت تشکیل یک گروه دیگر، جایگزین‌های در دسترس مناسب و مشکلات غیرقابل تحمل در گروه فعلی (به نقل از عباسی مولید، ۱۳۸۸).

به‌طور خلاصه، لوینگر بیان می‌کرد که تداوم رابطه‌ی زن‌وشوهری تابع نیروهای سوق‌دهنده و جذاب و نیروهای مانع شونده است. به‌عنوان مثال، نیروهای سوق‌دهنده در رابطه زن‌وشوهری مشتمل بر پاداش‌هایی هستند، مانند همراهی، دوستی، عشق و لذت جنسی که این عوامل ماندن در گروه را تشویق می‌کنند برعکس نیروهای مانع شونده مشتمل بر هزینه‌هایی هستند که یک فرد اگر بخواهد به رابطه‌اش خاتمه دهد باید متحمل شود مانند هزینه‌های مالی، خانوادگی، اجتماعی، عاطفی، مذهبی و عذاب وجدان ناشی از اعتقادات اخلاقی که این عوامل می‌توانند مانع خروج فرد از گروه شوند (به نقل از عباسی مولید، ۱۳۸۸).

لوینگر معتقد است که زوجینی که دارای رضایت زن‌وشوهری پایین هستند شاید به این دلیل رابطه‌شان را فسخ نمی‌کنند که به‌غیراز فاکتورهای رضایت‌مندی، عوامل مختلفی وجود دارد که آنان را به ماندن کنار یکدیگر تشویق یا مجبور می‌کند. هر قدر که زوجین در رابطه‌ی مشترک سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند، به همان میزان بیشتر در تداوم رابطه‌ی زن‌وشوهری و حفظ این سرمایه‌گذاری‌ها تلاش خواهند کرد (به نقل از عباسی مولید، ۱۳۸۸).

۵- مسائل جنسی

فعالیت و میل جنسی بخش جدایی‌ناپذیر ازدواج است. رضایت جنسی رضایت زن‌وشوهری را در گروه‌های سنی گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد. رضایت‌مندی جنسی به‌عنوان وضعیتی تعریف شده که در آن همسران با تمایل

جنسی و فراوانی جنسی سازگار شده‌اند، همچنین رضایتمندی جنسی به وسیله احساس رضایت از کیفیت تعامل جنسی و فقدان یک بدکارکردی جنسی^۱ توصیف شده است (بودنمن، لدرمن و برادبری^۲، ۲۰۰۷).

گاتمن و لونسون^۳ (۲۰۰۲) ذکر کرده‌اند که سه موضوع رایجی که زوجین راجع به آن بحث دارند رابطه جنسی، پول و ارتباط است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد رابطه جنسی عنصر مهمی در رضایتمندی و پایداری زن و شوهری است (یابیکو و گاجر^۴، ۲۰۰۹). هم محققان و هم عموم مردم کیفیت زندگی جنسی خودشان را به عنوان مؤلفه‌ای همبسته با کیفیت روابط صمیمانه‌شان در نظر می‌گیرند (بایرز^۵، ۲۰۰۵).

هیمن، لانگ، اسمیت، فیشر، ساند و روزن^۶ (۲۰۱۱) در پژوهشی به مطالعه همبستگی بین رضایت جنسی و شادکامی رابطه، در بین زوجین پنج کشور (برزیل، آلمان، ژاپن، اسپانیا و ایالات متحده) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که رضایت جنسی و رضایت از رابطه همبستگی دارند. به هر حال نتایج نشان‌دهنده آن بود که صمیمیت جسمانی هم برای مردان و هم برای زنان متغیری مهم در رضایت جنسی محسوب می‌شد.

ابراز عاطفه نسبت به یکدیگر، لمس کردن و نوازش کردن همدیگر موجب احساس رضایت می‌شود. مطالعات دریافته‌اند که در ازدواج‌های پایدار، زوجین احساسات خالصانه خود را بیان می‌کنند و علی‌رغم آنچه آن‌ها ممکن است احساس کنند، علایقشان را در طی دردها و سختی در میان می‌گذارند (دونگ لی، ۲۰۰۸).

بنابراین رضایت جنسی بالا با رضایت بیشتر از رابطه همبستگی دارد و به این معنا است که درجه رضایتمندی جنسی همسر برابر با سطح شادکامی رابطه بین همسران است. از سوی دیگر فقدان رضایتمندی جنسی با نارضایتی از رابطه و ازهم‌پاشی رابطه^۷ همبستگی دارد (بایرز، ۲۰۰۵).

۶- مدیریت تعارض

تعارض در هر ازدواجی اجتناب‌ناپذیر است. با این وجود زوجین رضایتمند آن دسته از زوجینی هستند که روشی را برای حل تعارض به صورت مؤثر یافته‌اند (نیمتز، ۲۰۱۱). کاسلو و رابینسون^۸ (۱۹۹۶) دریافته‌اند که زوجین

^۱ sexual dysfunction

^۲ Bodenmann, G., Ledermann, T. & Bradbury, T. N.

^۳ Gottman, J., & Levenson, R.

^۴ Yabiku, S. T. & Gager, C. T.

^۵ Byers, E. S

^۶ Heiman, J. R., Long, J. S., Smith, S. N., Fisher, W. A., Sand, M. S., & Rosen, R. C

^۷ relationship dissolution

^۸ Kaslow, F., & Robison, J. A.

رضایتمند در زمان حل مسئله در موقعیت‌های پراسترس، کمتر تکانشی^۱ و بیشتر همکارانه، حمایتی و انعطاف‌پذیر^۲ بودند. این زوجین همچنین گزارش کردند که قادر به کنترل احساسات خودشان بودند و کمتر تحت تأثیر خلق‌وخوی همسرشان قرار می‌گرفتند. زوجینی که می‌دانند چه هنگامی بدون به انزوا فرورفتن^۳ ساکت بشوند توانایی‌های حل مسئله بهتری داشته و رضایتمندتر هستند. بسیاری از زوجینی که خود را منزوی^۴ می‌کنند و دور از چشم همسر خود می‌مانند^۵ رضایتمندتر بوده و مستعد طلاق هستند (کاسلو و رابینسون، ۱۹۹۶). در همین رابطه لونسون، کارتسون و گاتمن^۶ (۱۹۹۳) دریافتند که زوجین مسن‌تر در طی ارتباط کمتر تحریک می‌شدند و از اصطلاحاتی نظیر ما و خودمان به‌جای خودم یا من^۷ استفاده می‌کنند.

زوجین دارای ازدواج پایدار در زمان مواجهه با چالش‌ها در زندگی نیز رابطه هماهنگی دارند. چیونگ (۲۰۰۵) نشان داد که عدم توافق‌ها و نزاع‌ها بخش اجتناب‌ناپذیر ازدواج می‌باشند و زوجین احساسات و سوءبرداشت‌هایشان را از طریق بحث‌ها بیان می‌کنند. گاتمن و نوتاریوس (۲۰۰۰) متذکر شده‌اند زوجینی که در ازدواجشان رضایتمند هستند می‌توانند تعارض‌ها و عدم توافق‌هایشان را حل نمایند (به نقل از دونگ لی، ۲۰۰۸).

در مورد چگونگی مدیریت استرس و تعارض در خانواده نظریه استرس خانوادگی (مدل ABCX)^۸ کمک‌کننده است. زمانی که به‌طور خاص به فرایند رابطه زن و شوهر می‌پردازیم، تئوری استرس خانوادگی هیل (۱۹۴۹) تبیینی را برای اینکه در زمان‌های غامض چطور زوجین استرس را مدیریت می‌کنند، فراهم می‌آورد. تئوری استرس خانوادگی فرض می‌کند که استرس طبیعی و حتی مورد انتظار است، اما تعادل را به‌هم‌ریخته و یک حالت ناخوشایند ایجاد می‌کند. برای مثال در مورد مطالعه عوامل مخاطره‌آمیز برای ازدواج، رویداد می‌تواند ازدواج در سن نوجوانی باشد؛ اما استرس در مدل ABCX با عنوان A برچسب می‌خورد. بنابراین یک رویداد می‌تواند هر عامل استرس‌زایی باشد که تعادل را به هم می‌ریزد. برای مثال در این مطالعه یکی از عوامل ازهم‌پاشیدگی می‌تواند دوستی‌های بی‌حدومرز قبل از ازدواج باشد. گام دوم در فرایند با منابع خانوادگی (B) مربوط است. بر اساس تئوری رشد خانواده^۹ منابع خانوادگی می‌توانند شامل دانش و مهارت‌هایی که یک زوج به‌منظور ایجاد

^۱ impulsive

^۲ cooperative, supportive, and flexible

^۳ to take a break without isolating

^۴ isolate

^۵ “stay out of each other’s way”

^۶ Levenson, R. L., Cartenson, L. L., & Gottman, J.

^۷ we and us, instead of me or I.

^۸ Family Stress Theory (ABCX Model)

^۹ Family Development Theory (FDT).

مجدد تعادل در خانواده استفاده می‌کنند، باشد. مثلاً برای ازدواج رضایت‌مند، مهارت‌های مقابله‌ای یاد گرفته‌شده از آموزش‌های پیش از ازدواج می‌تواند یک منبع باشد. گام سوم در مدل ABCX برداشت خانواده (C) است. این گام شامل این است که چطور زوجین استرس‌زاها و توانایی‌شان برای مقابله را برداشت می‌کنند. گام چهارم برای این فرایند (X) یا بحران است. این پیامد A,B و C است. اگر زوجی قادر به انطباق پیدا کرده باشند، پس گفته می‌شود که آن‌ها به‌صورت موفقیت‌آمیزی تطابق پیدا کرده‌اند؛ اما اگر زوجی قادر نباشند که به‌صورت مؤثری مقابله کنند، پس می‌توان گفت آن‌ها ناسازگاری و همچنین سطح پایین‌تری از کارکرد رابطه را تجربه خواهند کرد (به نقل از معین^۱، ۲۰۱۱).

هامر اسمیت (۱۹۹۲) یادآور شده که زوجین پایدار توانایی حل مسئله به‌صورت مشترک را به این خاطر دارند که رویکردشان نسبت به حل مسئله به‌جای تمرکز بر همسر، تمرکز بر روی موضوعات است و در همین حال آرام و انعطاف‌پذیر نیز هستند (به نقل از دونگ لی، ۲۰۰۸).

۷-مذهب

مذهب برای تعداد قابل‌توجهی از آمریکایی‌ها به‌عنوان تأثیرگذارترین عامل شناخته‌شده است. موسسه پیو در مورد مذهب و زندگی عمومی (۲۰۰۸) بیان کرده است که ۸۳ درصد از آمریکایی‌ها به خدا یا یک قدرت والا اعتقاد دارند. بعلاوه ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها می‌گویند مذهب برای آن‌ها مهم یا خیلی مهم است که باید وارد زندگی روزانه‌شان بشود (مارکز^۲، ۲۰۰۵).

مطالعه مارکز (۲۰۰۵) متشکل از ۷۶ مرد و زن شرکت‌کننده‌ای بود که در مورد اینکه چگونه مذهب بر ازدواج‌ها تأثیر می‌گذارد مورد مصاحبه قرار گرفتند. شرکت‌کنندگان به سؤالات در مورد جنبه‌های چالش‌برانگیز و سودمند اعمال مذهبی، باورهای معنوی و انجمن‌های مذهبی‌شان که بر روی ازدواج آن‌ها تأثیر می‌گذارد، پاسخ دادند. از طریق تحلیل کیفی مارکز قادر شد ۸ مضمون را شناسایی کند که ازدواج و مذهب را به هم ربط می‌دهد: (۱) تأثیر روحانیون، (۲) منافع متشکل از خدمات و مشارکت در انجمن مذهبی، (۳) اهمیت نیایش، (۴) تأثیر پیونددهنده تشریفات خانوادگی، (۵) عادت کردن به وفاداری زناشویی، (۶) باورهای حامی ازدواج یا ضد طلاق، (۷) مشابهت باورهای مذهبی، (۸) ایمان به خدا به‌عنوان یک منبع حمایت زناشویی. همچنین مطرح شد که انجمن

¹ Moen, D. A.

² Marks, L.

مذهبی، اعمال مذهبی و باورهای مذهبی افراد، اهمیت محوری در حفظ، حمایت و پایداری زناشویی آنها در مواجهه با زمان استرس و چالش‌های دیگر داشت.

یافته‌های مارکز (۲۰۰۵) بیان‌کننده این است که درگیری زوجین در مذهب ممکن است هدفی را برای خدمت به یک قدرت والا در رابطه فراهم نماید. هویت مذهبی مشترک می‌تواند به زوجین اجازه دهد تا حسی از تعلق در میان همسالانشان و متعاقباً در علایق فزاینده به رابطه‌شان و سرمایه‌گذاری روی رابطه خود بیابند.

کاسلو و رابینسون^۱ (۱۹۹۶) ۵۷ زوج آمریکایی سفیدپوست که ۲۵ تا ۴۶ سال از ازدواجشان می‌گذشت را مورد زمینه‌یابی قراردادند به این قصد که عوامل مرتبط با مدت و کیفیت رابطه بلندمدتشان را شناسایی کنند. درحالی‌که تمرکز اولیه این مطالعه متغیرهای جمعیت شناختی و ارتباطی مرتبط با رضایت بیشتر در روابط پایدار بود، کاسلو و رابینسون، یادآور شدند که ۹۵ درصد زوجین یک وابستگی مذهبی مشترک را گزارش کردند، ۶۵ درصد باورهای مذهبی مربوطه را برای رضایت زناشویی ضروری دانستند و تقریباً یک‌سوم از زوجین اعتقادات مذهبی مبنی بر مقدس بودن ازدواج را به‌عنوان منبعی از انگیزه برای با یکدیگر ماندن توصیف کردند.

به همین ترتیب، بریمهال و باتلر^۲ (۲۰۰۷) این موضوع را که چگونه مذهب رابطه مثبتی با رضایت زناشویی دارد توصیف کردند. مطالعه آنها ۷۴ زوج را مورد مطالعه قرارداد و به بررسی اینکه چقدر مذهب با رضایت زناشویی در ازدواج‌هایشان همبستگی دارد پرداخت و همبستگی بین انگیزش مذهبی و رضایت زناشویی را ارزیابی کرد. رضایت بیشتر هم برای زن و هم برای شوهر مبتنی بر این بود که چقدر کیفیت مذهبی بودن درونی شوهر بالا است.

محققان دریافته‌اند که زوجینی که مذهبی هستند در مقایسه با زوجینی که مذهبی نیستند احتمال بیشتری دارد که ازدواج‌های شاد و پایداری داشته باشند. مذهب ممکن است حمایت اجتماعی، بهزیستی روان‌شناختی و هنجارهای اجتماعی مثبت را فراهم آورد که با شادکامی زناشویی بالاتر مرتبط است. مذهب به زوجین فرصت برای باورها، فعالیت‌ها و گروه‌های حمایتی مشترک می‌دهد. شاید درگیری متقابل در کلیسا به اعضای خانواده‌ها و ازدواج‌ها یک حسی از هدف و استانداردهای مشابه می‌دهد که می‌تواند تعهد خانواده و باهم بودن آنها را افزایش دهد و به‌نوبه خود احتمال طلاق را کاهش دهد (شیرسا، ۲۰۱۴).

¹ Kaslow, F., & Robinson, J. A.

² Brimhall, A. S., & Butler, M. H.

به‌طور خلاصه، مطالعات متعدد نشانگر آن است که باورهای مذهبی با تعهد بالا و وفاداری که دو مورد از راهبرهای حفظ رابطه هستند و همچنین با ازدواج پایدار رضایتمندتر، رابطه دارد (مارکز، ۲۰۰۵).

۸- درک انتظارات زن و شوهری

جوا و باتی^۱ (۲۰۰۶) مدلی از انتظارات زن و شوهری را ارائه کرده‌اند که در آن ۵ حوزه از انتظارات بررسی می‌شوند: انتظارات از ازدواج، انتظارات خانواده مبدأ و انتظارات از خانواده مبدأ، انتظارات از بنیاد ازدواج و انتظارات از همسر ایدئال. جوا و باتی (۲۰۰۶) دریافتند که انتظارات زن و شوهری زوجها اغلب نامعلوم است یا ممکن است روی هم‌رفته آن‌ها از انتظارات خود در روابط آگاه نباشند.

مطالعه‌ای دیگر از ۸۲ زوج دریافت که انتظارات به دو صورت در روابط عمل می‌کنند، یا به‌عنوان یک هدف برای برانگیختن و یا به‌عنوان ابزاری مخالف که به‌وسیله آن زوجین پیامدهای واقعی را مقایسه می‌کنند. در کارکرد اول، انتظارات شناخته‌شده می‌توانند به بهبود روابط کمک کنند به این صورت که هر دو فرد برای ارضای نیازهایشان کار می‌کنند. نتایج مطالعه همچنین نشان داد که انتظارات مثبت برای رابطه، رضایت پایدار در ازدواج‌ها را پیش‌بینی می‌کند جایی که انتظارات کمتر مثبت به کاهش رضایت می‌انجامد. به‌هرحال، این محققان دریافتند زمانی که ویژگی‌ها منفی‌تر بودند، انتظارات مثبت‌تر پیش‌بینی کاهش شدیدتر رضایت زن و شوهری بودند، درحالی‌که انتظارات کمتر مثبت رضایت پایدارتر را پیش‌بینی می‌کردند (ویس^۲، ۲۰۱۴).

علاوه بر انتظارات واقع‌شده در ازدواج، محققان باورهای دیگر مرتبط با ازدواج را نیز حیاتی تشخیص دادند. در مطالعه‌ای در مورد دیدگاه بزرگسالان و آموزشگران خانواده و ازدواج، آموزشگران بر باورهای رشدی تأکید کردند و همسران موفق را به‌عنوان افراد واجد الگوهای ارتباطی مثبت و دارای ایده‌هایی در مورد مهارت‌های حفظ رابطه توصیف کردند (ویس، ۲۰۱۴).

۹- عاطفه مثبت

گاتمن و سیلور^۳ (۱۹۹۹) توانستند از هم‌پاشی زناشویی را با ۹۱ درصد دقت بعد از ۳ دقیقه مشاهده تعامل زوجین پیش‌بینی کنند. با ۲۰ سال پژوهش و پیگیری ۶۵۰ زوج در طی ۵۰ سال، گاتمن به این نتیجه رسید که مثبت‌گرایی اساس یک ازدواج شاد است و مجموعه‌ای از اصول را برای افزایش و نگهداری سطح بالای

¹ Juvva, S., & Bhatti, R. S.

² Weiss, J. M.

³ Gottman, J. M. & Silver, N.

مثبت‌گرایی در روابط مطرح ساخت. گاتمن به این نتیجه رسید که دو مؤلفه اصلی ازدواج‌های شاد به این صورت هستند: (۱) سطحی کلی از عاطفه مثبت و (۲) توانایی کاهش عاطفه منفی در طی حل تعارض.

عاطفه مثبت در ازدواج، اساسی را برای دوستی زن و شوهری می‌سازد به‌طوری‌که زوجین در طی بحث‌های همراه با تعارض، تاب‌آوری بیشتری دارند. درایور و گاتمن^۱ (۲۰۰۴) در مطالعه خود بر روی ۴۹ زوج تازه ازدواج کرده دریافتند که مثبت‌گرایی در تعاملات روزمره و مستمر بین همسران منجر به استفاده از عاطفه مثبت نظیر شوخ‌طبعی و عاطفه جسمانی در طی تعارض می‌شود و برای پیش‌بینی سلامتی رابطه ضروری است. درایور و گاتمن دریافتند که چگونگی پاسخ دادن زوجین به تعاملات مستمر و روزمره رابطه‌شان، تأثیر تجمعی بر روی جنبه‌های اصلی رابطه، نظیر رمانس یا تعارض‌های شدید دارد. به‌علاوه آن‌ها مطرح نمودند که با اکتساب مهارت‌های زن و شوهری نظیر ارتباط مؤثر و حل تعارض، زوجین مثبت‌گرایی بیشتری را وارد رابطه خود می‌کنند و از این طریق اساسی را ایجاد می‌کنند که رویدادهای به‌یادماندنی‌تر بر روی آن قرار می‌گیرد.

گاتمن و سیلور (۱۹۹۹) چندین راهبرد را برای تزریق نمودن مثبت‌گرایی به یک رابطه زن و شوهری توصیه نمودند: آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که قوی‌ترین روش برای تضمین نمودن یک ازدواج پایدار، افزایش صمیمیت بین همسران است. یکی از راهبردهای که گاتمن توصیه می‌کند ایجاد نقشه عشق است یا همان سازه‌ای ذهنی از همسر خویش است که مقدار اتاق شناختی اختصاص داده‌شده به رابطه را افزایش می‌دهد، نقشه عشق با شناختن جزئیات صمیمی و خصوصی در مورد همسران، حساس شدن به این جزئیات و موردتوجه قرار دادن علایق، تمایلات و تجارب گذشته‌تان در تعامل با آن‌ها، ایجاد می‌گردد. گاتمن دریافت ازدواج‌هایی که در آن همسران مقداری از اتاق شناختی را به آگاهی یافتن در مورد همسرشان اختصاص می‌دهند گرایش دارند که شادتر باشد، این آگاهی می‌تواند در بردارندش مواردی نظیر دانستن غذای موردعلاقه همسر، صدماتی که در دوران کودکی اتفاق افتاده و بستگان موردعلاقه وی باشد.

۱۰-دلبستگی ایمن

بالبی دلبستگی را یک پیوند هیجانی نزدیک‌بین کودک و فرد مراقبت‌کننده او می‌داند (حاتمی، ۱۳۸۹). یک عنصر کلیدی در رابطه با نظریه دلبستگی این ایده است که نماد دلبستگی به‌عنوان یک حامی دائمی و امنیت است که در نتیجه فرد می‌تواند موفق شود.

^۱ Driver, J. L. & Gottman, J. M.

در اصطلاحات نظریه کلاسیک دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن دسته افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند و از لحاظ اجتماعی اعتماد به نفس بیشتری دارند و موفق تر هستند (کان، نورمن، ولبورن و کالهن^۱، ۲۰۰۸). این بزرگسالان گرایش به داشتن دیدگاه های مثبت در مورد خودشان و همسرشان دارند، این افراد هم با تعلق و هم با استقلال احساس راحتی می کنند (بوگارتز، دالدر، کناپ، کیونست و بوسچمن^۲، ۲۰۰۸). بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رمانتیکشان را به صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند. آنها قادرند که نسبتاً آسان به دیگران نزدیک شوند و تمایل دارند که در بده و بستان حمایت از شریک زندگی شان راحت باشند. شریک های زندگی ایمن این انتظار را دارند که احساسات رمانتیک در جریان یک رابطه فراز و نشیب داشته باشد و راجع به ترک شدن بیش از حد نگران نیستند (کارداتزک^۳، ۲۰۰۹).

به طور کلی پژوهش های مرتبط با دلبستگی و رضایت زناشویی نشان می دهند که دلبستگی ایمن با سطوح بالای رضایت زناشویی ارتباط دارد (بانس^۴، ۲۰۰۴ و فورنر^۵، ۲۰۰۳). به عنوان مثال فورنر، رابطه بین سبک های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی را در بین ۱۵۳ زوج متأهل بررسی کرد. این پژوهش زوجین را در سه دسته سبک دلبستگی ایمن-ایمن، ایمن-ناایمن و ناایمن-ناایمن طبق بندی کرد. نمرات رضایت زناشویی بر اساس دسته بندی های متفاوت سبک دلبستگی زوجین مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که دسته زوجینی که هر دو دارای دلبستگی ایمن بودند دارای بالاترین سطح رضایت زناشویی بودند.

مراحل ازدواج پایدار

هر ازدواجی در گذر به پایداری مراحل را طی می کند که در ادامه به ذکر این مراحل و توصیف آن پرداخته شده است. هارر و دیماریا^۶ (۲۰۰۷) ۱۰۰۱ زوج متأهل را مطالعه کردند و مراحل زیر را کشف کردند: شور و شوق، تحقق، عصیان، همکاری، بازپیوند، انفجار، اختتام.

شور و شوق دوره زمانی است که شور و حرارت بالا است و به نظر می رسد تنها زن و شوهر مورد توجه هستند. تحقق دربردارنده زمان شروع درک این قضیه است که واقعاً همسرش چه کسی است و چطور ممکن است در

¹ Cann, A ; Norman , M. A.; Welbourne, J. L. and Calhoun, L. G.

² Bogaerts, S; Dalder, A. L.; Knnap, L. M. V. ; Kunst; M. J.J.M.& Buschman, J.

³ Kardatzke , K. N.

⁴ Banse, R.

⁵ Forness, S. R.

⁶ Harrar, S., & DeMaria, R.

موقعیت‌ها به یکدیگر واکنش کنند. عصیان زمانی شروع می‌شود که تمایل برای آزادی و استقلال و نفع شخصی مسلط هستند. مرحله همکاری که پژوهشگران دریافتند طولانی‌ترین مرحله است، به‌عنوان مرحله‌ای توصیف می‌شود که همسران در رشد و تربیت فرزند، رسیدگی به مسئولیت‌های خانه و تمرکز بر روی مسائل شغلی مشارکت می‌کنند. مرحله بازپیوند اشاره دارد به نقطه‌ای در ازدواج که همسران باز بر روی همدیگر متمرکز می‌شوند. مرحله انفجار توسط بیماری‌ها، بحران‌های خانوادگی یا از دست دادن شغل کلید می‌خورد که به تعدیل سازی در ازدواج می‌انجامد. مرحله اختتام به زندگی مشترک پایان می‌دهد.

هارر و دیماریا (۲۰۰۷) دریافتند که اکثر افراد ازدواجشان را قوی‌تر از آنچه قبل از ازدواج تصور می‌کردند، در نظر می‌گیرند. همچنین به این نتیجه رسیدند که اعتماد مهم‌تر از مسائل مالی یا تقسیم حجم کار بود.

در کل ازدواج‌هایی به پایداری و رضایتمندی می‌رسند که در هر مرحله بتوانند تکالیف مرحله را به‌خوبی انجام دهند و از بحران‌های آن مرحله با موفقیت عبور کنند.

رایت (۱۹۸۲) در مورد فصل‌هایی که او تصور می‌نمود زوجین در ازدواج پشت سر می‌گذارند نوشت و زوجین را به روبرو شدن با چالش‌های هر فصل فراخواند و یادآور شد که زوجین موفق زوجینی هستند که بتوانند بر بحران‌های و چالش‌های هر فصل به‌صورت موفقیت‌آمیز فائق آیند. این فصل‌ها در زیر به‌صورت مختصر شرح داده شده‌اند:

- ✓ فصل انتظارات: شامل انتظارات غیرواقع‌گرایانه، انتظارات ناکامروا و انتظارات برآورده نشده
- ✓ فصل ۲۰ سالگی تا ۳۰ سالگی: پیگیری رؤیاهای اولیه و کشف هویت
- ✓ فصل میان‌سالی: شامل مراحل سازگاری و بحران
- ✓ فصل آشیانه خالی: سازگاری با ترک و فرستادن فرزندان به زندگی خودشان
- ✓ فصل مخاطره‌آمیز برای امور فرا زناشویی و بی‌وفایی‌ها
- ✓ فصل واژگونی نقش‌ها: شامل فرایند پیر شدن، ترس و تنهایی
- ✓ فصل پایانی: عزاداری برای مرگ همسر و مراحل سوگ (به نقل از کریستین^۱، ۲۰۱۴).

ازدواج‌ها نیز مثل افراد در طی زمان تغییر و تحول می‌یابند. درک اینکه زوج در یک نقطه زمانی خاص در چه فصلی از ازدواج قرار دارند، می‌تواند در مورد توجه قرار دادن موضوعاتی که در ازدواج آن‌ها پیش می‌آید سودمند باشد. جریان طبیعی فصل‌ها که در دنیای فیزیکی رخ می‌دهد می‌تواند در درک دوره‌های زمانی که

¹ CHRISTIAN, D.

در ازدواج‌ها هستند، سودمند باشد. تولد، رشد، افول و مرگ در جهان طبیعی اکثر درختان، گیاهان و گل‌ها وجود دارد و این می‌تواند به‌عنوان قیاسی برای زندگی انسانی به کار رود. درک پویایی‌های این فرایند می‌تواند بینش‌هایی را نسبت به آماده شدن برای چالش‌ها و لذا یذ بی‌نظیر هر فصل فراهم آورد (کریستین، ۲۰۱۴).

طلاق و تأثیرات منفی آن

در تمدن غربی سال‌های بین ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ بعد از میلاد مسیح پایان طاعون سیاه و آغاز صنعتی شدن بود. در طی این زمان، بیشتر ازدواج‌ها در ۱۰ یا ۲۰ سال بعد از تشکیل پایان می‌یافتند. این پایان عمدتاً به دلایل قانونی یا حتی داوطلبانه نبود بلکه به خاطر مرگ یکی یا هر دو عضو بود. از لحاظ قانونی خاتمه دادن به یک ازدواج مشکل بود بنابراین افرادی که متأهل می‌شدند به یکدیگر قفل می‌شدند. این قفل تا زمانی ادامه داشت که مرگ این قرارداد را خاتمه می‌بخشید. نرخ طلاق در جامعه امروزی آمریکا حدود ۵۰ درصد تخمین زده می‌شود (جاین^۱، ۲۰۰۵).

در اکثر مطالعات انجام‌شده بیشتر طلاق‌ها طلاق بدون مقصر^۲ در نظر گرفته شدند که به‌عنوان طلاقی در نظر گرفته‌شده که بر اساس تفاوت‌های آشتی‌ناپذیر^۳ است. به عبارت دیگر طلاق به دلیل ناتوانی زوجین برای حل موضوعات درون ازدواجشان است. عبارت تفاوت‌های آشتی‌ناپذیر تمام اشکال مختل را با توجه به دلایل زیربنایی طلاق دربرمی‌گیرد و سمبر^۴ (۲۰۰۹) پیشنهاد می‌کند که این دلایل می‌تواند شامل موارد زیر باشد: زوجینی که صرفاً جدا از هم رشد می‌کنند، موضوعات برخاسته از نقش‌های جنسیتی، تأثیرات رسانه^۵، مشکلات مالی، مذهب، پرورش فرزند، استخدام یا فقدان استخدام، خیانت یا فقدان تعهد و مشکلات ارتباطی (به نقل از جانسون^۶، ۲۰۱۴).

اشیدا (۲۰۰۳) و سمبر (۲۰۰۹) هر دو از دو دلیل مشخص برای افزایش نرخ طلاق بعد از دهه ۱۹۶۰ نوشتند: طلاق بدون مقصر و تغییر در اقتصاد. با معرفی طلاق بدون مقصر در بسیاری از کشورهای غربی، به افراد فرصت داده شد تا خودشان را از ازدواج‌هایی که افراد صرفاً ناسازگار بودند بیرون بکشند، که اغلب سرزنش را از یک همسر

¹ Guinn, A.

² no-fault divorce

³ irreconcilable differences

⁴ Sember

⁵ media influences,

⁶ Johnson, A. K.

خاص که منحصرأً مسئول شکست ازدواج بود برمی داشت. همچنین با تغییرات در اقتصاد، بیشتر زنان به سمت کار رفتند و شروع به گرفتن دستمزدی قابل مقایسه با مردان کردند که باعث می شد یک زن از لحاظ مالی مستقل باشد و احساس اجبار به ماندن در ازدواج صرفاً برای بقا را از بین برد (به نقل از جانسون، ۲۰۱۴).

جدایی و طلاق دارای تأثیرات شناخته شده برای هر دو همسر هم از لحاظ جسمانی و هم از لحاظ روانی است. برخی از این پیامدها شامل خطر بالا برای آسیب شناسی روانی، شیوع فزاینده تصادفات اتومبیل و مرگ و میر ناشی از این تصادفات، وقوع رشد یافته خودکشی، آدمکشی، خشونت، بیماری های جسمانی و مرگ و میر ناشی از بیماری ها است. دلیل مطرح شده این است که کیفیت زندگی زن و شوهری کاهش یافته با سیستم ایمنی تضعیف شده و با ایمنی سلولی کاهش یافته رابطه دارد. فسخ رابطه زناشویی به عنوان یک استرس زای بسیار قدرتمندتری از ناشادی زن و شوهری شناخته می شود که با تضعیف بیشتر در کارکرد ایمنی ربط دارد (گاتمن^۱، ۱۹۹۴).

در یک مطالعه که زنان اخیراً طلاق گرفته یا جدا شده را با زنان متأهل مورد مقایسه قرارداد، نمونه طلاق گرفته یا جدا شده کاهش در پاسخ ایمنی را نشان دادند. کاهش در پاسخ ایمنی منتج به برخی از آشفتگی های فیزیولوژیکی قابل اندازه گیری نظیر درصد پایین تر لنفوسیت تی^۲ و به طور معناداری سلول های کمتری از کشنده های طبیعی (NK)^۳ می شود (جاین، ۲۰۰۵).

انبوهی از پژوهش تأثیرات منفی طلاق والدین بر روی بهزیستی فرزندان را نشان داده اند. کودکانی که طلاق والدین خود را تجربه کرده اند در مقایسه با همسالانشان که والدینشان در ازدواج مانده اند، کمبودهایی را در برخی از حوزه های متفاوت از جمله پیشرفت تحصیلی، اختلالات هیجانی و رفتاری، شایستگی اجتماعی و عزت نفس نشان می دهند (هرتزوک^۴، ۲۰۱۰).

عواملی که منجر به از هم پاشی ازدواج (طلاق) می شوند

اندرسون^۵ (۲۰۰۰) در تحقیق خود به تعدادی از کارهای گذشته که عوامل پیش بینی کننده طلاق را مطالعه نموده اند اشاره کرده است، وی در این پژوهش ۱۲ طبقه از عوامل پیش بینی کننده طلاق را از منظر زنانی که از

¹ Gottman, J. M.

² T-lymphocytes

³ Fewer Natural Killer (NK) cells

⁴ Hertzog, S. M.

⁵ Andersen, J. D.

همسرانشان طلاق گرفته‌اند معرفی کرده است که عبارت‌اند از: حمایت نکردن (۳۳٪)، تحکم (۳۲٪) عقده (۳۱٪)، الکل (۳۰٪)، شخصیت (۲۹٪)، زندگی در خانه (۲۵٪)، ارزش‌ها (۲۱٪)، بیماری‌های مزمن (۲۰٪)، مثلث سازی (۱۶٪)، بی‌وفایی (۸٪)، آشنایان (۴٪) متفرقه (۱۲٪). لوینگر^۱ (۱۹۹۶) نیز در تحقیقی مشابه با تحقیق گود چند عامل را معرفی کرده است که عبارت‌اند از: خشونت روانی (۴۰٪)، بی‌توجهی به خانه و بچه‌ها (۳۹٪)، مسائل مالی (۳۷٪)، سوءاستفاده جسمی (۳۷٪)، الکل (۲۷٪)، خیانت (۲۴٪)، سوءاستفاده کلامی (۲۴٪)، نبود عشق (۲۳٪)، ناهمخوانی جنسی (۱۴٪)، خانواده همسر (۷٪) تقاضاهای بیش‌ازحد (۳٪) و موارد دیگر (۶٪). دولان و هافمن^۲ (۱۹۹۸) نیز در تحقیق خود چند عامل را به‌عنوان دلایل طلاق اشاره نموده‌اند که عبارت‌اند از: ناسازگاری، حمایت عاطفی، سوءاستفاده، مسائل جنسی، مسائل مالی.

آماتو و راجرز (۱۹۹۷) ۴ مسئله زن‌وشوهری را که طلاق را پیش‌بینی می‌کنند ارائه نموده‌اند که عبارت است از: خیانت، مصرف الکل، مصرف غیرعقلانه پول، عادات آزاردهنده (به نقل از اندرسون، ۲۰۰۰).

در ادامه این فصل به عوامل مؤثر در فسخ زن‌وشوهری ازجمله عوامل جمعیت شناختی، عوامل مؤثر از طرف خانواده مبدأ، موضوعات مالی، خیانت و الگوهای ارتباطی نا مؤثر پرداخته‌شده است.

۱- عوامل جمعیت شناختی^۳

سن در هنگام ازدواج، باروری، نژاد، تحصیلات، درآمد، مدت‌زمان ازدواج، طلاق والدین، زندگی پیش از ازدواج ازجمله عوامل جمعیت شناختی مرتبط با طلاق هستند که در زیر به تعدادی از آن‌ها پرداخته‌شده است.

سن: بوث و ادواردز (۱۹۸۵) به این نتیجه رسید که کسانی که خیلی زود ازدواج می‌کنند (کمتر از ۱۹ سال برای مردان و کمتر از ۲۰ سال برای زنان) و یا خیلی دیر ازدواج می‌کنند (۲۷ یا بیشتر برای مردان و ۲۸ یا بیشتر برای زنان) بالاترین میزان عدم ثبات زن‌وشوهری را دارند (به نقل از اندرسون، ۲۰۰۰).

حضور بچه: چرلین (۱۹۷۷) در تحقیق خود بیان نمود که بین حضور فرزند زیر ۶ سال و طلاق رابطه معناداری وجود دارد. البته این رابطه برای غیر این سن وجود نداشت.

درآمد: تحقیقات نشان داده‌اند که درآمد با میزان طلاق رابطه معکوس دارد؛ یعنی هرچه درآمد پایین باشد احتمال طلاق بیشتر است (به نقل از اندرسون، ۲۰۰۰).

¹ levinger

² Dolan & Hoffman

³ Demographic Factors

۲- عوامل مرتبط با خانواده مبدأ

خانواده مبدأ در بیشتر نظریه‌های رشدی به‌عنوان عاملی کلیدی در فرایند اجتماعی شدن در نظر گرفته شده است. مطالعات طولی اولیه به‌صورت مستمر، عوامل خانواده مبدأ متنوعی را به‌عنوان متغیرهای لازم برای موفقیت در ازدواج شامل می‌شدند. این‌ها شامل تعارض خانوادگی پیش زناشویی و طلاق والدینی، محیط خانوادگی دوران کودکی و مشابهت در سن، نژاد، مذهب و منزلت اجتماعی اقتصادی زوجین بود. وامبولدت و وریس^۱ عوامل خانوادگی در زوج‌ها پیش از ازدواج را با ازدواج آن‌ها یک سال بعد مقایسه کردند. اگرچه عوامل پیشینه‌ای در کل تنها ۱۵ تا ۳۰ درصد عوامل منجر شونده به طلاق را تبیین می‌نماید، با این‌وجود آن‌ها کشف کردند که خانواده‌های مبدأ در حقیقت یک نقش معنی‌دار در رابطه زناشویی کلی زوجین جدید بازی می‌کنند. به‌هرحال این تأثیر بسته به خطوط جنسیتی^۲ متفاوت است. درجه بالای ابراز گری^۳ در هر خانواده اصلی، با رضایت زناشویی بعدی برای زن‌ها همبستگی دارد به این خاطر که ازدواج جدید نیز گرایش دارد تا یک ازدواج ابراز گر باشد. این صفت عموماً برای زنان بسیار مطلوب است؛ اما همین عامل لزوماً به رضایت زناشویی بعدی شوهر منجر نمی‌شود. این صاحب‌نظر پیشنهاد می‌کند که بالأخص برای زنان رضایت زناشویی عمدتاً به سطح بالای توافق در رابطه، مذاکرات مشترک و اتفاق نظر در عقیده^۴ بستگی دارد. به طرز شگفتی، ابراز گری پایین و کنترل بالا در خانواده مرد با رضایت پایین برای هردوی زن و شوهر جدید همبستگی دارد. پس به‌طور کلی زن از خانواده‌های ابراز گر تمایل به داشتن رضایت زناشویی بیشتری دارد، بالأخص زمانی که شوهرشان نیز از خانواده‌های ابراز گر و دارای مهارت حل مسئله باشد. زنانی که یک درجه بالایی از تعارض نمایان^۵ را در خانواده‌های مبدأشان تجربه کرده‌اند بالأخص جایی که حل تعارضات حاصل نشده است، در مورد رابطه زناشویی رضایت کمتری داشتند. در این موارد، زن قادر نیست خانواده‌اش را به‌عنوان یک الگو یا یک میراث خانوادگی تعریف نماید که برای بسیاری از زنان دارای اهمیت است، در نتیجه گرایش می‌یابد تا به‌عنوان معمار اصلی در ساختن رابطه زناشویی عمل کند. به همین نحو، خانواده اصلی مرد فرزندش را رها می‌سازد درحالی‌که خانواده زن پیوند مداوم بیشتری را حفظ می‌کند. خانواده مردان عمدتاً به‌عنوان یک الگو خدمت نمی‌کنند و یا چنین

^۱ Wamboldt and Reiss

^۲ gender lines.

^۳ expressiveness

^۴ Relationship agreement, shared negotiations and consensus opinion.

^۵ expressive conflict

چیزی مطلوب نیست. در حقیقت هنگامی که مردان نزدیک با خانواده اصلی‌شان باقی می‌مانند، تأثیر منفی در تشکیل حس ما بودن^۱ در یک زوج جدید ایجاد نموده است.

هنگامی که با انتخاب یا به صورت پیش فرض خانواده شوهر برای زوج جدید الگو می‌شود، رضایت رابطه پایین تر برای هر دو عموماً حاصل می‌شود. جایی که زوج به تمرکز بر روی هر دو خانواده‌های مبدأ به عنوان الگوها ادامه می‌دهند یا جایی که تعارض بر سر این است که کدام خانواده بهترین است روند کاهش مداوم رضایت زناشویی ایجاد می‌شود. در حقیقت در این موارد، جایی که زنان الگوی خوبی از روابط خانوادگی یا حل تعارض ندارند، زوجین به وسیله ایجاد نمودن سبک ساخته شده خودشان نسبت به دنبال کردن سبک خانوادگی شوهر، شانس عملکرد بهتری دارند (بال^۲، ۱۹۹۹).

ارتباط ابزاری است که زوجین به وسیله آن ساختار و معنی را ایجاد می‌کنند. فقدان ارتباط مؤثر می‌تواند دلیلی باشد برای اینکه چرا برخی از زوجین قادر نیستند ساختار یا معنای سالمی ایجاد کرده و متعاقباً در رسیدن به سطح بالای رضایتمندی زن و شوهری ناکام می‌مانند. ابراز گری خانواده مبدأ بهتر افراد را آموزش می‌دهد که چطور افکار و احساساتشان^۳ را انتقال دهند و چطور قواعد مؤثری برای روابطشان تنظیم کنند (بال، ۱۹۹۹).

در این راستا نظریه سیستم‌های خانواده می‌تواند تبیین کننده باشد. این نظریه روی بافت خانواده‌ای که زوجین در آن قرار دارند تمرکز می‌کند. این نظریه بر این فرض استوار است که بهترین نحوه فهم طلاق و ازدواج مطالعه آن در بافت روابط خانواده است. همانطور که ازدواج، فراتر از ازدواج دو نفر است و افراد دیگری نیز در این نهاد دخیل هستند، به همین شکل وقتی افراد طلاق می‌گیرند نیز افرادی بیش از فقط خود زوج از هم طلاق می‌گیرند. نظریه پردازان سیستمی خانواده، خانواده را یک سیستم اجتماعی می‌دانند که از روابط پویا و به هم مرتبط تشکیل شده است و هر عمل یک عضو خانواده تحت تأثیر اعمال دیگر اعضا خانواده و کیفیت تعاملات بین دیگر اعضا می‌باشد. دیدگاه سیستمی کارکرد و یا عدم کارکرد را انعکاسی از فرایندهای خانواده می‌داند. در نتیجه طلاق می‌تواند محصول روابط ناکارآمد در میان تمام اعضا خانواده باشد (کلارک- استوارت و برنتانو، ۲۰۰۶).

¹ sense of we-ness

² Ball, L. J.

³ thoughts and feelings

۳- موضوعات مالی

مدیریت مالی یک موضوع محوری در روابط زوجین حتی در سال‌های اولیه شکل‌گیری آن هست (مارشال و اسکوگراند^۱، ۲۰۰۴). مسائل مالی یکی از منابع شایع عدم توافق میان زوجین هست. عدم توافق در مورد مسائل مالی یکی از پرارجاع‌ترین مسائل در ازدواج‌ها هستند و زوجینی که بیشتر در مورد مسائل مالی بحث می‌کنند، بیشترین منفی‌گرایی و تعارض را در میان زوجین دارند (استانلی، مارکمن و ویتسون^۲، ۲۰۰۲).

همچنین ادراک از نحوه خرج کردن همسر می‌تواند بر روابط زن‌وشوهری تأثیر بگذارد (بریت، گرابل، گاف و وایت^۳، ۲۰۰۸). یک تحقیق طولی به این نتیجه رسد که بعد از خیانت زن‌وشوهری و استفاده از الکل و مواد مخدر، دومین عامل پیش‌بینی کننده طلاق بی‌فکری همسر در خرج کردن بود. مطالعه دیگری که متمرکز بر بیشترین دلایلی که افراد برای طلاق ذکر کردند بود، پنجمین علت طلاق را مسائل مالی گزارش کرده است (شرام، مارشال، هریس و لی^۴، ۲۰۰۵). دیو^۵ (۲۰۰۹) در تحقیق خود گزارش نمود که زوجینی که هفته‌ای یک‌بار یک‌بار در مورد مسائل مالی بحث می‌کردند در مقایسه با زوجینی که بسیار کم در مورد مسائل مالی بحث می‌کردند ۳۰ درصد بیشتر احتمال داشت که طلاق بگیرند.

اولسون، اولسون-سیگ و لارسون^۶ (۲۰۰۸) در تحقیق خود ازدواج‌های شادمان را با ازدواج‌های ناشاد مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که ۸۵ درصد زوج‌های شاد در مورد نحوه خرج کردن مسائل مالی توافق دارند و تنها ۴۳ درصد از زوجین ناشاد در مورد مسائل مالی توافق دارند. ۶۷ درصد زوجین شاد در رابطه با تصمیمشان برای پس‌انداز پول راضی بودند و تنها ۲۹ درصد از زوجین ناشاد از عادات پس‌اندازی خود رضایت داشتند. در میان زوجین شاد ۶۹ درصد بیان داشتند که بدهی‌های کلان برای آن‌ها مسئله‌ای نبوده و تنها ۳۵ درصد زوجین ناراضی این موضوع را گزارش نمودند. ۷۵ درصد از زوجین شاد گزارش کردند که همسر آن‌ها تلاشی برای کنترل مسائل مالی آن‌ها ندارد درحالی که ۴۳ درصد زوجین ناشاد این امر را گزارش نمودند.

¹ Marshall, J. P., & Skogrand, L.

² Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W.

³ Britt, S., Grable, J. E., Goff, B. S., & White, M.

⁴ Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R.

⁵ Dew, J.

⁶ Olson, D. H., Olson-Sigg, A., & Larson, P. J.

۴- بی‌وفایی

بی‌وفایی پدیده‌ای است که در بیشتر فرهنگ‌ها در سرتاسر تاریخ موجود بوده است. در این قرن، بی‌وفایی^۱ یک عامل عمده طلاق در ایالات متحده فرض گردیده است. بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که دو نوع بی‌وفایی وجود دارد، بی‌وفایی جنسی و بی‌وفایی هیجانی. بی‌وفایی جنسی درگیر شدن در یک رابطه جنسی با شخصی دیگر به‌غیر از همسر در نظر گرفته شده است. بی‌وفایی هیجانی درگیر عشقی با فرد دیگری به‌غیر از همسر فرض گردیده است (پادن^۲، ۲۰۱۴).

هرتلین، وِتچلر و پیرسی^۳ (۲۰۰۵) خیانت را به این صورت تعریف کرده‌اند: مشارکت در آمیزش با شخصی به‌غیر از همسر، سایبر سکس^۴، نگاه کردن به پورنو گرافی^۵، صمیمیت جسمانی یا صمیمیت عاطفی با شخصی به‌غیر از همسر.

یارب، سنسیبورگ و آلجری (۱۹۹۸) مدعی شده‌اند که رفتارهای بی‌وفایی دیگر شامل بوسیدن با شور و حرارت، تخیلات جنسی، تخیلات غیرجنسی در مورد عاشق شدن، کشش جنسی، کشش رمانتیک و لاس زدن و رفتارهای دونفری نظیر مطالعه، ناهار خوردن و رفتن به سینما با شخصی دیگر به‌غیر از همسر، بی‌وفایی است (به نقل از ویتی و کوايگلی^۶، ۲۰۰۸).

ویتي و کوايگلی (۲۰۰۸) بررسی کرده‌اند که چطور مردان و زنان در بی‌وفایی جنسی و هیجانی اینترنتی درگیر می‌شوند، تعداد مردان و زنان که به اینترنت برای اهداف جنسی دسترسی دارند در ۱۰ سال گذشته افزایش یافته است.

درحالی‌که هیچ مطالعه تصادفی درستی برای تعیین تعداد افرادی که به سایت‌های اینترنتی جنسی دسترسی دارند انجام نشده است، برخی تخمین زده‌اند که ۳۱ درصد افراد آنلاین سایت‌های دارای محتوای جنسی را می‌بینند و از آن‌ها ۵٫۵ درصد رفتارهای اجباری از خود بروز می‌دهند و ۱۷ درصد دیگر در معرض معتاد جنسی شدن قرار دارند. بر اساس تخمین این مطالعه حدود ۶۹٫۷ میلیون نفر در حال استفاده از اینترنت برای اهداف

¹ adultery

² Paden, Q. M.

³ Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P.

⁴ cybersex,

⁵ looking at pornography

⁶ Whitty, M. & Quigley, L.

جنسی هستند و حدود ۱۱,۸ میلیون نفر ممکن است در حال تجربه مسائل کنترل رفتارشان در ارتباط با رابطه جنسی سایبری هستند (گلدبرگ، پترسون، روزن و سارا^۱، ۲۰۰۸).

اگرچه بسیاری از کاربران رابطه جنسی سایبری، این موضوع را به عنوان موضوعی به صورت تفریحی و خصوصی می بینند، مطالعه انجام شده ی اخیر به وسیله یانگ، گرین شلی، امارا و بوچانان (۲۰۰۰) نشان داد که اعتیادهای سایبر سکس کل سیستم خانواده را متأثر می سازد. یانگ و همکاران (۲۰۰۰) علاوه بر این نتیجه گرفتند که استفاده از اینترنت به خودی خود با کاهش ارتباط خانوادگی و تعامل اجتماعی و افزایش افسردگی و تنهایی در میان اعضای خانواده ارتباط دارد (به نقل از پادن، ۲۰۱۴).

یکی از تهدیدهای بی شمار طلاق برای ازدواج فقدان اعتماد^۲ است که در بیشتر موارد منجر به طلاق می شود. در مطالعه اجرا شده به وسیله پرویتی و آماتو (۲۰۰۴) بی وفایی یک پیش بینی کننده قوی و محکم طلاق بود. مطالعه اجرا شده به وسیله ساوت و لیوید (۱۹۹۵) بیان می دارد که بیش از یک سوم همه ازدواج هایی که منجر به طلاق می شوند یک همسر در روابط فرا زناشویی در طی زمان ازدواجشان درگیر شده است (به نقل از کولارسی^۳، ۲۰۰۷).

تحقیق اخیر نشان می دهد که انگیزه های متعددی برای بی وفایی وجود دارد که منجر به عملیاتی کردن دو نوع اصلی یعنی بی وفایی هیجانی و بی وفایی جنسی می شود. بارتا و کین (۲۰۰۵) این ساختار دوقطبی بی وفایی را به صورت زیر تعریف کرده اند: بی وفایی هیجانی زمانی است که شریک زوجی احساس گرفتار عشق شدن با یک نفر خارج از ازدواج را تجربه کند. آن ها بی وفایی جنسی را نیز به این صورت تعریف کرده اند: رفتاری برانگیخته شده به وسیله تمایل به یک تجربه جنسی جدید و نه به وسیله تمایل به یافتن یک شریک زندگی بلندمدت سازگار (به نقل از کولارسی، ۲۰۰۷).

بنابراین برای تعیین ترسیم این دوطبقه، بی وفایی هیجانی مبتنی برداشتن احساسات قوی و تمایل به دنبال کردن روابط پایدار با شخصی دیگر به غیر از همسر است. از طرف دیگر، بی وفایی جنسی مبتنی بر سائق های جنسی فیزیولوژیکی و تمایل به درگیر شدن در رابطه جنسی فرا زناشویی است و قصد دنبال کردن هرگونه تعهد با شخص دیگر را ندارد. این دو نوع بی وفایی بر حسب جنسیت طبقه بندی شده اند که در آن مردان صرفاً برای

¹ Goldberg, P., Peterson, B., Rosen, K., & Sara, M.

² loss of trust

³ Colarossi, M.

لذت بی‌وفایی می‌کنند درحالی‌که زنان برای عشق و برخی اوقات دنبال نمودن روابط صمیمی و متعهد با شریک فرا زناشویی‌شان، بی‌وفایی می‌کنند (به نقل از کولارسی، ۲۰۰۷).

۵- الگوهای ارتباطی ناموثر

گاتمن، کوان، کارر و سوانسون^۱ (۱۹۹۸) ۱۳۰ زوج تازه ازدواج کرده را مطالعه نمودند تا فرایندهای تعامل زناشویی که پایداری زناشویی یا طلاق را پیش‌بینی می‌کند مشخص نمایند. مطالعه گاتمن و همکاران برحسب این ادعای موفقیت‌آمیز که حضور خشم در رابطه لزوماً مشخص‌کننده ازدواج مشکل‌دار نیست، پیشگام محسوب می‌شود. گاتمن و همکاران مفهومی از مدل متعادل فرایند زناشویی را معرفی نمودند، به این صورت که نسبتی از مثبت‌گرایی به منفی‌گرایی را مشخص کردند که اگر زوجی از آن بالاتر رود کارآمد و اگر پایین آن هست ناکارآمد است. گاتمن و همکاران نسبت تعاملات مثبت به منفی در حین تعارض زمانی که از عاطفه مثبت برای تشنج‌زدایی استفاده می‌شد را ۵ به ۱ مطرح کردند. همین نسبت ۵ به ۱ در زمانی که عاطفه مثبت در قالب پذیرش تأثیر دیگری توسط یک همسر هست مؤثر است بالأخص زمانی که مرد قادر باشد که یا به‌وسیله خودش یا همسرش آرام شود.

در ارتباط باعاطفه و ارتباط زوجین از دیدگاه گاتمن عوامل زیر می‌توانند پیش‌بینی کند که آیا یک زوج با شادکامی به زندگی ادامه می‌دهند یا از هم جدا می‌شوند:

(۱) آغاز خشونت‌بار^۲: بحث‌های زناشویی که با خشونت آغاز می‌شوند مثلاً با بدبینی، اتهام زدن و به شکل اهانت‌آمیزی ناگزیر با نتیجه منفی پایان می‌گیرد.

(۲) چهار مهاجم یا سوار: الف) ایرادگیری یا انتقاد، ب) دفاعی بودن یا بی‌احترامی، ج) حالت تدافعی و د) کشیدن دیوار سنگی و در خود فرورفتن

(۳) غرقه شدن^۳: غرقه شدن به این معناست که منفی‌نگری زوج به‌صورت ایرادگیری باشد، چه اهانت و چه حالت تدافعی، آن‌چنان به‌شدت و ناگهانی غلبه یافته است که فرد را شوک زده کرده است. به‌قدری در برابر این حمله غافلگیرانه احساس بی‌دفاعی می‌کند که می‌آموزد برای اجتناب از پاسخ هیچ واکنشی از خود نشان ندهد و از درگیری عاطفی در روابط اجتناب می‌کند

^۱ Gottman, J. M., Coan, J., Carrere, S., & Swanson, C.

^۲ Violence starting

^۳ drowing

۴) شکست اقدامات جبرانی^۱: اقدامات جبرانی اقداماتی هستند که زوجها برای جلوگیری از تشدید تنش در ضمن یک بحث حساس در پیش می‌گیرند تا وقفه‌ای حاصل شود و از وقوع طغیان ممانعت گردد.

۵) خاطرات ناگوار^۲: وقتی یک رابطه در رده روابط منفی قرار می‌گیرد فقط زندگی مشترک امروز و آینده نیست که در معرض خطر قرار می‌گیرد، گذشته آن نیز در خطر است. وقتی با زوج‌هایی که نگرش منفی در آنها نسبت به ازدواجشان، عمیقاً تثبیت شده است، درباره پیش از ازدواج، ازدواج و سال‌های نخست زندگی‌شان سؤال می‌شود، احتمالاً می‌توان طلاق آنها را پیش‌بینی کرد، حتی اگر از احساسات فعلی آنان بی‌خبر باشیم. در یک ازدواج موفق، زوجین باعلاقه تمایل دارند که به گذشته خود نگاه کنند. حتی اگر ازدواج آنها کاملاً موفق نباشد به یادآوری نکات خوشایند تمایل دارند، نه مسائل ناراحت‌کننده، اما وقتی ازدواج به‌خوبی پیش نرود، تاریخچه زندگی مشترک دوباره نگاشته می‌شود، آن‌هم درباره بدترین وقایع. نشانه نامطلوب دیگر به یاد نیاموردن گذشته است، چون خیلی بی‌اهمیت یا خیلی دردآور بوده است که اجازه داده‌اند از خاطرات محو شود (آبروی، بهرامی، فاتحی زاده و شاهمرادی، ۱۳۹۰)

گاتمن (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای روی ۹۰ زوج تازه ازدواج کرده از طریق مشاهده نحوه ارتباط این زوجین و کدگذاری آنها طلاق و یا ادامه ازدواج این زوجین را در طی ۲ سال آینده پیش‌بینی نمود. گاتمن به بررسی هیجان‌هایی که زوجین در طول حل اختلاف داشتند می‌پرداخت و هرکدام از هیجان‌های خشم، تحقیر، شوخ‌طبعی و عاطفه را کدبندی نمود. این مطالعه توانست با قدرت ۸۴٪ صحت پیش‌بینی طلاق و یا باقی ماندن در ازدواج را انجام دهد.

گاتمن، کان، کرر و سوانسون (۱۹۹۸) از ۱۷۹ زوج تازه ازدواج کرده با استفاده از مشاهدات رفتاری و اطلاعات خود گزارشی در طول مدت ۶ ماه از ازدواجشان به‌منظور پیش‌بینی طلاق و یا ماندن در ازدواج برای ۶ سال بعد استفاده کردند. گاتمن و همکارانش توانستند با ۸۳ درصد صحت طلاق یا ماندن در ازدواج را پیش‌بینی کنند. متغیرهای خلق منفی خیلی قوی (ترکیبی از تحقیر، جنگ^۳، دعوا، تدافعی بودن^۴)، تقابل منفی، عاطفه مثبت، عاطفه منفی با شدت پایین همسران بین کسانی که در ازدواج ماندند و کسانی که طلاق گرفتند تمایز ایجاد نمود.

¹ Compensating actions

² Unpleasant memories

³ Belligerence

⁴ defensiveness

گاتمن و لونسون^۱ (۱۹۹۹) در تحقیق دیگری با استفاده از روش کدگذاری روی زوجینی که بعد از ۵ سال در ازدواجشان باقی مانده بودند کار کردند و با ۸۳٪ قادر به پیش بینی آینده ازدواجشان بعد از ۴ سال بودند.

۶- دلبستگی ناایمن

در بزرگسالی نماد دلبستگی عموماً همسر است؛ بنابراین، وقتی طلاق اتفاق می افتد، سیستم دلبستگی فرد فعال شده و اضطراب جدایی به علت حذف ماهیت حمایتی همسر به عنوان نماد دلبستگی، جرقه زده می شود (میرکی^۲، ۲۰۱۳).

بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی تمایل دارند که از صمیمیت و فرازوفرودهای هیجانی بیمناک باشند. آن‌ها اعتماد کردن به دیگران را مشکل می یابند و از زیادی نزدیک شدن به دیگران نگران اند (بسیار محتاط اند). شریکان زندگی اجتنابی معمولاً این اعتقاد را ندارند که عشق رمانتیک دوام دارد (کارداتزک، ۲۰۰۹).

تحقیقات نشان می دهند که دلبستگی ناایمن احتمال طلاق را افزایش می دهند. اسروف که نظریه پرداز دلبستگی هست در مورد هیجانات منفی ای در طول جدایی به عنوان از دست دادن یک شکل دلبستگی توضیح می دهد و از این منظر خشم، انتقام و افسردگی قسمتی از یک دوره تحولی طبیعی در زوجین در حال طلاق است (کلارک-استوارت و برنتانو، ۲۰۰۶).

پیشینه پژوهشی مرتبط در داخل و خارج از کشور

پادن (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان عواملی که منجر به از هم پاشیدن ازدواج‌ها بعد از ۲۰ سال می شوند چه هستند؟ از روش کیفی برای به دست آوردن درکی غنی از پویایی های ازدواج های فسخ شده بعد از ۲۰ سال پرداخت. ۱۰ زن داوطلب شده و به منظور ارائه صحبت هایشان در مورد عواملی که منجر به فسخ ازدواجشان شده است مورد مصاحبه قرار گرفتند. همچنین هدف دیگری نیز این پژوهش داشت: کشف نقاط عطف قبل از اینکه ازدواج آن‌ها از هم بپاشد. نقاط عطف نیز به عنوان رویدادهایی تعریف شده که به اجتناب ناپذیر بودن فسخ زناشویی می انجامد. همچنین این پژوهش تلاش کرد تا راهبرد خروج توسط افراد مصاحبه شونده را تشخیص دهد.

¹ Gottman, J.M., & Levenson, R.W.

² Mirecki

تحلیل داده‌ها چندین مضمون را برای سؤالات پژوهش آشکار ساخت. عواملی که منجر به فسخ زناشویی شدند عبارت بودند از: فرسایش ارتباط، نارضایتی زناشویی و تخریب ارکان ازدواج. داده‌ها دونقطه عطف متمایز را نشان دادند: خیانت و پذیرش. همچنین داده‌ها از ۴ مضمون در ارتباط با راهبرد خروج پرده برداشتند: فرایند قانونی، حمایت، اتکای معنوی و برنامه‌ریزی راهبردی. در پایان پژوهشگر یادآور می‌شود که این پایان‌نامه بحث‌هایی را در مورد چشم‌انداز در حال تغییر ازدواج در فرهنگ آمریکایی فرامی‌خواند. داده‌های به‌دست‌آمده به برجسته کردن چالش‌های جدید برای ازدواج‌های سنتی می‌پردازد: نظیر خیانت سایبری، اقتصاد درحالی‌که تغییر، قوانین جدید که امکان بی‌سابقه برای خروج از ازدواج را ممکن می‌سازند.

شیرسیا (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «ازدواج‌های قوی در جامعه آفریقایی آمریکایی: چطور مذهب به یک ازدواج سالم‌تر کمک می‌کند؟» با یک مطالعه کیفی این موضوع را که چطور مذهب به قوت بخشیدن به ازدواج‌های آفریقایی آمریکایی کمک می‌کند موردبررسی قرارداد. برای اینکه درک عمیقی از چگونگی کمک مذهب به ازدواج‌های افراد حاصل شود، پنج زوج به‌صورت گسترده‌ای در مورد مذهب در ازدواجشان مورد مصاحبه قرار گرفتند. شش مضمون از مطالعه این ۵ زوج به دست آمد: زوجین به‌طور هماهنگی اعمال مذهبی‌شان را بجا می‌آورند، مذهب اساس ازدواج بود، مذهب رشد شخصی را تقویت می‌کرد، زوجین سرمشق‌هایی برای یک ازدواج قوی داشتند، زوجین در طی زمان‌های سخت به سمت مذهب می‌رفتند، مذهب ماورای نژاد بود.

کریستیان (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان «چطور تجربه زوجین از ازدواج پایدار چیست: مطالعه‌ای از ۶ زوج مسیحی انجیلی» ۶ زوج را مورد مصاحبه نیمه ساختارند قرارداد. تحلیل مصاحبه‌ها ۵ تم را نشان داد: حضور خدا در ازدواج، رشد در ازدواج، هدفمندی رفتارها و تصمیم‌ها، پیوند هیجانی بین همسران، دوام ازدواج‌ها.

کولاموسی^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان زن ایرانی در ازدواج: یک مطالعه اکتشافی، به بررسی و کاوش تجربه زنان ایرانی مهاجر در آمریکا و آنچه ازدواج ایرانی‌ها را موفق می‌سازد پرداخت. ۱۰ شرکت‌کننده که در ایران متولدشده و در ۱۸ سالگی یا بالاتر به آمریکا مهاجرت کرده بودند در این پژوهش مورد مصاحبه رودرو قرار گرفتند. سن شرکت‌کنندگان بین ۳۲ تا ۶۲ سال بود. از ۴ سال تا ۴۶ سال از ازدواجشان می‌گذشت؛ و همه خودشان را در ازدواج موفق تقسیم‌بندی می‌کردند. تحلیل داده‌ها به ۱۲ مضمون انجامید. مضامین عبارت بودند از: ۱- حفظ مرزهای مناسب با خویشان سببی ۲- مصالحه (قادر به بخشش بودن و نخواستن اینکه همیشه

¹ Colamussi, A. L.

همه چیز آن طور که من می‌خواهم باشد). ۳- شکیبایی و تحمل. ۴- اعتماد. ۵- احترام (احترام به یکدیگر و خانواده یکدیگر). ۶- کار کردن در ازدواج یعنی تلاش و کار برای بهبود رابطه ازدواج. ۷- عشق. ۸- صداقت. ۹- رویکرد حمایتی داشتن. ۱۰- دوست بودن. ۱۱- استقلال (اجازه شوهر به همسر برای داشتن فضای خودش در ازدواج و عدم تلاش برای کنترل زن خود). ۱۲- باورهای لایتغیر در مورد ازدواج موفق. خوشه مضامین‌هایی نیز از تحلیل داده‌های این پژوهش حاصل شده که به صورت زیر است: خوشه ۱- خویشان سببی تأثیر زیادی بر روی موفقیت ازدواج دارند و نیاز به حفظ مرزهای مناسب با خانواده‌های سببی وجود دارد، این خوشه از مضمون ۱ تشکیل شده است. خوشه ۲- مصالحه کردن به خاطر حفظ رابطه (متشکل از مضمون ۲ و ۶). خوشه ۳- یک حس کلی از احترام و عشق نسبت به یکدیگر و خانواده (متشکل از مضمون‌های ۵، ۷، ۱۰). خوشه ۴- تحمل ناکامل بودن‌ها و اشتباه‌های همسر (متشکل از مضمون ۳ و ۹)؛ و خوشه ۵- استقلال و اعتماد به یکدیگر در ازدواج (متشکل از مضمون‌های ۴، ۸، ۱۱).

مادوکس (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان برداشت‌هایی از ازدواج متعهد در زوجین دگر جنس خواه آفریقایی آمریکایی با ۲۵ سال و بیشتر سابقه تأهل، با یک پژوهش کیفی بر روی ۱۰ زوج متأهل با پیشینه تأهلی ۲۵ سال یا بیشتر، برداشت‌های زوجین نسبت به عواملی که به ازدواج‌های متعهد سالم در میان زوجین متأهل آمریکایی آفریقایی کمک می‌کند را کاوش کرده و بینش‌هایی را نسبت به معانی این عوامل فراهم نمودند. مضامین عمده و ۷ خرده مضمون به دست آمده از این پژوهش کیفی به صورت زیر بود: ۱) تعهد، ۲) رضایت زناشویی، ۳) تداوم ازدواج ۴) تعهد به رابطه زناشویی، ۵) عهد با خدا ۶) خانواده مبدأ ۷) باورهای معنوی ۸) مدیریت نمودن رویدادهای زندگی معمولی و غیرمعمول ۹) میراث ۱۰) استفاده خانواده از منابع.

دانکان (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «ازدواج‌های آمریکای آفریقایی‌ها: تأثیر سطوح فرهنگ پذیری، تعهد و مذهبی بودن بر روی پایداری زن و شوهری»، به این نتیجه رسید که تعهد و مذهبی بودن ادراک شده همسران پیش‌بینی کننده‌های پایداری زن و شوهری هستند. فرهنگ پذیری و مذهبی بودن شخصی به عنوان پیش‌بینی کننده‌های پایداری زن و شوهری تعیین نشدند.

دونگ لی (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان «درک زوجین ویتنامی از عوامل کمک‌کننده به رضایت ازدواج‌های پایدار»، عواملی که به رضایت زناشویی بلندمدت زوجین ویتنامی در حال زندگی در مانیتوبای کانادا کمک می‌کند را با پژوهشی کیفی بررسی کرد. یافته‌های وی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی را با ازدواج‌های توصیف شده در متون غربی نشان داد. تفاوت‌ها به این صورت بودند: برای خانواده‌های شرکت کننده در پژوهش

واحد خانوادگی دغدغه اول محسوب می‌شد. آن‌ها خودشان را برای منافع خانواده باهدف پرورش فرزند، به‌عنوان معیاری برای رضایت زناشویی پایدار، قربانی می‌کردند. عامل دیگر انجمن ویتنامی‌ها بود که آن‌ها بعد از مهاجرت به آن ملحق شده بودند. پیوندهایشان و فعالیت‌هایشان در این انجمن به رضایت زناشویی آن‌ها کمک می‌کرد.

عامل‌های مشابهتی نیز به این صورت بودند: هماهنگی، پذیرش متقابل، صمیمیت و رابطه جنسی، دوستی و خنده، مذهب و تعهد.

بروکز (۲۰۰۶) در تحقیق خود به بررسی عوامل کمک‌کننده به رضایت و تاب‌آوری در ازدواج‌های آفریقایی آمریکایی بلندمدت پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل زیر در ازدواج‌های موفق نقش داشتند: تعهد، اعتماد، مذهب، تشابه، ارتباطات، گذراندن زمان با یکدیگر، عشق، درک کردن، اشتیاق در بخشیدن و فعالیت جنسی.

راگ (۲۰۰۲) در تحقیق خود با عنوان «پیش‌بینی کننده‌های اختلاف و طلاق در مراحل اولیه زندگی» در مطالعه خود به این نتیجه رسید که با ۶۷٪ صحت با استفاده از یک مدل دوعاملی (خصوصیت و روان رنجور گرای) طلاق را در طول ۵ سال اول ازدواج پیش‌بینی می‌کند در همین حال ارتباط منفی عدم رضایت را در میان ازدواج‌هایی که باقی می‌مانند و طلاق نمی‌گیرند پیش‌بینی می‌کند. درواقع این تحقیق بیان می‌کند که ارتباط مؤثر پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی بوده، درحالی‌که خصوصیت و روان رنجور خویی پیش‌بینی کننده طلاق هستند.

باچاند و کارن (۲۰۰۱) در مطالعه خود ۱۵ زوج دگر جنس خواه که ازدواج کنونی آن‌ها ازدواج اولشان بود و ۳۵ سال یا بیشتر از ازدواجشان می‌گذشت و ازدواجشان را شاد توصیف کرده بودند را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که عشق، دوستی و داشتن پیشینه‌های مشابه، سودمندترین عوامل برای ازدواج‌های دیرپای شاد بودند. مطالعه آن‌ها همچنین توافق در پاسخ‌های زوجین را نشان داد.

اندرسون (۲۰۰۰) در تحقیق خود با عنوان «مسائل مالی به‌عنوان پیش‌بینی کننده‌ی طلاق: با استفاده از دیدگاه تبادل اجتماعی» بیان نمود که بین مسائل مالی و طلاق رابطه معناداری وجود داشت. مؤلفه‌های مربوط به مسائل مالی عبارت بودند از: تداخل شغل همسر بازندگی خانوادگی، عدم رضایت شغلی مرد، عدم رضایت شغلی زن، نبود ترجیحات شغلی زن، راضی نبودن زن از مرد به‌عنوان نان‌آور خانواده، عدم رضایت از موقعیت مالی کنونی، مصرف غیرعقلانه پول، بدتر شدن موقعیت مالی.

رابینسون^۱ (۱۹۹۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی نقاط قوت زناشویی در ازدواج‌های بادوام»، با رویکرد پدیدارشناسی زوجینی را که ۳۰ سال یا بیشتر از زمان ازدواجشان می‌گذشت را موردبررسی قرار دادند. برجسته‌ترین ویژگی‌های استخراج‌شده از این پژوهش به‌صورت زیر بودند: تعهد، صمیمت، خودمختاری، تناسب (همخوانی)، مذهب، ارتباط.

لاور، لاور و کر^۲ (۱۹۹۰) در پژوهش خود با عنوان «ازدواج بلندمدت: برداشت‌هایی از پایداری و رضایتمندی»، به مطالعه ۱۰۰ زوجی پرداختند که برای ۴۵ سال یا بیشتر از ازدواجشان می‌گذشت. متغیرهای که توسط این زوجین به‌عنوان متغیرهایی مهم برای ازدواجشان بیان گردید عبارت بودند از: ازدواج کردن با فردی که دوستش دارند و از بودن با وی لذت می‌برند، متعهد بودن به همسر و ازدواج، حس شوخ‌طبعی، اتفاق نظر بر روی موضوعات گوناگون نظیر اهداف زندگی، دوستان و تصمیم‌گیری. در این پژوهش زن و شوهرها به طرز قابل‌توجهی پاسخ‌های مشابهی داشتند پس می‌توان بیان داشت که زن و شوهرها متغیرهای مشابهی را برای ازدواج بلندمدت ضروری می‌پنداشتند.

رابینسون^۳ (۱۹۹۴) در پژوهش خود با عنوان «جهت‌گیری مذهبی در ازدواج بادوام»، در یک مطالعه اکتشافی از ۱۵ زوج در ازدواج بلندمدت خواست تا درک خودشان از نقاط قوت رابطه زن‌وشوهری‌شان را موردبحث قرار دهند. بیشتر افراد جهت‌گیری مذهبی و آیین‌ها را ابزاری برای حفظ و رشد رابطه‌شان دانستند. محقق برحسب نتایج پژوهش خود پیشنهاد می‌کند که جهت‌گیری مذهبی می‌تواند پایداری و کیفیت زن‌وشوهری را از طریق رهنمودهای اخلاقی و حمایت اجتماعی، هیجانی و معنوی متأثر سازد.

محسن زاده، نظری و عارفی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زن‌وشوهری و اقدام به طلاق» که به‌صورت مطالعه موردی در شهر کرمانشاه انجام شد نشان دادند که دودسته عوامل نارضایتی زن‌وشوهری را رقم می‌زنند: عوامل قبل از ازدواج شامل ازدواج بانگیزه نامناسب و ازدواج اجباری؛ و عوامل بعد از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت‌های مجردی، تعارض بر سر نگرش‌های نقش جنسیتی، خشونت زن‌وشوهری، خیانت، بدگمانی و مشکلات مالی. به‌علاوه یافته‌های این پژوهش نشان داد که تنها چهار عامل اعتیاد، خیانت، خشونت و تعارض شدید با خانواده همسر (مشخصاً درگیری فیزیکی) باعث اقدام عملی متقاضیان طلاق برای پایان دادن به رابطه زن‌وشوهری می‌شود.

¹ Robinson, L. C.

² Lauer, R. H. ; Lauer, J. C. and Kerr, S. T .

³ Robinson, L. C.

صداقت و اسدیان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق» به بررسی عوامل مؤثر در طلاق در شهرستان قائم‌شهر پرداخت. محصل تحلیل‌های استنباطی این پژوهش نشان داد که متغیرهای تفاوت تحصیلی، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید، دخالت دیگران و وضعیت شغلی به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار در بروز طلاق هستند. متغیر تفاوت در محل تولد برخلاف پیش‌فرض اولیه این پژوهش تأثیری در وقوع طلاق نداشته‌اند. همچنین از بین متغیرهای پیش‌بین، تفاوت عقاید، وضعیت شغلی و تفاوت تحصیلی بالاترین ضریب پیش‌بینی را داشتند.

در تحقیقی با عنوان دلایل طلاق در میان زنان و مردانی که به مراجع قانونی در قزوین مراجع کرده بودند، باریکانی، ساریخلو و محمدی^۱ (۲۰۱۲) با استفاده از پرسش از علت طلاق زوجینی که برای طلاق مراجع کرده بودند، گزارش نمودند که زنان انتخاب اشتباه را مهم‌ترین عامل طلاقشان دانسته (۵۹٫۸٪) و مردان دخالت خانواده‌ها و اطرافیان را مهم‌ترین علت طلاق می‌دانستند (۴۳٫۷٪). در میان پاسخ‌دهندگان وابستگی به خانواده مبدأ و عدم ارضای نیازهای عاطفی به ترتیب ۳٫۴۴٪، ۳٫۸۶٪ و نابرابری در زنان و مردان به ترتیب با ۱٫۳۷٪ و ۱٫۲۹٪ مهم‌ترین علت طلاق از طرف متقاضیان طلاق گزارش شدند.

خالقی دهنوی و یزدخواستی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق و عدم طلاق) در زنان و مردان شهر اصفهان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که دو متغیر نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی می‌توانند به‌طور معناداری وضعیت زناشویی را پیش‌بینی نمایند. بر این اساس افراد دارای سطوح بالاتر نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی دارای میزان کمتری از تقاضای طلاق هستند.

آبروی، بهرامی، فاتحی زاده و شاهمرادی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی عوامل پیش‌بینی کننده طلاق بر پایه نظریه جان گاتمن در زوجها پرداختند. در آزمون t از بین متغیرهای پژوهش، عامل آغاز خشونت‌بار، غرقه شدن و چهار مهاجم بین دو گروه زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی تفاوت معنادار وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که متغیرهای غرقه شدن، اقدامات جبرانی، عشق و علاقه، قوی‌ترین پیش‌بینی را برای احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن زوجها فراهم می‌کنند.

قادر زاده، قادر زاده و حسن‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان عوامل پیش‌بینی کننده‌ی گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای میزان برآورده نشدن انتظارات، تصویر مثبت از پیامدهای طلاق، مداخله‌ی اطرافیان، تفاوت عقاید، ازهم‌گسیختگی خانواده، ناهمسانی زوجین، استفاده از

¹ Barikani, A. ; Mohamad Ebrahim, S. and Navid, M.

رسانه‌های خارجی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، بلوغ فکری عاطفی، اثر تقویت‌کننده‌ای بر گرایش به طلاق داشته و متغیرهای پایبندی دینی، دستیابی به اهداف، استفاده از رسانه‌های داخلی و سطح تحصیلات اثر کاهنده‌ای بر گرایش به طلاق داشته است

فصل سوم:

روش‌شناسی پژوهش

در این فصل ابتدا روش پژوهش به تفکیک در دو بخش جداگانه (بخش کیفی و بخش کمی) توضیح داده شده است. سپس جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری در هریک از دو بخش کیفی و کمی معرفی شده و پس از آن ابزارهای پژوهش معرفی شدند. در آخر نیز روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به تفکیک بخش کیفی و بخش کمی توضیح داده شده است.

طرح تحقیق

برای پاسخگوی به سؤالات پژوهش حاضر از طرح پژوهش آمیخته^۱ که ترکیبی از روش کیفی^۲ و کمی^۳ است، استفاده شد؛ یعنی از دو روش کیفی (نظریه زمینه‌ای) و کمی (طرح تجربی مطالعه تک موردی) استفاده شد تا شواهد بهتری برای درک موضوع مورد بحث فراهم شود. با این وجود در پژوهش حاضر وزن اصلی به روش تحقیق کیفی داده شده است و از روش تحقیق کمی (طرح تجربی مطالعه تک موردی) برای تأیید یافته‌های به دست آمده از روش تحقیق کیفی (برنامه مداخله‌ای طراحی شده مبتنی بر یافته‌های بخش کیفی) استفاده شده است. در ادامه، این دو روش (روش کیفی و کمی) به کار رفته در پژوهش حاضر به طور مفصل آورده شده است.

بخش کیفی

برای شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند و همچنین عوامل مؤثر در ازهم‌پاشی ازدواج‌ها، از روش نظریه مبنایی یا نظریه زمینه‌ای^۴ استفاده شد.

نظریه زمینه‌ای: نظریه زمینه‌ای شیوه‌ای از تحقیق اجتماعی است که با نگاه کیفی به تحقیق همراه است. نظریه زمینه‌ای دارای مجموعه‌ای از تکنیک‌ها جهت انجام تحقیق کیفی است. ایده اصلی نظریه زمینه‌ای این است که به جای استفاده از داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های برخاسته از ادبیات پژوهش که در تحقیق کمی انجام می‌گیرد از گزارش کلامی افراد در مورد تجربیاتشان به عنوان داده استفاده می‌شود. می‌توان گفت داده‌ها در روش پژوهش کیفی به جای آنکه شامل اعداد باشد عموماً دربردارنده عبارات است. هدف نهایی فراهم کردن مجموعه‌ای از مفاهیم نظری است که به بهترین شکل داده‌ها را توصیف کند. تفاوت مهم و اساسی بین نظریه زمینه‌ای و انواع

¹ Mixed research design

² Qualitative

³ Quantitative

⁴ Grounded theory

صرفاً توصیفی طبقه‌بندی، مثل تحلیل محتوا، این است که کدها و مقوله‌ها از پیش تعیین‌شده نیستند بلکه از زمینه داده‌ها برای مقوله‌بندی استفاده می‌شود.

در پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش نظریه زمینه‌ای ما از پرسش و کاوش باز پاسخ^۱ و نیمه ساختارمند استفاده کردیم. به این صورت که در این مطالعه از یک مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند کیفی مبتنی بر سؤالات باز پاسخ برای بررسی عوامل کمک‌کننده به ازدواج‌های پایدار رضایتمند با عمری بیش از ۲۰ سال و عوامل منجر به ازهم‌پاشیدن ازدواج زوجین در حال جدایی استفاده کردیم که به‌وسیله تجزیه و تحلیل، کدگذاری آزاد^۲، کدگذاری محوری^۳ و شناسایی مفاهیم دنبال شد و پس از مقایسه مفاهیم به‌دست‌آمده از دو گروه مورد مطالعه درصد ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند برآمدیم.

بخش کمی

برای سنجش اعتبار و اثربخشی برنامه مداخله‌ای مستخرج از بخش کیفی مطالعه حاضر از طرح مطالعه تک موردی (A-B) استفاده شد که یک روش پژوهش کمی محسوب می‌شود. این نوع طرح پژوهش روشی است که در فرایند پژوهش به دو ویژگی مهم پیچیدگی و یگانگی آزمودنی‌ها توجه کافی دارد. یک دلیل بر اهمیت کاربرد این روش‌شناسی در حوزه روان‌درمانی شکاف وسیعی است که بین یافته‌های مبتنی بر شواهد تجربی در شرایط آزمایشگاهی و پژوهشی و نوع خدماتی است که مراجعان در مراکز درمان روان‌شناختی دریافت می‌کنند وجود دارد.

طرح تک موردی (A-B): در این پژوهش در مرحله اول این طرح (مرحله A) متغیر وابسته (ابعاد رضایتمندی زناشویی و ابعاد تعارضات زناشویی) در سه مرحله مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله B که مداخلات انجام گرفت ۴ مرتبه این متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت به این صورت که در پایان جلسات ۲، ۴، ۶ و ۸ آزمودنی‌ها (زوج) پرسشنامه را تکمیل نمودند. در این طرح علاوه بر دو مرحله اصلی مرحله دیگری نیز وجود دارد که پیگیری نامیده می‌شود. در این پژوهش بعد از مرحله مداخله و یک ماه بعد از اتمام مداخلات، زوج یک‌بار دیگر پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند.

^۱ open-ended

^۲ open coding

^۳ axial coding

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

بخش کیفی

در این مطالعه به‌منظور آگاهی از عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند به‌منظور ارائه الگوی ازدواج پایدار، تمام زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند با بیش از ۲۰ سال دوام و دارای حداقل یک فرزند به‌عنوان جامعه موردپژوهش در نظر گرفته شدند. همچنین به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر در جدایی زوجین و ازهم‌پاشیدن ازدواج‌ها، زوجین در حال جدایی که برای طلاق از راه قانونی اقدام نموده بودند به‌عنوان جامعه موردپژوهش در نظر گرفته شدند.

در نظریه مبنایی انتخاب نمونه بر اساس فرضیات برخاسته از تحلیل داده‌ها و میزان روشنایی بخشی احتمالی‌شان برای نظریه‌ای که تا آن لحظه تدوین‌شده است صورت می‌گیرد. معیار در اینجا این است که مورد بعدی تا چه حد به تدوین نظریه کمک خواهد کرد و با آن ارتباط خواهد داشت. اندازه نمونه نیز بر اساس تکمیل نظریه و اشباع مقوله‌های شناسایی‌شده است. منظور از اشباع در پژوهش‌های نظریه مبنایی، حالتی است که پژوهشگر در آن به‌طور ضمنی به این مرحله می‌رسد که داده‌های جدید، اطلاعات جدید یا شناخت بیشتری نسبت به مقوله‌ها به دست نمی‌دهد. همان‌طور که از توضیحات بالا قابل‌درک است، نمونه‌گیری در پژوهش حاضر مانند اکثر مطالعات کیفی با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شد.

بنابراین با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و همچنین با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی به این صورت که از اولین زوجی که به‌طور هدفمند انتخاب گردید و مورد مصاحبه قرار گرفتند خواسته شد که زوج دیگری را که می‌شناسند که دارای ملاک‌های این پژوهش است و مایل به همکاری در این پژوهش هستند را معرفی کنند و پس از تماس با آن‌ها و بررسی ملاک‌های گزینش، مصاحبه نیمه ساختارمند پژوهش با این زوج اجرا شد و این روند تا رسیدن به یک اشباع نظری ادامه یافت. به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد ازدواج‌های پایدار رضایتمند از بین زوجین معرفی‌شده به‌عنوان زوج‌های دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند آن‌هایی که ملاک‌ها و معیارهای ازدواج پایدار رضایتمند را داشتند، انتخاب شدند. ملاک‌های موردنظر در گزینش نمونه ازدواج پایدار رضایتمند شامل این موارد بود: ۱- زن و شوهر هر دو ایرانی باشند. ۲- ازدواج کنونی اولین ازدواج آن‌ها باشد و دارای حداقل یک فرزند باشند. ۳- زوجین باید در زمان مصاحبه حداقل ۲۰ سال از ازدواجشان گذشته باشد. ۴- زوجین خودشان را به‌عنوان افرادی رضایتمند بشناسند و در پرسشنامه رضایت زن و شوهری انریچ حداقل نمره رضایت متوسط کسب کرده باشند.

همچنین برای شناسایی عوامل مؤثر در ازهم‌پاشیدن ازدواج زوجین متقاضی طلاق، مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها به‌عنوان جامعه زوجین متقاضی طلاق این پژوهش در نظر گرفته شدند و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند افرادی را که مناسب حضور در این پژوهش بودند به‌عنوان نمونه پژوهش حاضر انتخاب شدند. در مورد ازدواج‌های در حال جدایی نیز ملاک‌هایی در نظر گرفته شد که شامل موارد زیر هستند: ۱- هر دو ایرانی باشند. ۲- دلیل تصمیم جدایی مشکلات جسمانی و روانی حاد که ادامه زندگی را مشکل می‌سازد نباشد.

به دلیل اینکه روش پژوهش حاضر روش نظریه زمینه‌ای است، تعداد نمونه در هر دو دسته نمونه ذکرشده در بالا، بر اساس نظریه زمینه‌ای که برای تحلیل داده به کار گرفته شد، به‌اندازه‌ای انتخاب شد که حداکثر محتوا حاصل گردد و به‌اصطلاح به حالت اشباع برسد. حالت اشباع به وضعیتی گفته می‌شود که پاسخی که شرکت‌کنندگان جدید به سؤالات مصاحبه می‌دهند مشابه همان پاسخ‌هایی باشد که شرکت‌کنندگان قبلی به سؤالات مصاحبه‌ها داده‌اند. با توجه به این موضوع، در پژوهش حاضر پس از مصاحبه با ۲۰ نفر (۱۰ زوج) دارای ازدواج پایدار رضایت‌مند و ۲۰ نفر (زوج) در حال جدایی، پاسخ‌های افراد به حالت اشباع رسید و انجام مصاحبه متوقف شد.

بخش کمی

جامعه پژوهش در بخش نهایی پژوهش یا مرحله بررسی اثربخشی برنامه مستخرج از الگوی ازدواج پایدار رضایت‌مند، کلیه زوجین دارای تعارضات زن‌وشوهری تهدیدکننده بقای رابطه زن‌وشوهری بودند که به مرکز مشاوره رشد در شهر زنجان در سال ۹۴ برای مشاوره مراجعه کرده بودند.

روش نمونه‌گیری این بخش از پژوهش حاضر نمونه‌گیری هدفمند بود. به این صورت که از بین زوجین مراجعه‌کننده یک زوج که دارای تعارضات زناشویی بود، پس از کسب رضایت برای شرکت در جلسات مشاوره‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و منطبق بر طرح (A-B) که قبلاً شرح داده شد، تحت مداخلات قرار گرفتند.

روش جمع‌آوری داده‌ها:

بخش کیفی

مصاحبه عمیق: در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها به‌منظور تعیین عوامل مؤثر در ایجاد ازدواج‌های پایدار رضایت‌مند و تعیین عوامل مؤثر در از هم پاشیدن ازدواج زوجین درحالی‌که جدایی از مصاحبه عمیق (جامع) استفاده شد. اصولاً در مصاحبه جامع، پژوهشگر برای کشف مقصود در پی یک یا چند موضوع اصلی برمی‌آید،

ضمن آنکه به چارچوب و ساختار عقاید پاسخ‌دهندگان احترام می‌گذارد. در این بخش، مصاحبه‌ها با کسب اجازه مراجعان ضبط شد و سپس روی کاغذ آورده شد تا برای تحلیل و کدگذاری آماده شود.

محورهای سؤالاتی که در مصاحبه با دو گروه زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی و زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند مورد کاوش قرار گرفت در ادامه آمده است: زندگی قبل از ازدواج و چگونگی ازدواج، ارتباط با خانواده‌های اصلی، چرخه‌های زندگی خانوادگی و روش‌های برخورد با تکالیف هر مرحله، روابط زوجی، نحوه حل تعارض و تصمیم‌گیری، نقش باورهای مذهبی و اعمال مذهبی، خانواده‌های اصلی، فرزندان و تأثیر آن‌ها، ارتباط زوج با جامعه، احساس مسئولیت اجتماعی، هدفمندی و آینده‌مداری زوج.

بخش کمی

داده‌های مربوط به بخش کمی پژوهش حاضر از طریق پرسشنامه رضایت زن‌وشوهری انریچ (اولسون، ۱۹۸۹) و تعارضات زناشویی (MCQ) استفاده شد.

۱- پرسشنامه رضایت زناشویی: در این پژوهش پرسشنامه رضایت زن‌وشوهری انریچ (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹) به‌عنوان ابزاری برای اطمینان‌آفرینی از اینکه زوجین انتخاب‌شده ملاک ورود به پژوهش یعنی رضایتمندی را دارند مورد استفاده قرار گرفت. زوجین برای گزینش به‌عنوان نمونه باید نمره بالا و خیلی بالا در پرسشنامه رضایت زن‌وشوهری انریچ را کسب می‌کردند. همچنین از پرسشنامه رضایت زن‌وشوهری انریچ در اعتبار سنجی الگو نیز استفاده شد.

این پرسشنامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رابطه زن‌وشوهری به کار می‌رود. خرده مقیاس‌های پرسشنامه انریچ عبارت‌اند از: رضایت زن‌وشوهری، ارتباط، حل تعارض. در این پژوهش از فرم ۳۵ سؤالی انریچ که توسط آسوده و همکاران (۱۳۸۹) به‌کاررفته شده، استفاده شد (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹).

آسوده و همکاران (۱۳۸۹) پایایی از نوع همسانی درونی خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباطات و حل تعارض را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۹۰ گزارش نمودند.

۲- پرسشنامه تعارضات زن و شوهری (MCQ)

در این پژوهش از این پرسشنامه به عنوان یک ابزار سنجشی در قسمت کمی پژوهش که اعتبار الگوی تدوین شده سنجیده شده به کار رفت.

این پرسشنامه یک ابزار ۴۲ سؤالی است که برای سنجش تعارضات زن و شوهری و بر مبنای تجربیات بالینی توسط ثنایی و براتی (۱۳۷۹) ساخته شده است. این پرسشنامه هفت بعد از تعارضات زن و شوهری را می سنجد که عبارتند از کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر.

نمره گذاری سؤالات به روش لیکرت است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. کسب نمره بیش از ۱۱۵ در این پرسشنامه به منزله داشتن تعارض نابهنجار است. پایایی این ابزار توسط براتی (۱۳۷۵) برابر با ۰/۵۲، توسط فرحبخش (۱۳۸۴) ۰/۶۹، به دست آمد.

روش اجرای پژوهش

بخش کیفی:

برای نمونه‌ی دارای ازدواج پایدار رضایت‌مند، به این صورت عمل شد که با تماس با آشنایان و همکاران و افراد مرتبط در حوزه‌های خانواده و روانشناسی، یعنی استفاده از نمونه‌گیری هدفمند زوجی که دارای ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش باشد انتخاب شد. سپس به صورت گلوله برفی یعنی به این صورت که از اولین زوجی که به طور هدفمند انتخاب گردید و مورد مصاحبه قرار گرفتند خواسته شد که زوج دیگری را که می‌شناسند که دارای ملاک‌های این پژوهش است و مایل به همکاری در این پژوهش هستند را معرفی کنند و به این طریق زوج‌های دیگر دارای ملاک‌های ورود به پژوهش شناسایی و با دسترسی به آن‌ها و بعد از کسب رضایت و موافقت آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند بر روی آن‌ها اجرا شد. به طور متوسط مصاحبه با هر فرد ۵۰ دقیقه طول کشید و تا جایی ادامه یافت که دیگر آزمودنی‌ها به مورد جدیدی اشاره نمی‌کردند و اصطلاحاً داده‌ها به حد اشباع رسید. این مصاحبه‌ها با موافقت آزمودنی‌ها ضبط گردید و برای تحلیل‌های بعدی روی کاغذ پیاده‌سازی شد.

همچنین برای نمونه زوجین در حال جدایی نیز با هماهنگی قبلی با دادگستری، زوجینی که متقاضی طلاق بودند و ملاک‌های پژوهش حاضر را دارا بودند به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و با کسب رضایت و موافقت آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند بر روی آن‌ها اجرا شد به‌طور متوسط مصاحبه با هر فرد ۴۰ دقیقه طول کشید و مصاحبه با آزمودنی‌ها تا جایی ادامه یافت که دیگر آزمودنی‌ها به مورد جدیدی اشاره نمی‌کردند و اصطلاحاً داده‌ها به حد اشباع رسید. این مصاحبه با موافقت آزمودنی‌ها ضبط گردید و برای تحلیل‌های بعدی روی کاغذ پیاده‌سازی شد.

با استفاده از مجموع اطلاعات حاصل شده از زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و زوجین در حال جدایی، به یک الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی رابطه زن‌وشوهری دست‌یافتیم. در این الگو که در فصل ۴ آمده است مبنای، فرایند، فنون، نقش مشاور، نقش مراجع و کیفیت رابطه مشاوره‌ای مشخص شده است.

بخش کمی

بعد از تدوین الگوی مشاوره‌ای، برای بررسی اثربخشی آن، از بین زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره رشد در زنجان، یک زوج دارای تعارض زناشویی بالا که شرایط شرکت در پژوهش را داشت انتخاب شد؛ و پس از کسب رضایت و توضیحات اولیه راجع به روال کار، در جلسات مشاوره‌ای بر مبنای الگوی طراحی شده (الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زن‌وشوهری) اجرا شد.

زوج دارای مشکل در مرحله (A) یا خط پایه، ۳ بار به فاصله هفتگی پرسشنامه‌های رضایت زن‌وشوهری انریچ و تعارضات زن‌وشوهری را تکمیل نمودند. در مرحله (B) یا مرحله مداخله، در ۴ مرحله (بعد از جلسه ۲، ۴، ۶ و ۸) زوج پرسشنامه‌های مذکور را تکمیل نمودند. در مرحله پیگیری نیز به فاصله یک ماه یک‌بار دیگر زوج موردنظر پرسشنامه‌های مذکور را تکمیل کردند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بخش کیفی

برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در مصاحبه‌ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. در نظریه مبنایی سعی بر آن است که درکی از فرایند مرتبط با موضوع بنیادی به وجود آید. منظور از فرایند در نظریه مبنایی، عبارت از توالی عمل‌ها و تعامل میان افراد و رویدادهای مربوط به یک موضوع است.

رویه تحلیل درروش نظریه زمینه‌ای کدگذاری داده‌ها است، لذا ما در ابتدا رضایت شرکت‌کنندگان در پژوهش را کسب کردیم، سپس بعد از اجرای مصاحبه‌ها و ضبط مصاحبه‌ها با استفاده از دستگاه ضبط‌صوت، متن مصاحبه‌ها را بر روی کاغذ آوردیم و کدگذاری داده‌ها را مطابق روالی که در ادامه توضیح داده‌شده انجام دادیم. از آنجاکه کدگذاری به معنای روند تجزیه و تحلیل داده‌ها است که به تشکیل مفاهیم و مقولات و ویژگی‌ها و خصوصیات مقولات منجر می‌شود. با استفاده از این روش ما کدگذاری را در ۳ مرحله انجام دادیم، کدگذاری باز یا آزاد، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی؛ که این ۳ مرحله در زیر توصیف شده‌اند.

کدگذاری باز یا آزاد: برای کدگذاری باز یا آزاد ما به‌صورت مشخص به نام‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها پرداختیم. در ضمن کدگذاری باز داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شدند و برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌ها با دقت بررسی شدند.

کدگذاری محوری: پس از کدگذاری باز و شناسایی مقولات به شیوه‌های جدید، با استفاده از سلسله رویه‌هایی اطلاعات با یکدیگر ربط داده شدند. این کار با استفاده از یک پارادایم (مدل الگویی یا سرمشق) که متضمن محتوا و راهبردهای کنش/کنش متقابل و پیامدها بود صورت گرفت.

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی روندی بود که طی آن طبقات به طبقه مرکزی مرتبط شدند و نظریه را شکل دادند. به عبارت دیگر یک طبقه اصلی که طبقات به آن بازمی‌گردد و مبنای چارچوب الگو است، شناسایی شد. همین روند اجرا و تجزیه و تحلیل فوق را برای هر دو گروه انجام دادیم، به این صورت که با انجام مراحل کدگذاری و رسیدن به مرحله کدگذاری انتخابی و انجام این مرحله، طبقه مرکزی شکل‌دهنده الگو در هریک از دو نمونه کیفی این پژوهش را شناسایی کردیم؛ و از مقایسه الگوهای شناسایی شده از دو گروه مورد مطالعه (گروه دارای ازدواج پایدار و گروه در حال جدایی) الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زن و شوهری تدوین شد.

بخش کمی:

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی از روش تحلیل نمودار، شاخص تغییر پایا (RCI^1) و معناداری بالینی با استفاده از فرمول درصد بهبودی استفاده شد.

¹.Reliable Change Index

برای محاسبه شاخص ضریب تغییر پایا (RCI^1) از فرمول RCI استفاده شد. در این شاخص، نمره پس‌آزمون از نمره پیش‌آزمون تفریق شده و حاصل آن بر خطای استاندارد تفاوت بین دو نمره تقسیم می‌گردد. در شرایطی که حاصل به‌دست‌آمده در این فرمول بالاتر از ۱,۹۶ بود آنگاه می‌توان نتیجه را از نظر آماری معناداری فرض نمود؛ یعنی نتایج بیشتر ناشی از عوامل فعال و دست‌کاری آزمایشگر بوده تا خطای اندازه‌گیری.

علاوه بر RCI برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش از روش معناداری بالینی نیز استفاده شد. در این فرمول نمره پیش‌آزمون را از نمره پس‌آزمون کم نموده و حاصل را بر نمره پیش‌آزمون تقسیم می‌نماییم. لازم به ذکر است به اعتقاد بلانچارد بر طبق این فرمول، ۵۰ درصد بهبودی در علائم به‌عنوان موفقیت در درمان، نمرات بین ۲۵ درصد تا ۴۹ درصد به‌عنوان بهبودی اندک و نهایتاً کاهش نمرات بهبودی علائم تا حد زیر ۲۵ درصد به‌عنوان شکست درمان تلقی می‌شود.

معیارهای ارزشیابی اعتبار و اعتماد یافته‌های کیفی

اعتبار و اعتماد به‌عنوان معیارهای اصلی ارزشیابی پژوهش علمی، به قابلیت تکرار پذیری و تعمیم نتایج پژوهش اشاره می‌کند. این معیار در پژوهش‌های کمی و کیفی به‌خصوص کیفی با توجه به خاصیت این نوع پژوهش‌ها، همواره محل بحث و مناقشه بوده و هنوز این بحث و جدل‌ها ادامه دارد. پرداختن به این مناقشه به‌دوراز اهداف این پژوهش است؛ اما در اینجا سعی می‌شود با معیارهایی که اشتراک نظر در مورد آن‌ها در تحقیقات کیفی بیشتر است به مسئله اعتبار و اعتماد این پژوهش پرداخته شود.

در پژوهش کیفی معیار اعتبار، معادل روایی درونی در پژوهش کمی است. در پژوهش کمی منظور از روایی درونی این است که پژوهشگر به چه میزان توانسته است شرایطی را فراهم کند که نشان دهد تغییرات مشاهده‌شده در متغیر وابسته ناشی از متغیر مستقل است، نه عواملی دیگر. روایی پاسخ به این سؤال است که چقدر یافته‌های پژوهشگر با دنیای واقعی تطابق و هماهنگی دارد یعنی آیا یافته‌ها واقعاً وجود دارند؟ آیا چیزی که پژوهشگر در حال مشاهده و بررسی آن است همان چیزی است که او در حال سنجیدن و اندازه‌گیری آن است. در پژوهش کیفی، بر مبنای معیار اعتبار به آزمون این امر پرداخته می‌شود که آیا بین شیوه‌ای که شرکت‌کنندگان در پژوهش به‌طور واقعی سازه‌های اجتماعی را درک می‌کنند و آنچه پژوهشگر به تصویر کشیده،

هم‌خوانی وجود دارد؟ با استفاده از مجموعه راهبرد راهنما، پژوهشگر می‌تواند اعتبار پژوهش را برآورده ساز. این معیارها عبارت‌اند از:

درگیری پیوسته و طولانی‌مدت: اگرچه معیار روشن واضحی برای مدت‌زمان درگیری پژوهشگر با فرایند گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش در تحقیق کیفی وجود ندارد، اما زمانی که پژوهشگر در نظریه زمینه‌ای احساس کند که کدها و مفاهیم در عوض گسترش تکرار می‌شوند، ممکن است زمان مناسبی برای پایان دادن به مطالعه باشد. در نظر گرفتن شاخص اشباع نظری و عمل کردن بر طبق آن، معیار مناسب دیگری است که در این پژوهش با استفاده از این شاخص به فرایند جمع‌آوری داده‌ها پایان داده شد.

مشاهده مداوم: پژوهشگر باید به‌صورت مداوم و به‌اندازه کافی به مشاهده و تحلیل بپردازد تا موضوعات برجسته شناسایی شود. پژوهشگر باید از نتیجه‌گیری زودهنگام، یعنی نتیجه‌گیری بدون مشاهدات کافی اجتناب کند. در مطالعه حاضر کوشش زیاد شده است که این معیار محقق شود و مستندسازی و یادداشت‌برداری از فرایندهای کدگذاری در مراحل مختلف نظریه زمینه‌ای شواهدی بر این مدعا است.

بازبینی (کنترل) همکاران: ماهیت این پژوهش که یک رساله دکتری است این مرحله را ایجاب می‌کند. ارائه مرحله‌به‌مرحله تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌ها به اساتید راهنما و مشاور و در نظر گرفتن نکات و بازخوردهای آن‌ها تلاشی در جهت نشان دادن توجه به این معیار است.

ذهنیت پیش‌رونده: پژوهشگر باید برسازه‌های تدوین‌شده خود نظارت داشته و فرایند تغییر از آغاز مطالعه تا پایان آن را مستند سازد. این امر می‌تواند با شرکت دادن همکاران متخصص تحقق پیدا کند، به‌طوری‌که بازخوردهای ارائه‌شده از جانب آن‌ها پژوهشگر را با گشاده‌نظری در مواجهه با مسئله پژوهش وادار کند. در پژوهش حاضر نگهداری بازخوردهای ارائه‌شده از جانب اساتید راهنما و مشاور شیوه‌ای برای نشان دادن توجه به این معیار است.

مشارکت شرکت‌کنندگان:

یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های گردآوری‌شده باید مورد تأیید شرکت‌کنندگان در پژوهش قرار گیرد. به این طریق که یافته‌های حاصل از پژوهش که از مصاحبه با شرکت‌کنندگان به‌دست‌آمده است در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد و آن‌ها نیز صحت یافته‌ها را گزارش کنند.

فصل چهارم:

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این فصل یافته‌های پژوهش حاضر به‌طور مبسوط ذکر شده است. تقسیم‌بندی این فصل بر اساس سؤالات پژوهش حاضر انجام شده است. به این صورت که در ابتدا هر سؤال پژوهش ذکر شده و سپس یافته‌های مربوط به هر سؤال در قسمت مربوط به همان سؤال آمده است. همچنین در پاسخ به هر سؤال در ابتدا اطلاعات جمعیت شناختی ذکر شده و در ادامه به‌طور مفصل یافته‌های مرتبط با آن سؤال آورده شده است.

یافته‌های بخش کیفی

سؤال اول: عوامل جدایی و ازهم‌پاشی ازدواج از نظر زن و شوهرهای متقاضی طلاق چیست؟

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مربوطه آورده شده است و سپس یافته‌های منتج از تحلیل داده‌ها ذکر گردیده است.

مجموعاً ۲۰ نفر (۱۰ زوج) متقاضی طلاق مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختارمند قرار گرفتند؛ که مشخصات فردی مصاحبه‌شوندگان در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۴-۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین متقاضی طلاق

شرکت‌کننده‌ها	شغل	میزان تحصیلات	طول ازدواج	سن در هنگام	سن کنونی	تعداد فرزند
آقای اول	آزاد+مدرس موسسه	لیسانس	۶ سال	۳۳ سال	۳۹	ندارند
خانم اول	مجسمه‌سازی (هنر)	لیسانس		۲۱ سال	۳۲	
آقای دوم	لباس‌فروشی	دیپلم	۴ سال	۲۶ سال	۳۰ سال	۱
خانم دوم	خانه‌دار	سیکل		۱۳ سال	۱۷ سال	
آقای سوم	تولیدی	دیپلم	۲ سال	۲۶ سال	۲۸ سال	۱ فرزند سقط شده
خانم سوم	خانه‌دار	دیپلم		۲۴ سال	۲۶ سال	
آقای چهارم	کشاورز	سیکل	۱۰ سال	۱۸ سال	۲۸ سال	ندارند
خانم چهارم	آرایشگر	دیپلم		۱۳ سال	۲۳ سال	
آقای پنجم	بازاریاب لباس	دیپلم	۵ سال	۳۰ سال	۳۵ سال	ندارند
خانم پنجم	بوتیک زنانه	دیپلم		۲۹ سال	۳۴ سال	
آقای ششم	آزاد (ساخت‌وساز)	دیپلم	۲ سال	۲۸ سال	۳۰ سال	ندارند
خانم ششم	خانه‌دار	دیپلم		۳۲ سال	۳۴ سال	
آقای هفتم	شرکت	دیپلم	۵ سال	۲۱ سال	۲۶ سال	۱
خانم هفتم	خانه‌دار	سیکل		۱۳ سال	۱۸ سال	
آقای هشتم	آزاد (بیکار)	دیپلم	۷ سال	۲۸ سال	۳۵ سال	ندارند
خانم هشتم	خانه‌دار	دیپلم		۳۵ سال	۴۵ سال	
آقای نهم	کارمند بیمارستان	دانشجوی لیسانس	۱ سال	۲۳ (۲۴) سال	۲۴ (۲۵) سال	ندارند
خانم نهم	خانه‌دار (دانشجو)	دانشجوی لیسانس		۲۱ (۲۰) سال	۲۲ (۲۱) سال	
آقای دهم	آزاد	دیپلم	۱ سال	۲۷ سال	۲۸ سال	ندارند

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین سنی افراد متقاضی طلاق عبارت بود از ۲۷,۸ و میانگین سنی مردان متقاضی طلاق عبارت بود از ۳۰,۳ سال. در دو مورد از زوجین متقاضی طلاق سن زن بزرگ‌تر از مرد بود و میانگین اختلاف در این دو زوج ۷ سال بود؛ در بقیه زوجین، مردان از لحاظ سنی، سن بالاتری از زن داشتند. به این صورت که میانگین اختلاف سنی در این زوجین ۵,۲۵ سال بود و ۲۰ درصد از زوجین (۲ زوج)

هر دوشاغل بودند و ۸۰ درصد از زوجین تک شغلی بودند یعنی مرد شاغل بود. میانگین سن زنان در هنگام ازدواج ۲۰,۱ سال بوده و میانگین سنی مردان به هنگام ازدواج ۲۴ سال بود. ۲۰ درصد از مردان مدرک لیسانس و ۴۰ درصد مدرک لیسانس و ۲۰ درصد مدرک دیپلم و ۱۰ درصد سیکل بودند. در مورد زنان هم ۲۰ درصد مدرک لیسانس ۵۰ درصد مدرک دیپلم و ۳۰ درصد هم مدرک زیر دیپلم داشتند. مدت دوام ازدواج این زوجین به صورت میانگین ۴,۳ سال بود.

در پایان فرایند کدگذاری باز مفاهیم و مقولات متعددی به دست آمد که مفاهیم و مقولات به دست آمده از این تحقیق در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۴-۲. مفاهیم و مقولات به دست آمده از مصاحبه با زوجین متقاضی طلاق

کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	کدگذاری آزاد		
		مفاهیم ثانویه	نمونه مصداق‌ها	مفاهیم اولیه
سیر از هم پاشی ازدواج	شکل‌گیری نامناسب ازدواج		*هیچ حسی زمان ازدواج بهش نداشتم. *۱۳ سالم بود ازدواج کردم، چیزی از ازدواج نمیدونستم.	عدم وجود علاقه اولیه
				انگیزه نامناسب انتخاب
				عدم آمادگی
				آشنایی ناقص پیش از ازدواج
				ازدواج اجباری
				انتخاب ناآگاهانه
	نگرش‌های منجر به طلاق	نگرش مرتبط با خود	*من انگار تو زندگیش وجود ندارم، انگار نه انگار که من هستم.	بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر
				قبول نداشتن اقتدار و قدرتمندی همسر
				انتظار فراتر از حد توان داشتن از همسر
				مقبول‌تر دانستن و راحت‌تر بودن با دیگران در امور نسبت به همسر
				قبول نداشتن همسر در

			نقش‌ها بی‌اعتمادی به همسر باور به عدم تمایل همسر به تداوم زندگی بچه دانستن همسر باور به اینکه کار همسر برای من مهم‌تر است بعد ازدواج همسر باید خانواده‌اش را کنار بگذارد همسر به خاطر مال و اموال با من می‌ماند	
		نگرش‌های مرتبط با خانواده مبدأ	* خانواده اینها از روز اول که منزل ما برای خواستگاری اومدن همه چیز را با دروغ شروع کردن، همه چیز دروغ گفتن. * می‌گن خواهر تو با محسن اینا دوست بوده سر اون زندگی من رو تهدید می‌کردن.	نگاه منفی به خانواده همسر
				مسئول دانستن همسر در برابر حرف‌ها و اعمال خانواده و اقوامش
		نگرش مرتبط با دیگران	* وقتی با دوستانمون می‌ریم بیرون، حرف‌های اونا رو بیشتر از من قبول داره. مثلاً اگه دوستانمون بگن بریم پارک می‌ره ولی اگه من بگم نمیداد. زندگی ما همینجوریه.	در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر
				انتظار خوشی مداوم را از زندگی داشتن
		نگرش‌های مربوط به زندگی	* خانوادش خیلی دخالت دارن احساس میکنم این زندگی به سرانجام نمیرسه * مثلاً فکر می‌کرد ازدواج اینه که من یه خونه و یه ماشین داشتم دیگه تو زندگی خوشبخته	تردید در مورد تداوم و بقاء زندگی
				فرزند و نه همسر دلیل تمایل به زندگی بودن
		نگرش‌های مربوط به فرزند	* من شاید راضی نبودم که زندگی کنم مثلاً یه فکرایه تو سرم بود اما از وقتی که بچه اومده فکر و خیالم بچه است و دیگه باید بچسیم به زندگی	محدود کننده آزادی
				بی‌اعتقادی
		نگرش‌های مرتبط	* من را مجبور میکنه که باید روزه بگیرم، نماز	

		با دین	بخونی. * موقع های شهادت آهنگ گوش میدی اون روزهاست که دعوا میکنیم میگه تو گوش نده.	بی احترامی به اعتقادات همسر
				تعارض زوج بر سر اعمال و دستورات مذهبی
				تحمیل عقاید و دستورات دینی به همسر
				جایگاه نداشتن اعمال و آداب دینی در زندگی
	مؤلفه های شخصیتی مؤثر در جدایی		* بی مسئولیت، اصلاً زیر بار مسئولیت زندگی نمیره، اول زندگی که ما رفتیم خونمون، کرایه خونه اومد، حسن کرایه خونه را بده سرش دو ماه دعوا کردیم.	مسئولیت ناپذیری
				خودرایی و خودمحوری
				مقاومت پایین
منظومه زن و شوهری	خلل در عشق و تعلق خاطر		* تو زندگی اصلاً منو نمی بینه، اصلاً انگار من نیستم، من انگار تو زندگیش وجود ندارم، بچم هم وجود نداره * خیلی سرد خیلی، من تو زندگیم عشقی نمی بینم از این، خیلی سرد.	عدم ابراز کلامی و غیرکلامی محبت
				بی توجهی
				عدم علاقه و صمیمت
				تردید در مورد تعهد زن و شوهری
				رابطه جنسی نامطلوب
				عدم مراقبت
				عدم صرف اوقات کافی با هم
	خلل در مرزسازی و حریم سازی زوجی	تفریح	*: اصلاً بیرون نمی رفتیم وقت نمی داشت اصلاً واسه من بیشتر از دست اون ناراحت میشدم می گفتم کار تو به همه چی ترجیح میدی	عدم وجود تفریحات زوجی
				بازکردن راه برای دخالت اطرافیان
				وابستگی اعضا به خانواده مبدأ
	نقش ها		*: حتی مامانش، خواهرش باباش همه می گفتن آره فریبا رو می خوام طلاق بدیم، یعنی یه رویی به خانوادش داده بود یه جسارتی	باز کردن مشکلات برای خانواده ها
				عدم پاسداری از حریم زوجی
			* نمیاد واسه من ناهار درست کنه، از سرکار میام	عدم کمک به یکدیگر در ایفای

			نقش ها	میگم ناهار چی داریم میگه نتونستم درست کنم.
			عدم ایفای درست نقش های خود	
		ارتباط ناکارآمد	عدم گفت و شنود یا گفت و شنود های ناکارآمد	* آره، این اوایل که کم حرف بود مثلاً ۹ میاد خونه تا ۱۰، ۱۱ تلویزیون نگاه میکرد بابا امیر مثل مجسمه ی ابوالهول خوابیدی داری تلویزیون نگاه میکنی دو دقیقه حرف بزنی هی انگولکش میکردم آخرش می گفت ولم کن دیگه بسه.
			تحقیر، توهین، تدافعی بودن	* بددهنی نداشت اما کم کم که شروع کر به بددهنی به خونوادم
			بیان نکردن انتظارات و خواسته ها از همدیگر	* به من میگه دختر عمومی من این رو داره خوشش اینجوریه فلان طلا را داره، میگم من دخلم به خرج نميخوره میگه نه تو مرد نیستی.
			رابطه سطحی	
			وجود ابزار تهدید و ترس	
			مقایسه کردن	
			عدم وجود صداقت	
			<u>عدم مطلع سازی یکدیگر</u>	* من بهش زنگ زدم گفتم تو میدونی ما قراره بریم شام دعوتیم، چرا اینارو بدون هماهنگی با من شام نگه داشتی، گفت خوشم اومد نگه داشتیم.
		مشکل در تصمیم گیری	عدم مشورت و همفکری با یکدیگر	*: از زبون مادرشوهر و خواهر شوهرم شنیده بودم که فریبا قراره بریم مسافرت، میگفتم پس چرا امیر به من نگفته، اونا همه در جریان بودن ولی یه مشورت با من نکرده بود نظرم را بپرسه.
			تصمیم گیری در خارج از منظومه زن و شوهری	* میره با باباش مشورت می کنه میگه بابام باید صلاح زندگی من و تو رو بگه
			بی توجهی به تصمیم های یکدیگر یا نادیده گرفتن توصیه های همسر	* نمی تونه پولش را پس انداز کنه، واجبات زندگی را اولویت بندی نمیکنه که ما چی لازم داریم.
			کمک گرفتن از بیرون به چای حل مسئل در درون	
			مدیریت مالی ضعیف	
			تعاملات ناکارآمد با همسر در جمع ها	*: وقتی می ریم خونه مامانش اینا، من و بچه تو اتاق می مونیم و اون می ره با مامان و باباش می خوابه، انگار نه انگار که من اونجا هستم. اصلاً من و

			بچه رو نمی بینه				
	عدم همسویی و همراهی یکدیگر		* می‌گه من با دلتنگی های تو نمی تونم بسازم من الان وقت کارمه، کار میکنم به یه جایی برسم تو فکرت کجاست، تو فکرت توی تفریح و این جور چیزاست من فکرم جای دیگه است * وقتی کم میاره من میگذارم میرم، خونه را ترک میکنم میرم.	عدم همسوی در افکار، باورها،			
				عدم همسویی در علایق و تمایلات			
				ترک همسر در سختی‌ها			
				عدم همراهی و مشارکت			
				تأکید بر من بودن یکدیگر و نادیده گرفتن ما بودن در منظومه زوجی			
				لذت نبردن از همراهی با همسر			
منظومه والدینی			* اوایل همه گفتن بچه بیارید درست میشه، بچه آوردیم بهتر نشد که بدتر شد، سرد بودنشو کامل احساس می‌کنم	تمایل به تداوم زندگی به خاطر فرزند نه همسر بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند تعارض بر سر بچه دار شدن			
منظومه خانواده‌های مبدأ			* فامیلای ایشون کرج هستن خب اینا میگن تو این رو نمیبری ما خودمون میبریم و میاریمش منم میگم جایی که شما میبرید برای شما محرمه ولی من اجازه نمیدم میگن نه شما نمی تونید این رو بگید ما میبریم میاریم. * تا این که این اواخر گوشیم رو گرفته بود ازم، با خونوادم هم قطع رابطه کرده بود می گفت نه خونواد حق دارن بیان خونه ی من، نه من میرم خونه ی اونا،	رفتارهای مداخله گرانه و تضعیف کننده منظومه زوجی از سوی خانواده‌ها			
				خانواده مبدأ مشکل دار و پرتنش			
				تنش‌افزایی خانواده‌های مبدأ			
				اشتراک کاری و محل زندگی مشکل آفرین			
				قطع کردن یا محدود سازی ارتباط همسر با خانواده‌اش			
				رابطه متعارض با خانواده‌های مبدأ			
				الگوگیری از رفتارهای منفی خانواده مبدأ			
				مسائل مالی			* ما اصلاً از لحاظ مالی چیزی نداریم که بخوایم

مشکلات مسکن	بیکاری و مشکلات شغلی	ساعات کاری زیاد	اسمش را بزاریم چیزی بوده. فکرش را بکنید دو ماهه که تو این دوماه فقط به من دوتا ده هزار تومنی داده.	و کاری و مسکن	
مقابله با استرس ناکارآمد	علنی کردن سختی‌ها برای خانواده‌ها و فامیل	روز تعاملات منفی همسران در سختی‌ها (نظیر سکوت- انفجار، مطرح کردن جدایی، پیش کشیدن مسائل گذشته، عدم گفتگو، توهین، بحث و جدل)	* مثلاً به چیزی بهش میگفتم سریع میرفت به مامانش می گفت، منم ناراحت میشدم، میگفتم چیزی نیست که به کم هم مشکلمون جدی میشد زنگ میزد به باباش، باباش هم آنی میومد می بردش * به روز بیدار شدم دیدم گوشی همراهم رو برداشته؛ اون موقعی که اختلافامون زیاد شده بود گوشیم رو برداشته گوشی ثابتمون رو برداشته آیفون رو قطع کرده؛ دیگه دنیا داشت رو سرم خراب می‌شد، نه کسی خونمون میومد نه مامان و بابام میومد نه به فامیلی و نه من رو میبرد اونجا	واکنش زوج در هنگام سختی‌ها و اختلاف	
پیگیری برای حل مشکل از طریق عوامل بیرونی	محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش	محبوس کردن همسر یا بیرون کردن همسر از خانه	ابراز خشم مخرب		
مطرح کردن شروط غیرمنطقی مبنی برای بازگشت فرزند بعد از قهر	اجازه ندان به فرزندشان به ادامه زندگی اش	سرزنشگری فرزند به خاطر فکر کردن به طلاق	تشویق فرزند برای تصمیم به طلاق	پیشنهاد راهکارهای ناکارآمد	
خستگی	* واقعا همیشه غم و غصه دارم، دارم دق میکنم	پیامدهای	پیامدهای منفی		

		احساسی منفی	* زندگی اصلاً خوش نبود اصلاً باهاش هیچ دلخوشی ندارم	غمگینی		
				تنهایی		
				نارضایتی و عدم دلخوشی		
		پیامدهای شناختی منفی	* زندگی را باختم	خسران		
				ادامه زندگی به خاطر ترس از طلاق		
		پیامدهای رفتاری منفی	* من واقعا می خوام طلاق بگیرم.	پیگیری طلاق از مراجع قضایی		
	شرایط زمینه‌ای		* الان مثلاً خواهرش دو بار طلاق گرفته * مامان خودم طلاق گرفته بابام هم طلاق داده و دوباره ازدواج کردن.	رواج طلاق در خانواده ای اصلی		
				سابقه اعتیاد		
				دوستی همسر با افراد دارای ازدواج‌های ناموفق		
خانواده‌های مبدأ ناکارآمد						
اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده						
تغییرات فرایندی رابطه	قبل از عقد					
	عدم شکل‌گیری مناسب ازدواج					
	دوران عقد					
	رفت‌وآمد کم					
	بروز اختلاف زود هنگام					
	عدم تعمیق صمیمیت					
	گفت و گوی کم					
	ناامیدی از موفقیت ازدواج					
	تحمل شرایط					
	دوران زیر یک سقف					
	تشدید مشکلات و اختلافها					
	عدم شکل‌گیری اعتماد					

	شدت گرفتن تعارضها
	فروپاشی ازدواج

بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها، مقولات اصلی به‌منزله عوامل مؤثر در طلاق و جدایی زوجین حاصل شد که در جدول (۲) تشریح شد.

پس از انجام کدگذاری محوری ارتباط این مقولات با یکدیگر در قالب الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد که در شکل (۱) تحت عنوان الگوی ازدواج‌های در حال فروپاشی نشان داده شده است. باید یادآور شد که در ادامه فرایند کدگذاری، با انجام کدگذاری انتخابی، طبقه یا مقوله‌ی سیر ازهم‌پاشی ازدواج به‌عنوان طبقه مرکزی انتخاب شد که تمام طبقات فرعی به آن بازمی‌گردد و چارچوبی برای الگوی ارائه‌شده را فراهم آورد. طبقه مرکزی مذکور به برقراری نوعی یکپارچگی در کدها و مقوله‌ها کمک و منجر به ایجاد یکپارچگی در الگوی نهایی شد که در فصل پنجم به آن پرداخته شده است.

شکل ۴-۱. الگوی ازدواج‌های در حال فروپاشی

عوامل مداخله گر

۱- عوامل درون شخصی

*نگرشهای منتهی به طلاق:

نگرشهای ناکارآمد مرتبط با خود

نگرشهای ناکارآمد مرتبط با همسر

نگرشهای ناکارآمد مربوط به فرزند

نگرشهای ناکارآمد مرتبط با خانواده‌های
مبدا

نگرشهای مرتبط با دیگران

نگرش‌های مرتبط با دین

*ویژگی‌های شخصیتی ناکارآمد

۲- عوامل بین شخصی

*منظومه زناشویی ناکارآمد

*منظومه والدینی ناکارآمد

*منظومه خانواده مبدا ناکارآمد

۳- عوامل فراشخصی

*مسایل مالی و مسکن

استراتژی‌های مقابله‌ای ناکارآمد زوجین در برخورد با سختی‌ها و اختلاف‌ها

مقابله با استرس ناکارآمد

علنی کردن سختی‌ها برای فامیل

پیگیری برای حل مشکل از طریق عوامل
بیرونی

محدود کردن و یا قطع ارتباط همسر با خانواده
اش

بروز تعاملات منفی همسران در سختی‌ها

مجبوس کردن یا بیرون کردن همسر از خانه

نقص کنترل خشم

استراتژی‌های مقابله‌ای ناکارآمد خانواده‌های مبداءر برخورد با سختی ها و اختلاف‌ها

مطرح کردن شروط غیر منطقی مبنی بر
بازگشت بعد از قهر،

اجازه ندان به فرزندشان به ادامه زندگی‌اش

سرزنشگری فرزند به خاطر فکر کردن به طلاق

تشویق فرزند برای تصمیم به طلاق

پیامد

پیامدهای هیجانی

پیامدهای شناختی

پیامدهای رفتاری

شرایط علی

*شکل‌گیری نامناسب ازدواج

عدم وجود علاقه اولیه

انگیزه نا صحیح انتخاب

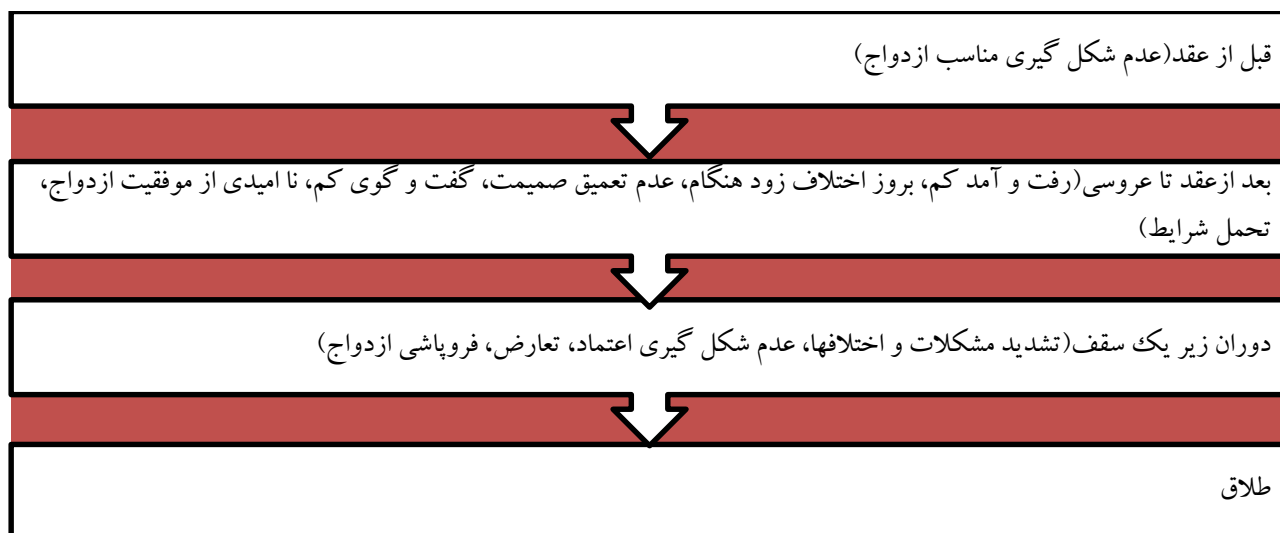
عدم آمادگی

آشنایی ناقص پیش از ازدواج

ازدواج اجباری

انتخاب نا آگاهانه

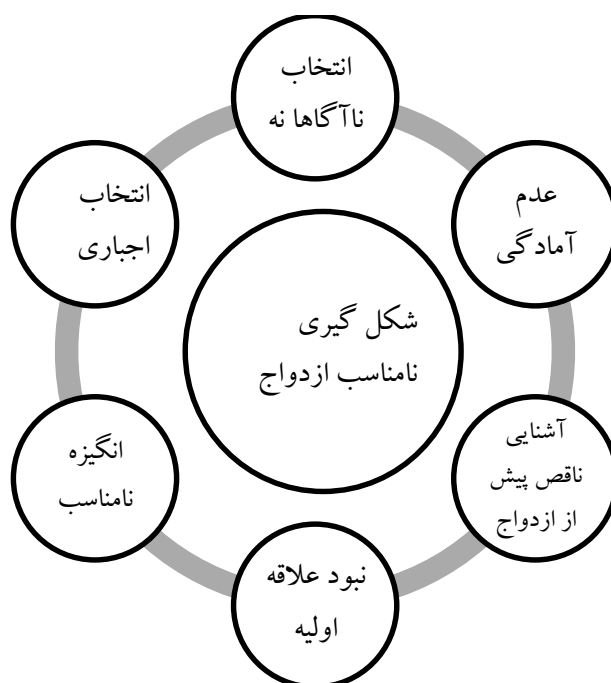
طبقه مرکزی: سیر ازهم‌پاشی ازدواج



در ادامه به تشریح الگوی پارادایمی به دست آمده از زوجین متقاضی طلاق که به صورت الگویی از ازدواج های در حال فروپاشی ترسیم شد پرداخته شده است.

در این الگو، عامل علی شامل مقوله شکل گیری نامناسب ازدواج است که دربردارنده ی کدهای مفهومی متعددی بود که در زیر به آن پرداخته شده است.

❖ شکل گیری نامناسب ازدواج



۱- نبود علاقه اولیه

خانم دوم: هیچ حسی زمان ازدواج بهش نداشتم.

۲- عدم آمادگی برای ازدواج

آقای دوم: اولین باری بود که من با اینا صحبت کردم، گفت به خانوادت بگو بیان اینجا. مثلاً مادرزنم گفت این سنش پایینه، ۱۳ سالشه، منم نمی‌دانستم ۱۳ سالش، خیلی چیزها رو نمیدونه، آشپزی کلاً بلد نیست، مثلاً اگه بیاد به خانواده ی تو بی احترامی کنه تو نباید ناراحت بشی.

خانم هفتم: ۱۳ سالم بود ازدواج کردم، چیزی از ازدواج نمیدونستم.

۳- آشنایی ناقص پیش از ازدواج (معیارهای ناکافی):

خانم سوم: امروز مامانش اینا اومدن با عجله زنگ زدن فردا امیر رو بیاریم، فردا امیر اومد برای پس فردا هم می‌گفتن بیایم برای بله برون، مامانم گفت نه بزارید یکی دو روز بگذره. یه جلسه با هم صحبت کردیم. یه جلسه ۴۵ دقیقه شاید شد. بعد از اون هم که نامزد شدیم، سر یه هفته تموم شد و ما نامزد شدیم (عقد رسمی).

۴- انتخاب اجباری:

خانم هفتم: تقریباً به اجبار پدرم ازدواج کردم، اون موقع از ازدواج چیزی نمی‌دونستم.

۵- انگیزه نامناسب:

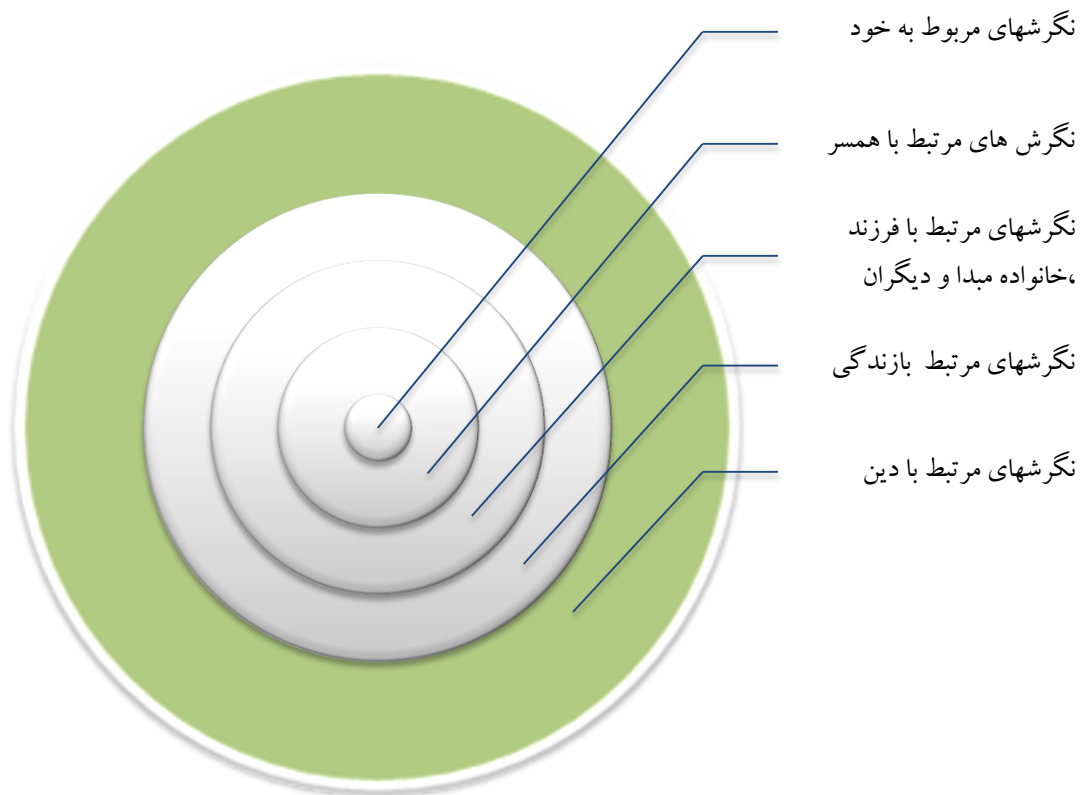
آقای دوم: خانمم مثلاً فکر می‌کرد ازدواج اینه که من یه خونه و یه ماشین داشتم دیگه تو زندگی خوشبخته.

۶- انتخاب ناآگاهانه:

خانم هفتم: اون موقع از ازدواج چیزی نمی‌دونستم

در ادامه عواملی که منجر به تشدید مشکلات شده‌اند (عوامل مداخله‌ای) ذکر گردیدند، در همین راستا به تعدادی مقوله رسیدیم که آن‌ها را در سه طبقه مقولات اصلی دسته‌بندی کردیم که عبارت‌اند از: ۱- عوامل درون شخصی ۲- عوامل بین شخصی ۳- عوامل فرا شخصی

عوامل درون شخصی به نگرش‌های ناکارآمد زوجین در رابطه با خود، همسر، خانواده مبدأ و دیگران، زندگی زن و شوهری، فرزند و خدا تقسیم شده که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.



الف) عوامل درون شخصی

۱- نگرش‌های مربوط به خود:

- بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر:

خانم هفتم: من انگار تو زندگیش وجود ندارم، انگار نه انگار که من هستم.

۲- نگرش‌های مربوط به همسر:

- قبول نداشتن اقتدار و قدرتمندی همسر:

خانم هفتم: یه جوریه که برادرش بر می‌گرفته می‌گه اشتباه کردی با این زندگی کردی، برادر و خواهرش اصلاً کاری باهاش ندارن، باهاش حرف نمی‌زنن. برادر شوهرم میاد به من می‌گه داوود یه حیوون به تمام معناست.

- انتظار فراتر حد توان داشتن از همسر:

آقای هفتم: مثلاً من توجیبم ۵۰۰۰ تومان داشتم می‌گفت فلان چیز ۱۰۰۰۰۰۰ تومنی بخر. می‌گفتم ۵۰ تومن دارم، می‌گفت این ۱۰۰ تومنی را می‌خری؟ نخری باهات حرف نمی‌زنم.

- مقبول تر دانستن (راحتتر بودن با) دیگران در امور نسبت به همسر:

آقای دوم: ۶ ماه خانومم حامله بود من ساعت ۶ بود که رفتم خونه ۴ کیلو هم گیلان و آلبالو گرفته بودم که کمپوت درست کنیم، بردم خونه، تمیز کردم شون گفتم پاشو بریم یه دوری بزنیم حال و هوای عوض بشه، گفت نه چون من اصلاً حال ندارم نمی تونم از اینجا تا اونجا تکون بخورم، من گیلان هارو شستم و آماده کردم، گفتم پس من برم بیرون یه کم وسایل بخرم، من ۸ و نیم برگشتم خونه دیدم خانومم آماده شده، گفتم چی شده، گفت بابام زنگ زد گفت داریم می ریم پارک تو هم آماده شو بریم شام اونجا، من باز چیزی نگفتم، میگم ۲۰ دقیقه پیش آماده شو بریم بیرون گفتمی حال ندارم، خلاصه این رفت.

- قبول نداشتن همسر در نقش های زندگی

- بی اعتمادی به همسر:

خانم هفتم: خیلی شدید دروغ حرف می زنه. دروغ حرف می زنه خیلی بد، یه جوری که دروغاشو همه باور می کنن.

خانم هفتم: نه نمی شه عوض بشه، یعنی درست می شه ها فقط یه ماه درست میشه.

- باور به عدم تمایل همسر به تداوم زندگی

خانم سوم: از اون روز به بعد حرف طلاق و جدایی بود، هر کس دیگه ای هم جای من باشه نمی تونه تحمل کنه اینکه من نوی خونه این بشینم با این فکر و ذهنیت که حالا امروز یا فردا یا یه ماه دیگه این اینکارو میکنه (منو طلاق میده).

- بچه دانستن همسر

خانم هفتم: نه من واقعا نظرمو می دم ولی خوب واسه نظر من هیچ ارزشی قائل نیست یعنی من نظرمو می دم گوشم میده ولی بعدش می گه حالا وایسا تو بچه ای وایسا ببینم بابام چی می گه.

- کار برای همسر مهمتر از من است:

خانم سوم: نه اصلاً بیرون نمی رفتیم وقت نمی داشت اصلاً واسه من بیشتر از دست اون ناراحت میشدم می گفتم کارتو به همه چی ترجیح میدی.

- بعد ازدواج باید همسر خانواده اش را کنار بگذارد:

آقای دوم: من بهش گفتم، تو فرهنگ خانواده ی ما وقتی تو که دختری از خانواده ی پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده ی من باشی.

- همسر به خاطر مال و اموال با من می ماند

آقای سوم: من چون داشتم اومد، اگه نداشته باشم چی، اگه نداشته باشم حتما ترکم می کنه حتما طردم میکنه، اون موقع من دارم شکست می خورم، همسر هم از اون ور داره میره، تو دیگه ورشکست شدی بدبخت شدی منم دارم میرم.

۳- نگرش های مرتبط با خانواده های مبدأ:

- نگاه منفی به خانواده همسر:

خانم سوم: به نظر من همون قدر که خودش مقصر بود خانوادش هم مقصر بودن.

خانم دهم: اینها از روز اول که منزل ما برای خواستگاری اومدن همه چیز را با دروغ شروع کردن، همه چیز دروغ گفتن.

- مسئول دانستن همسر در برابر حرف ها و اعمال خانواده و اقوامش
- خانم دوم: میگویند خواهر تو با محسن اینا دوست بوده سر اون زندگی من رو تهدید می کردن.

۴- نگرش های مرتبط با دیگران:

- در اولویت بودن دیگران و نظرات آنها نسبت به همسر:
- خانم هفتم: وقتی با دوستانمون می ریم بیرون، حرف های اونا رو بیشتر از من قبول داره. مثلاً اگه دوستانمون بگن بریم پارک می ره ولی اگه من بگم نمیداد. زندگی ما همینجوریه.

۵- نگرش های مرتبط با دین:

- بی اعتقادی
- خانم اول: ببینید من میگم اعتقاد ندارم، نماز را نمی خونم، روزه اش را نمیگیرم، اعتقاد ندارم، امام و اینا و مراسم هایی که اجرا میشه را قبول ندارم.
- خانم ششم: مثلاً به خدا و قرآن فحش میداد، به هیچی اعتقاد نداره وقتی قسم میخوره باور نمیکنم.
- بی احترامی به اعتقادات همسر
- خانم هشتم: میگه نباید روزه بگیرم، نباید نماز بخونم.
- تعارض زوج بر سر اعمال و دستورات مذهبی
- خانم هشتم: موقع های شهادت آهنگ گوش میداد اون روزاست که دعوا میکنیم میگه تو گوش نده.
- تحمیل عقاید و دستورات دینی به همسر
- خانم اول: من را مجبور میکنه که باید روزه بگیرم، نماز بخونم.
- جایگاه نداشتن اعمال و آداب دینی در زندگی:
- خانم سوم: دو تانمون هم زیاد آدمای مذهبی نیستیم. خیلی پاییند چیزی نبودیم، زیاد گیر بده تو چرا نماز نمی خونی خودش مثلاً مدام سرش روی مهر باشه، زیاد نه در حد معمولی.

۶- نگرش های مرتبط با زندگی

- انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن:
- آقای دوم: مثلاً فکر می کرد ازدواج اینه که من به خونه و به ماشین داشتم دیگه تو زندگی خوشبخته، مثلاً اینا خوشبختی رو این چیزا می دونن، خودش میگه که من مثلاً هرچی از بابام خواستم برام گرفته، خب خانواده ش بهش نگفتن تو می خوای عروسی کنی به جایی بری، مثلاً شاید شوهرت اون چیزی رو که ما اینجا تهیه می کنیم برات تهیه نکنه راحت نباشه، مثلاً شاید دو سه تاش رو برات تهیه کنه و چهار پنج تاش رو نتونه تهیه کنه.
- تردید در مورد تداوم و بقاء زندگی:
- خانم دهم: خانوادش خیلی دخالت دارن احساس میکنم این زندگی به سرانجام نمیرسه

خانم ششم: می‌گه تورا اصل‌ازن خودم نمیدونم، امسال طلاق ندنم حتما سال بعد طلاق میدم، بارها بهم گفته، این منو خیلی اذیت میکنه.

۷- نگرش‌های مرتبط با فرزند

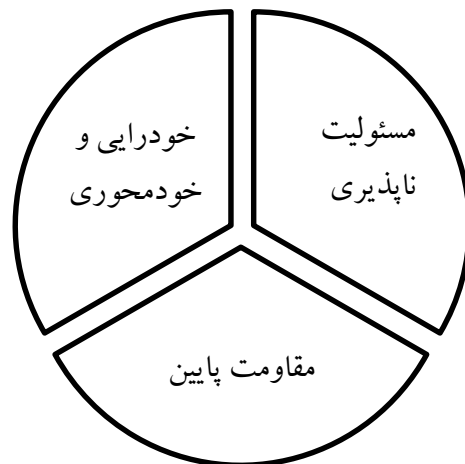
- فرزند و نه همسر دلیل تمایل به زندگی است

آقای دوم: من شاید راضی نبودم که زندگی کنم مثلاً به فکرای تو سرم بود که این کار رو کنم اما از وقتی که بچه اومده فکر و خیالم بچه است و دیگه باید بچسبم به زندگی من باید به فکر این بچه باشم، شاید برای خودم به کارایی رو نکردم ولی برای این فراهم کنم.

- فرزند محدود کننده آزادی است

خانم اول: من نمی‌خوام چون زنم، این طوری باشم، چون ازدواج کردم باید بچه داشته باشم، من نمی‌خوام.

❖ ویژگی‌های شخصیتی ناکارآمد



۱- مسئولیت ناپذیری:

خانم ششم: بی مسئولیته، اصلاً زیر با مسئولیت زندگی نمیره، اول زندگی که ما رفتیم خونمون، کرایه خونه اومد، حسن کرایه خونه را بده سرش دو ماه دعوا کردیم.

۲- خودرایی و خودمحوری:

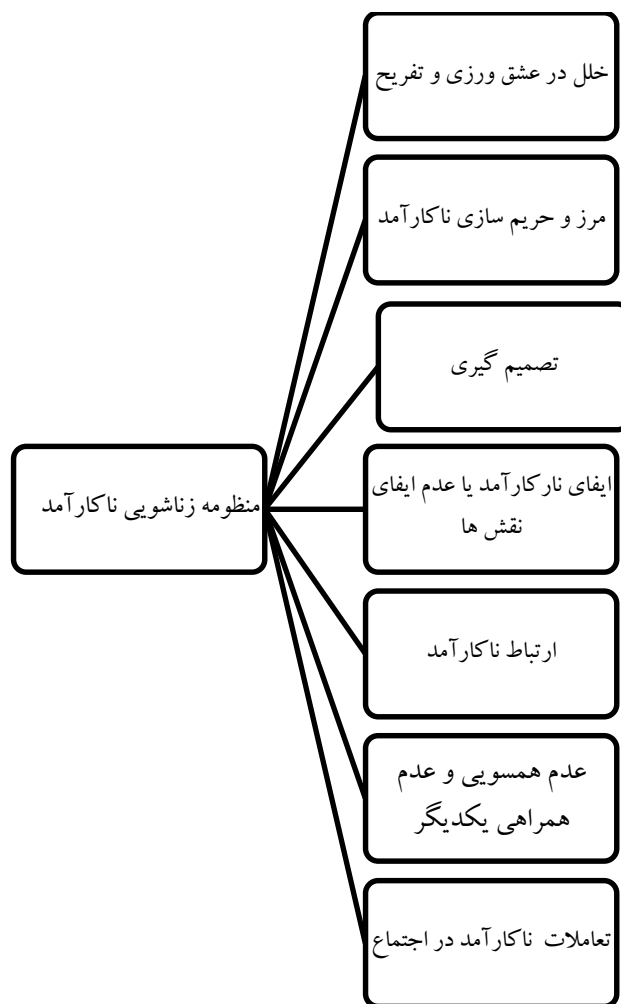
خانم سوم: میگم بابا به غیر از تو هم چهار نفر آدمی، می‌گه نه نظر اونا مهم نیست اونا اومدن من رو متهم کردن همش تقصیر تو هست اونا اومدن طرفداری تو را کردن، ولی نظر اونا مال خودشون نظر من مهمه حتی اگه کار من اشتباه باشه و ۱۰ نفر هم بیان بگن نظرشون مهم نیست نظر من مهمه.

۳- مقاومت کم (تحمل کم، زودرنجی):

آقای دهم: همسر من خیلی تحملش پایینه و این مزید بر علت شد.

ب) عوامل بین شخصی:

۱- منظومه زن وشوهری ناکارآمد



❖ خلل در عشق و تعلق خاطر:

- عدم ابراز کلامی و غیر کلامی محبت:

خانم هفتم: فکر می کنم که بچه من هم دیگه محبت پدر را نمی بیند، من که همسرش هم محبت نمی بیند واسه بچش چه محبتی می خواد بکنه.

- بی توجهی:

خانم سوم: دیگه الان هم به من هیچ محبتی نمیکنه هیچ کاری نمیکنه، خب عزیز من تو وقتی زنت را تو خونه به عنوان یه زن قبول نداری چه انتظاری داری.

خانم هفتم: تو زندگی اصلاً منو نمی بیند، اصلاً انگار من نیستم، من انگار تو زندگیش وجود ندارم، بچم هم وجود نداره، انگار نه انگار من هستم.

- رابطه جنسی ناراضاitemند:

خانم سوم: ایشون هم نمی تونست من رو ارضا کنه. نمیدونم مشکل حساب میشه یا چیه یه حالت زود انزالی داشت که این هم بود. خانم هفتم: می دونید از لحاظ جنسی هم واقعا سرد هست، خیلی سرد هر دو هفته یکبار میاد با هم نزدیکی داریم سرد، یعنی قبل از حاملگی سرد بود خیلی سرد بود یعنی ۲ هفته یکبار بعضی وقتا هم بیشتر می شد اونم در عرض چند دقیقه.

- عدم علاقه و صمیمیت:

خانم هفتم: خیلی سرد خیلی، من تو زندگیم عشقی نمی بینم از این، خیلی سرد.

- تردید در مورد تعهد زن و شوهری:

خانم ششم: به من میگه دوست دختر دارم هیچ خرجش نمی کنم برام شارژ هم میگیره، دوستم هم داره.

❖ عدم ارضای نیاز به تفریح:

- عدم صرف اوقات کافی با هم:

خانم سوم: اصلاً بیرون نمی رفتیم وقت نمی داشت اصلاً واسه من بیشتر از دست اون ناراحت میشدم می گفتم کار تو به همه چی ترجیح میدی، از کارش به خاطر زندگیش هیچ وقت نگذشته تا الان با هم مسافرت یا گردش بریم، یادم نمیاد یه بار تو روز روشن امیر بگه بریم یه دور بزنیم حتی تو نامزدی هم تو روز روشن یه بار نرفتیم گردش، موقعی که کارش تموم می شد ۱۱ شب به بعد، ۱۱ شب به بعد که من خواب بودم میرفت.

- عدم وجود تفریحات زوجی

خانم سوم: چرا روزای جمعه باباش اینا خواهرش اینا با هم می رفتن من هم مجبور میشدم با اونا برم، نمی رفتم هم ناراحت میشد دوست داشتم با هم باشیم با هم مسافرت بریم. مثلاً روز جمعه است به همسرم می گفتم دو ساعت بریم بیرون میگفت نمیام، حوصله ندارم می خوامی خودت تنهایی برو هیچ موقع یادم نمیاد که با هم رفته باشیم بیرون.

❖ خلل در مرز سازی و حریم سازی:

- باز کردن راه برای دخالت اطرافیان:

خانم سوم: حتی مامانش، خواهرش باباش همه می گفتن آره فریبا رو می خوام طلاق بدیم، یعنی یه رویی به خانوادش داده بود یه جسارتی که وقتی من حامله بودم بعد از ۶ ماه بچه سقط شد کارم شده بود شب و روز گریه کردن بدون اینکه اون بفهمه، بهش هم میگفتم یه اذیت و آزارهایی بهم کردن که حد نداره، خانواده ش هم که با من بد تا می کردن خیلی اذیتم کردن، خانواده ش خیلی دخالت می کردن.

- وابستگی اعضا به خانواده مبدأ

آقای هشتم: خانوم خیلی به برادرزاده هاش وابسته هست (مادر ندارن). یه خار بره دستشون بلند میشه میره تهران.

- باز کردن مشکلات برای خانواده‌ها

آقای دوم: مثلاً به روز هم اختلاف داشتیم من زنگ زدم باباش اومد خونمون گفتم ببینید دخترتون چیکار میکنه، گفت بزار من ببرم خونه باهات صحبت کنم، رفته بود خنشون بعد که اومد عوض این که به من سلام بده گفت بابام گفته به جواد بگو اگه به بار دیگه به تو به چیزی بگه، اگه تو هم طلاق نگیری من طلاق رو میگیرم، من هیچی خندیدم و چیزی بهش نگفتم.

- عدم پاسداری از حریم زوجی

آقای دوم: یعنی مثلاً به چیزی بهش میگفتم سریع میرفت به مامانش می گفت، منم ناراحت میشدم، میگفتم چیزی نیست که به کم هم مشکلمون جدی می شد زنگ میزد به باباش، باباش هم آنی میومد می بردش.

❖ ایفای ناکارآمد یا عدم ایفای نقش ها:

- عدم کمک به یکدیگر در ایفای نقش ها:

خانم ششم: خیلی وحشتناک تنبله، بلوزش را پرت میکنه، حتی اگر من خیلی بدم باشه، تو خونه اصلاً کمک نمیکنه، اونجوریند که میگن مرد کار نمینه.

- عدم ایفای درست نقش های مرتبط با خود، بلد نبودن چگونگی ایفای نقش:

آقای دوم: مثلاً خانوم من ۹، ۹ و نیم از خواب پا میشد میرفت پیش خونواده ی من ناهارش رو می خورد دوباره ۲ میومد خونه ی خودمون، آشپزی اصلاً توی خونه ی ما بلد نبود، شاید فقط به نیمرو درست میکرد. آقای چهارم: نمیداد واسه من ناهار درست کنه، از سرکار میام میگم ناهار چی داریم میگه نتونستم درست کنم.

❖ ارتباط ناکارآمد

- عدم گفت و شنود یا گفت و شنوهای ناکارآمد: (کوتاه و منقطع-عدم گوش دادن-همراه با جرو بحث و

جدل مداوم)

خانم سوم: آره، این اوایل که کم حرف بود مثلاً ۹ میاد خونه تا ۱۰، ۱۱ تلویزیون نگاه میکرد بابا امیر مثل مجسمه ی ابوالهول خوابیدی داری تلویزیون نگاه میکنی دو دقیقه حرف بزن هی انگولکش میکردم آخرش می گفت فریبا ولم کن دیگه بسه. خانم هفتم: خیلی کم با هم صحبت می کنیم در حد سلام علیک.

- رابطه مخرب (تحقیر- شکایت- دفاعی بودن- دیوار سکوت یا بی محلی)

خانم سوم: امیر بددهنی نداشت اما کم کم که شروع کرد قطع رابطه با خونوادم کرد شروع کرد به بددهنی به خونوادم، اگر بیان پاشونو میشکنم، فلان فلانیه.

خانم هفتم: خیلی هم حرف های نیش دار می زنه با کنایه، واقعا تو زندگی با اون مشکل دارم می خوام حرف بزنم بگم خوب، می گه تو حرف نزن تو بچه ای تو چیزی نمی دونی.

- بیان نکردن انتظارات و خواسته ها از یکدیگر:

خانم سوم: ببینید به هیچی اعتراض نمی کرد حرفش رو تو خودش نگه میداشت حتی تو دوران نامزدی هم بهش می گفتم ببین رک و راست باش حرف دلت رو به من بگو دوست داری که مثلاً فلان کارو انجام بدم، من نمیدونم که چی تو دل تو میگذره اون چند ماهی هم که با هم بودیم، الان (زمان طلاق) میگو من از رابطه ای که داشتیم راضی نبودم رابطمون خوب نبود. من می گفتم تا وقتی که تو گله و شکایتی نداری، وقتی هیچ اعتراضی از تو نمی بینم وقتی تو نظر خودم من فکر می کردم که تو اون ۵ ماه بهترین زندگی را داریم نه با هم جرو بحث کردیم نه دعوا کردیم نه یه بار اعتراض کرد.

- رابطه سطحی:

خانم سوم: نه با هم جرو بحث کردیم، نه دعوا کردیم، نه یه بار اعتراض کرد که فریبا این لباسی رو که می پوشی من خوشم نمیاد آخرین بارت باشه که می پوشی و باب شوخی رو باز کنه، مگه من نامحرم بودم یا مثلاً دوست داری من لباس بندی بیوشم از بیرون که میای بگی فریبا من این لباس رو برات گرفتم من بفهمم سلیقه ت چیه بفهمم چی می خوای دوست داری آرایش کنم مگه زنت نیستم نامحرم که نیستم.

- وجود ابزار تهدید و یا ترس:

خانم هفتم: وقتی دعوا می شه بچه رو بر می دارم ببرمش می گه این بچه مال تو نیست مال منه، من از داوود واقعا می ترسم از ۱۳ سالگی می ترسم که نکنه یه حرفی بزنم که اون پاشه یه کاری بکنه.

- مقایسه کردن

آقای چهارم: به من میگو دختر عمومی من این رو داره خونش اینجوریه فلان طلا را داره، میگو من دخلم به خرجم نمیخوره میگو نه تو مرد نیستی.

- نبود صداقت

خانم ششم: خیلی دروغ میگو دیگه بهش اعتماد ندارم، مثلاً یه چیزی ازش میپرسم باور نمی کنم میگو داره دروغ میگو.

❖ عدم مطلع سازی یکدیگر

آقای دوم: من بهش زنگ زدم گفتم تو میدونی ما قراره بریم شام دعوتیم، چرا اینارو بدون هماهنگی با من شام نگه داشتی، گفت خوشم اومد نگه داشتم.

❖ مشکل در تصمیم گیری:

- عدم مشورت و هم فکری با یکدیگر

خانم سوم: از زبون مادرشوهر و خواهر شوهرم شنیده بودم که فریبا قراره بریم مسافرت، میگفتم پس چرا امیر به من نگفته، اونا همه در جریان بودن. آره شب قبلش به من گفت فریبا قراره فردا بریم مسافرت، گفتم امیر قرار نیست اجازه نامه صادر کنم که بریم مسافرت ولی اگه تصمیمت رو گرفتی صد در صد هم که قطعیه بیا برای دل خوشی من هم که شده بگو فریبا امروز با بابام اینا حرف زدیم قراره که بریم مسافرت نظرت چیه یا اصلاً دوست داری کجا بریم، من که آدم نیستم حتما باید اون موقع که داری تصمیم را گرفتی بشنوم یا آخرین نفری باشم که میفهمم، این اخلاقها رو داشت.

آقای دوم: من بهش زنگ زدم گفتم تو میدونی ما قراره بریم شام دعوتیم چرا اینارو شام نگه داشتی، گفت خوشم اومد نگه داشتم تو تنها برو، گفتم اینکه نشد حرف تو هر حرفی گفتمی من تا اینجا قبول کردم، گفت اگه دوست داشتی تنها برو. خانم هفتم: ولی خوب واسه نظر من هیچ ارزشی قائل نیست یعنی من نظرمو می دم گوشم میدو ولی بعدش می گه حالا وایستا تو بچه ای.

• تصمیم گیری در خارج از منظومه زن و شوهری

خانم هفتم: میره با باباش مشورت می کنه میگه بابام باید صلاح زندگی من و تو رو بگه منم میگم ما چرا نتونیم خودمون تصمیم بگیریم واسه زندگی خودمون واقعا تصمیم زندگی ما رو باباش می گیره. آقای دوم: مشکل زندگی ما از اینجا شروع شد که دوتایمون تصمیم نگرفتیم، خانواده ی اون و خانواده ی من دخالت کردن.

• بی توجهی به تصمیم های یکدیگر یا توصیه ها همسر در تصمیم گیری

آقای دوم: خانومم پیام داد که امروز خرجی بابابزرگمه بابام میاد دنبال من بریم روستا من گفتن نه عصری میام دوتایی با هم میریم، بعد دیگه جواب پیام به من نیومد من دو سه بار پیام دادم، ساعت ۱ و نیم رفتم خونه دیدم گوشی رو انداخته زمین و رفته.

• مدیریت مالی ضعیف

خانم چهارم: نمی تونه پولش را پس انداز کنه، واجبات زندگی را اولویت بندی نمیکنه که ما چی لازم داریم.

• کمک گرفتن از بیرون به جای حل مسئله در درون زوج

آقای دوم: بعد از ده روز عموی بزرگ من زنگ زده بود بهشون، زن این رو بیارین، اینا اومدن به خانواده ی من گفتن اینجوری همیشه که این هر موقع بخواد بیاد ببره ده روز نگه داره بعد بیاره، باز اینا جور شد دایی مادرش آورد زندگیمون بازم شروع شد، یه بار دیگه بحثمون شده بود، بعد داداش من اومد گفت بابا اینا چیزای مهمی نیست که شما دعوا میکنید، به زن من گفت ثریا به خاطر زندگیت یه چیزایی رو باید درک کنی، شوهرته صلاح نمیدونه خانواده ی تو بیان اینجا شام، فردا دعوتشون کن.

آقای دوم: ما اومدیم ناهار بخوریم خانوم من به بابای من گفت آقا جان میشه چند لحظه ای باهاتون صحبت کنم، اینا رفتن پایین منم رفتم، به بابای من گفت شما اجازه میدید من برم عروسی بابای من گفت اختیار شما دست من نیست که من بهت بگم برو یا نرو شما صاحب دارید شوهرت باید بگه این ناراحت شد گفت شما اجازه بدید یا ندید من می خوام با بابام برم عروسی خب بابای من گفت ببینم بابات چطوری تو رو میبیره.

❖ عدم همسویی و همراهی یکدیگر:

• عدم همسویی در افکار، باورها و علایق:

خانم سوم: میگه من با دلتنگی های تو نمی تونم بسازم من الان وقت کارمه، کار میکنم به یه جایی برسم تو فکرت کجاست، تو فکرت توی تفریح و این جور چیزاست من فکرم جای دیگه است فلان دستگاه رو از ترکیه بیارم، فکرای دیگه ای تو سرشه، خودم به یه جایی برسم. ترک همسر در سختی ها خانم ششم: وقتی کم میاره من میگذارم میرم، خونه را ترک میکنم میرم.

• عدم همراهی و مشارکت

آقای دوم: مثلاً دیروز من بهش گفتم بیا بریم بیرون یه هوا بخوریم گفت حال ندارم، باباش که زنگ زد آماده شد رفت پیش اونا

• تأکید بر من بودن یکدیگر و نادیده گرفتن ما شدن در منظومه زوجی

خانم ششم: من نمی‌تونم سختی را تحمل کنم خودش میدونه چیکار بکنه باید من را از لحاظ مالی تامین کنه.

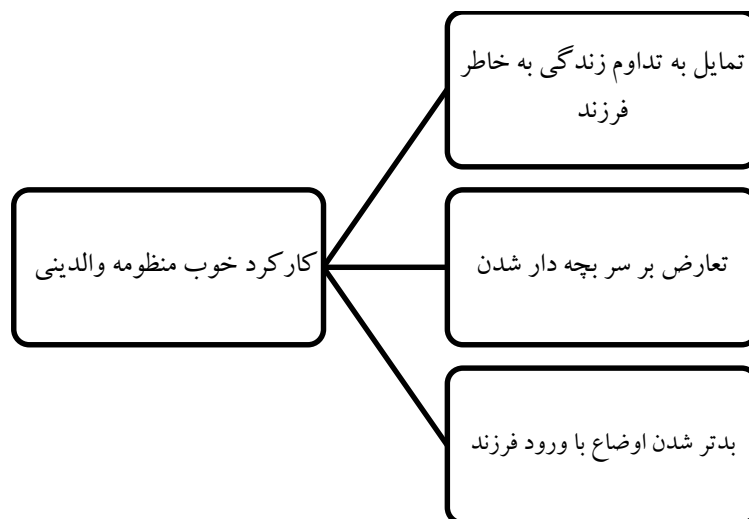
• لذت نبردن از همراهی با همسر

خانم اول: من از بودن باهاش لذت نمی‌برم، از اینکه بشینیم با هم راجع به موضوعی مشورت کنیم خوشم نمیاد.

• تعاملات ناکارآمد در اجتماع

خانم هفتم: وقتی می‌ریم خونه مامانش اینا (من یه بچه چهار ماهه دارم)، من و بچه تو اتاق می‌مونیم و اون می‌ره با مامان و باباش می‌خوابه، انگار نه انگار که من اونجا هستم. اصلاً من و بچه رو نمی‌بینه، وقتی از در میاد تو یه سلام خشک و خالی می‌ده. بعد میره تو اون اتاق با اونا حرف می‌زنه انگار نه انگار که من اونجا تو جمع هستم.

۲- منظومه والدینی



✓ تمایل به تداوم زندگی به خاطر فرزند نه همسر

آقای دوم: وقتی بچه اومد به من امید داد، من شاید راضی نبودم که زندگی کنم مثلاً یه فکرایه تو سرم بود که این کار رو کنم اما از وقتی که بچه اومده فکر و خیالم بچه است و دیگه باید بچسبم به زندگی من باید به فکر این بچه باشم، شاید برای خودم یه کارایی رو نکردم ولی برای این فراهم کنم.

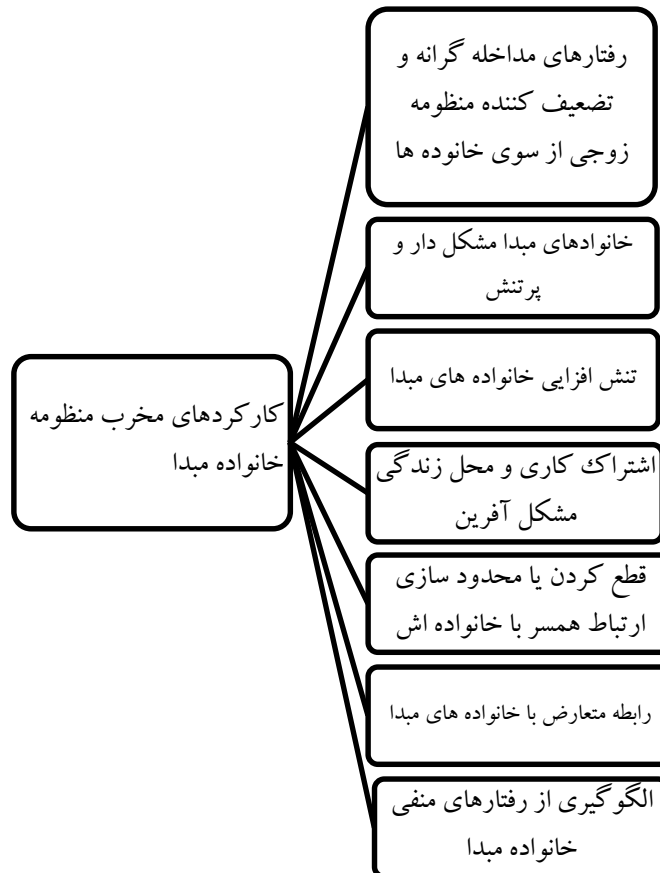
✓ بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند

خانم هفتم: اوایل همه گفتن بچه بیارید درست میشه، بچه آوردیم بهتر نشد که بدتر شد، سرد بودنشو کامل احساس می‌کنم.

✓ تعارض بر سر بچه دار شدن

خانم هشتم: با بچه دار شدن مخالفت کرد: توی این ۷ سال فرصت داشتیم بچه دار بشیم ولی این فرصت را از من گرفت ولی من واقعا دلم می خواست.

۳- منظومه خانواده‌های مبدأ



• رفتارهای مداخله گرانه و تضعیف کننده منظومه زوجی از سوی خانواده ها:

خانم سوم: بعد وقتی من رو میبین بد و بیراه میگن، فحش میدن حتی جلوی چشم این مامانش فحشم داده ولی هیچی نگفته. چند سری پنجره رو باز کرده بودم خواهر شوهرم دیده بود سریع رفته بود به امیر گفته بود فریبا فضولی میکنه فریبا گوش وایستاده بود، خونمون سر این دعوا بود.

آقای دوم: فامیلای ایشون کرج هستن خب اینا میگن تو این رو نمیبیری ما خودمون میبریم و میاریمش منم میگم جایی که شما میبرید برای شما محرمه ولی من اجازه نمیدم میگن نه شما نمی تونید این رو بگید ما میبریم میاریم.

• تنش افزایی خانواده‌های مبدأ:

آقای دوم: من زنگ زدم خونه ی اینا، مامانش گوشی رو برداشت گفت تو اجازه بدی یا ندی امروز می خوایم شام بمونیم اینجا، گفتیم این که نشد حرف خب اختیارات دختر شما دست منه، بعد من با مادر این حرفم شد گفتن نمی زاریم بیاد.

• اشتراک کاری و محل زندگی مرد با خانواده مبدأ:

خانم سوم: کارش طوریه که الان با باباش و برادرش کار میکنه تو کارگاه واحدمون ۴ طبقه است واحد بالا منم، واحد پایین خالیه برای برادر شوهرم که هنوز ازدواج نکرده پایین مادرشوهرمه پایین تر از اون هم کارگاه تولیدی جوراب دارن، تقریباً میشه گفت از ۷، ۸ سالگی پیش باباش کار کرده، از اون موقع با باباش کار میکنن تا الان، الان هم واحدشون یکیه هم کارشون یکیه. آقای دوم: من سال ۸۶ رفتم مغازه، کلا از اون به بعد کلا اختیارات مغازه و خانواده به دوش من شده تا همین یک سال پیش که داداش کوچکتراز من هم اومد مغازه

- قطع کردن یا محدود سازی ارتباط همسر با خانواده‌اش:

خانم سوم: تا این که این اواخر گوشیم رو گرفته بود ازم، با خونوادم هم قطع رابطه کرده بود می گفت نه خونوادت حق دارن بیان خونه ی من، نه من میرم خونه ی اونا، نزدیک یک سال خونمون نمیره رفتنی هم من خودم میرفتم، یه مدت این رو بهونه کرد سر کوچه پیاده می کرد شبها سر کوچه میومد نگه میداشت من رو میبرد رفته رفته بیشتر شد.

- رابطه متعارض با خانواده‌های مبدأ

خانم هفتم: آخه می دونید یه جوریه هست که خانواده خودش و برادرش اینا اصلاً براش ارزشی قائل نیستن قبولش ندارن. برای خودشم مهم نیست که برادرش اینا براش ارزش قائل باشن.

- الگوگیری از رفتارهای منفی خانواده مبدأ

خانم هفتم: می دونید ما واقعا خونه مون هم جدا باشه با باباش تو یه شرکت کار می کنن باباش خودش چاقو زده به زنش می گه به زن جماعت خیلی نباید محل داد نباید خیلی باهاش حرف زد از همه ی این نظر ها خوب تأثیر می ذاره واقعا به حرف باباش گوش میدی یعنی باباش یه جوریه که همه کس اش تو زندگیش، یعنی فکر می کنه باباش واقعا صلاح زندگیش رو می خواد.

ج) عوامل فراشخصی (مسائل مالی و شغلی و مسکن)

- ضعف یا مشکلات مالی شدید

خانم هشتم: ما اصلاً از لحاظ مالی چیزی نداریم که بخوایم اسمش را بزاریم چیزی بوده. فکرش را بکنید دو ماهه که تو این دوماه فقط به من دوتا ده هزار تومنی داده.

- بیکاری و مشکلات شغلی

خانم هشتم: مشکل من با ایشون بیکاریشه، بعد از این ۷ سال که من گیر دادم من هزینه ها را از خونوادم یا از کسی می گرفتم ولی متأسفانه ایشون سر کار نرفتن.

- ساعات کاری زیاد:

خانم سوم: امیر صبح ۷ میره کار می کنن ظهر به ساعت میاد ناهار میخوره دوباره میره شب ساعت ۹ میاد یعنی من در طول روز دو سه ساعت بیشتر نمی بینمش، چون کارش یه جوریه بود که صبح تا شب با هم بودن حتی روزای جمعه باباش صبح ۸ نشده زنگ میزد بهش بیا پایین فلان کار رو داریم، در خرابه، دیوار خرابه خب بابا این یه روز تو هفته خونه ست این هم که منتظر دستور باباش و مامانش و خواهرشه مخصوصا باباش

- مشکلات مسکن

خانم ششم: پول اجاره را نداشتیم بدیم: صاحبخونه ما را از خونه بیرون انداخت

در قسمت دیگری از الگوی طراحی شده استراتژی‌ها یا همان نحوه مقابله زوجین متقاضی طلاق و خانواده‌هایشان با موقعیت‌های دشوار و تفاوت‌ها که معمولاً منجر به تشدید سختی‌ها و اختلاف‌ها می‌شد کشف شد، در همین رابطه دو مقوله اصلی نحوه مقابله زوجین و خانواده‌های زوجین با مشکلات و سختی‌ها استخراج شد. لازم است ذکر شود که این استراتژی‌ها برای زمان‌های سخت زندگی و زمانی است که زندگی دچار چالش شده و یا اختلافات بروز پیدا کرده است.

۱- استراتژی ناکارآمد همسران در مقابله با سختی‌ها و اختلاف‌ها

✓ مقابله با استرس ناکارآمد

خانم ششم: اگر نتونه زندگی را از لحاظ مالی خوب تامین من ول میکنم میرم خونه بابام.

خانم هفتم: اگر سر به موضوعی کمی بحثمون بشه داد میزنه و فحش میده.

✓ علنی کردن سختی‌ها برای خانواده‌ها و فامیل

آقای دوم: یعنی مثلاً به چیزی بهش می‌گفتم سریع میرفت به مامانش می‌گفت، منم ناراحت میشدم، میگفتم چیزی نیست که به کم هم مشکلمون جدی میشد زنگ میزد به باباش، باباش هم آنی میومد می‌بردش.

✓ پیگیری برای حل مشکل از طریق عوامل بیرونی (دادگاه، بزرگترهای فامیل)

خانم سوم: بعد دیدم اینجوریه گفتم باشه، یعنی منم رفتم به نامه‌ی تعیین تکلیف نوشتم، گفتم من چند روزه خونه‌ی بابام اومدم موندم اینجا از همسر تقاضا دارم بیاد دنبالم، چون نمیومد دنبالم خداییش، تعیین تکلیف میشم دوست دارم پیام خونه و بیا دنبالم؛ اومد دنبالم رفتم خونه ولی دعوایا تمومی نداشت

دیگه این اواخر وقتی کار به جای باریک می‌رسه حرف من تو گوشش نمیره حرف مامان و بابام تو گوشش نمی‌رفت حرف مامان و باباش تو گوشش نمی‌رفت گاهی می‌گفت من باهش صحبت می‌کنم تو زندگی از این اتفاقا زیاد میفته ریش سفیدی می‌کنم زندگیتون درست شه، به داییم گفتم وساطت کرد ولی نشد به روز که خونه‌ی مامانم اینا بدم فکر کنم همون ده روز آخر بود که گفتم نیومد دنبالم رفتم تعیین تکلیف، به کاری که کردم نمیدونم اشتباه بود یا درست بود رفتم خونه‌ی عموی امیر از فامیلاشون هیچکس خبردار نبود هیچ کس این قضیه رو نمی‌دونست ازش خواش کردم گفتم باز برادر زاده‌ی تو بین میتونی به جور باهش حرف بزنی این بلا سرم اومده هیچ کس نمیدونه برو باهش صحبت کن الانم که الانه می‌گه بی اجازه‌ی من رفتی خونه‌ی عموم گفتم من به خاطر خراب شدن زندگیم رفتم گفتم شاید این راه حل جواب بده، می‌گفت من گفتم بری خونه‌ی بابات حالت خوب شه تو رفتی خونه‌ی عموی من شکایت کردی.

✓ محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش

خانم سوم: به روز بیدار شدم دیدم گوشی همراهم رو برداشته؛ اون موقعی که اختلافمون زیاد شده بود گوشیم رو برداشته گوشی ثابتمون رو برداشته آیفون رو قطع کرده؛ دیگه دنیا داشت رو سرم خراب می‌شد، نه کسی خونمون میومد نه مامان و

بابام میومد نه یه فامیلی و نه من رو میبرد اونجا، خب من تو این چهار طبقه چیکار کنم با هیچ کس هم رابطه ندارم حداقل قبلاً دو روز یه بار زنگ میزدیم به مامانم حالمو می دونست خلاصه تقریباً ۴، ۵ ماه به عید مونده بود این کارو کرد.

✓ بروز تعاملات منفی همسر در سختی‌ها و اختلاف‌ها (سکوت- انفجار، مطرح کردن جدایی، پیش کشیدن مسائل گذشته، کش دادن مسئله، توسل به فامیل، عدم گفتگو، توهین، بحث و جدل، بی توجهی متقابل، معذرت خواهی یک طرف، لج بازی)

خانم سوم: امیر هیچی از یادش نمیره می‌گه از تاتی تاتی راه رفتنم همه چیز یادمه. موضوعات را کشش میداد، یه مقداری هم لجباز و کینه ایه، هیچی یادش نمیره.

اوایل که به خونواده ی من می گفت جوابشو نمی‌دادم میگفتم امیر ببین بی احترامی نکن هر چی می خوای به من بگو می خواستم آرومش کنم جوابش رو نمی‌دادم ولی اواخر دیدم نه دیگه داره زیاده روی میکنه می گفت بابات فلان یه کلمه می گفتم بابای تو هم همونه.

✓ محبوس کردن همسر یا بیرون کردن همسر از خانه:

خانم آقای سوم: بعد ۵، ۶ ماه بود که از زندگیمون گذشته بود که امیر آخرین راه حل رو برای حل مشکل انتخاب کرد، پیام داد به خانواده م که بیاید دختر گلتون رو ببرید و این به درد من نمی خوره، همین یه جرقه ای شد.

✓ ابراز خشم ناکارآمد (پرخاشگرانه معطوف به خود، پرخاشگرانه معطوف به دیگران یا اشیاء،

پرخاشگرانه معطوف به همسر؛ پرخاشگری منفعلانه)

خانم سوم: ولی این اواخر دو سه بار ارزش کتک خوردم سه بار سیلی بهم زده بود.

آقای دوم: من و خانومم زیاد دعوا نمی کردیم، شاید بعضی وقتا ناراحت بودم دوبار هم بهش سیلی زدم

خانم هفتم: آقای رضوی یه اخلاق بدی داره وقتی عصبانی می شه خیلی بد عصبانی می شه (سرشو به دیوار می کوبه، ظرف ها رو می شکنه) و این باعث می شه من ارزش بترسم

۲- استراتژی های ناکارآمد خانواده‌های مبدأ در مقابله با سختی‌ها و اختلاف‌های پیش آمده در

زوج

• مطرح کردن شروط غیرمنطقی مبنی بر بازگشت بعد از قهر

آقای دوم: برای من شرط و شروطی گذاشتن؛ آقا محمدی هم اینجاست، مثلاً آقا محمدی هم نشون دادن، گفتم آقا الان وقت شرط و شروط نیست که شرط و شروط رو مرد میذاره اما من به خاطر بچه م قبول کردم، گفتن ماشینت رو بزن به نام دخترم، خونت رو زمین هات رو، حق طلاق رو بهش بده، حق مسکن رو همه رو بزن به اسمش بعد بیاد سر خونه و زندگیش.

• اجازه ندادن به فرزندشان برای ادامه دادن به زندگیش:

آقای دوم: بعد من با مادر این حرفم شد گفتن نمی زاریم بیاد، بازم ده روز دیگه نگهش داشتن.

- سرزنش گری دختر به خاطر فکر کردن به طلاق

خانم اول: خانوادم گفتند تو آدم بی عرضه ای هستی سر این مشکلات میخوای جدا بشی، پدرم میگه هر چی هست برو سازش کن.

- پیشنهاد راهکارهایی ناکارآمد:

خانم هفتم: اوایل همه گفتن بچه بیارید درست می شه بچه آوردیم بهتر نشد که بدتر شد، بچه که اومد بدتر شد سرد بودنشو کاملاً احساس می کنم.

- تشویق فرزند به تصمیم برای طلاق:

خانم سوم: باباش (بابای مرد) برگشت گفت طلاقش بده، گفت نگران نباش بچه هارو من خودم نگه میدارم، بچه م دوقلو بود، پدرش اینجوری پشتش می ایسته خیلی خیلی حرف شنوی داره از باباش. آقای دوم: بعد خانومم زنگ زد گفت بابام گفته برگشتنی اگه جواد ازت ناراحت بشه میریم یه درخواست طلاق میدیم میریم تو روستامون.

در ادامه چگونگی فرایند رابطه از لحظه آشنایی تا پایان ازدواج در زوجین متقاضی طلاق ترسیم شده است.

❖ تغییرات فرایندی رابطه

۱- قبل از عقد

✓ عدم شکل گیری مناسب ازدواج

۲- دوران عقد

✓ رفت و آمد کم

✓ بروز اختلاف زودهنگام

✓ عدم تعمیق صمیمیت

خانم سوم: صمیمیتمون اول خیلی کم بود خیلی روزای اول مثل غریبه ها بودیم دعوتش می کردیم امشب بیا میومد مثل یه مهمون می نشست با خونواده ی من زیاد گرم نبود دروغ نگم من هم زیاد با اونا گرم نبودم یه ساعت می نشست بعد میرفت، یا من مثل مهمون می رفتم خونشون

انقدر با هم تو ماشین کنار هم نشسته بودیم که یه بار امیر پیام داد که فریبا باور میکنی یه بار هم از روبرو ندیدمت، اونقدر تو ماشین نشسته بودیم رفتیم بیرون اصلاً از روبرو ندیده بود بیا این بار رودررو بشینیم حرف بزنیم رفتیم کارگاه، کارگاه هم که شب تعطیله دیگه تا ۱۲ کار می کنن بعد از اون تعطیله، نشستیم یه صندلی گذاشتم اونجا منم اونجا نشستم باور می کنید اون لحظه با این که با هم نامزد بودیم هم من از اون خجالت می کشیدم هم اون از من.

✓ گفت و گوی کم

✓ بروز زود هنگام اختلاف:

خانم هفتم: من ازش واقعا می ترسم از ۱۳ سالگی هی می ترسم که نکنه یه حرفی بزنم که اون پاشه یه کاری بکنه، اصلاً باهاش که حرف می زنم یه حرف هایی می زنه که با خودم تصمیم می گیرم که برم خودکشی کنم اصلاً حرف هاش ها اصلاً نمی تونم حرف هاشو قبول کنم.

✓ ناامیدی از موفقیت ازدواج

✓ تحمل شرایط

خانم هفتم: دوران نامزدی باهاش کنار اومدم، چون خانواده ما یه جوری که مرد و همه جوهره قبول داره (دست بزن داشته باشه) میگن مرد باید قبولش کنی، من واقعا ازش می ترسم نمی تونم زندگی کنم باهاش، یعنی اوایل به زور مامان بابام واقعا مجبور شدم تحملش کنم

۳- دوران زیر یک سقف

تشدید مشکلات و اختلافها

عدم شکل گیری اعتماد

شدت گرفتن تعارض

فروپاشی ازدواج

در ارتباط با پیامد های حاصل از این نوع رابطه به مقولاتی دست یافتیم که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۱- پیامدهای احساسی منفی

➤ خستگی:

خانم سوم: این با اون شرایطی که گفتم ده روز بیست روز یک بار هیچ وسیله ی ارتباطی ندارم، گفتم بابا دیگه نمی کشم کارم شده گریه من آدم نیستم تو این خونه، مادر شوهرم هم اونجا رو قرق کرده بودن.

➤ غمگینی

خانم هشتم: واقعا همیشه غم و غصه دارم، دارم دق میکنم

➤ تنهایی

خانم هفتم: صبح می ره سر کار ساعت ۸ ظهر ۲ میاد نهار می خوره بعضی وقتا میشینه با خانوادش حرف می زنه منم واقعا یه جور شده یعنی یه جور شده ۲۴ ساعته تو اتاقم یعنی کارم شده ۲۴ ساعته بمونم تو اتاق یعنی وقتی می بینم همسرم باهام حرف نمی زنه منم مجبور می شم با تنهایی بسازم، برم بشینم تو اتاق با بچه تا شب می مونم.

➤ نارضایتی و عدم دلخوشی

خانم ششم: زندگی اصلاً خوش نبود اصلاً باهاش هیچ دلخوشی ندارم

۲- پیامدهای شناختی منفی

➤ خسران

خانم ششم: زندگی را باختم

آقای اول: از اول اگر می گفت من الان اینقدر ضرر نمی کردم، جوونیم رفت.

➤ ادامه زندگی به خاطر ترس از طلاق

خانم هشتم: من واقعا از اسم طلاق ترس دارم، بهش پیام دادم گفتم بیا از صفر شروع کنیم

۳- پیامدهای رفتاری منفی

➤ تصمیم به طلاق

خانم هفتم: من واقعا می خوام طلاق بگیرم.

➤ پیگیری طلاق از مراجع قضایی

همچنین در این پژوهش دریافتیم که مواردی تحت عنوان شرایط زمینه‌ای، فضا را برای شکل‌گیری یک ازدواج ناموفق فراهم نموده‌اند که در ادامه ذکر شده است.

❖ شرایط زمینه‌ای:

✓ رواج طلاق در خانواده‌های اصلی

آقای دوم: الان مثلاً خواهرش دو بار طلاق گرفته، یه بار طلاق گرفته یه بار هم شوهرش مرده، خواهرش از این کوچیک تره ۱۱ سالگی یک بار ازدواج کرده یه بار هم ۱۳ سالگی.

خانم هفتم: مامان خودم طلاق گرفته بابام هم طلاق داده و دوباره ازدواج کردن.

✓ سابقه اعتیاد

آقای هشتم: من تقریباً ۸ سال اجبار به مصرف تریاک داشتم، دو سال و ۶ ماه و ۱۳ روزه که پاکم عضو انجمن هستم.

✓ خانواده‌های مبدأ پرتنش و یا ناکارآمد

خانم اول: خانواده ی من کاملاً سرده، تو خانواده ی ما کسی با کسی گرم نیست، من برای فرار از خونوادم ازدواج کردم

✓ اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده

خانم نهم: ما از دوتا دنیای جدایییم، از نظر فرهنگی از هیچ نظر ما اشتراک نداریم.

سؤال دوم: عوامل ازدواج پایدار رضایتمند از نظر زن و شوهرهای دارای ازدواج پایدار رضایتمند چیست؟

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مربوطه آورده شده است و سپس یافته‌های منتج از تحلیل داده‌ها ذکر گردیده است.

مجموعاً ۲۰ نفر (۱۰ زوج) دارای ازدواج پایدار رضایتمند مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختاریافته قرار گرفتند؛ که مشخصات فردی مصاحبه‌شوندگان در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۴-۳. ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند

شغل	میزان تحصیلات	طول مدت ازدواج	سن هنگام ازدواج	سن کنونی	تعداد فرزند
آقای اول	آزاد	۲۳ سال	۲۷ سال	۵۰ سال	۲
خانم اول	بازنشسته آموزش و پرورش		۲۱ سال	۴۴ سال	
آقای دوم	کارمند	۲۰ سال	۲۶ سال	۴۶ سال	۲
خانم دوم	کارمند		۲۵ سال	۴۵ سال	
آقای سوم	مهندس ایران ترانسفو	۲۴ سال	۲۴ سال	۴۸ سال	۱
خانم سوم	مهندس ایران ترانسفو		۲۳ سال	۴۷ سال	
آقای چهارم	مدیرعامل کارخانه	۲۰ سال	۲۵ سال	۴۵ سال	۲
خانم چهارم	خانه‌دار		۲۰ سال	۴۰ سال	
آقای پنجم	بازنشسته نظامی	۳۵ سال	۲۱ سال	۵۶ سال	۲
خانم پنجم	خانه‌دار		۱۸ سال	۵۳ سال	
آقای ششم	آزاد	۳۱ سال	۲۲ سال	۵۳ سال	۳
خانم ششم	خانه‌دار		۱۶ سال	۴۷ سال	
آقای هفتم	کارمند	۲۰ سال	۲۳ سال	۴۳ سال	۲
خانم هفتم	خانه‌دار		۱۸ سال	۳۸ سال	
آقای هشتم	آزاد	۲۸ سال	۲۰ سال	۴۸ سال	۲
خانم هشتم	بهبیار		۱۵ سال	۴۳ سال	
آقای نهم	کارمند، ناظر ساختمان	۳۵ سال	۲۵ سال	۶۰ سال	۲
خانم نهم	پرستار		۲۲ سال	۵۷ سال	
آقای دهم	آزاد	۲۲ سال	۲۷ سال	۴۹ سال	۲
خانم دهم	پرستار		۲۳ سال	۴۵ سال	

همان‌طور که در جدول (۳) آمده است میانگین سنی زنان در ازدواج‌های پایدار رضایتمند عبارت بود از ۴۵٫۹ و میانگین سنی مردان با ازدواج‌های پایدار رضایتمند عبارت بود از ۴۹٫۸ سال. میانگین اختلاف سنی زوجین ۵٫۱ سال بود و ۶۰ درصد از زوجین هر دوشاغل بودند و ۴۰ درصد از زوجین تک‌شغلی بودند. میانگین سن زنان در هنگام ازدواج ۲۰٫۱ سال بوده و میانگین سنی مردان به هنگام ازدواج ۲۴ سال بود. ۲۰ درصد از مردان مدرک فوق‌لیسانس و ۴۰ درصد مدرک لیسانس و ۲۰ درصد مدرک دیپلم و ۲۰ درصد سیکل بودند. در مورد زنان هم ۲۰ درصد مدرک فوق‌لیسانس و ۴۰ درصد مدرک لیسانس و ۱۰ درصد مدرک کاردانی و ۳۰ درصد هم مدرک زیر دیپلم داشتند. مدت دوام ازدواج این زوجین به‌صورت میانگین ۲۵٫۸ سال بود. در پایان فرایند کدگذاری باز و انتخابی مفاهیم و مقولات مستخرج شدند که این مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از این تحقیق در جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴-۴. مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از مصاحبه با زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند

کدگذاری باز	کدگذاری انتخابی		مفاهیم اولیه	نمونه مصادیق	مفاهیم ثانویه	
	انتخابی	مفاهیم ثانویه				
کدگذاری محوری	سفری به سوی ازدواج بالنده	شکل‌گیری مناسب ازدواج		* دوستش داشتم، اون کشش رو داشتم حالا بگید کشش، عشق دوست داشتن هر چی که بود این جاذبه برای من بود * من ۲۳ ساله بودم که ازدواج کردم، کارمند بودم و کار کرده بودم و آمادگی داشتم برای ازدواج.	استقلال نسبی	
					آمادگی نسبی برای ازدواج	
					آشنایی پیش از ازدواج	
					کشش و علاقه اولیه	
					انتخاب آگاهانه	
					انتخاب همرا با میل	
		نگرش‌های منجر به ازدواج پایدار	نگرش‌های مرتبط با خود		* وقتی گذشته رو نگاه می‌کنم می‌بینم که آدم موفق‌تری بودم.	تغییر را باید از خود شروع کرد
						نگاه مثبت به خود
			نگرش‌های مرتبط با همسر		* خانوم من به شخص موفقیه، از لحاظ مدارج تحصیلی و علمی به هر حال از نظر جایگاهی که تو دانشگاه خودشون دارن، تو خانواده محبوبیت دارن، از هر لحاظ به هر حال ایشون قوی هستن.	قبول داشتن همسر
						در اولویت بودن همسر نسبت به فرزند و خانواده‌ها
						انتظارات در حد توان داشتن از یکدیگر
				نگرش‌های مرتبط با خانواده		

		مبدأ	پای اون نمی زارم و ایشون هم همینطور.	تفکیک حساب همسر از خانواده‌های مبدأ
		نگرش‌های مرتبط با دیگران	* نهایت سعیم رو میکنم به خانواده‌ها کمک کنم، نه به این اندازه که حق خانومم و حق خانواده م رو بخورم برای این که اونا کارشون درست بشه.	نگرش‌های مرتبط با دیگران
				اولویت داشتن خانواده نسبت به دیگران
				اهمیت زیاد از حد نداشتن بازخورد دیگران
		نگرش‌های مربوط به زندگی	* اختلاف تو هر زندگی ای هست منتها اون سعی و تلاشی که انجام میدن برای رفع مشکل و از بین بردن اختلافها مهمه.	نگرش‌های مربوط به زندگی
				انتظار سختی از زندگی داشتن
				وجود اختلاف را در زندگی طبیعی دانستن
				پیش فرض تداوم زندگی
	نگرش‌های مرتبط با دین		* قران خیلی بهش آرامش میده مثلاً صبح بعد اذان حتما میشینه قران میخونه * خیلی ارتباطم با خدا خوبه، هر چی خواستم بهم داده، هر چی از خدا بخوام باهاش راز و نیاز می‌کنم بهم می‌ده. * من از ۱۸ سالگی روزه ام رو یک روز هم ترک نکردم، روزه م رو گرفتم حالا شاید به خاطر ماموریت یا مریضی یه روز نگیرم	نقش مثبت خدا در زندگی (امیدواری، آرامش، شادی، مسئولیت و تعهد، بازدارندگی، نگه دارندگی، افزایش اعتماد به یکدیگر، تحمل سختی‌ها، نزدیکی بیشتر اعضا خانواده به هم)
				ارتباط خوب با خداوند (تشکر از خدا، نماز و روزه، گفتگو با خدا، دعا کردن)
				تکیه به خداوند (رضای الهی را بالاترین دانستن، تسلیم خواست الهی بودن، اعتماد به خدا داشتن)
				تابعیت از احکام مذهبی (نماز، روزه، رفتن به اماکن مذهبی، اعتقاد به حلال و حرام)
				هم سو بودن دینی
	مؤلفه‌های شخصیتی مؤثر در		* به خودم گفتم باید اونقدر بجنگم تا ایشون را راضی کنم	روحیه جنگنده داشتن، سخت کوش و پرتلاش بودن

ازدواج‌های پایدار		* ما سختی زیاد کشیدیم ولی خدای نکرده نگفتم مثلاً من تو را نمی‌خوام چرا اینجوری کردی.	مقاومت (صبور بودن و تحمل سختی‌ها)
			خود خواه و خودرای نبودن
			از خودگذشتگی
			نوع دوستی (کمک به دیگران)
منظومه زن‌وشوهری کارآمد	عشق و تعلق خاطر	* من همسر را بغل میکنم * خانم احساساتش را نسبت به من خوب بیان میکنه * این‌ها رو ما رعایت می‌کردیم (نمی‌گذاشتم وقتی زنم از سرکار بیان بچه‌ها شلوغ کنن تا زنم بتونه استراحت کنه) تا فشار روش نباشه چون اگه فشار روی خانوما زیاد باشه سخته، اذیت می‌شن و دچار استرس میشن.	ابراز کلامی و غیر کلامی محبت
			احساس دلسوزی و شفقت و محبت به هم داشتن
			مراقبت از هم
			رابطه جنسی خوب
			صمیمیت (عشق)
			تعهد به همسر
			صرف اوقات با هم
	تفریح	* وقتی شوهرم خونه است من هیچ جا نمی‌رم، دوست دارم باهاش باشم و اوقاتم رو با اون بگذرونم تا این‌که پاشم برم یه مهمونی معمولی که برام مهم نیست	داشتن تفریحات زوجی
	حفظ حریم زندگی زن‌وشوهری	* ما چند تا خواهریم هیچ کدوممون مسایلمون رو به خانواده‌هامون انتقال نمی‌دیم * به خانواده‌ها اجازه دخالت نمی‌دادم.	عدم اجازه دخالت اطرافیان
			پاسداری از حریم زوجی
			عدم انتقال مشکلات به خانواده‌های مبدأ و فامیل
			عدم انتقال مسائل به فرزندان
			مرد در اس هرم قدرت بودن
	نقش‌ها	* حاج آقا وقتی میومد خونه می‌دید خونه کثیفه خودش تمیز می‌کرد، می‌شست مثلاً لباس‌های خودش رو می‌شست.	کمک به یکدیگر در ایفای نقش‌ها
			انعطاف‌پذیری در نقش‌ها
			تفکیک و مشخص بودن نقش‌ها
	ارتباط خوب	* هنوز با اشتیاق به حرف‌های هم گوش میدیم، میتونم بگم گفت و گو هامون خیلی لذت‌بخشه. * من می‌تونم حرفمو بهش بگم، راحت یعنی هر	گفت و شنود مؤثر
			نبود تحقیر، توهین، دفاعی بودن و سکوت‌های حاکی از بی‌محلی

			بیان انتظارات از هم	
			مقایسه نکردن	
			اعتماد متقابل	
			صداقت و نبود پناهنکاری	
			سعی در رشد و ارتقای یکدیگر	
			* ما به هم کمک میکنیم تا پیشرفت کنیم.	
	تصمیم گیری کارآمد		* وقتی همسر من می خواد به کاری بکنه با من مشورت می کنه، با این که آدم مقتدریه ولی هیچ کاری رو بدون من انجام نمی ده، همیشه مشورت می کنه	
			* من سعی نکردم تو خونه یک دیکتاتوری ایجاد کنم یا حتی ایشون طوره که بدون اجازه من باشو از خونه بیرون نمی ذاره یا حتی من که مرد هستم بدون اجازه ایشون کاری را انجام نمی دم	
	همسویی و مشارکت		* ما تقریباً از لحاظ فکری و اون چیزهایی که تو زندگی می خوایم با هم اشتراک نظر داریم.	
				همسویی در علایق و تمایلات
				همسویی در افکار و باورها
			همراهی و مشارکت	
			احترام در حضور جمع	
			* ما تو جمع به هم احترام میزاریم و جلو بقیه بی احترامی نمی کنیم به هم.	
	منظومه والدینی کارآمد		* ما با هم در تربیت فرزندمون هماهنگ و هم نظر عمل می کنیم * بچه که به دنیا اومد زندگیمون شیرین شد، بچه صمیمیت ما را بیشتر کرد.	
هم سو بودن در تربیت				
نقش مثبت فرزند در خانواده				
آموزش به فرزندان				
		کمک فرزندان به والدین		
منظومه خانواده‌های مبدأ کارآمد		* پدر من خیلی صبور بود، صبر و از اون یاد گرفتم *: من اون جایی که واسه خانواده من و یا خانواده همسر من که پیش میاد خودم را میذارم کنار و سعی می کنم بچسبیم به این مشکل و حلش کنیم		
			کمک به خانواده‌ها در صورت نیاز	
			احترام به والدین در هر صورت	
			الگوگیری از ویژگی‌های مثبت و الگو گیری معکوس از ویژگی‌های منفی خانواده‌ها	
			مداخله گر نبودن	
			نقش مثبت داشتن	

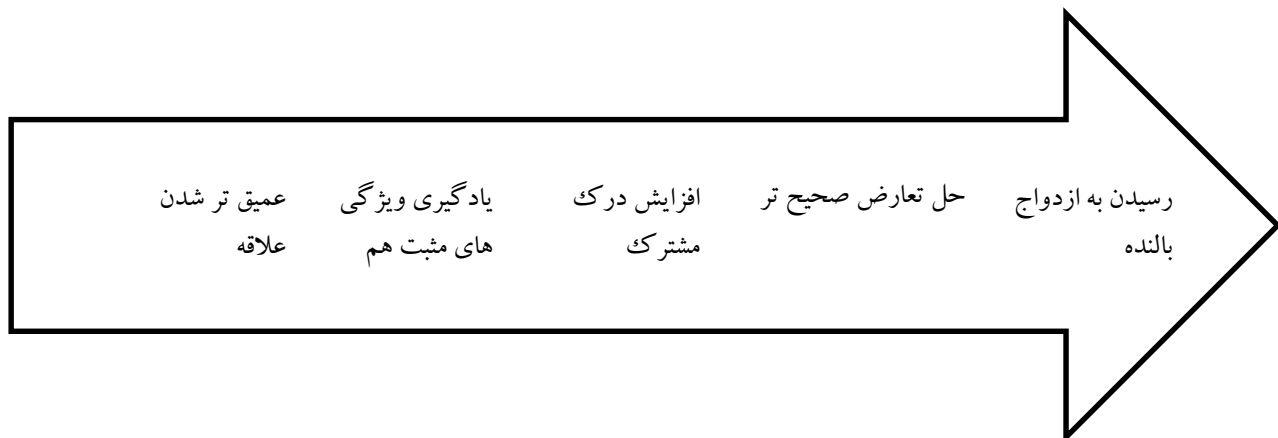
	مسائل مالی و مسائل کاری		* من از همون اول شغل داشتم * تا حالا فقر سراغمون نیومده	داشتن شغل
				عدم وجود مسائل مالی شدید
واکنش زوج در هنگام سختی‌ها و اختلاف			* من تو کارای خونه کمکش می کردم چون اگه کمکش نمی کردم نمی تونست بچه ها کوچیک بودن شلوغ بودن کسی باید اینارو بیرون ببره گردش ببره نه به کارای خونه برسه وقتی از سر کار میومد خیلی خسته بود من بهش می گفتم خانوم شما استراحت کن من خودم هم خسته بودم ولی کار من نسبت به کار ایشون راحت تر بود * به نظر من گذشت شاه کلیده.	استفاده از کمک اطرافیان
				معنویت و مذهب
				حمایت، امیدوار کردن، آرامش دادن به یکدیگر
				سعی در درک متقابل
				گذشت
				حل مسئله
				سعی در اصلاح و تغییر
				سهل گیری، نرمش و کوتاه آمدن موقت
				گفتگو
				حل تعارض و مدیریت استرس صحیح
				مدیریت خشم
				عذرخواهی
				شوخی طبعی و خنده
				باز خورد همراه با نرمش و بار مثبت
				کاهش حساسیت
				تحمل سختی‌ها
	واکنش خانواده‌های مبدأ در هنگام سختی‌ها و اختلاف		* وقتی یه کم دلخوری پیش میومد خواهرام بهم می گفتن شوهر خوبی داری یا مثلاً خانوادش خیلی خوبن و آدم احساس می کنه خانواده پشتش هست و هوای شوهرت رو دارن.	اتخاذ رفتارهای دلگرم کننده توسط خانواده‌های اصلی
				همسو بودن فرهنگها و سطح خانواده
				عدم وجود و قبیح بودن طلاق در خانواده‌های اصلی
	شرایط زمینه‌ای		* فرهنگمون هم ترازه آدم احساس میکنه بعضی خانواده‌ها که همترازی فرهنگ ندارن یه مقدار اختلافاتی پیش میاد	عمیق تر شدن عشق و علاقه نسبت به یکدیگر

تغییرات فرایندی رابطه		حل تعارض صحیح تر
		افزایش درک مشترک به مرور زمان
		تأثیر مثبت روی همدیگر
		افزایش رضایت از رابطه

بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌ها، مقولات اصلی به‌منزله عوامل کمک‌کننده به ایجاد ازدواج پایدار رضایتمند حاصل شد که در جدول بالا تشریح شد. پس از انجام کدگذاری محوری ارتباط این مقولات با یکدیگر در قالب الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه زمینه‌شناسایی شد که در شکل ۲ تحت عنوان الگوی ازدواج پایدار رضایتمند نشان داده‌شده است. لازم به ذکر است که در ادامه فرایند کدگذاری با انجام کدگذاری انتخابی، طبقه یا مقوله‌ی سفر به‌سوی ازدواج بالنده به‌عنوان طبقه مرکزی شناسایی شد که تمام طبقات فرعی به آن بازمی‌گردد و چارچوبی برای الگوی ارائه‌شده فراهم آورد. طبقه مرکزی مذکور به برقراری نوعی یکپارچگی در کدها و مقوله‌ها کمک و منجر به ایجاد یکپارچگی در الگوی نهایی شد که در فصل پنجم یعنی فصل بحث و نتیجه‌گیری به آن پرداخته‌شده است.



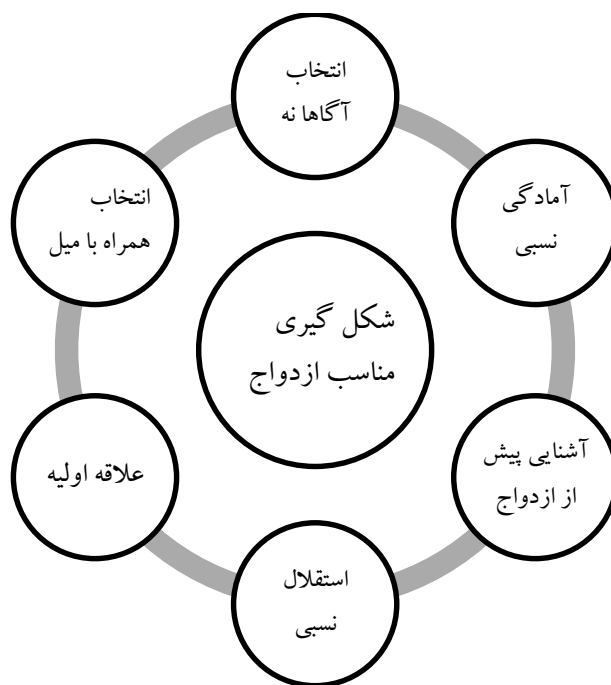
مقوله مرکزی: سفری به سوی ازدواج بالنده



در ادامه به تشریح الگوی پارادایمی به‌دست‌آمده از زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند که به‌صورت الگویی از ازدواج‌های پایدار رضایتمند ترسیم شد پرداخته‌شده است.

در این الگو، عامل علی شامل مقوله شکل‌گیری مناسب ازدواج است که دربردارنده‌ی مفاهیم متعددی بود که در زیر به آن پرداخته‌شده است.

❖ شکل‌گیری مناسب ازدواج



این مقوله شامل کدهای مفهومی: وجود کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی برای ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب با میل خود، انتخاب آگاهانه و داشتن استقلال نسبی بود؛ که برخی از جملاتی که زوجین در این رابطه بیان کرده‌اند به‌عنوان مصداق در زیر آمده است:

✓ وجود کشش و علاقه اولیه

خانم ششم: دوستش داشتم، اون کشش رو داشتم حالا بگید کشش، عشق دوست داشتن هر چی که بود / این جاذبه برای من بود.

خانم سوم: اون عشق و علاقه اولیه در ما وجود داشته که / این زندگی ادامه پیدا کرده، عشق و علاقه اولیه که باشه ۹۰ درصد مشکلات حله.

خانم نهم: ما به هم علاقه داشتیم وقتی دیدمش ارزش خوشم اومد همسر هم وقتی منو دید خوشش اومد.

✓ آمادگی نسبی برای ازدواج:

آقای اول: فکر می‌کنم هیچ کس آمادگی صد در صد رو نداره یعنی کسی بگه آقا مثلاً بمونم تو چهل سالگی ازدواج بکنم، ولی نسبت به هم سن و سال‌های خودمون پخته تر بودیم.

خانم نهم: خوب من فکر می‌کردم ازدواجم به موقع است و آماده بودم.

آقای نهم: من ۲۳ ساله بودم که ازدواج کردم، کارمند بودم و کار کرده بودم و آمادگی داشتم برای ازدواج.

✓ آشنایی پیش از ازدواج:

خانم ششم: ما می‌نشستیم با هم حرف می‌زدیم، راجع به اعتقاداتمون با هم حرف می‌زدیم مثلاً چی دوست داری، یک سال تقریباً که می‌شناختیم و همش حرف می‌زدیم با هم این از خودش به من می‌گفت من از خودم بهش می‌گفتم.

خانم سوم: اتفاقاً قبل از اینکه با هم عقد بکنیم با هم صحبت می‌کردیم، یه آشنایی مقدماتی می‌خواستیم با هم پیدا کنیم.

آقای ششم: وقتی شناخت هست انگار آدم اولین قدم رو بر می‌داره، خوب همدیگه رو کاملاً می‌شناختیم، ایشون دختر خاله منه. خانم دوم: ۵ و ۶ ماه بعد از اینکه صحبت کردیم عقد کردیم.

✓ داشتن استقلال نسبی:

آقای ششم: من از همون ۱۶ سالگی روی پای خودم وایستادم می‌رفتم صدا و سیما کار می‌کردم زیاد نمی‌دادن ولی همون صد تومن نیاز هامو رفع می‌کرد تا اون سن

آقای چهارم: یه خصوصیت که همه در مورد من می‌گن استقلال و پشتکارمه، من از ۱۸ سالگی از پدرم پول تو جیبی نگرفتم می‌گفتم باید خودم کار کنم.

✓ انتخاب آگاهانه:

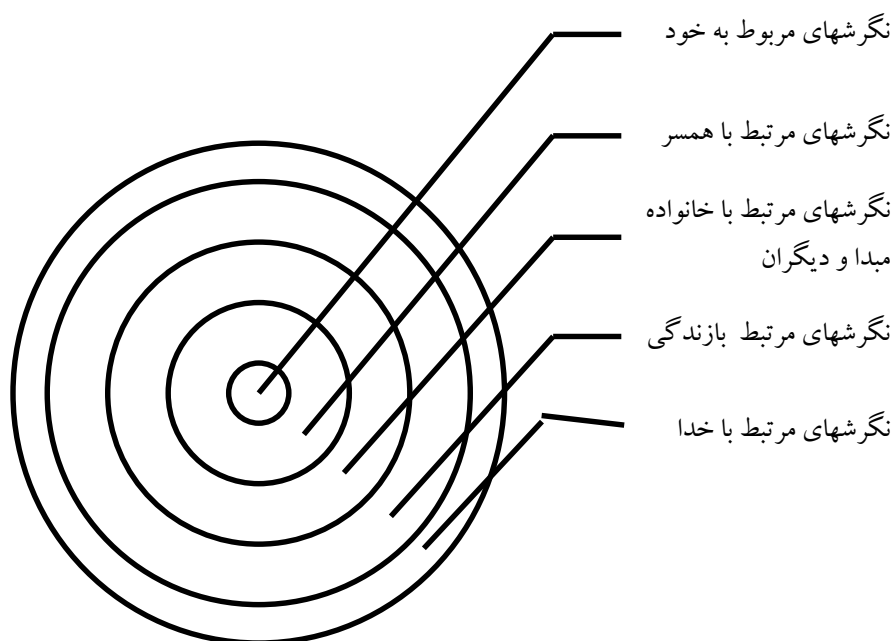
آقای اول: قبل از ازدواج اومدم رو برگه نوشتیم که آقا این خصوصیات مثبت رو داره و این خصوصیات منفی رو داره و بالا و پایین کردم که آیا میشه روش حساب کرد یا نه.

آقای ششم: من یه کتاب در مورد ازدواج خوندم قبل از اینکه ازدواج کنم، سه جلد کتاب بود و سعی کردم بر اساس معیار هایی که تو اون کتاب بود به افرادی که می‌شناختم نمره بدم، همسرم بالاترین نمره را آورد.

✓ انتخاب با میل

خانم دهم: من با رغبت همسر را انتخاب کردم، خانوادم من را در انتخاب آزاد گذاشتن مثل بعضی از دخترهای اون زمون من را مجبور نکردن.

در ادامه عوامل مداخله‌ای (میانجی) شناسایی شدند، در این زمینه به تعدادی مقوله در پژوهش حاضر دست‌یافتیم که باعث تسهیل تداوم رابطه رضایت‌مند گردید که آن‌ها را در سه دسته مقولات اصلی دست‌بندی کردیم که عبارت‌اند از: ۱- عوامل درون شخصی ۲- عوامل بین شخصی ۳- عوامل فرا شخصی
عوامل درون شخصی شامل نگرش‌های زوجین در رابطه با خود، همسر، خانواده مبدأ و دیگران، زندگی زن‌وشوهری و خدا تقسیم‌شده که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.



الف) عوامل درون شخصی

۱- نگرش‌های مربوط به خود:

✓ قبول داشتن خود:

آقای چهارم: وقتی گذشته رو نگاه می‌کنم می‌بینم که آدم موفق بودم.

آقای دوم: فکر می‌کنم آدم موفق بودم و تونستم از پس مشکلات بریام.

✓ تغییر را باید از خود شروع کرد

خانم اول: پس توی زندگی هر انسانی از نظر انسانیت باید انسان باشه تا انتظار داشته باشه که دیگران هم خوب شن؛ یعنی باید از خودش شروع کنه، اگه این انسانیت نباشه، این خوب بودن نباشه چطور میتونه انتظار داشته باشه، مثلاً من نماز می‌خونم به بچه‌ها میگم بخونید، یه روزی که خودم نخوندم جرات نمی‌کنم بگم امیرحسین نمازت رو خوندی، خب وقتی من خودم نخوندم چجوری به اون بگم

آقای اول: این به نظر من معقولانه‌ترین حرفی هستش که میشه زد من اول سعی کردم و سعی می‌کنم که تو رفتار خودم به تغییراتی رو بدم، همون تغییر دادم که سعی کردم این فاصله هارو مراعات کنم.

۲- نگرش‌های مربوط به همسر:

✓ قبول داشتن همسر:

آقای دهم: خانوم من یه شخص موفقیه، از لحاظ مدارج تحصیلی و علمی به هر حال از نظر جایگاهی که تو دانشگاه خودشون دارن، تو خانواده محبوبیت دارن، از هر لحاظ به هر حال ایشون قوی هستن.

خانم دهم: شوهرم تلاش خیلی خوبی داشت، روحیه معنوی همسر رو بیشتر از خودم می پسندم.

خانم دوم: شوهرم ادم مهربون و منطقیه.

خانم چهارم: همسر آدمیه که خانواده داره، اهل کاره، خوب یه سری مردا احساس مسئولیت پذیری ندارن به خانوادش اما همسر هر کاری که از دستش برآمده که بتونه من رو خوشبخت کنه واقعا کم کاری نکرده.

✓ انتظار در حد توان داشتن از همسر:

آقای ششم: یه عامل برای موفقیت ما انتظارات بیشتر از توان نداشته، من خودم به شخصه این طوری هستم.

✓ در اولویت بودن همسر نسبت به فرزندان و خانواده مبدأ:

آقای ششم: من واقعا می گم اگه بخوایم تقسیم بندی کنیم شاید همسر رو از سه تا بچه هام بیشتر دوست دارم یعنی اون سه تا رو به جا بذاری درحالی که مهر پدری و این جور چیزا همه دخیل هستن باز هم به تنهایی این رو از اون سه تا بیشتر دوست دارم.

آقای دهم: من به خانومم می گفتم به هر حال خانواده ام هستن ولی اولویت اول به هر حال شما یید.

۳- نگرش‌های مرتبط با خانواده‌های مبدأ:

✓ تفکیک حساب همسر از خانواده مبدأ

آقای اول: هیچ موقع من کارایی رو که مادر خانمم میکنه به پای خانمم نمی زارم یا مثلاً برادرش میکنه به پای اون نمی زارم و ایشون هم همینطور.

✓ مقبول و مثبت دانستن خانواده‌های مبدأ

خانم سوم: آدمای خوبی هستن با وجودیکه مادرم با ما زندگی میکنن و مادر شوهرم هم ۹۰ درصد روزها پیش ما هستن ولی اصلاً بحشون نشده.

۴- نگرش‌های مرتبط با دیگران:

✓ اولویت داشتن امور خانواده نسبت به دیگران

آقای اول: مثلاً بیش از حد دغدغه خانواده رو داشتم، خب کارایی هست که از دست من برنمید، نباید خودم رو بکشم که یه کاری مثلاً اتفاقی براشون پیش اومد اون موقع بود مثلاً خودم رو به زمین و زمان می زدم الان هم نهایت سعی م رو میکنم بر اثر تجربه این رو به دست آوردم که نهایت سعیم رو میکنم نه به این اندازه که حق خانومم رو حق خانواده م رو بخورم برای این که اونا کارشون درست بشه.

✓ اهمیت زیاد از حد نداشتن بازخورد دیگران.

۵- نگرش‌های مرتبط با خدا:

✓ نقش مثبت خدا در زندگی (امیدواری، آرامش، شادی، مسئولیت و تعهد، بازدارندگی، نگه دارندگی، افزایش اعتماد به یکدیگر، تحمل سختی‌ها، نزدیکی بیشتر اعضا خانواده به هم):

خانم چهارم: من هر چی دارم از خدا دارم..

آقای هفتم: خدا همیشه در حق ما مثل بقیه بنده هاش لطف داشته و دستمون را گرفته.

✓ تکیه به خدا:

آقای پنجم: زندگی کنی خدا رو هم در نظر بگیری. اول باید خدا رو در نظر بگیری. توکل بخدا من یه پرانتز باز کنم میخوامم برم جبهه رفتم پیش یه شبخی. خدا رحمت کنه فوت کرد. دیگه نمی دونم شما هم عقیده دارید استخاره بکنم گفتم حاج آقا میخوام یه استخاره بکنید. من میخوام برم فلان جا. خوبم استخاره می کرد استخاره کرد گفت خوبه. آخرش خوبه. برو به سلامت. گفتم هر چی قسمت خدا باشه اون پیش میاد. من رفتم ساوه آخر شب مثلاً زخمی شدم اونم جزئی. یه ماه دو ماه بیمارستان می موندم خوب می شدم. خدا کمک کرد خوب شدیم تا رسیدیم اینجا. اگه خدا رو در نظر بگیریم آدم موفق میشه.

✓ رابطه خوب با خدا:

خانم چهارم: خیلی ارتباطم با خدا خوبه، هر چی خواستم بهم داده، هر چی از خدا بخوام باهاش راز و نیاز می کنم بهم می ده.

✓ انجام اعمال و دستورات مذهبی:

آقای چهارم: من هر چقدر که دارم میرم جلو داره بیشتر میشه، چون نشانه هاش رو میبینم، اولش اون حداقل هایی که بود، اون روزه و نماز و این ها و در مورد اعتقاد ها من هر لحظه که توی سختی کار هستم باعث میشه که بیشتر خدا رو لمس کنم یعنی سختی کار باعث شده که آدم بیشتر به خدا نزدیک شه، بحث ریا هم نیستا من کلا روزه رو یه تمرین میدونم شاید خیلی ها اینطوری ندونن، من از ۱۸ سالگی روزه ام رو یک روز هم ترک نکردم، روزه م رو گرفتم حالا شاید به خاطر ماموریت یا مریضی به روز نگیرم ولی اعتقاد دارم، نمازم رو قبلاً کامل می خوندم اما الان قطع و وصل میشه ولی قطع نمیشه، اعتقادات خیلی تأثیر داره به نظر من.

خانم نهم: وقتی کسی نماز می خونه چشم پاکی دست پاکی، سال ها همسر من تو اداره ی پست ناظر ساختمان بودن بارها می شد که جلوی در خونمون برای ما کادو میاوردن مثلاً یه بار گوسفند آوردن یه بار چی آوردن اصلاً همسر من قبول نکرد، با این که ایشون برادر شهید بودن به هیچ کس نگفت که من برادر شهیدم، از یه جایی فهمیدن که ایشون برادر شهیده زنگ زدن به مدیر کل که شما چرا به ما نگفتی! گفتن که ما هم نمی دونستیم برادر شهیده، بعد رفت کارشناسی رو گرفت ولی همه ی اینها برای چی بود برای ایمان به خدا و پیغمبر و دروغ نگفتنش.

خانم هفتم: قرآن خیلی بهش آرامش میده مثلاً صبح بعد اذان حتما میشینه قرآن میخونه

✓ هم سو بودن دینی

آقای ششم: بحثی که میگه زن و مرد هم کفو باشن این زن و مرد کفو باشن خیلی مهمه نه این که بیان بگن بابای این دو تا مغازه داره بابای این دو تا مغازه داشته باشه پس اینا با هم هم کفون؛ این که از لحاظ فکری و اعتقادی میان با هم همکفو میشن خیلی مهمه.

۶- نگرش‌های مرتبط با زندگی زن‌وشوهری

✓ انتظار سختی را از زندگی داشتن:

آقای هفتم: زندگی زن‌وشوهری به جوریه باید بفهمی زندگی یعنی چی زندگی رو باید بفهمی، بفهمی زندگی سختی داره خرج داره. خانم پنجم: اون موقع که ما ازدواج کردیم حاج آقا رفت جبهه من ۸ سال با بچه ها تنها بودم. حاج آقا بهم می گفت مشکلی چیزی؟ می گفتم آدم باید تحمل کنه زندگی اینجوری میشه دیگه.

✓ وجود اختلاف را در زندگی طبیعی دانستن

آقای سوم: اختلاف تو هر زندگی ای هست منتها اون سعی و تلاشی که انجام میدن برای رفع مشکل و از بین بردن اختلافها مهمه.

✓ پیش فرض تداوم زندگی:

خانم اول: انگیزه خیلی مهمه، اینکه آدم بخواد زندگیش پابرجا بمونه، خوب بگذره، به خوشی بگذره، ...اگه این انگیزه نباشه آدم می تونه با دو تا ایراد گرفتن و بحث زندگی شو از هم بپاشونه

ویژگی‌های شخصیتی مؤثر

✓ سخت کوش، پرتلاش بودن و روحیه جنگنده داشتن

خان هفتم: ما به دختر دانشجو داریم با حقوق کارمندی هر جورکه شده سعی می کنه پول فراهم کنه به خودش سختی میدن اما فراهم میکنه.

آقای چهارم: به خودم گفتم باید اونقدر بجنگم تا ایشون را راضی کنم. آقای هشتم: دو نفرمون کار می کنیم من ساعت ۱۱ میرم خونه نه جمعه دارم نه تعطیلات.

✓ مقاومت: (صبور بودن و تحمل سختی‌ها)

آقای نهم: ما سختی زیاد کشیدیم ولی خدای نکرده نگفتم مثلاً من تو را نمی خوام چرا اینجوری کردی.

آقای هفتم: ما تو زندگی سختی داشتیم ولی تحمل هم داشتیم

✓ از خودگذشتگی:

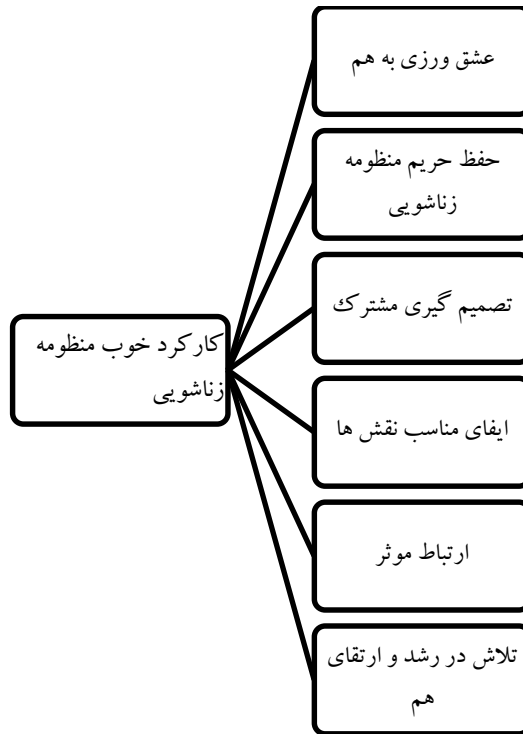
آقای سوم: من اون جایی که واسه خانواده من و یا خانواده همسرم مشکلی پیش میاد خودم را میذارم کنار و سعی می کنم بچسبیم به این مشکل و حلش کنیم. خدای نکرده واسه مامانشون به مشکلی پیش بیاد من دیگه نمی گم الان باید کار خودم را انجام میدادم سعی می کنم کمکشون کنم.

✓ نوع دوستی (کمک به انسان‌های دیگر):

آقای دهم: هر وقت دور و بر ما کسی مریض بوده یا مشکل داشته ما پیش قدم بودیم. وقتی به کسی مشکل داره خانوم من سریع پیش قدم میشه، مشکل دیگران رو مشکل خودمون می دونیم.

ب) عوامل بین شخصی

➤ کارکرد خوب منظومه زن و شوهری



۱- عشق ورزی و تعلق خاطر

✓ ابراز کلامی و غیر کلامی محبت

آقای دوم: من همسرم را بغل میکنم

آقای هشتم: زن که میاد ازدواج میکنه احساس می خواد دیگه من اون احساس رو به اون میدم.

آقای ششم: خانم احساساتش را نسبت به من خوب بیان میکنه

آقای سوم: خدا را شکر خانوادمون پر از ابراز احساسات به همه

خانم چهارم: از هر فرصتی استفاده میکنم که محبتم را بهش نشون بدم

خانم ششم: سرم را میزارم روی پاهاش تلویزیون نگاه میکنم، مثلاً شوهرم با موهام بازی میکنه.

✓ احساس دلسوزی و شفقت و محبت به هم داشتن:

خانم دهم: واقعاً دوسش دارم به موقعی دلش رو بخوام بشکنم به حرفی بگم که ناراحتش بکنه بیشتر خودم ناراحت میشم.

خانم هشتم: من واقعاً بهش احترام میدارم خیلی هم دوسش دارم و حواسم بهش هست.

✓ مراقبت از هم:

آقای نهم: این ها رو ما رعایت می کردیم (نمی گذاشتم وقتی زنم از سرکار بیان بچه ها شلوغ کنن تا زنم بتونه استراحت کنه) تا

فشار روش نباشه چون اگه فشار روی خانوما زیاد باشه سخته، اذیت می شن و دچار استرس میشن.

✓ رابطه جنسی خوب:

آقای هشتم: زنی هم که میاد ازدواج میکنه احساس می خواد دیگه یعنی اگر نمی تونیم ارضاش کنیم این چیکار میکنه میره با اون این باعث میشه زندگی خراب بشه.

✓ صمیمیت (عشق):

خانم نهم: علاقمون روز به روز افزایش پیدا کرد، یکی از دوستانمون برامون هدیه فرستاده بودن چند ماه پیش، دخترم عروسی کرد که رفت بعد اینا هدیه فرستادن یه سری فنجون بود و گفته بودن برای دو تا کبوتر عاشق اسم هارو نوشته بودن کبوتر عاشق.

خانم هشتم: با هم صمیمی هستیم

آقای هشتم: ما با هم دوستیم و هم زن وشوهر، خیلی با هم حرف میزنیم.

خانم ششم: بعد کم کم دیدم این کشش نیست واقعا خیلی دوستش دارم.

✓ تعهد:

خانم هشتم: به هم اعتماد داریم

آقای هشتم: تعهد خیلی مهمه ما به هم اعتماد داریم

۲-تفریح

صرف اوقات با هم:

خانم چهارم: وقتی شوهرم خونه است من هیچ جا نمی رم، دوست دارم باهاش باشم و اوقاتم رو با اون بگذرونم تا این که پاشم برم یه مهمونی معمولی که برام مهم نیست

خانم نهم: البته همه جارو با هم می ریم و دور از هم نیستیم

داشتن تفریحات خانوادگی:

خانم چهارم: مثلاً همه ی فامیل میدونن روزای جمعه و روزای تعطیل من با هیچ کس قرار نمی زارم حتی الان که ۲۰ سال از زندگیمون گذشته همه میدونن که لیلا الان هیچ جا نمیدم مگه اینکه خیلی اضطراری و واجب باشه، با هم میریم میگردیم.

۳- حفظ حریم زندگی:

• عدم انتقال مسائل به اطرافیان:

خانم چهارم: ما چند تا خواهریم هیچ کدوممون مسایلمون رو به خانواده هامون انتقال نمی دیم، هم من و هم شوهرم توی این ۲۰ سال ادم هایی هستیم که مشکلاتمون رو خودمون حل کردیم تا اون جایی که بتونیم به خانواده ها انتقال نمی دیم.

• عدم اجازه دخالت اطرافیان:

خانم دهم: من یه موقعی احساس کنم که از طرف یه شخص ثالث بهش بی احترامی میشه یا مثلاً یه جورایی مورد انتقادای ناجور قرار میدن واقعا جبهه میگیرم حمایتش می کنم و اجازه نمیدم چه به خانواده ی خودم چه به خانواده ی خودش که بخوان بهش چیزی بگن.

آقای هشتم: مثلاً ما دعوا هم داشته باشیم بین خودمون حل می کنیم به هیچ کس اجازه نمی دیم وارد معرکه بشه مثلاً بگه نه این درست میگه این یکی درست میگه، مثلاً اگه یکی وارد معرکه بشه مشکل بزرگتر میشه.
خانم دهم: به خانواده ها اجازه دخالت نمی دادم.

● پاسداری از حریم زوجی:

خانم چهارم: اگه من از شوهرم دلگیر باشم و اون رو بخوام به مامانم انتقال بدم، ذهنیتش عوض می شه و اون احترامی که باید رو برای شوهر من دیگه قایل نمی شه

آقای هفتم: ما جوری رفتار میکنیم که دیگران نه تنها دخالت نکنن، بهمون احترام هم میدارن. نه اینکه اونا دخالت کننده نباشن، رفتارهای ما با همدیگه و تو بیرون باعث شده که به ما احترام بدارن.

● مرد در راس هرم قدرت بودن:

آقای اول: من صادقانه میگم من مردسالاری رو تو خونه احساس میکنم باید باشه، با هم صحبت هم کردیم میگویم که اولین حرف تو خونه باید توسط یه نفر زده بشه اون هم چه بهتر از زبان من زده بشه.

۴- ایفای مناسب نقش ها:

✓ کمک به یکدیگر در ایفای نقش ها:

خانم پنجم: حاج آقا وقتی میومد خونه می دید خونه کثیفه خودش تمیز می کرد، می شست مثلاً لباس های خودش رو می شست.

خانم دهم: مثلاً موقع نگهداری بچه ها خیلی کمک می کرد حساب بکنید که من صبح که میومدم خونه دیگه نمی دونستم که این شب تا صبح چه جوری شده خودش هم بعضی موقع ها حالا به منم خیلی نمی گفت که من بخوام ناراحت بشم خب اون بچه میشد جاشو خیس می کرد، اون رو ترو خشک می کرد این رو شیرش رو میداد حساب کنید دو تا بچه ی دو ساله شیر تو شیر، مثلاً توی نگهداری بچه ها یعنی واقعا بدون منت یعنی این که آی غر بزنه سر من اگه تو نمی رفتی سر کار مثلاً من هم راحت بودم یا فلان بودم این جور حرفا نه بدون منت یعنی من میومدم صبح میدیدم این نه اعتراضی بکنه نه چیزی خب ایناش خیلی امتیاز بود.

✓ انعطاف پذیری در نقش ها:

خانم دهم: مثلاً توی نگهداری بچه ها یعنی واقعا بدون منت یعنی این که آی غر بزنه سر من اگه تو نمی رفتی سر کار مثلاً من هم راحت بودم یا فلان بودم این جور حرفا نه بدون منت یعنی من میومدم صبح میدیدم این نه اعتراضی بکنه نه چیزی خب ایناش خیلی امتیاز بود

✓ تفکیک و مشخص بودن نقش ها:

آقای اول: نقش هامون تفکیک شده و مشخصه.
آقای دوم: تو خونه ما هرکی وظایفش را میدونه.

۵- ارتباط خوب

✓ گفت و شنود مؤثر

آقای نهم: بحث که می‌شد صحبت می‌کردیم مثلاً می‌گفتیم اینطور که باشه بهتره.
خانم ششم: هنوز با اشتیاق به حرف‌های هم گوش میدیم، میتونم بگم گفت و گو هامون خیلی لذت‌بخشه.

✓ نبود الگوهای ارتباطی معیوب:

آقای دوم: به همدیگه احترام می‌گذاریم

خانم دهم: زیاد مته به خشخاش نمی‌ذاره، مثلاً تیکه نمیندازه متلک نمیگه به خانواده‌ی من، مثلاً بگه خواهرت اینجور برادرت اونجور.

✓ بیان انتظارات از یکدیگر

خانم هشتم: من می‌تونم حرفمو بهش بگم، راحت یعنی هر حرفی باشه راحت می‌گم بهش، مثلاً بهش می‌گم اینکار را نکنیم / این کار را نکنیم.

✓ مقایسه نکردن:

آقای هشتم: خونه‌ی شما بیاد ببینه شما مبل و تشریفات و این چیزا دارید تو خونه نیما با من کلکل کنه که این اینو داره من ندارم اصلاً این چیزارو نداریم چشم و هم‌چشمی نداریم، مقایسه نداریم.

✓ اعتماد متقابل:

آقای ششم: این همون سیستم خودش رو حفظ کرده و ایجاد اطمینان داده برای من ببینید.

آقای اول: از اول زندگیمون جوری رفتار کردیم که مایه اعتماد همدیگه باشیم.

✓ وجود صداقت و نبود پنهانکاری

آقای نهم: دیگه این که سعی می‌کردم دروغ نگم.

خانم ششم: من فکر می‌کنم یکیش صداقت باشه مثلاً چیزی به‌عنوان دروغ نوی زندگی ما نیومده این رو به جرات میتونم بگم مثلاً هیچ پنهان کاری یا چیزی که شوهرم در جریانش نباشه یا این که مثلاً یه چیزی رو یه جور دیگه بخوام جلوه بدم در مورد همه چی، مثلاً در مورد مسائل مالی بگم مثلاً تو خونه‌ی ما همه چی خیلی رو هست، خیلی با هم راحتیم تو همه چیز مثلاً من اگه یه مزاحم تلفنی داشته باشم به اولین کسی که می‌گم شوهرمه.

۶- سعی در رشد و ارتقای یکدیگر

آقای ششم: ما به هم کمک میکنیم تا پیشرفت کنیم.

آقای اول: تو زندگی خیلی به هم کمک کردیم که با هم بالا بیایم. نه اینکه من خودمو فدای اون کنم یا اون خودش را فدای من بکنه.

۷- تصمیم گیری کارآمد:

✓ مشورت گرفتن از هم:

خانم چهارم: وقتی همسر من می‌خواست که با من مشورت می‌کنه، با این که آدم مقتدریه ولی هیچ کاری رو بدون من انجام نمی‌ده، همیشه مشورت می‌کنه، هر کاری که بخواد بکنه میاد با من صحبت می‌کنه می‌گه می‌خوام نظر تو رو هم بپرسم تو چی می‌گی نظرت چیه.

آقای پنجم: ما حرف می‌زدیم دو نفری می‌نشستیم خانم مثلاً می‌خواهیم برای پسر بزرگمون خواستگاری شما کسی رو سراغ دارید؟ می‌شناسید؟ بعد می‌گفت هزار جمع و جور کنم یعنی فکر کنیم.

آقای هشتم: مثلاً می‌خواهیم یه کاری کنیم با هم صلاح و مشورت می‌کنیم.

✓ توجه به توصیه های یکدیگر

آقای چهارم: الان ما یه کارخونه داریم می‌خواستیم یه معدن هم بخریم که نیاز به ولی ایشون دو تا مثال آورد که یه تلنگری زد به من که من اون موقع دیگه استپ کردم و نرفتم و الان میبینم که درست بوده.

۸- مطلع سازی و اجازه گرفتن از یکدیگر

آقای سوم: من سعی نکردم تو خونه یک دیکتاتوری ایجاد کنم یا حتی ایشون طوری که بدون اجازه من پاشو از خونه بیرون نمی‌داده یا حتی من که مرد هستم بدون اجازه ایشون کاری را انجام نمی‌دم

۹- همسویی و مشارکت

✓ همسویی در علایق، افکار و باورها

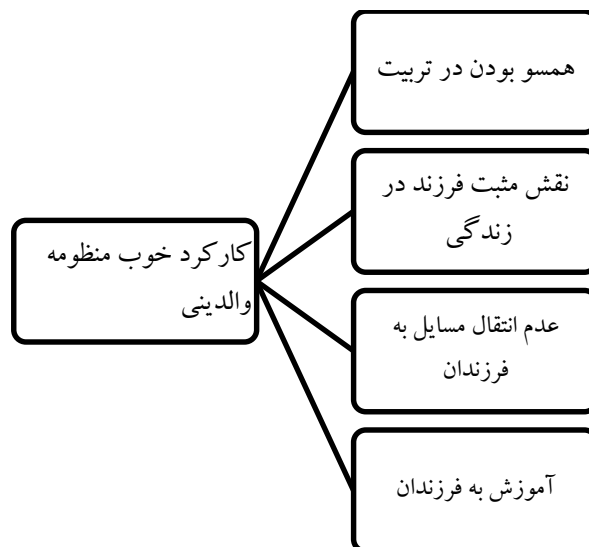
آقای ششم: ما تقریباً از لحاظ فکری و اون چیزهایی که تو زندگی می‌خواهیم با هم اشتراک نظر داریم. خانم دهم: تقریباً چیزهایی که از زندگی می‌خواهیم یکیه، اگر هم تک و توکی باشه تو مواردیه که مهم نیست.

✓ همراهی و مشارکت

آقای ششم: ما برای کسی ضامن شده بودیم که خونمون رو برایش گذاشتیم گروه بانک، ایشون نتونست پرداخت کنه به قول معروف خونمون رو بانک اومده بود داشت صاحب می‌شد یه ماشین داشتیم که تصادف کرده بود و دیگه درب و داغون شده بود اصلاً سوار که میشدی میزدن، در واقع چیزی رو که سال ۷۵ میشه گفت بعد از ده سال ازدواج هر چیزی رو که ما اندوخته بودیم رو یکجا از دست داده بودیم صفر صفر بودیم ولی خب من به قدری فکرم آشفته بود که حالا می‌خواهیم چیکار کنیم الان که فکر می‌کنم دو سه تا جمله ناهید به من گفته بود رو یادمه گفت میتونی پول اجاره ی یک اتاق رو بدی گفتم نه بابا این که مشکلی ما خونه مون رو داریم از دست میدیم من این خونه رو میدونی چطوری ساختم گفت عیب نداره خب خونه رو تو ساختی خونه که تو رو ساخته گفت تو میتونی دو تا نون لواش بگیری که ما بخوریم گفتم بابا در اون حدا که نه به من گفت همه ش رو از نو می‌سازیم الان وقتی به اون روز نگاه می‌کنیم دارایی های الان من شاید بیست برابر دارایی اون روزم باشه که داشتیم از دست میدادم. به نظر من همراه بودن زن و مرد خیلی مهمه این که شما احساس نکنید رفیق نیمه راه دارید اگر رفیقی دارید رفیقیه که تا آخر خط باهاتونه.

آقای هفتم: ما تو جمع به هم احترام میزاریم و جلو بقیه بی احترامی نمی کنیم به هم. آقای اول: من با همسر تو مهمونی ها جواری رفتار میکنم که هم خودش حس خوبی داشته باشه و هم دیگران پی به محکم بودن رابطمون ببرن.

کارکرد خوب منظومه والدینی



✓ هم سو بودن در تربیت

آقای اول: ما با هم در تربیت فرزند/مون هماهنگ و هم نظر عمل می کنیم. آقای هفتم: تو تربیت بچه ها هم حتی با هم یک رویه مشخص داریم، هر دو تا روی تربیت بچه ها توافق داریم. من یه چیز نمیگم خانمم یه چیز دیگه.

✓ نقش مثبت فرزند در رابطه (پیونددهنده، استحکام بخش، پر کردن تنهایی، افزایش احساس مسئولیت و

بزرگی، شیرین کننده زندگی، روشنایی بخش زندگی، هدف مشترک بودن فرزند، دادن احساس والدینی،

ایجاد معنا در زندگی، گرم تر شدن زندگی، دخالت کمتر اطرافیان):

آقای هفتم: بچه که به دنیا اومد زندگیمون شیرین شد، بچه صمیمیت ما را بیشتر کرد.

آقای هشتم: بچه که اومد به خودم اومدم دیگه محکم تر از قبل چسبیدم به زندگی و تلاش کردم زندگی را بسازم.

✓ کمک به پدر و مادر

خانم اول: پسرم خیلی کمک میکنه، خیلی کارها را بهش میدیم

✓ آموزش به فرزندان:

آقای نهم: اصلاً، بچه ها رو وادار می کردم که خیلی به مادرشون احترام بذارن و اذیتش نکنن چون مادر خسته بود می گفتم اتاق نرید بزارید مامان استراحت کنه مامان خسته شده مثلاً دخترم می گفت برم پیش مامان بخوابم البته نمی خوابید! می خواست بره که مامانش رو انگولک کنه نمیداشتم، ولی به بچه ها می گفتم که آدم باید پولاشو اینطوری خرج نکنه روی اصول خرج کنه، اونا هم این خیلی روشون اثر گذاشت بچه هایی هستن که خوبن درک می کنن و طوری بود که یه پولی هم که ما به اینا می دادیم پس انداز می کردن.

کارکرد خوب منظومه خانواده‌های مبدأ

✓ الگویی و ویژگی‌های مثبت و معکوس از ویژگی‌های منفی خانواده‌ها:

آقای دوم: پدر من خیلی صبور بود، صبر و از اون یاد گرفتم در ضمن اینکه شجاع بودن رو یاد گرفتم، از هیچی نمی ترسید. خانم اول: مثلاً من مامان و بابام اصلاً با هم جور نبودن، یعنی مثلاً مامانم یه خصوصیات خاصی داشت اما بابام یه آدم برونگرا، دوست داشت با همه بره بیاد، خودرای بود خودش هر کاری که می خواست، درحالی‌که مامانم مخالف بود یعنی اینا همیشه، هر چی میخريد بابام مامانم حرف میزد، هرچی مامان می کرد بابام ناراحت میشد، یعنی اصلاً تا آخرین لحظه اینا با هم جور نبودن و من یه الگوی برعکس از اینها گرفتم، یعنی اوایل زندگیمون همش می ترسیدم که دعوا بشه و برای اینکه دعوا نشه حرف نمی زدم و کوتاه میومدم، کنار میومدم، هر چی می خواست می کردم، یعنی مثلاً اگه من یه چیزی رو توضیح میدادم منطقی نمی کرد اما متأسفانه به خاطر اینکه دعوا نشه چون ما همیشه دعوا می‌شنیدیم، من کوتاه میومدم و این یه الگوی برعکس داشتم، دوست داشتم که آدم به شوهرش اعتماد به نفس بده، زمینه رو ایجاد کنه که پیشرفت کنه، من سعی کردم هیچ وقت دست و پاشو نگیرم، نه تنها دست و پاشو نگیرم که کمکش هم نکنم.

✓ کمک به خانواده‌های مبدأ در صورت نیاز:

آقای سوم: من اون جایی که واسه خانواده من و یا خانواده همسرم که پیش میاد خودم را میذارم کنار و سعی می کنم بچسبیم به این مشکل و حلش کنیم. خدای نکرده واسه مامان‌شون یه مشکلی پیش بیاد من دیگه نمی گم الان باید کار خودم را انجام میدادم سعی می کنم کمکشون کنم.

آقای هشتم: رفت مکه رفت مادرم برد مکه کربلا، مادرم پیره ۹۰ سالشه

✓ احترام به والدین در هر صورت

آقای نهم: به خونوادش خیلی من احترام می‌ذاشتم. من هیچ وقت به اونا بی احترامی نکردم حتی اگه پیش میومد که اونا من رو ناراحت می کردن من سعی می کردم انتقال ندم به این و خودم حلش کنم. آقای پنجم: احترام به پدر و مادر واجب، هر چی هم گفتن ما چیزی نمیگیم.

✓ نقش مثبت داشتن خانواده مبدأ:

خانم چهارم: مامان می گه همسرت چقدر دل گنده است، آ چهارم: خیلی جاها بین خودمون هم اختلاف زیاد داشتیم، خانواده‌ها نیومدن بنزین بپاشن روی اختلاف‌ها همیشه اومدن هدایمون کردن.

آقای نهم: مادرم هیچ وقت کاری نمی کرد که به ما تندی به خرج بده نه اگر هم چیزی بود میگفت شما بچه دارید حیفه اینطوری

(ج) عوامل فراشخصی (مسائل مالی و شغلی)

✓ داشتن شغل:

آقای ششم: من از همون اول شغل داشتم. آقای اول: وقتی ازدواج کردیم هر دومون شاغل بودیم.

✓ نداشتن مسائل مالی شدید:

خانم چهارم: اولش فقط حقوق داشتیم نه خونه و نه ماشین ولی سه سال طول نکشید که خونه گرفتیم و بعد سریع یه ماشین گرفتیم، هیچ وقت یادم نمیاد من سر مسائل مالی ناراحتی داشته باشم.

آقای ششم: تا حالا فقر سراغمون نیومده

راهبردها یا استراتژی‌های مقابله زوجین رضایتمند با موقعیت‌های دشوار و نواقص و کمبودها در زندگی در دو مقوله اصلی نحوه مقابله زوجین و نحوه مقابله خانواده‌های مبدأ با مشکلات و سختی‌ها دسته‌بندی شد. لازم است ذکر شود که این استراتژی‌ها برای زمان‌های سخت زندگی و زمانی است که زندگی دچار چالش شده و یا یکی از عوامل علی و تسهیل گر با نقص روبرو بوده‌اند مثلاً زمانی که فرد با مشکلاتی در شغل یا مسائل مالی روبرو بوده است از استراتژی معنویت، مدیریت مالی یا حمایت‌گری استفاده شده است.

کنش و واکنش (استراتژی‌های کارآمد) زوج در هنگام سختی‌ها و اختلاف

✓ معنویت و مذهب:

آقای دوم: من همیشه با خدا راز و نیاز می‌کنم، همیشه هر چیزی رو که کم می‌ارم از خدا می‌خوام که بهم انرژی بده، قدرت بده، وقتی از خدا می‌خوام از فرداش یه انرژی خارق‌العاده‌ای احساس می‌کنم.

آقای هفتم: وقتی سختی پیش اومده فقط گفتیم خدا، خدا تو سختی ما رو امتحان میکنه ببینه ما طاقت داریم یا نه.

✓ حمایت، امیدوار کردن، آرامش دادن به یکدیگر

آقای اول: معمولاً آقا اول قدم جلو می‌ذاره اگر خانوم واقعا پشتش وایسه تا آخر فکر نمی‌کنم هیچ زندگی متلاشی بشه هیچ زندگی ناموفق بشه من خودم یعنی اگر قرار باشه یک روز خانومم پشتم نباشه نصف زندگیم رو از دست میدم.

✓ مدیریت مالی:

خانم ششم: مسائل مالی را هر دو طرف خوب مدیریت می‌کنیم و سعی میکنیم درست خرج کنیم

✓ سعی در درک متقابل:

آقای نهم: من تو کارای خونه کمکش می‌کردم چون اگه کمکش نمی‌کردم نمی‌تونست بچه‌ها کوچیک بودن شلوغ بودن کسی باید اینارو بیرون ببره گردش ببره نه به کارای خونه برسه وقتی از سر کار میومد خیلی خسته بود من بهش می‌گفتم خانوم شما استراحت کن من خودم هم خسته بودم ولی کار من نسبت به کار ایشون راحت تر بود خب من بعضی وقتا ماموریت می‌رفتم ولی کار ایشون در یک فضای بسته توی بیمارستان بود و این خیلی سخت بود من می‌رفتم محیط کارش رو می‌دیدم می‌دیدم خانوم خیلی خسته ست سعی می‌کردم ایشون رو آرام کنم.

✓ گذشت:

آقای چهارم: به نظر من گذشت شاه کلیده.

خانم چهارم: آقا خیلی از خودش گذشته تا تفاهم ما بیشتر بشه.

آقای نهم: با همسر من سعی کردم مهربون باشم، گذشت باید باشه، خیلی جاها خانوما مثل آقایون نیستن خانوما زود عصبانی میشن خانوما زود از کوره در میرن. من گذشت رو خیلی اعتقاد دارم زن و شوهر نسبت به هم گذشت داشته باشن. گذشت یعنی این که یه مرد زنش رو میبینه حالا یه اشتباهی کرده ببخشه نباید این رو بزرگش کنه خب زنه یه جا یه حرفی زده که شاید خوشایند نبوده حالا یه کاری کرده که به دل مرد نچسبیده نباید این رو بزرگش کنه نباید زیادش کنه تا یه حد معقول باید باشه

خانم اول: گذشت خیلی مهمه، اگر گذشت نکنم اگه کوتاه نیام خب زندگی تلخ میشه دیگه
✓ حل مسئله:

آقای اول: ما همیشه سعی کردیم راهکاری را پیدا کنیم و مشکل رو حل کنیم.
آقای دوم: خیلی وقتها وقتی مشکلی پیش میاد یا میخوایم کاری انجام بدیم میشینیم میگی خب الان چه کارهایی میتونیم بکنیم و سعی میکنیم با همفکری بهترین راه را انتخاب کنیم.
✓ سعی در اصلاح و تغییر:

آقای چهارم: من هم الان ۴۵ سال دارم اما باز هم اعلام آمادگی می کنم که بدونم همسرم با یه چیزایی آرامش پیدا می کنه سعی می کنم تغییر کنم حتی اگه بر خلاف ساختار من باشه خانم چهارم: من خیلی حساس و زودرنجم همه چی زود بهم بر می خوره الان یه کمی خودم رو تغییر دادم و سعی می کنم خیلی زودرنج نباشم، زود بهم برنخوره.
✓ سهل گیری، نرمش و کوتاه آمدن موقت:

آقای نهم: خب یه موقع پیش میومد با خانوم بحث می کردیم ولی من سعی می کردم ادامه پیدا نکنه، ببینید مسائل بحث و اینا در یه حدی حد معمولش خوبه وقتی زیاد ادامه پیدا کنه تبدیل به چیزی میشه که اثر نامطلوب میزازه. گفتگو:
آقای نهم: وقتی مسئله ای پیش میومد صحبت می کردیم مثلاً می گفتیم که اینطوری باشه بهتره.
آقای سوم: گفتگو خیلی تو زندگی ما بوده مثلاً ما با هم می نشستیم و فکر می کردیم که چیکار باید بکنیم واسه این مشکل، چه جوری باید این مشکل را حل کنیم
✓ حل تعارض و مدیریت استرس صحیح:

آقای نهم: من مشکلات کاری خودم رو که پیش میومد و کلنجارهای محیط شغلی رو من به خونه انتقال نمی دادم پیش بچه ها از مشکلات کاریم صحبت نمی کردم به خانومم.
آقای هشتم: مثلاً ما دعوا هم داشته باشیم بین خودمون حل می کنیم به هیچ کس اجازه نمی دیم وارد معرکه بشه مثلاً بگه نه این درست میگه این یکی درست میگه مثلاً اگه یکی وارد معرکه بشه مشکل بزرگتر میشه، ما میشینم روش فکر میکنیم و حلش میکنیم.
✓ مدیریت خشم:

آقای هفتم: سعی میکنم تو موقع خشم کمی تنها بشم بعد که آرام شدم تصمیم میگیرم یا حرف میزنم. آقای دوم: همیشه قبل از اینکه بحث به ناراحتی بکشه سعی کردم موقتا بحث را رها کنیم.
✓ عذرخواهی:

آقای دهم: وقتی اشتباهی اتفاق می افتاد بلافاصله بر می گشتیم می گفتم، ببخشید اشتباه کردم.
آقای نهم: بعد اومدم ازش عذرخواهی کردم.
آقای هفتم: من طاقت نمیارم یعنی تقصیر اون هم باشه میرم میگم عذر می خوام ببخشید اشتباه کرد.
✓ شوخ طبعی و خنده:

آقای نهم: من سعی می کنم با ملایمت رفتار کنم با لبخند و شوخی و اینا استفاده می کنم.

✓ بازخورد همراه با نرمش و بار مثبت:

خانم اول: همیشه اول مثبت هاش را میگویم بعد میام ایرادش رو میگویم که قبول کنه و آروم میشه.

✓ تحمل سختی‌ها:

آقای هشتم: مثلاً شده بود که من تصادف کرده بودم تو خونه ی ما نون نبود با اون ساخت آدمی هستش که با شرایط نمی سازه

کنش و واکنش (راهبردهای کارآمد) خانواده‌های مبدأ در هنگام سختی‌ها و اختلاف

✓ رفتارهای دلگرم کننده خانواده‌ها:

خانم چهارم: وقتی یه کم دلخوری پیش میومد خواهرام بهم می گفتن شوهر خوبی داری یا مثلاً خانوادش خیلی خوبن و آدم احساس می کنه خانواده پشتش هست و هوای شوهرت رو دارن.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان‌دهنده ایجاد یک سری تغییر فرایندی در راستای بالندگی ازدواج است که در ادامه به تشریح آن پرداخته شده است.

تغییرات فرایندی رابطه

✓ عمیق تر شدن عشق و علاقه نسبت به یکدیگر

خانم اول: علاقمون نسبت به هم عمیق تر شده، الان اصلاً فکر نمی کنم جدا از هم هستیم بلکه فکر میکنم با هم عجین شدیم یه جورایی این عشق و علاقه واقعا تو زندگی ما هست

آقای ششم: من فکر مینم علاقمون رفته رفته بالاتر رفته یعنی نمودار سعودی داشته.

آقای چهارم: دوست داشتن واقعی اومده جای اون دوست داشتنی که رمانتیک بود را گرفته و محکم ترش کرده

خانم نهم: علاقمون روز به روز افزایش پیدا کرد

✓ حل تعارض صحیح تر

آقای نهم: همیشه سعی میکردیم با همفکری مسائل را حل کنیم

✓ افزایش درک مشترک به مرور زمان

خانم اول: تقریباً اوایل زندگی ۱۰ سالی طول کشید و من خواسته های اون را شاید می دونستم اینکه الان چطور میتونم

رضایتش را جلب کنم و فهمیدم که چی می خواد چی براش مهمه و با تلاش فهمیدیم که چی می خوایم از هم

✓ احساس یکی بودن با همسر (حس ما بودن):

خانم چهارم: هیچ وقت همسرم رو از خودم جدا نمی دونم.

خانم اول: شوهرم را جدا از خودم نمی دونم

✓ افزایش رضایت:

خانم چهارم: الان من خیلی از زندگیم راضی ترم، چون قبلاً به صورت کلامی محبتشو به من ابراز نمی کرد فقط عملی بود بعد خودشو تغییر داد و الان خیلی بهتره.

خانم سوم: احساس رضایت و خوشبختی فوق العاده ای الان دارم

یافته‌های به‌دست‌آمده نشان‌دهنده این است که تغییرات فرایندی رابطه در قالب سفری به سوی بالندگی ازدواج پیامدهایی را در پی داشته که در زیر به آن پرداخته‌شده است

❖ رضایت از زندگی

آقای دهم: خدا را شکر زندگی تا الان ادامه داشته دو تا بچه هم داریم که یکیش میره دانشگاه دو تا ترمش را پاس کرده و زندگی موفق داریم و بچه هام هم خوبین خدا را شکر.

آقای نهم: روند علاقمون افزایشی بوده می‌تونم به جرات بگم که داریم به هم یه مسیر خوبی را میریم تا الان من احساس پشیمانی نکردم و راضی‌ام و ایشون هم.

در فرایند تحلیل مصاحبه‌ها شرایط زمینه‌ای که باعث شده که زمینه برای پایداری و رضایتمندی ازدواج مهیا باشد را شناسایی کرده ایم که در زیر به آن اشاره شده است

شرایط زمینه‌ای

✓ همسو بودن فرهنگها و سطح خانواده مبدأ:

آقای اول: می‌تونیم راجع به هم‌تراز بودن فرهنگمون صحبت کنیم فرهنگمون هم ترازه آدم احساس میکنه بعضی خانواده‌ها که هم‌ترازی فرهنگ ندارن یه مقدار اختلافاتی پیش میاد

خانم چهارم: خانواده‌ها هم خیلی مهم هستن، ما خانواده‌هامون هم خیلی با هم جورن، هم بابای اون هم بابای من، کلا تو یه سطحه خانواده‌هامون، من فکر می‌کنم خانواده هم خیلی مهمه.

عدم وجود یا قبیح بودن طلاق در خانواده‌های مبدأ:

خانم سوم: تو فرهنگ خانوادگی همسر بنده چیزی به اسم طلاق خدا را شکر وجود نداره و اینجور تربیت شدیم که همه انسانها ممکن اختلاف نظر داشته باشن مهم مهارت حل اختلافه.

سؤال سوم: بین ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی در عوامل علی، مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای چه تفاوتی وجود دارد؟

در ادامه یافته‌ها به صورت مقایسه عوامل مؤثر در جدایی با عوامل مؤثر در پایداری رضایتمند ازدواج‌ها آورده شده است. در این راستا به مقایسه عوامل علی، عوامل مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای در دو گروه می‌پردازیم.

جدول ۴-۵. مقایسه عوامل علی در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
*شکل‌گیری مناسب ازدواج:	*شکل‌گیری نامناسب ازدواج:
۱- کشش و علاقه اولیه	۱- عدم وجود علاقه اولیه
۲- آمادگی نسبی برای ازدواج	۲- عدم آمادگی برای ازدواج
۳- آشنایی پیش از ازدواج	۳- آشنایی ناقص پیش از ازدواج
۴- انتخاب همراه با میل	۴- ازدواج اجباری
۵- انتخاب آگاهانه	۵- انتخاب ناآگاهانه
۶- استقلال نسبی	۶- انگیزه نامناسب انتخاب

همان‌طور که در جدول بالا آمده است در ۵ مورد عامل‌های مؤثر شکل متضاد با یکدیگر رادارند به این صورت که در گروه پایدار کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل و انتخاب آگاهانه برای ازدواج صورت گرفته است در صورتی که در ازدواج‌های در حال فروپاشی عدم وجود علاقه اولیه، عدم آمادگی، آشنایی ناقص، ازدواج اجباری و انتخاب ناآگاهانه است.

جدول ۴-۶. مقایسه عوامل مداخله‌ای در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی

مؤلفه مورد مقایسه		ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
(۱). نگرش‌ها	نگرش مرتبط با خود	نگاه مثبت به خود	بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر
		تغییر را باید از خود شروع کرد	
نگرش‌های مرتبط با همسر	قبول داشتن همسر	قبول داشتن همسر	قبول نداشتن اقتدار و توانمندی همسر
		در اولویت بودن همسر نسبت به فرزند و خانواده‌ها	مقبول‌تر دانستن و راحت‌تر بودن با دیگران در امور نسبت به همسر
		انتظار در حد توان داشتن از یکدیگر	انتظار فراتر از حد توان داشتن از همسر
			بی‌اعتمادی به همسر
			باور به عدم تمایل همسر به تداوم زندگی
			بچه دانستن همسر
			باور به اینکه کار همسر برایش از من مهم‌تر است
			بعد ازدواج همسر باید خانواده‌اش را کنار بگذارد
			همسر ب خاطر مال اموال با من می‌ماند
			قبول نداشتن همسر در نقش‌ها
		اولویت داشتن خانواده نسبت به دیگران	در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر
			اهمیت زیاد از حد نداشتن بازخورد دیگران
نگرش‌های مرتبط با خانواده مبدأ	مقبول و خوب دانستن خانواده همسر	تفکیک حساب همسر از خانواده‌های مبدأ	نگاه منفی به خانواده همسر
		مسئول دانستن همسر در برابر حرف‌ها و اعمال خانواده و اقوامش	
نگرش‌های مرتبط با زندگی	انتظار سختی داشتن از زندگی	پیش‌فرض تداوم زندگی	انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن
		وجود اختلاف را در زندگی طبیعی دانستن	تردید در مورد تداوم و بقای زندگی
نگرش‌های مرتبط با دین	هم سو بودن دینی	تأبیت از احکام مذهبی	تعارض زوج بر سر اعمال و دستورات دینی
		تکیه به خداوند	جایگاه نداشتن اعمال و آداب دینی در زندگی
		ارتباط خوب با خداوند	بی‌اعتقادی

		نقش مثبت خدا در زندگی	
		بی‌احترامی به اعتقادات همسر	
		تحمیل عقاید و دستورات دینی به همسر	
(۲). ویژگی‌های شخصیتی		خودخواه و خودرأی نبودن	خودرایی و خودمحوری
		مقاومت (صبور بودن و تحمل سختی‌ها)	مقاومت پایین
		روحیه جنگنده داشتن، سخت‌کوش و پرتلاش بودن	مسئولیت‌ناپذیری
		از خودگذشتگی	
		نوع دوستی	
(۳). منظره زن‌وشوهری		عشق و تعلق خاطر	عدم ابراز کلامی و غیر کلامی محبت
		مراقبت از هم	عدم مراقبت
		صمیمیت	عدم صمیمیت و علاقه
		تعهد به همسر	تردید در مورد تعهد زن‌وشوهری
		رابطه جنسی مطلوب	رابطه جنسی نامطلوب
		احساس دلسوزی و شفقت داشتن	بی‌توجهی
		تفریح	عدم صرف اوقات کافی باهم
		داشتن تفریحات زوجی	عدم وجود تفریحات زوجی
		حریم سازی و مرز سازی زوجی	عدم اجازه دخالت اطرافیان
			عدم انتقال مسائل به خانواده‌های مبدأ و فامیل
			پاسداری از حریم زوجی
			عدم پاسداری از حریم زوجی
			عدم انتقال مسائل به فرزندان
			مرد در رأس هرم قدرت بودن
		نقش‌ها	عدم کمک به یکدیگر در ایفای نقش‌ها
			تفکیک و مشخص بودن نقش‌ها
			عدم ایفای درست نقش‌های خود
			انعطاف‌پذیری در نقش‌ها
		ارتباط	عدم گفت‌وشنود یا گفت‌وشنود ناکارآمد
			نبود تحقیر، توهین، دفاعی بودن و سکوت حاکی از بی‌محلی
			بیان انتظارات و خواسته‌ها از هم
			بیان نکردن انتظارات و خواسته‌ها از هم
			عدم وجود صداقت
			صداقت و نبود پنهان‌کاری

		مقایسه نکردن	مقایسه کردن
		اعتماد متقابل	وجود ابزار تهدید و ترس
			رابطه سطحی
تصمیم‌گیری	مشورت گرفتن از همدیگر	توجه به توصیه‌های یکدیگر	عدم مشورت و همفکری با یکدیگر
			بی‌توجهی به تصمیم‌های یکدیگر یا نادیده گرفتن توصیه‌های یکدیگر
			تصمیم‌گیری خارج از منظومه زن‌وشوهری
			کمک گرفتن از بیرون به‌جای حل مسئله در درون
			مدیریت مالی ضعیف
همسویی و مشارکت	همسوی در علایق، افکار و باورها	همراهی و مشارکت	عدم همسویی در علایق، افکار و باورها
			عدم همراهی و مشارکت
			ترک همسر در سختی‌ها
			تأکید بر من بودن و نادیده گرفتن ما بودن
			لذت نبردن از همراهی با یکدیگر
تعاملات در جمع		احترام در حضور جمع	تعاملات ناکارآمد با همسر در حضور جمع
اطلاع دادن به همدیگر در مورد رفت‌وآمدها و دیگر امور	مطلع سازی و اجازه گرفتن از یکدیگر	عدم مطلع سازی یکدیگر	
کمک به رشد و ارتقای هم		سعی در رشد و ارتقای یکدیگر	
۴). منظومه والدینی	نقش مثبت فرزند	بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند	
	کمک فرزند به والدین	تمایل به تداوم زندگی به خاطر فرزند و نه همسر	
	هم سو بودن در تربیت	تعارض بر سر بچه‌دار شدن	
	آموزش به فرزندان		
۵). منظومه خانواده‌های مبدأ	مداخله‌گر نبودن	رفتارهای مداخله‌گرانه و تضعیف‌کننده منظومه زوجی از سوی خانواده‌های مبدأ	
	الگو گیری از ویژگی‌های مثبت و الگو گیری معکوس از ویژگی‌های منفی خانواده مبدأ	الگو گیری از رفتارهای منفی خانواده مبدأ	

	نقش مثبت داشتن خانواده‌های مبدأ	تنش افزایی خانواده‌های مبدأ
	کمک به خانواده‌ها در صورت نیاز	قطع کردن یا محدودسازی ارتباط همسر با خانواده‌اش
	احترام به والدین در هر صورت	رابطه متعارض با خانواده‌های مبدأ
		خانواده مبدأ مشکل‌دار و پرتنش
		اشتراک کاری و محل زندگی مشکل‌ساز با خانواده مبدأ
۶) امور مالی، شغلی و مسکن	داشتن شغل	بیکاری و مشکلات شغلی
	عدم وجود مسائل مالی شدید	ضعف یا مشکلات مالی شدید
		ساعات کاری زیاد
		مشکلات مسکن

همان‌طور که یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد عوامل مداخله‌ای زوجین پایدار منجر به بهبود روابط گردیده ولی در زوجین در حال فروپاشی دارای خلل جدی است. در حوزه نگرش‌ها زوجین پایدار دارای نگرش‌هایی کارآمد در ارتباط با خود (همچون نگاه مثبت به خود)، همسر (نظیر قبول داشتن همسر)، دیگران (نظیر اولویت داشتن خانواده نسبت به دیگران)، خانواده مبدأ (نظیر مقبول و خوب دانستن خانواده همسر)، زندگی (نظیر انتظار سختی از زندگی داشتن)، دین (نظیر تکیه به خداوند و هم سو بودن دینی) بودند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای نگرش‌های ناکارآمد در مورد خود (نظیر بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر)، همسر (نظیر قبول نداشتن اقتدار همسر)، دیگران (نظیر در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر) زندگی (نظیر انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن)، خانواده مبدأ (نظیر نگاه منفی به خانواده همسر)، دین (نظیر جایگاه نداشتن دین و تعارض بر سر امور دینی) بودند.

زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگی‌های شخصیتی‌ای نظیر مقاومت، سخت‌کوشی، عدم خودخواهی و خودرایی، از خودگذشتگی و نوع‌دوستی بودند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای ویژگی‌هایی نظیر مسئولیت‌ناپذیری، خودرایی و مقاومت پایین بودند.

در منظومه زن‌وشوهری زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای عشق و تعلق خاطر (نظیر ابراز محبت و تعهد به همسر)، تفریح مناسب (نظیر صرف وقت باهم)، حریم سازی زوجی کارآمد (نظیر پاسداری از حریم زوجی و عدم اجازه دخالت اطرافیان)؛ نقش‌های مشخص و کارآمد (نظیر کمک به یکدیگر در ایفای نقش‌ها)، ارتباط خوب (نظیر گفت‌و شنود مؤثر)، تصمیم‌گیری مؤثر (نظیر مشورت باهم)، همسویی و مشارکت (نظیر

همسویی در علایق و افکار)، تعاملات کارآمد در اجتماع، مطلع سازی همدیگر دررفت وآمد ها و تلاش در راستای رشد یکدیگر بودند درحالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی در زیر منظومه زن‌وشوهری با خلل و مشکل در مواردی همچون عشق و تعلق خاطر (نظیر عدم ابراز محبت)، تفریح (نظیر عدم وجود تفریحات زوجی)، حریم سازی زوجی (نظیر باز کردن راه برای دخالت اطرافیان)، نقش‌ها (نظیر عدم ایفای درست نقش‌های خود)، ارتباط (نظیر مقایسه کردن، تحقیر و توهین به هم)، تصمیم‌گیری (نظیر عدم مشورت و همفکری باهم)، همسویی و مشارکت (نظیر عدم همسویی در علایق و افکار)، تعاملات در جمع‌ها (نظیر تعامل بد با همسر در حضور جمع) و مطلع سازی یکدیگر (نظیر عدم مطلع سازی یکدیگر) روبرو بودند.

زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای منظومه والدینی کارآمد (نظیر نقش مثبت داشتن فرزند، کمک فرزند به والدین) بودند ولی زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی با مشکلات در زیر منظومه والدینی (بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند، تمایل به تداوم زندگی به خاطر فرزند) روبرو بودند.

منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای مشخصاتی نظیر مداخله‌گر نبودن خانواده‌های مبدأ، نقش مثبت داشتن خانواده‌های مبدأ در زندگی زوج بود ولی زیر منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای مشخصاتی همچون تنش‌افزایی خانواده‌های مبدأ، مداخله و تضعیف منظومه زوجی از سوی خانواده مبدأ و رابطه متعارض با خانواده مبدأ بود.

جدول ۴-۷. مقایسه استراتژی‌ها در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی

مؤلفه مورد مقایسه	ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
واکنش زوج در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌ها	حل تعارض و مدیریت استرس صحیح	مقابله با استرس ناکارآمد
	گفت‌وگو	بروز تعاملات منفی در همسران
	مدیریت خشم	ابراز خشم ناکارآمد
	حل مسئله	پیگیری برای حل مشکل از طریق عوامل بیرونی
	استفاده از کمک اطرافیان	علنی کردن سختی‌ها برای خانواده و فامیل
	کاهش حساسیت‌ها	محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش
	سهل‌گیری، نرمش و کوتاه آمدن	محبوس کردن یا بیرون کردن همسر از خانه
	سعی در اصلاح و تغییر (خود)	
	معنویت و مذهب	
	حمایت، امیدوار کردن و آرامش دادن به یکدیگر	
	سعی در درک متقابل	
	گذشت	
	عذرخواهی	
	شوخ‌طبعی و خنده	
	بازخورد همراه با نرمش و بار مثبت	
	تحمل سختی‌ها	
واکنش خانواده‌های مبدأ در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌ها	اتخاذ رفتارهای دلگرم‌کننده از سوی خانواده‌های مبدأ	مطرح کردن شروط غیرمنطقی برای بازگشت فرزند بعد از قهر
		اجازه ندان به فرزندشان برای ادامه زندگی
		سرزنش گری فرزند به خاطر فکر به طلاق
		تشویق فرزند برای تصمیم به طلاق
		پیشنهاد راهکارهای ناکارآمد

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در مواجهه با سختی‌ها و اختلاف‌های به وجود آمده در زندگی زوجین و خانواده‌های آن‌ها متوسل به راهبردهای کارآمد می‌شدند درحالی‌که راهبردهایی که زوجین و خانواده‌های آن‌ها در ازدواج‌های در حال فروپاشی به کار می‌گرفتند ناکارآمد بوده و منجر به تشدید مشکلات و اختلاف‌ها می‌شد. به‌عنوان مثال زوجین در ازدواج‌های پایدار رضایتمند از راهبردهایی نظیر گفت‌وگو، عذرخواهی، گذشت و حل مسئله استفاده می‌کردند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم مخرب، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کردند.

جدول ۴-۸. مقایسه پیامدها در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
پیامدهای مثبت (رضایتمندی و تداوم زندگی)	پیامدهای احساسی منفی (خستگی، تنهایی، غمگینی، نارضایتی)
	پیامدهای شناختی منفی (خسران، ادامه زندگی به خاطر ترس از طلاق)
	پیامدهای رفتاری (پیگیری طلاق از مراجع قضایی)

جدول بالا نشان‌دهنده آن است که زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی به پیامدهای احساسی، شناختی و رفتاری منفی در زندگی می‌رسند درحالی‌که زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زندگی به احساس رضایت و دوام زندگی می‌رسند.

جدول ۴-۹. مقایسه شرایط زمینه‌ای در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
همسو بودن فرهنگ‌ها و سطح خانواده	اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده
عدم وجود و قبیح بودن طلاق در خانواده‌های اصلی	رواج طلاق در خانواده‌های اصلی
	خانواده‌های مبدأ ناکارآمد
	سابقه اعتیاد
	دوستی همسر با افراد دارای ازدواج‌های ناموفق

شرایط زمینه‌ای در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با مواردی همچون همسو بودن فرهنگ‌ها و سطح خانواده و عدم وجود یا قبیح بودن طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شد درحالی‌که ازدواج‌های در حال جدایی با مواردی همچون اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده و رواج طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شد.

سؤال چهارم: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری دارای چه ویژگی‌های (مبانی، فرایند، محتوا و فنون) است؟

مبانی:

این الگو بر اساس مفاهیم و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از بخش کیفی پژوهش حاضر تدوین‌شده است و دارای ابعاد شناختی، رفتاری، عاطفی و ارتباطی است.

بر اساس یافته‌های بخش کیفی این پژوهش می‌توان بیان کرد که وجود یا عدم وجود مؤلفه‌ها و مواردی می‌تواند رابطه را به‌سوی پایداری همراه با رضایت و یا به‌سوی فروپاشی ببرد. این مؤلفه‌ها که مبانی الگو را شکل می‌دهند در زیر آمده است.

بعد شناختی موارد زیر را دربرمی‌گیرد:

۱- نگرش‌های ناکارآمد همسران راجع به خود، همسر، خانواده‌های مبدأ، دیگران، زندگی، فرزند و دین که زندگی را به سمت فروپاشی سوق می‌دهند.

اکثر این نگرش‌های ناکارآمد یکی سری باورهای غلطی هستند که معمولاً فرد از دوران کودکی خود یاد گرفته است و می‌تواند یک باور غیرمنطقی (بایدونباید غیرمنطقی) مثل اینکه بعد از ازدواج همسرم باید خانواده‌اش را کنار بگذارد، باشد یا می‌تواند یک نگرشی باشد که زیربنای آن باورهای غیرمنطقی و یا خطاهای شناختی است مثلاً زوجی که خود را برای همسرش بی‌اهمیت فرض می‌کند چون وی از او در مقابل خانواده اصلی دفاع نکرده است، اعتقاد دارد که اگر من برای همسرم مهم هستم باید از من در جلوی مادرش دفاع می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت که اشتباه می‌کنند.

۲- نگرش‌های کارآمدی که می‌تواند زندگی ازدواج را بالنده نماید: این نگرش‌ها دربردارنده باورهای حافظ رابطه و ارتقادهنده بهزیستی همسران و رابطه است. مثلاً نگرش‌هایی نظیر سختی در هر زندگی‌ای هست، اختلاف در زندگی طبیعی است. همسرم مسئول اشتباهات خانواده و فامیلش نیست.

بعد رفتاری متمرکز بر موارد زیر است:

۱- رفتارهای منفی و تضعیف‌کننده رابطه: عدم ایفای صحیح نقش‌ها، عدم وجود رفتارهای تقویت‌کننده مثل توجه، تفریح زوجی، سبک مقابله با تعارض مشکل‌دار، ابراز خشم مخرب، قطع نمودن ارتباط خود با خانواده اصلی همسر، قطع نمودن ارتباط همسر با خانواده‌اش.

خانواده‌ها نیز برخی اوقات رفتارهای ناکارآمد و مختل‌کننده‌ای را به کار می‌برند: مطرح نمودن شروط غیرمنطقی مبنی بر بازگشت همسر به زندگی‌اش، تشویق فرزند برای تصمیم به طلاق، سرزنش نمودن فرزند در هنگام فکر کردن به طلاق، رفتارهای تنش‌زا هنگام تعارض زوجین.

۲- وجود رفتارهای مثبت و تحکیم‌بخش رابطه: گذشت، معذرت‌خواهی، نرمش، کنترل خشم، بازخورد با بار مثبت.

بعد ارتباطی ساختاری نیز بر موارد زیر متمرکز است:

الگوی ارتباطی ناسالم که در آن اهانت، انتقاد، دفاعی بودن و کناره‌گیری شایع است، رابطه مبهم و غیرمستقیم بوده و توأم با تهدید و ترس است و مرتب همسر با افراد دیگر مقایسه می‌شود، نبود مشورت برای تصمیم‌های زندگی، عدم همراهی و مشارکت در زندگی، عدم همسویی در علایق، عدم پاسداری از حریم زوجی، رابطه متعارض یا منفعلانه با خانواده‌های اصلی به‌وفور دیده می‌شود.

الگوهای ارتباطی سالم مثل گفت‌و شنود مؤثر، رابطه شفاف و مستقیم که در آن انتظارات به‌صورت فاعلی بیان می‌شود. همراهی و مشارکت در تصمیم‌ها، سعی در تمرکز بر علایق همسو نشان‌دهنده‌ی یک الگوی ارتباطی سالم است.

بعد عاطفی: این بعد شامل صمیمیت و لذت در زندگی است. ضعف صمیمیت بالأخص عدم وجود رفتارهای حاکی از توجه، مراقبت، عشق‌ورزی و احترام، احساس‌های غمگینی و خستگی و ناکامی باعث سوق دادن زندگی به نا رضایت‌مندی می‌گردد. از سوی دیگر مراقبت، ابراز محبت به‌صورت کلامی و غیرکلامی، مراقبت، باعث افزایش هیجانان مثبت در زندگی می‌گردد

اهداف درمانی:

- ۱- کمک به مراجعان در شناسایی و اصلاح نگرش‌ها و باورهای ناکارآمد زوجی
- ۲- جایگزین سازی و تثبیت نگرش‌های تحکیم‌بخش بهزیستی فردی و زوجی همسران
- ۳- شناسایی و مقابله با نقص‌های ارتباط و غنی‌سازی رابطه زوجی
- ۴- شناسایی نواقص مهارتی و آموزش مهارت‌ها و راهبردهای مؤثر
- ۵- تقویت بعد صمیمت در رابطه
- ۶- حریم سازی مشخص و تحکیم‌بخش واحد زوجی و تعامل مثبت با خانواده‌های اصلی که حافظ استقلال زوجین نیز باشد.

نقش مشاور:

- ✓ ایجاد یک فضای گرم و حمایتی که در آن امید زوجین به تغییر زنده نگه‌داشته و ترغیب می‌گردد و ترس از برچسب‌زنی و متهم شدن همسران از بین برود. درعین حال مسئولیت همسران در قبال نقششان در ایجاد نا رضایتمندی مورد تأکید قرار گیرد. فن الحاق، استفاده از زبان مراجعان، هم‌سطح سازی واژه‌ها و اصطلاحات در سطح فرهنگ و سطح سواد مراجعان موردنظر مشاور است.
- ✓ ارزیابی نگرش‌ها و انتظارات درباره همسر، رابطه، زندگی، دوستان و خانواده‌های اصلی؛ ارزیابی الگوهای تبادلی یا ارتباطی (نمونه سؤالات: شما باهم چطور حرف می‌زنید؟)؛ صمیمیت و محبت، نقش‌ها و مشکلات آن، کار و تفریح، حریم سازی و تعاملات با خانواده‌های اصلی؛ تعارض و مهارت‌های حل تعارض؛ منابع فشار روانی و چگونگی مقابله با فشار روانی.
- ✓ به راه انداختن و تحریک تعاملات در جلسه زوجی و به‌کارگیری فنون و مداخلات اصلاح‌کننده تعاملات
- ✓ طراحی و مشخص نمودن تکالیف منزل در حوزه‌های متعدد ارزیابی‌شده
- ✓ ارزیابی پیشرفت درمان، بررسی تکالیف جلسات و اصلاح مداخلات و تکالیف در راستای ترغیب تغییرات درمانی.

نقش مراجع:

- ✓ همکاری و شرکت فعال در جلسات و در بین جلسات درمان در راستای ایجاد تغییرات درمانی
- ✓ انجام تکالیف منزل

ماهیت ارتباط:

- ✓ مراجعان آزاد هستند تا مداخلات درمانی را پیاده نمایند یا از انتخاب آن‌ها سرباز بزنند ولی موظف به پذیرش مسئولیت رفتارهای خود هستند.
- ✓ رابطه همدلانه که همراه با گوش دادن مؤثر است سرلوحه کار درمانگر است.
- ✓ درمانگر به دنبال ایجاد یک اتحاد درمانی است که در آن مراجع احساس می‌کند که درمانگر اصیل و گرم بوده و تغییرات درمانی آن‌ها برای درمانگر مهم است.
- ✓ مراجعان به درمانگر خود اعتماد نموده و مسائل را برای درمانگر در جلسات مشترک و فردی بیان می‌کنند.
- ✓ ارزش‌های مراجعان محترم شمرده می‌شود

فنون و تکالیف درمانی:

- مهارت صحبت کردن کارآمد: استفاده از بیان «من»، فاعلی صحبت کردن، اجتناب از حاکم شدن بر گفتگو، اجتناب از پیشنهادها، آتش برانگیز، اجتناب از ناسزاگویی، اجتناب از برچسب زدن و فریاد زدن
- مهارت گوش دادن کارآمد: خلاصه کردن، توجه کردن، برگرداندن محتوای کلام، روشن‌سازی، تأیید کردن
- شناسایی و ثبت باورهای ناکارآمد: در این مورد از برگه ثبت افکار ناکارآمد استفاده می‌شود.
- اصلاح و مقابله نگرش‌ها و باورهای ناکارآمد زوجی: بازسازی شناختی، مقابله با باورهای ناکارآمد و جایگزینی افکار و باورهای کارآمد بهبوددهنده‌ی رابطه.

نتایج	پاسخ‌های متفاوت	افکار معیوب	عواطف	افکار خودکار	موقعیت
حالم بهتر شد. دیگه وقتی اومد خونه سرش غر نزدم	شاید کار مهمی داشته که باید می‌رسیده، زندگیه دیگه پیش میاد. منم کارایی از این دست زیاد کردم.	بایدونباید، بزرگنمایی، همه‌یاهیچ	رنجش، غم، ناراحتی شدید	اون یه آدم بی‌توجه هست، این زندگی درست‌بشو نیست.	غذا درست کرده بودم و منتظر بودم که بیاد باهم غذا بخوریم ولی زنگ زدم گفت من رفتم فلان جا کار داشتم

رفتارهای افزایش‌دهنده صمیمیت عاطفی و فیزیکی: جستجو و کشف خواسته‌ها و نیازها برای صمیمیت عاطفی.

اصلاح ارتباط مخرب: گفتگو به صورت غیر تدافعی: (توجه به نکات مثبت همسر، نشان دادن علاقه و توجه در هنگام گفتگوی همسر، زیر نظر داشتن و نظارت بر زبان تن خود در هنگامی که همسر صحبت می‌کند یا شکایت می‌کند، استفاده از فن گوش دادن مؤثر)

تائید، روشن‌سازی و همدلی برای حل اهانت و انتقاد: گذاشتن خود به جای همسر و روشن‌سازی و تصریح آنچه همسر می‌گوید (آیا درست فهمیدم، منظورت این است که...)، گوش دادن فعال (شنیدن حاکی از توجه و خلاصه نمودن و به طرف مقابل برگرداندن آنچه از طرف مقابلش فهمیده است) و استفاده از مهارت‌های صحبت کردن (به عنوان مثال: آموزش داده می‌شود و در جلسه تمرین می‌شود که هر همسر ابتدا سعی کند افکار، احساسات و خواست‌های خود را تشخیص دهد و سپس خواسته‌ها را به شیوه‌ای مشخص و روشن از زبان خود برای شخص مقابل بیان کند)، گوش دادن غیرکلامی مثبت (رفتارهای حاکی از توجه و تلاش برای فهم گفته‌های طرف مقابل)، توجه به آنچه فرد می‌تواند انجام دهد و نه آنچه فرد انجام نمی‌دهد (وقتی من بیرون هستم و تو مسیرت با مکانی که من هستم یکی است و دنبال من می‌آیی تا باهم به خانه برویم احساس می‌کنم که مورد توجه و محبت قرار گرفته‌ام به جای اینکه بگویم تو این قدر نفهم هستی که مسیرت با من یکی بود ولی یک زنگ نزدی که مرا برداری و باهم به خانه برویم)

مهارت همدلی: هدف از این مهارت این است که «تو را درک می‌کنم» را به دیگری انتقال دهد. توصیه نکردن در زمانی که همسر ناراحتی خود را ابراز می‌کند بلکه فقط همدردی و همدلی کردن.

چارچوب دهی مجدد: برخی از تعارض‌های ارتباطی زوج به سبب برداشت‌های منفی آن‌ها از خانواده‌های اصلی است به این صورت که نسبت به تمام گفته‌ها و رفتارهای خانواده‌های اصلی خود بدبین گشته و معنای دخالت مخرب می‌دهند که سعی می‌شود با چارچوب دهی مجدد آمیخته با شوخی دیدگاهی جدیدتر و سودمندتر به آن‌ها داده شود.

آموزش مهارت حل تعارض کارآمد برای حل تعارض به زوج آموزش داده می‌شود که زمان مکان خاصی برای بحث در نظر گرفته شود، مسئله یا موضوع مورد اختلاف دقیق مشخص شود، هر کدام راجع به نقشی که در مسئله دارد صحبت نماید، تلاش‌های ناموفق قبلی برای حل مسئله لیست شود، با بارش فکری ده روش جدید حل تعارض لیست گردد، راه‌حل‌های احتمالی لیست شده مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد، راجع به امتحان یک‌راه

حل توافق نمایند، در مورد نقش هریک در اجرای راه حل مورد نظر توافق کنند، قرار دیگری گذاشته و پیشرفت خودشان را ارزیابی کنند.

بازگویی شکایت از همسر به صورت تقاضای رفتار مطلوب.

شناسایی علایق و انتظارات همسران از یکدیگر و کمک در راستای افزایش تبادلات رفتاری مثبت.

تکالیف مستحکم کننده منظومه زن و شوهری: ۱- گردش زوجی در هفته بدون حضور هیچ یک از خانواده های اصلی، ۲- قاعده پاسداری از حریم زوجی: به عنوان مثال زوجین هیچ وجه موضوعات جلسات مشاوره، موضوع های پیش آمده روزانه و تعارض های روزانه را به خانواده ها گزارش نکنند و در مقابل فشار خانواده های اصلی برای تحمیل نظرات و تصمیم ها مقاومت نمایند.

تکالیف منزل: به کار بردن و نمره دادن به خود و طرف مقابل در یک مقیاس ۱۰۰ نمره ای در زمینه گوش دادن و صحبت کردن مؤثر، صمیمیت عاطفی؛ شناسایی و مقابله مؤثر با توهین و تمسخر، انتقاد توهین آمیز و تدافعی بودن، شناسایی باورهای ناکارآمد و خطاهای شناختی زوجی، مقابله و زیر سؤال بردن خطاهای شناختی، شناسایی خود گویی های مخرب، مقابله با خود گویی های مخرب.

فرایند الگوی پایدارسازی روابط زن و شوهری:

می توان گفت که مشاوره با زوجین به صورت یک فرایند انجام می گردد یعنی رویدادهایی با مشخصات خاص در طی زمان اتفاق می افتد. البته این فرایند به هیچ وجه خطی نیست زیرا از یک سو بین مراحل چرخش هایی وجود دارد به این صورت که در همان مرحله برقراری ارتباط مشاوره ای، فرضیه سازی های مشاور در راستای ارزیابی موارد و مؤلفه های الگو نیز در حالی که انجام است. همچنین احتمال دارد که مشاور در مرحله مداخله نیاز به ارزیابی های بیشتر پیدا کند. از سوی دیگر به دلیل متفاوت بودن زوجین برخی از این مراحل ممکن است طولانی تر شود یا کوتاه تر گردد. به طور خلاصه لازم به ذکر است که انطباق برنامه درمانی با نیازهای زوجین یک هنر درمانی محسوب می شود

مرحله اول: ایجاد یک رابطه درمانی با زوج: هدف مشاور در این مرحله تسهیل فرایند بیان مسائل و ایجاد یک فضای درمانی که در آن زوجین بدون ترس از متهم شدن و مقصر شناخته شدن بتوانند تعاملات واقعی خود را در جلسه به نمایش بگذارند و مسائل زندگی خود را بازگو نمایند. مشاور باید رفتار گوش دادن مؤثر را به خوبی

به نمایش بگذارد که در آن توجه به صورت کلامی و غیرکلامی صورت می‌گیرد و درمانگر باید مراقب باشد که در دام مقصریابی که اکثر زوجین برای مشاور پهن می‌کنند نیفتد بلکه رابطه پذیرا و مسئولانه برقرار نماید که در عین اعتماد و امنیت هرکس نقش خود را در مشکلات دریابد و بداند تغییر به صورت مشارکتی امکان‌پذیر است.

زبان درمانگر و اصطلاحات وی باید با سبک زبانی زوج متناسب باشد و در عین ایفای نقش شنونده همدل از ایفای نقش صاحب اقتدار و متخصص نیز غافل نشود.

همدلی، خلوص و پذیرش غیر مشروط زوج از مؤلفه‌های مهم ایجادکننده اعتماد و امنیت در رابطه درمانی است.

مرحله دوم: ارزیابی و فرضیه‌سازی راجع به مؤلفه‌ها و ابعاد مشکل‌دار یا دارای نقص

برخی از موارد و ابعاد با مشاهده و زیر نظر داشتن تعاملات زوج در جلسه مشاوره یا فعال‌سازی مرادوات زوجی در جلسه توسط مشاور و مشاهده این مرادوات قابل ارزیابی است. مثل توهین و تحقیر، انتقاد، الگوی ارتباطی مخرب که هم با مشاهده و هم با تحریک تعاملات معمول زوجین در جلسه مشاوره و مشاهده این تعاملات قابل ارزیابی است.

برخی از ابعاد دیگر نیاز است که مشاور به کاوش آن‌ها پرداخته و با پرسیدن سؤالات و ترغیب مراجعان به عمیق‌تر پرداختن به مسائل آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد. مثلاً چگونگی تفریحات زوجی، تعاملات با خانواده‌های اصلی و توانایی حریم‌سازی زوجین در زمره ابعادی قرار می‌گیرند که مشاور با کاوش به ارزیابی آن می‌پردازد.

برخی از ابعاد دیگر را نیز می‌توان با پرسشنامه‌های و مقیاس‌های استاندارد و تکالیف و تمرین‌های طراحی‌شده درمانگر برای اجرا در جلسه و بین جلسات مورد ارزیابی قرارداد.

لازم به ذکر است که ارزیابی و فرضیه‌سازی روندی است که از لحظه ورود زوجین به اتاق مشاوره تا لحظه اتمام جلسات درمان ادامه خواهد یافت.

در کل موارد مورد ارزیابی موارد زیر را شامل می‌شود:

نگرش‌ها انتظارات درباره همسر، رابطه، زندگی، دوستان و خانواده‌های اصلی
الگوهای تبادلی (ارتباطی)

صمیمیت و محبت

نقش‌ها و مشکلات آن

کار و تفریح

ساختار خانواده (مرزها، مثلث سازی‌ها، قدرت)

تعارض و مهارت‌های حل تعارض

فشارهای روانی و چگونگی مقابله با فشارهای روانی

مرحله سوم: مداخله. مرحله مداخله متمرکز بر ابعاد و مواردی است که در مرحله ارزیابی دارای مشکل یا نقص و کمبود شناخته شده است. در این مرحله از فنون و تکالیف یادشده در قسمت مبانی استفاده خواهد شد. مرحله چهارم: اختتام. در این مرحله به لزوم زیر نظر داشتن مداوم رابطه و استفاده از آموخته‌ها در زندگی و چگونگی استفاده از آموخته‌ها در موارد و زمان‌های دیگر می‌شود.

بخش کمی

در این بخش در ابتدا زوج شرکت‌کننده در جلسات مشاوره مختصر معرفی می‌شود سپس قبل از اینکه هر سؤال به صورت جداگانه مورد بحث قرار گیرد، گزاره‌های زوج مورد نظر بعد از درمان راجع به تغییراتشان در مقایسه با قبل از آمدن به مشاوره آورده شده است. در ادامه نیز یافته‌های به دست آمده مربوط به هریک از فرضیه‌های پژوهش به تفکیک آورده شده است.

معرفی زوج و گزاره‌های زوج راجع به تغییرات درمانی خود:

معرفی زوج مورد نظر: خانم دارای ۲۴ سال سن بود و ۷ سال بود که با یکدیگر ازدواج کرده بودند بیشتر به خانه‌داری مشغول بود ولی برخی اوقات در یکی از سالن‌ها به آرایشگری نیز مشغول بود. پدر و مادر وی در قید حیات بودند و تجربه طلاق در خانواده خود نداشتند.

آقا دارای ۲۸ سال سن بود و دارای شغل آزاد بود به این صورت که بیشتر به کارهایی همچون وانت‌بار در داخل شهر و خرید و فروش مشغول بود. پدر و مادر وی در قید حیات بودند؛ و تجربه طلاق در خانواده خود نداشتند.

در ادامه گزاره‌ای زوجین راجع به تغییراتی که در طی جلسات مشاوره تجربه کرده‌اند آورده شده است:

ما قبل از مراجعه به مرکز مشاوره درگیری‌های خیلی زیادی داشتیم تا جایی که من (خانم) مجبور شدم خانه را ترک کنم. حرف‌های همدیگر را درک نمی‌کردیم و هر یک حرف خودمان را می‌زدیم بدون اینکه سعی کنیم همدیگر را درک کنیم. خیلی همدیگر را تحقیر می‌کردیم و اواخر توهین و فحش بین ما خیلی زیاد شده بود. توی خونه هر اتفاقی می‌افتاد به خانواده‌هامون می‌گفتیم و کار به جایی رسیده بود که به خانواده‌های همدیگر

بی‌احترامی می‌کردیم و مرتب یا از خانواده‌های همدیگر انتقاد می‌کردیم یا فحش به خانواده‌های همدیگر می‌دادیم. در مورد هر چیز کوچکی دعوا می‌شد. حتی سر اینکه چرا ناهار ۲۰ دقیقه دیر آماده شده ما دعوایی داشتیم که چند روز ما را خراب می‌کرد. دیگر توجه نداشتیم که داریم زندگی‌مان را خراب می‌کنیم فقط با یکدیگر لج بازی می‌کردیم و به شدت به یکدیگر گیر می‌دادیم. در کل می‌توانم بگویم که هیچکدام از باهم بودن لذت نمی‌بردیم و با نارضایتی فقط روزها را سپری می‌کردیم که بعد از ترک خانه توسط خانم مجبور شدیم برای پیدا کردن چاره‌ای به مشاوره بیاییم.

بعد از مراجعه رابطه مون خوب شده و ساعت‌ها باهم حرف می‌زنیم بدون اینکه به هم بی‌احترامی کنیم یا همدیگر را تحقیر کنیم. می‌تونیم بگیم به جای دعوای قبلی ما باهم حرف می‌زنیم در صورتی که قبلاً کتک کاری می‌کردیم ولی الان یاد گرفتیم چطور حرف بزنیم که به دیگری بر نخوره و چطور گوش بدهیم تا همدیگر را درک کنیم یاد گرفتیم چطور اختلاف‌ها و تعارض‌ها مون را حل کنیم. الان با هم در مورد کارها تصمیم می‌گیریم و با هم بیرون میریم. به خانواده‌ها مون حرف‌های درون‌خونه را نمی‌گوییم حتی اگر اون‌ها با ترفندهایی بخوان از زندگی ما سر در بیاورن، تو جمع با هم خوب برخورد می‌کنیم و دیگران هم بیشترین احتراممون را نگه میدارن. میتونیم بگویم که ما یاد گرفتیم چطور لذت ببریم در صورتی که قبلاً بلد نبودیم و با دعوا عمرمون می‌گذشت.

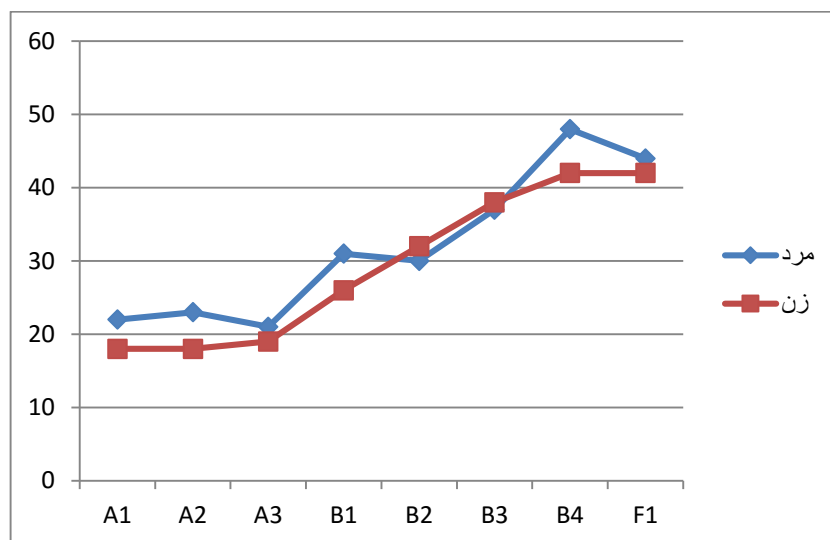
فرضیه اول: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر افزایش رضایتمندی زن‌وشوهری تاثیر دارد.

چون پرسشنامه‌ای که برای سنجش رضایت زن‌وشوهری استفاده شد فاقد نمره کل بود و در خرده مقیاس‌ها رضایت زن‌وشوهری را می‌سنجید، قسمت مربوط به یافته‌های مرتبط با اثربخشی الگوی پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود رضایت زن‌وشوهری زوج، در قالب نتایج مربوط به سه فرضیه تفکیک شده آورده شد.

الف: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود رضایت زناشویی زوجین تاثیر دارد.

نتایج نمودار (۴-۱) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر افزایشی را در نمرات زیر مقیاس رضایت زناشویی داشته‌اند.

نمودار ۴-۱. روند تغییر نمرات در رضایت زناشویی



نتایج جدول (۴-۱۰) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۳,۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۴ درصد و آزمودنی دوم هر ۵۷ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در آزمودنی اول در دوره پیگیری ۱ ماهه کمی افت داشته است ولی آزمودنی دوم تغییرات درمانی را در دوره پیگیری یک‌ماهه نیز حفظ کرده است.

جدول ۴-۱۰. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در رضایت زناشویی

مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۲۲	۱۸
پیش‌آزمون ۲	۲۳	۱۸
پیش‌آزمون ۳	۲۱	۱۹
جلسه دوم	۳۱	۲۶
جلسه چهارم	۳۰	۳۲
جلسه ششم	۳۷	۳۸
جلسه آخر	۴۸	۴۲
درصد بهبودی	۵۴ درصد	۵۷ درصد
پی‌گیری ۱ ماهه	۴۴	۴۲
درصد بهبودی پیگیری	۵۰ درصد	۵۷ درصد
شاخص تغییر پایا RC	۵,۷۷	۵,۳۳
بهبودی کلی	۵۳,۵ درصد	

پس با توجه به اینکه درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است. پس می‌توان گفت الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود رضایت زناشویی زوجین مؤثر است.

ب: الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زن‌وشوهری، ارتباطات زوجین را بهبود می‌بخشد.

نتایج نمودار (۲-۴) نشان‌دهنده آن است که هر دو آزمودنی سیر افزایشی را در نمرات زیر مقیاس ارتباطات داشته‌اند.

نمودار ۲-۴. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس ارتباطات



نتایج جدول (۴-۱۱) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۰٫۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۰ درصد و آزمودنی دوم هر ۵۱ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در آزمودنی اول و دوم در دوره پیگیری ۱ ماهه نیز افزایش داشته است.

جدول ۴-۱۱. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس ارتباطات

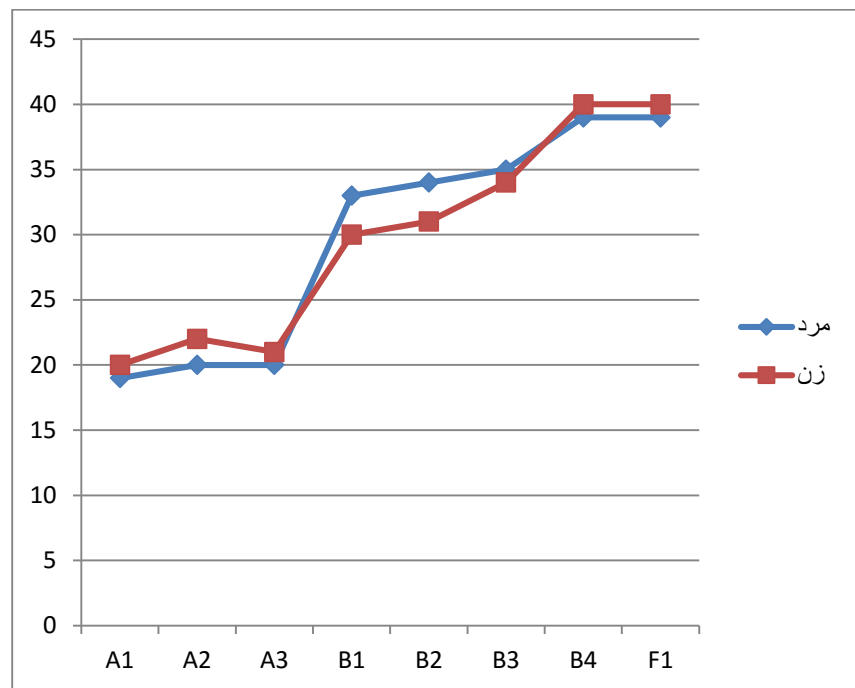
مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۲۱	۲۰
پیش‌آزمون ۲	۲۲	۱۹
پیش‌آزمون ۳	۲۲	۲۱
جلسه دوم	۳۱	۳۰
جلسه چهارم	۲۸	۲۷
جلسه ششم	۳۶	۳۷
جلسه آخر	۴۲	۴۱
درصد بهبودی	۵۰ درصد	۵۱ درصد
بهبودی کلی	۵۰٫۵ درصد	
پی‌گیری ۱ ماهه	۴۴	۴۲
درصد بهبودی مرحله پیگیری	۵۳ درصد	۵۲ درصد
بهبودی کلی	۵۲٫۵	
شاخص تغییر پایا RC	۵	۵٫۰۵

همان‌طور که در جدول (۴-۱۱) مشاهده می‌شود، درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، پس می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی ($RCI > 1.96$) بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود ارتباطات زوجین مؤثر است.

ج: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری به بهبود حل تعارض زوجین می‌انجامد.

نتایج نمودار (۴-۳) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر افزایشی را در نمرات زیر مقیاس حل تعارض داشته‌اند.

نمودار ۳-۴. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس حل تعارض



نتایج جدول (۴-۱۲) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۰,۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۱ درصد و آزمودنی دوم ۵۰ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان دهنده آن است که روند بهبودی در آزمودنی اول کمی افت کرده ولی آزمودنی دوم در دوره پیگیری ۱ ماهه ثابت مانده است.

جدول ۴-۱۲. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس حل تعارض

مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۱۹	۲۰
پیش‌آزمون ۲	۲۰	۲۲
پیش‌آزمون ۳	۲۰	۲۱
جلسه دوم	۳۳	۳۰
جلسه چهارم	۳۴	۳۱
جلسه ششم	۳۵	۳۴
جلسه آخر	۳۹	۴۰
درصد بهبودی	۵۱ درصد	۵۰ درصد
بهبودی کلی	۵۰,۵	
پی‌گیری ۱ ماهه	۳۷	۴۰
درصد بهبودی مرحله پیگیری	۴۹ درصد	۵۰ درصد
بهبودی کلی	۴۹,۵	
شاخص تغییر پایا RC	۴,۷۷	۴,۷

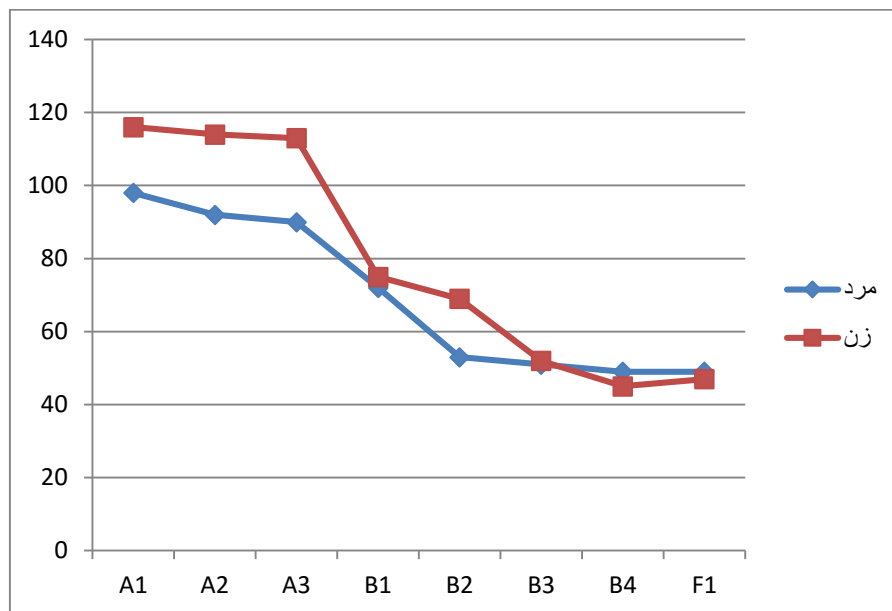
با توجه به اطلاعات جدول (۴-۱۲) درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است (البته درصد بهبودی در مرد در پیگیری ۱ ماهه به ۴۹,۵ درصد نزدیک شده است)، پس می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است؛ یعنی الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری بر بهبود حل تعارض زوجین مؤثر است.

فرضیه دوم: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری بر کاهش تعارضات زن و شوهری تاثیر دارد. برای پاسخ به این فرضیه نیز با توجه به اینکه پرسشنامه تعارضات زناشویی دارای یک نمره کل و چند خرده مقیاس است، یافته‌ها در ابتدا برای نمره کل تعارض آورده شده است، سپس برای هر خرده مقیاس به‌صورت جداگانه نیز یافته‌ها بیان شده است.

فرضیه اصلی: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری به بهبود تعارض زناشویی زوجین می‌انجامد.

نتایج نمودار (۴-۴) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمره کل تعارض داشته‌اند.

نمودار ۴-۴. روند تغییر نمرات در تعارض زناشویی



نتایج مذکور در جدول (۴-۱۳) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۵,۶ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۰ درصد و آزمودنی دوم نیز ۶۱,۲ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در آزمودنی اول و دوم در دوره پیگیری ۱ ماهه تقریباً حفظ شده است.

جدول ۴-۱۳. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در تعارض زناشویی

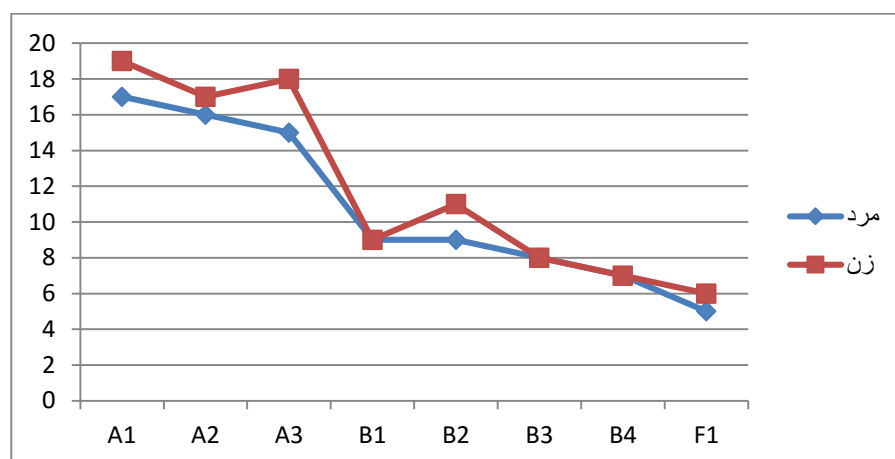
مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۹۸	۱۱۶
پیش‌آزمون ۲	۹۲	۱۱۴
پیش‌آزمون ۳	۹۰	۱۱۳
جلسه دوم	۷۲	۷۵
جلسه چهارم	۵۳	۶۹
جلسه ششم	۵۱	۵۲
جلسه آخر	۴۹	۴۵
درصد بهبودی	۵۰ درصد	۶۱,۲
بهبودی کلی	۵۵,۶	
پی‌گیری ۱ ماهه	۴۹	۴۷
درصد بهبودی دوره پیگیری	۵۰ درصد	۵۹ درصد
بهبودی کلی	۵۴,۴	
شاخص تغییر پایا RC	۵,۲۹	۷,۶۶

با توجه به اینکه درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود تعارض زناشویی زوجین مؤثر است.

الف: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری به بهبود همکاری زوجین می‌انجامد.

نتایج نمودار (۴-۵) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمرات زیر مقیاس تعارض در همکاری داشته‌اند.

نمودار ۴-۵. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس کاهش همکاری



نتایج جدول (۴-۱۴) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۶۰,۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۸ درصد و آزمودنی دوم نیز ۶۳ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در آزمودنی اول و دوم در دوره پیگیری ۱ ماهه نیز ادامه یافته است.

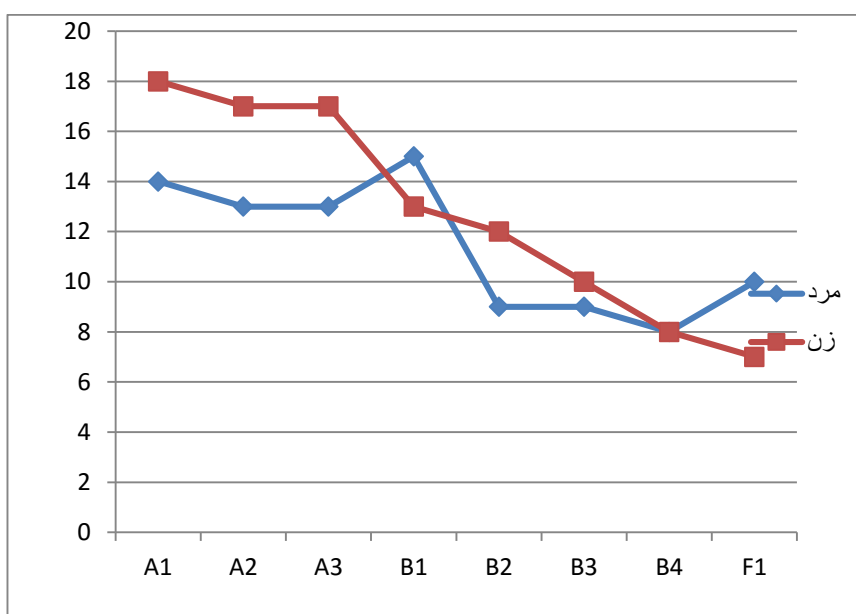
جدول ۴-۱۴. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس کاهش همکاری

مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۱۷	۱۹
پیش‌آزمون ۲	۱۶	۱۷
پیش‌آزمون ۳	۱۵	۱۸
جلسه دوم	۹	۹
جلسه چهارم	۹	۱۱
جلسه ششم	۸	۸
جلسه آخر	۷	۷
درصد بهبودی	۵۸ درصد	۶۳ درصد
بهبودی کلی	۶۰,۵ درصد	
پی‌گیری ۱ ماهه	۵	۶
درصد بهبودی دوره پیگیری	۷۰ درصد	۶۸ درصد
بهبودی کلی	۶۹ درصد	
شاخص تغییر پایا RC	۳,۶۶	۳,۲۲
بهبودی کلی		

همان‌طور که در جدول (۴-۱۴) مشاهده می‌شود، درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است؛ بنابراین الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود همکاری زوجین مؤثر است.

ب: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری به بهبود رابطه جنسی زوجین می‌انجامد. نتایج نمودار (۴-۶) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمرات زیر مقیاس مشکل در رابطه جنسی داشته‌اند.

نمودار ۴-۶. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس کاهش رابطه جنسی



نتایج جدول (۴-۱۵) نشان‌دهنده آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۰ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۴۳ درصد و آزمودنی دوم نیز ۵۶ درصد بوده است. همچنین روند بهبودی در آزمودنی دوم در دوره پیگیری ۱ ماهه نیز ادامه یافته است ولی آزمودنی اول نتوانسته تغییرات درمانی را حفظ کند و دچار افت عملکرد شده است.

جدول ۴-۱۵. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس کاهش رابطه جنسی

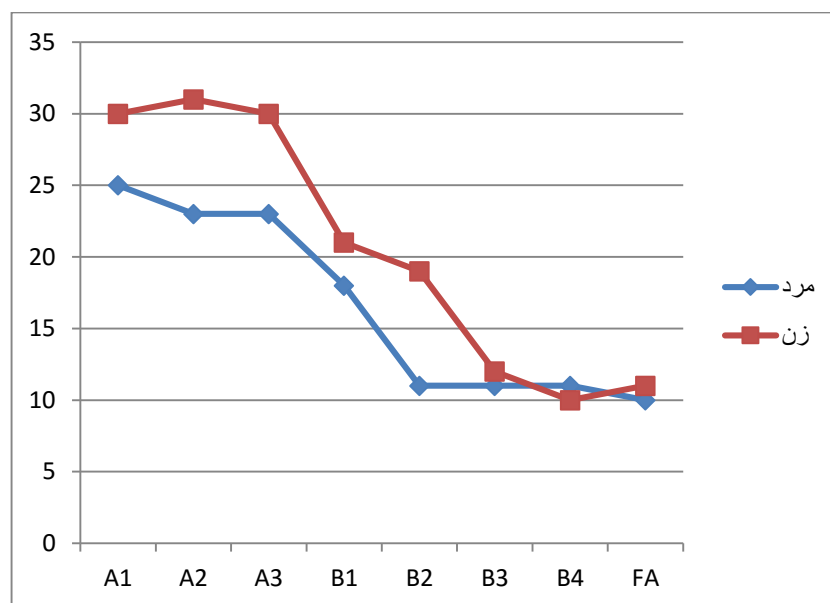
مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۱۴	۱۸
پیش‌آزمون ۲	۱۳	۱۷
پیش‌آزمون ۳	۱۳	۱۷
جلسه دوم	۱۵	۱۳
جلسه چهارم	۹	۱۲
جلسه ششم	۹	۱۰
جلسه آخر	۸	۸
درصد بهبودی	۴۳ درصد	۵۶ درصد
بهبودی کلی	۵۰ درصد	
پی‌گیری ۱ ماهه	۱۰	۷
درصد بهبودی دوره پیگیری	۲۸ درصد	۶۱ درصد
بهبودی کلی	۴۵ درصد	
شاخص تغییر پایا RC	۳,۵۵	۵,۹۱

با توجه به اینکه درصد بهبودی در پایان دوره درمان در آزمودنی اول (۴۳) زیر ۵۰ درصد و بین ۲۵ تا ۴۹ درصد است پس می‌توان گفت میزان بهبودی آزمودنی اول در طیف بهبودی اندک قرار دارد. البته شاخص بهبود بالینی در دوره پیگیری در آزمودنی اول (۲۸ درصد) نشان‌دهنده این است که هرچند از لحاظ تغییرات درمانی نسبت به مرحله درمان افت داشته است اما همچنان در طیف بهبودی اندک قرار دارد. درصد بهبودی آزمودنی دوم هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتیجه را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد.

به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است. در نتیجه می‌توان گفت الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری بر بهبود رابطه جنسی زوجین مؤثر است.

ج: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری به بهبود واکنش هیجانی زوجین می‌انجامد. نتایج نمودار (۷-۴) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمرات زیر مقیاس واکنش هیجانی داشته‌اند.

نمودار ۷-۴. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس افزایش واکنش هیجانی زوج



نتایج جدول (۱۶-۴) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۶۱ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۶ درصد و آزمودنی دوم نیز ۶۶ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در دوره پیگیری ۱ ماهه در آزمودنی اول ادامه داشته و آزمودنی دوم در دوره پیگیری ۱ ماهه با افت بسیار اندکی روبرو بوده است.

جدول ۴-۱۶. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس افزایش واکنش هیجانی

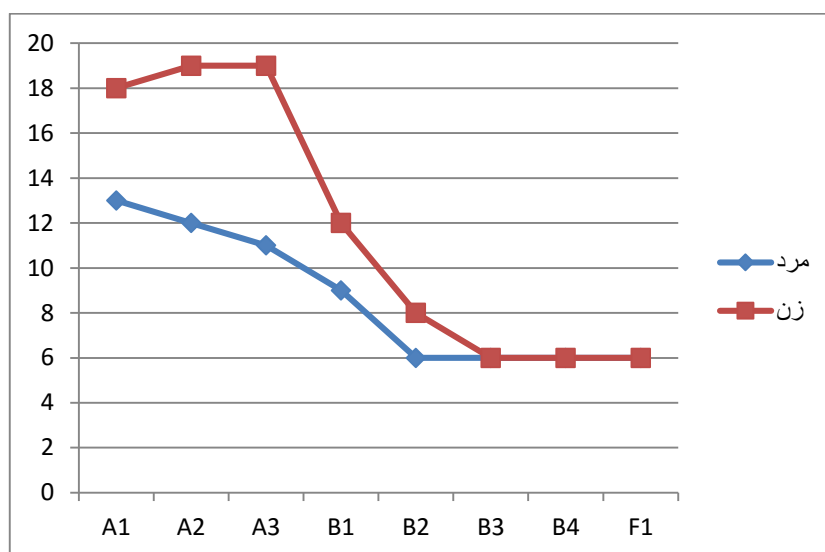
مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۲۵	۳۰
پیش‌آزمون ۲	۲۳	۳۱
پیش‌آزمون ۳	۲۱	۳۰
جلسه دوم	۱۸	۲۱
جلسه چهارم	۱۱	۱۹
جلسه ششم	۱۱	۱۲
جلسه آخر	۱۱	۱۰
درصد بهبودی	۵۶ درصد	۶۶ درصد
بهبودی کلی	۶۱ درصد	
پی‌گیری ۱ ماهه	۱۰	۱۱
درصد بهبودی دوره پیگیری	۵۵ درصد	۶۳ درصد
بهبودی کلی	۵۹ درصد	
شاخص تغییر پایا RC	۹,۰۹	۱۲,۹۸

با توجه به اینکه درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری بر بهبود واکنش‌های هیجانی زوجین مؤثر است.

د: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری به بهبود رابطه با خویشان خود زوجین می‌انجامد.

نتایج نمودار (۴-۸) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمرات زیر مقیاس مشکل در رابطه با خویشان خود داشته‌اند.

نمودار ۴-۸. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس افزایش رابطه فردی با خویشان خود



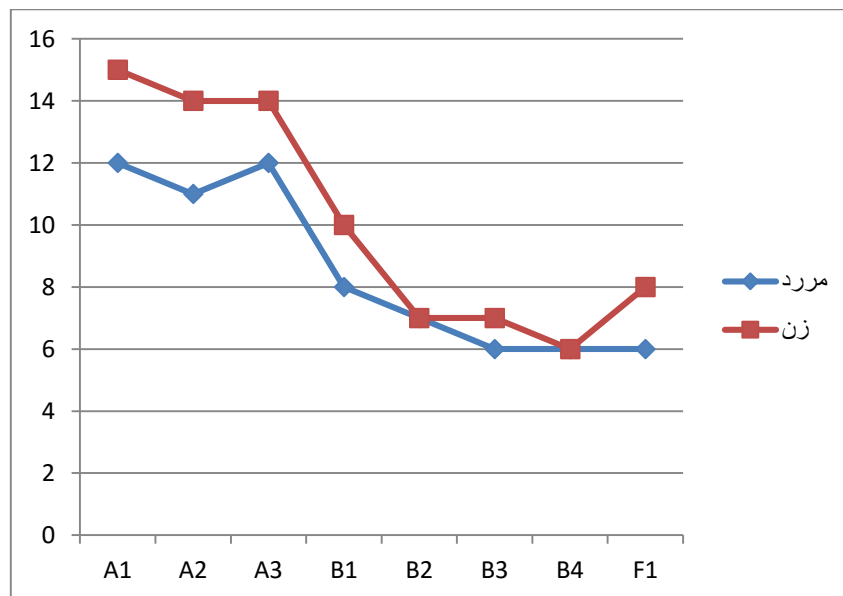
نتایج جدول (۴-۱۷) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۹,۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۳ درصد و آزمودنی دوم نیز ۶۶ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در دوره پیگیری ۱ ماهه در آزمودنی اول و آزمودنی دوم حفظ‌شده است. جدول ۴-۱۷. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس افزایش رابطه فردی با خویشان خود

مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۱۳	۱۸
پیش‌آزمون ۲	۱۲	۱۹
پیش‌آزمون ۳	۱۱	۱۹
جلسه دوم	۹	۱۲
جلسه چهارم	۶	۸
جلسه ششم	۶	۶
جلسه آخر	۶	۶
درصد بهبودی	۵۳ درصد	۶۶ درصد
بهبودی کلی	۵۹,۵ درصد	
پی گیری ۱ ماهه	۶	۶
درصد بهبودی دوره پیگیری	۵۰ درصد	۶۶ درصد
بهبودی کلی	۵۸ درصد	
شاخص تغییر پایا RC	۴,۵۴	۷,۷۹

همان‌طور که در جدول (۴-۱۷) مشاهده می‌شود، درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است. پی نتیجه گرفته می‌شود که الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود رابطه با خویشان خود زوجین مؤثر است.

۵: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری به بهبود رابطه با خویشان همسر و دوستان زوجین می‌انجامد. نتایج نمودار نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمرات زیر مقیاس مشکل در رابطه با خویشان خود داشته‌اند.

نمودار ۴-۹. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس کاهش رابطه خانوادگی با خویشان همسر و دوستان



نتایج جدول (۴-۱۸) حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۵۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۵۰ درصد و آزمودنی دوم نیز ۶۰ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در دوره پیگیری ۱ ماهه در آزمودنی اول حفظ‌شده ولی در آزمودنی دوم کمی افت کرده است.

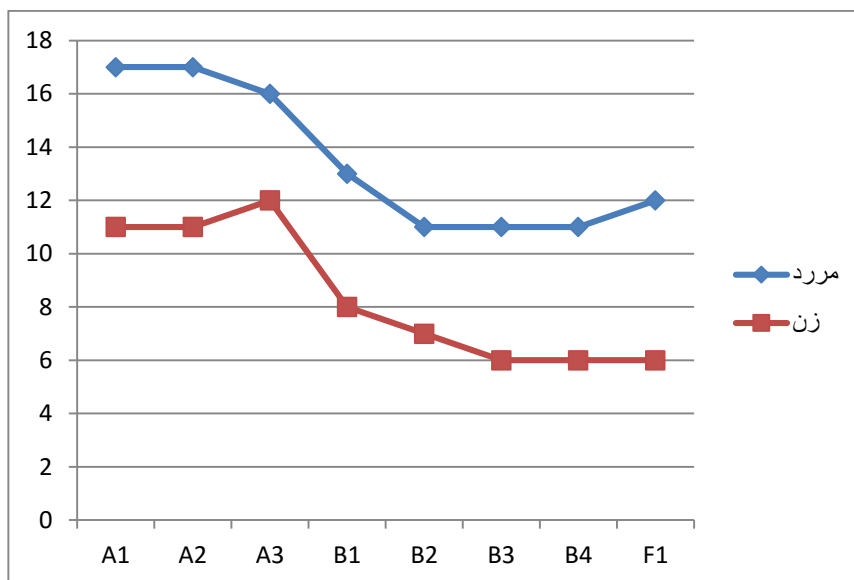
جدول ۴-۱۸. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی خرده مقیاس کاهش رابطه خانوادگی با خویشان همسر و دوستان

مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۱۲	۱۵
پیش‌آزمون ۲	۱۱	۱۴
پیش‌آزمون ۳	۱۲	۱۴
جلسه دوم	۸	۱۰
جلسه چهارم	۷	۷
جلسه ششم	۶	۷
جلسه آخر	۶	۶
درصد بهبودی	۵۰ درصد	۶۰ درصد
بهبودی کلی	۵۵ درصد	
پی‌گیری ۱ ماهه	۶	۸
درصد بهبودی دوره پیگیری	۵۰ درصد	۴۶ درصد
بهبودی کلی	۵۱ درصد	
شاخص تغییر پایا RC	۳,۱۷	۴,۷۶

با توجه به اینکه درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود رابطه با خویشان خود زوجین مؤثر است.

و: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری به بهبود تعارض بر سر امور مالی زوجین می‌انجامد. نتایج نمودار (۴-۱۰) نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمرات زیر مقیاس مشکل در رابطه با خویشان خود داشته‌اند.

نمودار ۴-۱۰. روند تغییر نمرات در خرده مقیاس جدا کردن امور مالی از یکدیگر



نتایج مذکور در جدول حاکی از آن است که بهبودی کلی در پایان فرایند درمان ۴۲,۵ درصد بوده است. میزان بهبودی آزمودنی اول ۳۵ درصد و آزمودنی دوم نیز ۵۰ درصد بوده است. اطلاعات جدول نشان‌دهنده آن است که روند بهبودی در دوره پیگیری ۱ ماهه در آزمودنی اول و آزمودنی دوم با کمی افت روبرو شده است.

جدول ۴-۱۹. شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی در خرده مقیاس جدا کردن امور مالی از یکدیگر

مراحل درمان	آزمودنی اول (شوهر)	آزمودنی دوم (زن)
پیش‌آزمون ۱	۱۷	۱۶
پیش‌آزمون ۲	۱۷	۱۶
پیش‌آزمون ۳	۱۶	۱۵
جلسه دوم	۱۳	۱۰
جلسه چهارم	۱۱	۱۲
جلسه ششم	۱۱	۹
جلسه آخر	۱۱	۸
درصد بهبودی	۳۵ درصد	۵۰ درصد
بهبودی کلی	۴۲,۵	
پی گیری ۱ ماهه	۱۲	۹
درصد بهبودی دوره پیگیری	۲۹ درصد	۴۳,۷
بهبودی کلی	۳۶,۳۵	
شاخص تغییر پایا RC	۲,۵۰	۳,۳۳

همان‌طور که در جدول (۴-۱۹) مشاهده می‌شود، درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بین ۲۵ تا ۴۹ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی جزء بهبودی اندک قلمداد کرد. به‌منظور بررسی معناداری آماری تفاوت مشاهده‌شده در نمرات مراجعان، شاخص تغییر پایا (RCI) محاسبه گردید. شاخص تغییر پایا برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است. در نتیجه می‌توان گفت که الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری بر بهبود رابطه با خویشان خود زوجین مؤثر است.

فصل پنجم

بحث و نتیجه‌گیری

این فصل در دو بخش جداگانه یعنی بخش کیفی و بخش کمی آورده شده است. در ابتدا یافته‌های پژوهشی حاصل از بخش کیفی پژوهش به تفکیک هر سؤال به‌طور خلاصه آورده شده است سپس یافته‌های همسو و غیرهمسو با نتایج پژوهش حاضر مورد اشاره قرار گرفته است و در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری در مورد هر سؤال پرداخته شده است.

در بخش کمی نیز یافته‌های مربوط به هر سؤال به‌صورت مختصر آورده شده است و پس از ذکر یافته‌های پژوهش‌های همسو و غیرهمسو به تبیین یافته‌های به‌دست‌آمده پرداخته شده است.

بخش کیفی

سؤال اول: عوامل جدایی و ازهم‌پاشی ازدواج از نظر زن و شوهرهای متقاضی طلاق چیست؟

نتایج به‌دست‌آمده در رابطه با سؤال اول بیان‌کننده این است که مقوله شکل‌گیری نامناسب ازدواج جزء شرایط علی ازهم‌پاشیدن ازدواج است؛ مقوله شکل‌گیری نامناسب ازدواج دربردارنده مفاهیمی همچون عدم وجود علاقه اولیه، انگیزه نامناسب انتخاب، عدم آمادگی، آشنایی ناقص پیش از ازدواج، ازدواج اجباری و انتخاب ناآگاهانه است. عوامل درون شخصی (نگرش‌های ناکارآمد و ویژگی‌های شخصیتی نامناسب) و بین شخصی (منظومه زن‌وشوهری و والدینی و چند نسلی ناکارآمد) و فرا شخصی (مالی و کاری) ازجمله عوامل میانجی مؤثر در از هم پاشیدن ازدواج می‌باشند. البته برخی استراتژی‌های ناکارآمد نیز در تحقیق به دست آمد که زوجین و خانواده‌های زوجین متقاضی طلاق در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌ها به آن‌ها متوسل شده‌اند و منجر به تشدید یافتن مشکلات آن‌ها شده است. پیامد نهایی عبارت از پیامدهای احساسی، شناختی و رفتاری منفی بود. البته یک سری شرایط زمینه‌ای نیز در زوجین متقاضی طلاق کشف شد که شامل رواج طلاق در خانواده‌ی اصلی، سابقه اعتیاد، خانواده‌های مبدأ ناکارآمد و دوستی با افراد دارای ازدواج‌های ناموفق بود.

مقوله مرکزی به‌دست‌آمده در کدگذاری محوری سیر ازهم‌پاشی ازدواج بود، اصطلاح سیر به این دلیل استفاده شد که نارضایتی و متقاعدشدن برای اقدام نمودن عملی برای طلاق یک اتفاق آنی نیست بلکه فرایندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد به این صورت که در این فرایند مسافرانی هم‌سفر شده‌اند که دارای شرایط زمینه‌ای نامساعد بوده‌اند همچون بزرگ شدن در خانواده‌های مشکل‌دار و ناکارآمد، تجربه طلاق در خانواده‌های اصلی خود و سابقه اعتیاد، همچنین این مسافران در ابتدای راه در انتخاب همسفر خود نیز اکثراً شروع ناکارآمدی داشتند که در این پژوهش زیر عنوان شرایط علی و در قالب مقوله شکل‌گیری نامناسب ازدواج در قسمت یافته‌ها

به آن اشاره شد. همان‌طور که از مصاحبه اکثر زوجین شناسایی شد شکل‌گیری نامناسب ازدواج در اکثر زوجین متقاضی طلاق مشهود بود، مثلاً خانمی عنوان کرد که «تقریباً به‌اجبار پدرم ازدواج کردم، اون موقع از ازدواج چیزی نمی‌دونستم».

در ادامه این فرایند تلخ هر یک از مسافران با نگرش‌های ناکارآمد خود که این نگرش‌ها حوزه‌های گوناگونی همچون نگرش ناکارآمد نسبت به خود، همسر، خانواده مبدأ، دیگران، زندگی و خدا را شامل می‌شد فرصت برای ساختن زندگی را در این سفر از خود گرفتند و گام در مسیر تشدید مشکلات و اختلاف‌ها نهادند مثلاً با توسل به نگرش‌هایی که معنویت، مذهب و خدا حضوری کمرنگ داشت خود را از یک منبع امیدبخش محروم نمودند با اتخاذ نگرش‌هایی ناکارآمد مرتبط با همسر همچون اینکه زن باید بعد از ازدواج خانواده‌اش را فراموش کند دلسردی طرف مقابل نسبت به ازدواج را فراهم نمودند و همچنین باعث شدند که خانواده‌ی همسر که می‌توانست منبعی حمایتی باشد به منبعی مشکل‌ساز تبدیل شود، نگرش‌های منفی مرتبط با خانواده همسر و دیگران نیز باعث اتخاذ رفتارهایی شد که سیر حرکت به سمت جدایی را تشدید نمود و همچنین نگرش‌های ناکارآمد مربوط به زندگی همچون انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن نیز باعث شد که سختی‌های زندگی که وقوع آن‌ها در هر زندگی‌ای اجتناب‌ناپذیر است بسیار بزرگ و غیرقابل حل به نظر برسد و باعث ناامیدی و شکل‌گیری نگرش ناکارآمد دیگری همچون بی‌اعتمادی به تداوم و بقای زندگی گردد. در ادامه این سفر زوجین در زیر منظومه‌های زندگی نیز کارآمدی لازم را از خود نشان نداده‌اند در منظومه زن‌وشوهری ناکارآمد، هسته اساسی زندگی یعنی محبت و عشق‌ورزی از همان اوان زندگی یا شکل‌نگرفت یا از آن مراقبت نشده است تا جایی که زوجین هر یک احساس عدم ارضای نیاز به عشق و محبت را داشتند و در ادامه وفاداری نیز مورد تردید قرار گرفت.

در زیر منظومه زن‌وشوهری، زوجین با نپرداختن به تفریحات زوجی و عدم گذراندن وقت با هم باعث شدند که شکاف‌های زندگی بیشتر شود. ارتباط ناکارآمدی که در آن توهین و تحقیر، استفاده از تهدید و عدم گفت‌وشنود موج می‌زند نیز در دور شدن زوجین نقش اساسی ایفا می‌کند چون راه را برای استفاده از استراتژی‌های حل تعارض، حل مسئله و مقابله با استرسی که با استفاده از ارتباط مؤثر حاصل می‌شود بسته و یک ابزار کارآمدی که می‌توانست به کمک زوجین بیاید به‌صورت ابزاری مشکل‌ساز درآمده است. زوجین متقاضی طلاق مشکلات زیادی را در تصمیم‌گیری تجربه نمودند که این مشکلات با ادغام با عدم همسویی و همفکری زوجین با یکدیگر مسئله شکاف بین همسران را بغرنج‌تر کرد؛ که مشکلات ذکرشده شرایط را برای بروز عامل مشکل‌ساز دیگری که با عنوان تعاملات ناکارآمد همسر در جمع‌ها ذکرشده، فراهم نموده است.

همان‌طور که بسیاری از زوجین نیز بیان نمودند منظومه خانواده‌های مبدأ نیز در این زوجین کارکرد نامناسبی داشته است ازجمله خانواده‌های مبدأ دست به یک سری رفتارهای مداخله گرانه و تضعیف‌کننده‌ی منظومه زوجی زدند برای مثال خانمی سوم بیان نمود «چند سری پنجره رو باز کرده بودم خواهرشوهرم دیده بود سریع رفته بود به /میر گفته بود فریبا فضولی میکنه فریبا گوش وایستاده بود، خونمون سر این دعوا بود».

رفتارهای تنش‌زای خانواده‌ی مبدأ و اشتراک محل کار و محل زندگی زوجین با خانواده‌ی مبدأ نیز شرایط را برای تضعیف شدن هرچه بیشتر زوج فراهم نموده است.

در این خانواده‌ها منظومه والدینی نیز کارکردی منفی داشته است به این صورت که ورود فرزند اوضاع را بدتر نموده است. مشکلات مالی، کاری و مسکن نیز باعث تشدید مشکلات گردیده‌اند مثلاً یکی از خانم‌ها گفت «مشکل من با ایشون بیکاریشه، بعد از این ۷ سال که من گیر دادم من هزینه‌ها را از خونوام یا از کسی می‌گرفتم ولی متأسفانه ایشون سر کار نرفتن».

البته نباید از این غافل شد که مسافران شکل‌دهنده‌ی زوج، دارای ویژگی‌های شخصیتی نامناسبی بودند که شکاف را بیشتر کرد، همسری که مسئولیت‌پذیر نیست مثلاً خانمی بیان کرد که «بی مسئولیت، اصلاً زیر با مسئولیت زندگی نمیره، اول زندگی که ما رفتیم خونمون، کرایه خونه اومد، رضا کرایه خونه را بده سرش دو ماه دعوا کردیم»، خودرایی و خودمحور است و مقاومت و تحمل پایینی دارد، فرصت‌گذاشت، صبر، ازخودگذشتگی، فداکاری و تحمل را که می‌تواند زندگی را در کوران سختی‌ها به مقصد برساند، از زندگی گرفته است.

استراتژی‌ها و راهبردهایی که همسران و خانواده‌های مبدأ در هنگام مواجهه با اختلاف‌ها و سختی‌ها به کار گرفته‌اند نه‌تنها به تخفیف سختی‌ها و اختلاف‌ها نینجامیده بلکه شدت نیز بخشیده است، استراتژی‌های ناکارآمدی همچون علنی کردن مشکلات برای خانواده و فامیل، قطع نمودن یا محدود کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش ابراز خشم مخرب، توسل به تعاملات منفی نظیر توهین، لج بازی و سکوت، همگی ازدواج را به پرتگاه نهایی یا طلاق نزدیک نمودند در این میان استفاده خانواده‌های مبدأ از راهبردهای ناکارآمد، زوجین را به سمت پرتگاه هل داده است؛ به‌عنوان مثال مطرح کردن شروط غیرمنطقی برای همسر از سوی خانواده مبدأ بعد از قهر، تشویق فرزند برای طلاق و نظایر آن باعث افزایش کدورت‌ها در رابطه گردیده است.

در پایان زوجین باتجربه پیامدهای احساسی منفی همچون غمگینی و عدم دل‌خوشی و خستگی و رسیدن به پیامدهای شناختی منفی همچون خسران به انتهای سفر که همان طلاق است می‌رسند.

یافته‌های مرتبط با این سؤال پژوهش نشان داد که عامل علی منجر به طلاق شامل شکل‌گیری نامناسب ازدواج (عدم وجود علاقه اولیه، عدم آمادگی، آشنایی ناکافی قبل از ازدواج، ازدواج اجباری و انتخاب ناآگاهانه) است، یافته مذکور با یافته پژوهش‌های قطبی، هلاکویی نائینی، جزایری و رحیمی (۱۳۸۳) همسو بود، این عوامل علی در مطالعات انجام‌شده در فرهنگ‌های غربی به‌عنوان عامل منجر به طلاق رایج نیست و این می‌تواند بر اساس باورها و مسائل فرهنگ ایرانی تبیین شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد که توجه به مؤلفه‌هایی همچون وجود علاقه برای ازدواج، آشنایی کافی، آمادگی و ازدواج آگاهانه منطبق بر باورهای دینی و فرهنگی جامعه ایرانی در امر ازدواج دارای اهمیت است تا بتوان از این طریق از جدایی‌ها و ازهم‌پاشیدن ازدواج‌ها جلوگیری کرد.

برخی از عوامل مداخله‌گر مهم که در این مطالعه به دست آمد با خانواده‌های اصلی ارتباط داشت. بیشتر این زوجها نگرش منفی به‌سوی خانواده‌های اصلی همسرانشان داشتند، نمی‌توانستند حریم و مرز مناسبی با خانواده‌های اصلی ایجاد کنند، نگرش آن‌ها نسبت به خانواده‌های اصلی این بود که نه‌تنها حمایتی نیستند بلکه دخالت‌های مخرب دارند، برخی خانواده اصلی خود را بر همسر ترجیح می‌دادند؛ راهبردهایی نیز که خانواده‌های اصلی در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌های زوج استفاده می‌کردند معمولاً راهبردهای ناکارآمدی بود که منجر به تشدید مشکلات می‌شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دیگر انجام‌شده در ایران (قطبی، هلاکویی نائینی، جزایری و رحیمی، ۱۳۸۳؛ فخری و حکمت؛ ۱۳۸۹؛ مشکی، شاه قاسمی، دل‌شاد نوقابی و مسلم، ۱۳۹۰؛ زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶ و محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰) همسو است. همچنین یافته‌های فرد^۱ (۲۰۱۲)، اکثر و بگیوم^۲ (۲۰۱۲) و باستانی، گلزاری و روشنی (۱۳۹۰) بر نقش خانواده‌ها تأکید کرده‌اند که فرهنگ‌های مورد مطالعه آن‌ها (آفریقایی‌ها، بنگلادش و ایران) همه جزء فرهنگ‌ها جمع‌گرا است، در چنین فرهنگ‌هایی پیوند و وابستگی بین فردی با خانواده‌های اصلی دارای اهمیت است. این یافته‌ها وقتی با مدل گاتمن از طلاق (گاتمن و لونسون، ۱۹۹۹ و گاتمن و لونسون، ۲۰۰۲) که ریشه در فرهنگ فردگرای غربی دارد که بر خود و استقلال تأکید دارد مقایسه می‌شود، ما را نسبت به ضرورت پژوهش بیشتر روی فرهنگ و تأثیرش روی ازدواج و طلاق رهنمون می‌کند.

یافته‌های دیگر این مطالعه همچون موضوع عشق، نقش‌ها، ارتباط، مسئله خشم (گاتمن و لونسون، ۱۹۹۹، گاتمن و لونسون، ۲۰۰۲؛ پادن، ۲۰۱۴؛ مور و اسکوبل^۳، ۱۹۹۳)، امور مالی (اندرسون، ۲۰۰۰)، مسائل شخصیتی

^۱ Fordm, GE.

^۲ Akter, M. and Begum, R.

^۳ Moore, V. L. and Schwebel, A.

و ناپختگی (راگ، ۲۰۰۲) و مسائل جنسی (آماتو و پرویتی^۱، ۲۰۰۳) به نظر می‌رسد در تمام فرهنگ‌ها چه فرهنگ شرقی و چه غربی دارای اهمیت است و به نظر می‌رسد که عوامل مشترکی در اکثر پژوهش‌ها هستند که ازدواج را به سمت فروپاشی می‌برند

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که به طلاق انجامیدن یک ازدواج اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که مؤلفه‌های متعددی در طول این فرایند دست‌به‌دست هم می‌دهند تا فرایندی بی‌سرانجام و تلخ را افراد تجربه کنند.

سؤال دوم: عوامل مؤثر ازدواج پایدار رضایتمند از نظر زن و شوهرهای دارای ازدواج پایدار رضایتمند چیست؟

یافته‌ها بیانگر این است که مقوله شکل‌گیری مناسب ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج پایدار رضایتمند است که دربردارنده‌ی مفاهیمی همچون داشتن آمادگی نسبی پیش از ازدواج، استقلال نسبی پیش از ازدواج، داشتن کشش و علاقه اولیه و آشنایی پیش از ازدواج است. عوامل درون شخصی (نگرش‌های مؤثر، ویژگی‌های شخصیتی مناسب) و بین شخصی (منظومه زناشویی و والدینی و چند نسلی کارآمد) و فرا شخصی (مالی و کاری) ازجمله عوامل میانجی مؤثر در ازدواج پایدار می‌باشند. البته برخی استراتژی‌های مؤثر نیز در تحقیق به دست آمد که زوجین پایدار و خانواده‌های آن‌ها در هنگام سختی‌ها و شرایط عدم وجود عوامل منتهی به ازدواج پایدار، از آن بهره می‌گرفتند. پیامد نهایی رضایتمندی از ازدواج بود.

یافته‌های مرتبط با این سؤال پژوهش در مواردی با یافته‌های دیگر پژوهش‌ها همسو است، پژوهش‌های دیگر که اکثراً پژوهش‌های خارجی هستند به نقش برخی از این مؤلفه‌ها در پایداری و رضایتمندی ازدواج اشاره کرده‌اند که در ادامه آمده است: شکل‌گیری صحیح ازدواج یا شیوه همسرگزینی مناسب (منصوری نیا، اعتمادی، فاتحی زاده و حسن‌پور، ۱۳۹۰، کاسلو و رایینسون، ۱۹۹۶)، باورها و نگرش‌های کارآمد (منصوری نیا، اعتمادی، فاتحی زاده و حسن‌پور، ۱۳۹۰)، تکیه به خداوند و انجام اعمال و دستورات دینی (مارکز، ۲۰۰۵؛ بروکز، ۲۰۰۶)، همسو بودن در ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی (دونگ لی، ۲۰۰۸). مقاومت و پشتکار، صبور بودن و شکیبایی (شریسا، ۲۰۱۴) عشق و تعلق‌خاطر (دیکسون، ۲۰۱۳؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بروکز، ۲۰۰۶)، ابراز محبت کلامی و غیرکلامی (دونگ لی، ۲۰۰۸)، صمیمیت (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۹)، تعهد و وفاداری به همسر (شریسا، ۲۰۱۴)، مارستون، حجت، مانک، مک دانیل و ریدر، ۱۹۹۸؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بروکز، ۲۰۰۶) همراهی و صرف

¹ Amato, PR. and Previti, D.

اوقات با هم (چیونگ، ۱۹۹۹؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بروکز، ۲۰۰۶)، الگوی ارتباطی کارآمد (ویس، ۲۰۱۴، راگوف، ۲۰۱۳؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱)، رابطه جنسی رضایت‌بخش (باچاند و کارون، ۲۰۰۱)، ایفای نقش و انجام وظایف مشخص اعضا (صفورایی، ۱۳۸۸، به نقل اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲)، روش مقابله با استرس کارآمد و روش حل تعارض مناسب (ویس، ۲۰۱۴، درایور و گاتمن، ۲۰۱۴)، شوخ‌طبعی (دیکسون، ۲۰۱۳)، رویکرد حل مسئله مناسب (دونگ لی، ۲۰۰۸، راگوف، ۲۰۱۳)، شرایط اقتصادی مناسب، حضور فرزند (لی و فانگ، ۲۰۱۱)، درک کردن و بخشش (بروکز، ۲۰۰۶).

معدود پژوهش‌هایی که به حریم سازی و حفظ مرزهای مناسب با خویشان به‌عنوان عامل‌های مؤثر در پایداری و رضایت‌مندی ازدواج‌ها اشاره کرده‌اند یا در فرهنگ شرقی انجام گرفته یا بر روی شرقی‌هایی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند انجام شده است. به‌عنوان مثال کولاموسی (۲۰۱۳) به بررسی آنچه ازدواج زنان ایرانی مهاجر در آمریکا را موفق می‌سازد پرداخته و به مؤلفه‌هایی همچون حفظ مرزهای مناسب با خویشان سببی و احترام به خانواده‌های مبدأ به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم یاد کرده است که همان‌طور که کولاموسی (۲۰۱۳) یادآور می‌شود عاملی متمایز از آن چیزی است که در ازدواج‌های غربی تأثیرگذار است.

همچنین اولسون، دفرین و اولسون (۱۹۹۸) پابندی به خانواده، قدردانی و محبت نسبت به یکدیگر، ارتباط مثبت، وقت‌گذرانی لذت‌بخش با یکدیگر در زمان‌های مناسب، احساس سلامتی معنوی، توانایی تحمل فشارها و بحران‌ها را شش شاخصه بارز خانواده‌های سالم عنوان کرده است (به نقل از صادقی، فاتحی زاده، احمدی، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۹۴) که هر شش شاخصه از شاخصه‌هایی است که در پژوهش حاضر نیز به بالنده شدن و پایداری ازدواج‌ها کمک نموده‌اند.

در ادامه به تبیین یافته‌های پژوهش حاضر پرداخته شده است. مقوله مرکزی شناسایی شده سفری به‌سوی بالندگی ازدواج بود، اصطلاح سفر به این دلیل استفاده شد که رسیدن به ازدواج بالنده اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب‌های زندگی، زوج می‌توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیبایی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد. همان‌طور که بسیاری از زوج‌های خوشبخت بیان کردند که زندگی هرگز آسان نبوده و سختی‌های خاص خودش را دارد مثلاً یکی از آقایان گفت «ما سختی زیاد کشیدیم ولی خدای نکرده نگفتم مثلاً من تو را نمی‌خوام چرا اینجوری کردی»، شرکت‌کننده‌ی دیگری گفت: «ما تو زندگی سختی داشتیم ولی تحمل هم داشتیم». از طرفی دیگر بالندگی اشاره به شکوفایی دارد یعنی هر دو زوج تمام تلاش خود را برای بالنده شدن خود و همسر و فرزندان و ارتباطشان می‌کنند و البته در مراتب بعدی تلاش در جهت

بالندگی انسان‌های دیگر نیز دارند، مثلاً آقای دهم بیان کرد «هر وقت دوروبر ما کسی مریض بوده یا مشکل داشته ما پیش قدم بودیم. وقتی یه کسی مشکل داره خانوم من سریع پیش قدم میشه، مشکل دیگران رو مشکل خودمون می دونیم» که البته این ویژگی بارز فرهنگ جمع‌گراست که بر ارتباط، نوع دوستی و دیگر خواهی متمرکز است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳) و این تحقیق را از تحقیقات دیگر که در غرب انجام‌شده متمایز می‌کند. این تلاش برای بالندگی با کنار گذاشتن خودخواهی همراه بوده است.

مقوله مرکزی بر تمام مقولات دیگر سایه‌افکنی داشته است. به‌عنوان مثال در بحث ویژگی‌های شخصیتی جنگیدن برای ازدواج و صبور بودن در برابر نا ملایمت‌های رابطه، از خودگذشتگی و مسئولیت‌پذیری همه در افرادی یافت می‌شود که خودخواهی را کنار گذاشته و درصدد ارتقا بخشیدن رابطه، همسر و فرزندان خود هستند؛ و یا در مقوله نگرش‌ها، زوجین پایدار در مورد همسر، خانواده مبدأ و دیگران نگرش انسان دوستانه دارند و در مورد این افراد احساس شفقت دارند و تمایل به کمک کردن دارند به‌عنوان مثال خانم اول گفت «من سعی کردم هیچ‌وقت دست و پاشو نگیرم، نه تنها دست و پاشو نگیرم که کمکش هم نکنم و همه میدونن که از اول ازدواج هر چی درآمد داشتم دادم بهش»

و یا در عوامل بین شخصی در منظومه زناشویی مقوله عشق‌ورزی بسیار پررنگ بود؛ که البته عشق‌ورزی مؤلفه‌ای است که درنهایت به بالندگی ارتباط کمک می‌کند و یا همراهی با هم که نوعی سرمایه‌گذاری برای بهبود ارتباط و زندگی است. حفظ حریم زناشویی نیز در راستای عدم اجازه دسترسی دیگران به چیزی ارزشمند به نام حریم زوجی است تا از آفت‌های بیرونی محفوظ بماند. این زوجین به دلیل اهمیت بالایی که برای رابطه قائل‌اند انعطاف‌پذیری در نقش‌ها دارند و به یکدیگر کمک می‌کنند و هرکدام سعی در ایفای مناسب نقش خود دارد تا رابطه به بهترین شکل خود درآید. تصمیم‌گیری نیز همراه با مشورت است چون این زوجین در جهت بالندگی رابطه می‌کوشند و نه ارضای نیازهای خودخواهانه و ارتباط کارآمد با یکدیگر دارند چون همراه با همدلی است و همدلی در این زوجها به معنی توجه به دیگری و در نظر داشتن همسر است.

در منظومه خانواده‌های مبدأ این زوجین نگرش احترام در عین استقلال را داشتند. در این زمینه باید گفت که این زوجین مؤلفه استقلال و وابستگی را در نقطه تعادلی مناسبی حفظ می‌کردند، به شکلی که هم از حمایت خانواده‌های مبدأ بهره می‌بردند و هم به آن‌ها کمک می‌کردند و از طرفی هم اجازه ورود به حریم‌های خصوصی را نمی‌دادند که منجر به حفظ رابطه در نقطه تعادلی مناسبی بود. البته زوجین در این مقوله بیشتر بر رابطه زوجی خود و حفظ آن اهمیت می‌دادند تا خانواده‌های مبدأ، مثلاً خانمی گفت «مادرم وقتی دیگران میومدن می

دیدن من خونه ام به شوهرم گفت اجازه نمی دم دخترم باهات بیاد من اونجا سریع با همسر رفتیم و به مامانم گفتم شوهرمه و می خوام با همه چیزش بسازم». به نظر می رسد که در این زوجین، بالندگی ازدواج در اولویت اصلی است و تمام تلاش زوجین برای حفظ این ازدواج است و حتی زمان هایی که خانواده های مبدأ قصد دخالت را داشتند علی رغم احترامی که برای آن ها قائل بودند، اجازه دخالت داده نمی شد. در بحث منظومه والدینی نیز باید گفته شود که فرزند در ازدواج های بالنده باوجود سختی هایی که برای زوجین داشته (مثلاً خانم ششم می گفت: «در بارداری برای هر سه فرزندم نزدیک بوده بمیرم») از نقش مثبت برخوردار بوده و در راستای بالندگی ارتباط بوده است؛ مثلاً آقای هفتم می گفت: «بچه که به دنیا اومد زندگیمون شیرین شد، بچه صمیمیت ما را بیشتر کرد» و البته زوجین در جهت بالندگی فرزندان نیز سرمایه گذاری می کردند و آموزش می دادند مثلاً آقای هفتم گفت «بچه ها رو وادار می کردم که خیلی به مادرشون احترام بذارن و اذیتش نکنن چون مادر خسته بود می گفتم اتاق نرید بزارید مامان استراحت کنه مامان خسته شده، به بچه ها می گفتم که آدم باید پولاشو اینطوری خرج نکنه روی اصول خرج کنه، اونا هم این خیلی روشون اثر گذاشت بچه هایی هستن که خوبن، درک می کنن و طوری بود که یه پولی هم که ما به اینا می دادیم پس انداز می کردن»

در زمینه عوامل فرا شخصی نیز باید گفت که این زوجین اغلب مشکلات مالی شدید و یا دوره های بیکاری طولانی نداشتند و عوامل مالی مانع بزرگی بر سر راه بالندگی آن ها نبوده است. در زمینه استراتژی ها باید گفت که بزرگ ترین استراتژی این زوجین گذشت بود که با توجه به فرهنگ جمع گرای شرقی قابل تبیین است. البته این زوجین سعی در اصلاح و تغییر خود داشتند تا رابطه زیباتری داشته باشند مثلاً آقای چهارم می گفت «من هم الان ۴۵ سال دارم اما بازهم اعلام آمادگی می کنم که بدونم همسر با چه چیزهایی آرامش پیدا می کنه، سعی می کنم تغییر کنم حتی اگه بر خلاف ساختار من باشه»، خانم چهارم بیان کرد «من خیلی حساس و زودرنجم همه چی زود بهم بر می خوره الان یه کمی خودم رو تغییر دادم و سعی می کنم خیلی زودرنج نباشم، زود بهم برنخور». همچنین تکیه بر خدا و خدادوستی نیز به بالندگی ارتباط کمک نموده است.

در پایان می توان نتیجه گرفت که ایجاد ازدواج پایدار همچون سفری به سوی بالندگی و رشد واحد زوجی، است؛ رسیدن به ازدواج بالنده اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب های زندگی، زوجین می توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیبایی ها و سختی های خاص خود را دارد و افرادی که از ویژگی های شخصیتی کارآمد، نگرش های کارآمد، توانایی ایجاد و هدایت منظومه های کارامل، استراتژی های مقابله با سختی و اختلاف کارآمد برخوردارند، می توانند در این سفر پرفرازونشیب به مقصد پایداری رضایتمند برسند.

سؤال سوم: بین ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی در عوامل علی، مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای چه تفاوتی وجود دارد؟

به‌منظور تبیین بهتر یافته‌های مربوط به این سؤال تفاوت ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی در مقولات عوامل علی، مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای جداگانه موردبحث و بررسی قرار گرفته است.

در زمینه مقایسه عوامل علی در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی همان‌طور که در فصل ۴ نیز ذکر گردید، در زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند و زوجین دارای ازدواج‌های در حال جدایی، در اکثر موارد عامل‌های مؤثر شکل متضاد با یکدیگر را دارند، به این صورت که در گروه پایدار کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل، انتخاب آگاهانه و استقلال نسبی برای ازدواج وجود دارد در صورتی که در ازدواج‌های در حال فروپاشی عدم وجود علاقه اولیه، عدم آمادگی، آشنایی ناقص، ازدواج اجباری و انتخاب ناآگاهانه و انگیزه نامناسب انتخاب نمایان است.

همسو با یافته‌های به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳) نقل می‌کنند که ازدواج‌هایی موفق هستند که طرفین شرایط لازم را برای انتخاب داشته باشند و بنابراین لازم است دختر و پسر بدون احساس اجبار، برای انتخاب خود احساس آزادی کنند، طرفین از بلوغ فکری و عاطفی لازم برخوردار باشند و بتوانند بین عقل و احساس خود تعادل ایجاد کنند. همچنین از استقلال لازم برخوردار بوده، آمادگی لازم را برای ازدواج و شروع زندگی مشترک و تلاش برای سازگاری داشته باشند. نمونه‌ای از این شرایط داشتن درآمد مستمر برای پسر و توانایی اداره امور خانه برای دختر است. همچنین ازدواج‌هایی موفق خواهند بود که در آن ملاک‌های انتخاب به‌درستی رعایت شده باشند.

یافته‌های این بخش از پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش محسن زاده، نظری و عارفی (۱۳۹۳) همسو است. این پژوهشگران نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ازدواج با انگیزه نامناسب (فرار از فشارهای اجتماعی مجرد ماندن و فضای ناخوشایند خانه پدری) و ازدواج اجباری جزء عوامل قبل از ازدواج ایجادکننده نارضایتی و میل به طلاق است.

درمجموع می‌توان گفت که چگونگی شکل‌گیری ازدواج نقش تعیین‌کننده‌ای در پیامدهای ازدواج دارد، به این صورت که اگر ازدواج مناسب شکل‌گرفته باشد یعنی فرد دارای استقلال نسبی بوده و آگاهانه و همراه میل

انتخاب نماید و با انگیزه‌های نامناسبی مثل فرار از خانواده پدری نامطلوب، ازدواج نکند، می‌تواند ازدواج را حداقل با یک زیربنای مستحکم شروع کند که مقاومت و پتانسیل لازم برای سختی‌ها و اختلاف‌های پیش رو در زندگی را داشته باشد. زوجی که با علاقه و با توجه به ملاک‌ها و معیارهای مناسب انتخاب می‌نمایند احساس مسئولیت در مقابل انتخاب‌ها خواهند داشت و انتخاب آگاهانه تضمین می‌نماید که تصور افراد از ازدواج تصویری واقع بینانه است یعنی با آگاهی از واقعیت ازدواج فرد وارد این مرحله از زندگی می‌شود.

در زمینه مقایسه عوامل مداخله‌ای در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن است که عوامل مداخله‌ای زوجین پایدار منجر به بهبود روابط گردیده ولی در زوجین در حال فروپاشی دارای خلل جدی است. در حوزه نگرش‌ها، زوجین پایدار دارای نگرش‌هایی کارآمد در ارتباط با خود (همچون نگاه مثبت به خود)، همسر (نظیر قبول داشتن همسر)، دیگران (نظیر اولویت داشتن خانواده نسبت به دیگران)، خانواده مبدأ (نظیر مقبول و خوب دانستن خانواده همسر)، زندگی (نظیر انتظار سختی از زندگی داشتن)، دین (نظیر تکیه به خداوند و هم سو بودن دینی) بودند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای نگرش‌های ناکارآمد در مورد خود (نظیر بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر)، همسر (نظیر قبول نداشتن اقتدار همسر)، دیگران (نظیر در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر) زندگی (نظیر انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن)، خانواده مبدأ (نظیر نگاه منفی به خانواده همسر)، دین (نظیر جایگاه نداشتن دین و تعارض بر سر امور دینی) بودند.

منظور از نگرش‌های ناکارآمد یا باورهای غیرمنطقی، وجود افکار نادرست و نامنتطبق با واقعیت درباره‌ی خود و موارد جهان پیرامون است. به اعتقاد الیس (۲۰۰۱) هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان آشفستگی روانی ایجاد کند؛ زیرا تمام محرک‌ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند و بر این اساس، سازش نیافتگی‌ها و مشکلات هیجانی ناشی از نحوه‌ی تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرک‌ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای غیرمنطقی در زیربنای آن‌ها قرار دارند.

شایسته، صاحبی و علیپور (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که باورها و انتظارات غیرمنطقی از رابطه باعث کاهش رضایتمندی زن و شوهری می‌گردد به‌عنوان مثال نشان دادند که نگرش‌های ناکارآمدی همچون «عدم توافق تخریب‌گر است» و «همسر نمی‌تواند تغییر کند» باعث افت رضایت زن و شوهری می‌گردد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان‌دهنده آن است که زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگی‌های شخصیتی نظیر مقاومت، سخت‌کوشی، عدم خودخواهی و خودرایی،

از خودگذشتگی و نوع دوستی بودند در حالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای ویژگی‌هایی نظیر مسئولیت ناپذیری، خودرایی و مقاومت پایین بودند.

همسو با یافته‌های پژوهش حاضر حسنی، مختاری، صیادی، ناظر و نیرومند (۱۳۹۱) نشان دادند که مسئولیت‌پذیری یکی از مؤلفه‌های مهم در رضایتمندی زن و شوهر است. حسینی نسب، بدری گرگری و قائمیان اسکویی (۱۳۸۸) نشان دادند که بین تیپ شخصیتی و سازگاری زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد. به طوری که بین وظیفه‌شناسی (باوجدان بودن) با سازگاری زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. جارویس (۲۰۰۶) معتقد است افراد وظیفه‌شناس، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند.

حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که بین دو گروه زوجین متعارض و عادی در خرده مقیاس‌های شخصیتی متعددی از جمله کفایت (باوجدان بودن)، نوع دوستی، تلاش برای موفقیت، وظیفه‌شناسی، شایستگی و خویشتن‌داری تفاوت معناداری وجود دارد. به این صورت که زوجین عادی در این مؤلفه‌های شخصیتی نمرات بالاتری را گرفتند.

می‌توان گفت که ویژگی‌های شخصیتی نظیر مسئولیت‌ناپذیری، خودرایی و مقاومت پایین در زوجین در حال جدایی منجر به تشدید اختلاف‌ها و سختی‌های زندگی می‌شود به این صورت که افراد در قبال سختی‌های زندگی از مسئولیت خود فرار کرده و با تأکید بر خودرایی زمینه تشدید اختلاف‌ها را فراهم می‌نمایند و مقاومت پایین زوجین منجر به این می‌شود که به فکر انحلال ازدواج بیفتند تا اینکه تصمیم بگیرند همچون زوجین پایدار با سخت‌کوشی و جنگندگی و صبر در برابر سختی‌ها و اختلاف‌ها بر مشکلات فائق آیند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان‌دهنده آن است که در منظومه زن و شوهری زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای عشق و تعلق خاطر (نظیر ابراز محبت و تعهد به همسر)، تفریح مناسب (نظیر صرف وقت با هم)، حریم سازی زوجی کارآمد (نظیر پاسداری از حریم زوجی و عدم اجازه دخالت اطرافیان)، نقش‌های مشخص و کارآمد (نظیر کمک به یکدیگر در ایفای نقش‌ها)، ارتباط خوب (نظیر گفت‌و شنود مؤثر)، تصمیم‌گیری مؤثر (نظیر مشورت با هم)، همسویی و مشارکت (نظیر همسویی در علایق و افکار)، تعاملات کارآمد در اجتماع، مطلع سازی همدیگر دررفت‌وآمدها و تلاش در راستای رشد یکدیگر بودند در حالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی در زیر منظومه زن و شوهری با خلل و مشکل در مواردی همچون عشق و تعلق خاطر (نظیر عدم ابراز محبت)، تفریح (نظیر عدم وجود تفریحات زوجی)، حریم سازی

زوجی (نظیر باز کردن راه برای دخالت اطرافیان)، نقش‌ها (نظیر عدم ایفای درست نقش‌های خود)، ارتباط (نظیر مقایسه کردن، تحقیر و توهین به هم)، تصمیم‌گیری (نظیر عدم مشورت و همفکری با هم)، همسویی و مشارکت (نظیر عدم همسویی در علایق و افکار)، تعاملات در جمع‌ها (نظیر تعامل بد با همسر در حضور جمع) و مطلع سازی یکدیگر (نظیر عدم مطلع سازی یکدیگر) روبرو بودند.

پژوهش‌های زیادی بر نقش مؤلفه‌های مذکور در رضایتمندی یا نارضایتی در ازدواج اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال در مطالعه‌ای از ۱۱۶۰ درمانگر خواسته شد که مشکل‌ترین حوزه‌های اختلاف زوجین را درجه‌بندی کنند که آن‌ها به ترتیب ارتباطات، انتظارات غیرواقعی از ازدواج و همسر، فقدان صمیمیت و نشان دادن علاقه را به‌عنوان مهم‌ترین جنبه‌های مشکلات زناشویی معرفی کردند (مظلومی، ۱۳۸۶).

صمیمیت یکی از نیازهای انسانی است که یک فرایند تعاملی، پویا و ترکیبی است. باگاوزی (۲۰۰۱) مؤلفه‌های صمیمیت را به ۹ حیطه تقسیم می‌کند. در ادامه این ۹ حیطه مورد اشاره قرار خواهد گرفت و یافته‌های پژوهش حاضر در این بخش مرتبط با این حیطه مورد بحث قرار گرفته‌اند. این ۹ حیطه عبارت‌اند از: ۱- صمیمیت عاطفی: نیاز به در میان نهادن و سهمیم شدن در کلیه احساسات اعم از احساسات مثبت و احساسات منفی با همسر. در ازدواج‌های پایدار رضایتمند افراد به ابراز احساسات می‌پردازند ولی در ازدواج‌های نارضایتمند عدم ابراز احساسات منجر به تشدید مشکلات می‌گردد. ۲- صمیمیت عقلانی: نیاز به اشتراک گذاری ایده‌ها، افکار و باورهای مهم با همسر؛ یکی از مشکلات زوجین در حال جدایی در پژوهش حاضر عدم مشورت و همفکری و بی‌توجهی به توصیه‌های یکدیگر بود درحالی‌که ازدواج‌های پایدار رضایتمند با مشورت و همفکر و تصمیم‌گیری مبتنی بر مشارکت گذاری افکار و ایده‌ها باعث پویایی رابطه و افزایش رضایتمندی رابطه می‌شوند. ۳- صمیمیت روان‌شناختی: نیاز به ارتباط برقرار کردن و پیوند فرد از طریق افشای مطالب مهم در مورد خود حقیقی. همان‌طور که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد در زوجین در حال جدایی ارتباط به‌صورت ناکارآمد است به این صورت که یا گفت‌وشنودی وجود ندارد که منجر به صمیمیت روان‌شناختی گردد یا گفت‌وشنودی به صورتی است که در آن افراد به‌جای گفت‌وگوی عمیقی که می‌تواند به شناخت بهتر منجر شود، به توهین و تحقیر و یا انتقاد از یکدیگر می‌پردازند یا در آن تمرکز بر دیگران است به‌جای خود؛ مثلاً با مقایسه کردن همسر با دیگران در عوض ایجاد صمیمیت به دوری می‌انجامد ولی در ازدواج‌های پایدار، زوجین ارتباط کارآمدی داشتند که منجر به رضایتمندی زوجین می‌گردید. ۴- صمیمیت جنسی، در پژوهش حاضر زوجین در ازدواج‌های پایدار با محبت غیرکلامی و رابطه جنسی مطلوب مشخص می‌شدند ولی زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی معمولاً با بی‌توجهی به یکدیگر و عدم رضایت جنسی مشخص شدند که یکی از منابع رضایتمندی و صمیمیت در ازدواج را

مانع می‌شود. ۵- صمیمیت جسمی: نیاز به نزدیکی فیزیکی با همسر که هدف آن رابطه جنسی نیست. در پژوهش حاضر زوجین در حال جدایی از عدم وجود نوازش و توجه غیرکلامی شکایت داشتند ولی زوجین پایدار معمولاً نوازش‌های جسمی را گزارش کردند که منجر به افزایش صمیمیت در رابطه می‌گشت. ۶- صمیمیت معنوی: نیاز به مشارکت و سهیم شدن در افکار و عقاید خود با همسر که به‌نوعی با مذهب و مفاهیم آن در ارتباط است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این بود که زوجین در حال جدایی یا مذهب در ازدواج آن‌ها جایگاهی نداشت یا ناهم‌سویی در مسائل مذهبی، تعارض مذهبی و اجبار و تحمیل عقاید وجود داشت که تمام این موارد نه تنها منجر به صمیمیت معنوی نمی‌شود بلکه باعث دوری و نارضایت‌مندی زوجین می‌گردد. ولی در ازدواج‌های پایدار افراد در اعتقاد به مذهب همسو بودند و برخی نیز با تکیه بر مذهب و انجام قواعد مذهبی باعث تقویت زندگی و صمیمیت معنوی و مذهبی در زندگی خود می‌شوند. ۷- صمیمیت زیبایی‌شناختی، ۸- صمیمیت اجتماعی- تفریحی: نیاز به درگیر شدن و مشارکت در فعالیت‌ها و تجارب تفریحی و لذت‌بخش با همسر. در ازدواج‌های پایدار نتایج پژوهش حاضر مؤید آن است که زوجین تفریحات زوجی دارند که رضایت‌بخش است، در جمع با یکدیگر با احترام برخورد می‌کنند و لحظات لذت‌بخشی را برای هم رقم می‌زنند و از این طریق صمیمیت اجتماعی- تفریحی را در رابطه خود را ارتقاء می‌بخشند ولی زوجین در حال جدایی معمولاً از نبود تفریحات زوجی شکایت دارند و یا از زمان با هم بودن لذت نمی‌برند، معمولاً در اجتماع تعاملات ناکارآمدی با یکدیگر دارند که منجر به نارضایتی همسران می‌گردد و صمیمیت را کاهش می‌دهد. ۹- صمیمیت زمانی: میزان تمایل زوجین برای صرف وقت با همسر خود و انجام فعالیت‌های صمیمانه. در ازدواج‌های در حال جدایی افراد از عدم صرف اوقات کافی با هم شکایت داشتند و زوجین مدعی هستند که زمان کمی را با هم به گفتگو می‌نشینند یا اصلاً زمان کمی همدیگر را می‌بینند که این منجر به نارضایتی می‌گردد، ولی زوجین پایدار وقت کافی را با هم می‌گذرانند و از آن وقت نیز راضی هستند که باعث تقویت صمیمیت زوجی می‌گردد.

همچنین مرزهای نامشخص باعث فزون آمیختگی اعضا می‌شود و باعث می‌شود که منظومه زوجی نتواند استقلال خود را نسبت به خانواده‌های اصلی حفظ کند (گلادینگ، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی با نقص جدی در مرز سازی روشن و مشخص با خانواده‌های اصلی روبرو بودند که شرایط را برای مداخله خانواده‌های اصلی فراهم می‌نماید، جایی که زوجین رضایت‌مند با پاسداری از حریم زوجی و ایجاد مرزی روشن بین منظومه زوجین و پیرامون منجر به تقویت منظومه زوجی می‌شدند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان‌دهنده آن است که زوجین دارای ازدواج پایدار رضایت‌مند دارای منظومه والدینی کارآمد (نظیر نقش مثبت داشتن فرزند، کمک فرزند به والدین)

بودند ولی زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی با مشکلات در زیر منظومه والدینی (بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند، تمایل به تداوم زندگی به خاطر فرزند) روبرو بودند.

با ورود فرزندان منظومه همسران به منظومه والدینی تبدیل می‌شود و با آنکه حفظ نقش‌های مکمل به‌عنوان یک زوج ضروری است ولی همسران با مسئولیت‌های جدید روبرو می‌شوند و هم‌زمان با رشد فرزندان باید بتوانند به خوبی نسبت به مراحل مختلف رشدی خانواده واکنش نشان دهند و پاسخگوی نیازهای خانواده و فرزندان باشند (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲). تسنگ و مک درموت (۱۹۷۹) انتظارات بیمارگونه والدین از فرزند یا رفتارهای فرزند پروری نامتناسب با سن کودک را نمونه‌های از مشکلات زیر منظومه والدینی می‌دانند (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲).

در پژوهش حاضر در ازدواج‌های زوجین پایدار رضایتمند، فرزند دارای نقش مثبتی بود و از سوی دیگر والدین متناسب با سن به فرزندان خود آموزش‌هایی را می‌دادند که منجر به شکل‌گیری مهارت‌هایی در فرزندان می‌شد و می‌توان گفت که زیر منظومه والدینی در این ازدواج‌ها کارآمد بود ولی در زوجین در حال جدایی ورود فرزند به تشدید مشکلات کمک کرده بود یا زیر منظومه همسران فدای زیر منظومه والدینی شده بود یعنی همسر فقط به خاطر فرزند به زندگی‌اش ادامه می‌داد که خود یک آسیب محسوب می‌شود (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲).

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان‌دهنده آن است که منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای مشخصاتی نظیر مداخله‌گر نبودن خانواده‌های مبدأ، نقش مثبت داشتن خانواده‌های مبدأ در زندگی زوج است ولی زیر منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای مشخصاتی همچون تنش‌افزایی خانواده‌های مبدأ، مداخله و تضعیف منظومه زوجی از سوی خانواده مبدأ و رابطه متعارض با خانواده مبدأ است.

احمدی (۱۳۸۶) در طبقه‌بندی آسیب‌های خانواده یکی از مشکلات را مشکل در رابطه با خانواده‌های اصلی ذکر کرد به این صورت که وابستگی به خانواده اصلی، توقع بیش‌ازحد خانواده همسر، دخالت‌های خانواده اصلی، اختلاف در رفت‌وآمد با خانواده‌های اصلی را از آسیب‌ها در زیر منظومه خانواده‌های دانست (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲).

در پژوهش حاضر نیز مشکلات با خانواده‌های اصلی در زوجین در حال جدایی به تشدید مشکلات اختلاف‌ها کمک کرده بود به این صورت که رفتارهای تنش‌زا و مداخله گرانه خانواده‌های اصلی از یک‌سو و عدم توافق همسران در چگونگی ارتباط با خانواده‌های اصلی یکدیگر از سوی دیگر منجر به تشدید اختلاف‌ها و نارضایتی می‌گشت درحالی‌که در ازدواج‌های پایدار یا خانواده‌های اصلی مثبت و دخالت گر نبودند و یا زوجین با الگو گیری درست نسبت به آوردن مشکلات خانواده‌های اصلی به خانواده خود جلوگیری می‌کردند و همچنین با کمک و احترام به خانواده اصلی یک منبع انرژی‌بخش را برای واحد زوجی فراهم می‌نمودند که منجر به رضایت و دوام رابطه می‌گیرد.

در زمینه مقایسه استراتژی‌ها در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در مواجهه با سختی‌ها و اختلاف‌های به وجود آمده در زندگی، زوجین و خانواده‌های آن‌ها متوسل به راهبردهای کارآمد می‌شدند درحالی‌که راهبردهایی که زوجین و خانواده‌های آن‌ها در ازدواج‌های در حال فروپاشی به کار می‌گرفتند ناکارآمد بوده و منجر به تشدید مشکلات و اختلاف‌ها می‌شد. به‌عنوان مثال زوجین در ازدواج‌های پایدار رضایتمند از راهبردهایی نظیر گفت‌وگو، عذرخواهی، گذشت و حل مسئله استفاده می‌کردند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم مخرب، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کردند.

استفورد و کانری (۱۹۹۱) پنج راهبرد حفظ رابطه را مشخص کردند: مثبت‌گرایی (اتخاذ رویکردی مثبت به رابطه، مثل ابراز خوشحالی و امید و حمایت از طرف دیگر و نیز به حداقل رساندن تعابیر منفی و خصم‌آلود)، باز و راحت بودن (گفت‌وگوی مستقیم در مورد طبیعت رابطه)، اطمینان و دلگرمی‌دادن (تأکید بر پذیرش، عشق و تعهد به همسر)، شبکه‌های اجتماعی (استفاده از خانواده، دوستان و سایر اعضای شبکه‌های اجتماعی برای تثبیت رابطه) و تقسیم وظایف (تأکید بر انجام وظایف و رضایت فرد از مسئولیت‌هایی که بر عهده اوست). استفورد و داینتون و هاس (۲۰۰۰)، دو راهبرد دیگر ارائه نمودند که شامل نصیحت و مدیریت تعارض است.

پژوهش‌های متعددی همسو با یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن هستند که رفتارهای نگه‌دارنده ارتباط در افراد، تعیین‌کننده تعهد (رامیرز، ۲۰۰۸؛ بالارد-ریچ و همکاران، ۱۹۹۹)، رضایتمندی از رابطه و دوست داشتن (استفورد و کانری، ۱۹۹۱؛ دینتون و همکاران، ۱۹۹۴) و رضایتمندی از رابطه جنسی (جانسون، ۲۰۰۹) هستند (به نقل از صیادی، نظری و ابراهیمی، ۱۳۹۳).

زوج‌هایی که راهبردهای مثبت حفظ رابطه را به خوبی به کار نمی‌گیرند، طبیعتاً به احتمال زیاد ازدواج ناموفقی خواهند داشت (استنلی، ۲۰۰۳؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ گاتمن، ۱۳۷۷؛ فینچام و بیچ، ۱۹۹۹؛ به نقل از صیادی، نظری و ابراهیمی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش حاضر نیز موافق با یافته‌های پژوهش‌های مذکور حکایت از آن دارد که زوجین پایدار با راهبردهایی نظیر گفت‌وگو، عذرخواهی، گذشت و حل مسئله به رضایتمندی و دوام رابطه خود کمک می‌کنند در حالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم مخرب، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کنند که منجر به بدتر شدن وضعیت و افزایش میل به جدایی در همسران می‌شد.

در زمینه مقایسه پیامدها در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن هستند که زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی به پیامدهای احساسی، شناختی و رفتاری منفی در زندگی می‌رسند در حالی که زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زندگی به احساس رضایت و دوام زندگی می‌رسند.

از دهه ۱۹۳۰ دانشمندان در جستجوی تبیینی کلی از رضایتمندی زن و شوهری بوده‌اند و محققین قبلی دریافته‌اند که بسیاری از جنبه‌های رابطه می‌تواند رضایت کلی از ازدواج را متأثر سازد، از این جنبه‌ها می‌توان از مواردی نظیر ارتباط مؤثر، تعاملات مثبت، مدیریت تعارض، حل مسئله و صمیمیت نام برد (راگوف، ۲۰۱۳).

روزن گراندون، مایرز و هاتی (۲۰۰۴) در یک پژوهش به مرور مطالعات بررسی‌کننده ویژگی‌های رضایتمندی زن و شوهری پرداختند، این پژوهشگران بیان کردند که وفاداری، درک کردن، زندگی جنسی خوب، فرزندان، علائق مشترک، مشارکت در کارهای خانه‌داری، داشتن پول کافی و اشتراک در زمینه‌ای مشابه مهم‌ترین متغیرهای همبسته با رضایتمندی زن و شوهری است.

به اعتقاد لی و فانگ (۲۰۱۱) عوامل درون شخصی (شخصیت)، بین شخصی (ارتباط و درک رفتار همسر) و محیطی (حضور فرزندان، رضایت زن و شوهری والدین، شرایط اقتصادی و سیاست‌های حکومتی) متعددی وجود دارد که تعیین‌کننده رضایت زن و شوهری است.

سطوح پایین رضایتمندی زن و شوهری می‌تواند برای رابطه آسیب‌زا باشد از این رو که ممکن است آشفتگی جسمانی را موجب شده و منجر به کاهش ارتباط، فقدان صمیمیت و طلاق گردد و همچنین سطوح پایین رضایتمندی با وقوع بالاتر افسردگی، اضطراب و اختلال سوءمصرف مواد مرتبط است (لی و فانگ، ۲۰۱۱).

می‌توان گفت که در ازدواج‌های در حال جدایی شکل‌گیری نامناسب ازدواج در ابتدا، نگرش‌های ناکارآمد، شکست در حریم سازی، خلل در عشق، تعلق خاطر، تفریح، تصمیم‌گیری و همراهی و ویژگی‌های شخصیتی ناکارآمد در ادامه زندگی و استفاده از استراتژی‌های ناکارآمد در طی زندگی منجر به پیامدهای همچون خسران، احساس خستگی و تنهایی و میل به طلاق می‌گردد درحالی‌که در ازدواج‌های پایدار شکل‌گیری مناسب ازدواج در ابتدا، نگرش‌های کارآمد، عشق و تعلق خاطر، تفریح، همراهی، تصمیم‌گیری حریم سازی و ارتباط مناسب در ادامه ازدواج و استفاده از راهبردهای کارآمد در طی زندگی باعث رضایتمندی و دوام ازدواج می‌شود.

در زمینه مقایسه شرایط زمینه‌ای در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن هستند که شرایط زمینه‌ای در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با مواردی همچون همسو بودن فرهنگ‌ها و سطح خانواده و عدم وجود یا قبیح بودن طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شد درحالی‌که ازدواج‌های در حال جدایی با مواردی همچون اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده و رواج طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شد.

ویتون، رودز، استانلی و مارکمن (۲۰۰۸) مدعی هستند که فرزندان طلاق وقتی وارد ازدواج می‌شوند تعهد پایین‌تری نسبت به رابطه دارند و به توانایی‌های خودشان برای ایجاد و حفظ یک رابطه شاد با همسرشان اعتماد پایینی دارند که می‌تواند منجر به استفاده از راهبردهای ناکارآمد در مقابله با سختی‌ها نیز گردد.

همسو با یافته‌های پژوهش حاضر یافته‌های پژوهش ویتون، رودز، استانلی و مارکمن (۲۰۰۸) نشان داد که طلاق والدینی در زنانی که والدینشان طلاق گرفته بودند با تعهد پایین به رابطه و اعتماد پایین‌تر به رابطه، ارتباط دارد.

در پژوهش حاضر نیز طلاق در زوجین پایدار قبیح بوده و معمولاً در خانواده‌های منسجم بزرگ‌شده بودند و این باعث شده بود که زوجین بتوانند الگوی مناسبی برای زندگی مشترک داشته و از عوارض طلاق والدین در امان باشند و بتوانند از راهبردهای مناسب استفاده کنند؛ اما طلاق در خانواده‌های زوجین در حال جدایی تقریباً رایج بود و این باعث شده بود که این زوجین با مبتلا شدن به آسیب‌های طلاق والدینی در زمان مشکلات سختی‌ها

نیز راهبردهای ناکارآمدی را انتخاب نمایند. همین‌طور تفاوت‌های فرهنگی زیاد نیز زمینه را برای سوءتفاهم‌ها و اختلاف‌ها ایجاد می‌کند.

سؤال چهارم: الگوی مشاوره پایدارسازی رابطه زن و شوهری چه ویژگی‌هایی (مبانی، فرایند، محتوا و فنون) دارد؟

در ابتدا **مبانی** الگوی موردنظر را مورد تبیین قرار می‌دهیم. بر اساس یافته‌های بخش کیفی این پژوهش می‌توان بیان کرد که وجود یا عدم وجود مؤلفه‌ها و مواردی می‌تواند رابطه را به‌سوی پایداری همراه با رضایت و یا به‌سوی فروپاشی ببرد. این مؤلفه‌ها که مبانی الگو را شکل می‌دهند در زیر آمده است.

بعد شناختی الگو شامل موارد زیر است: (۱). نگرش‌های ناکارآمد همسران راجع به خود، همسر، خانواده‌های مبدأ، دیگران، زندگی، فرزند و دین که زندگی را به سمت فروپاشی سوق می‌دهند. (۲). نگرش‌های کارآمدی که می‌تواند زندگی ازدواج را بالنده نماید: این نگرش‌ها دربردارنده باورهای حافظ رابطه و ارتقادهنده بهزیستی همسران و رابطه است.

پژوهش‌های زیادی نشانگر اهمیت نگرش‌ها و باورها در ارتباط زوجی هستند، در الگوی درمان شناختی رفتاری فرض بر این است که اسناد منفی به هنگام عدم برطرف شدن نیاز به صمیمیت موجب بروز رفتارهای منفی می‌شود که به‌نوبه خود زوجین را از لحاظ هیجانی آزرده‌خاطر می‌کند و به‌صورت پریشانی اولیه بروز می‌کند، این امر می‌تواند به کناره‌جویی زوجین از هم یا کاربرد کلمات نادرست بینجامد. این تعامل منفی متعاقباً به پریشانی ثانویه منتهی می‌شود و در بلندمدت به‌واسطه عدم برآورده سازی نیازها، زوجین دچار تنیدگی و تعارض می‌شوند (اسچلسینگر و اپستون^۱، ۲۰۰۷؛ به نقل از آگاه، جان بزرگی و غفاری، ۱۳۹۳). رویکرد رفتاردرمانی عقلانی هیجانی مدعی است که باورهای غیرمنطقی باعث ایجاد موقعیت‌های ایجادکننده تعارض هستند (آدیس و برنارد^۲، ۲۰۰۲).

بعد رفتاری الگوی طراحی‌شده بر اصلاح موارد زیر متمرکز است: ۱- رفتارهای منفی و تضعیف‌کننده رابطه: عدم ایفای صحیح نقش‌ها، عدم وجود رفتارهای تقویت‌کننده مثل توجه، تفریح زوجی، سبک مقابله با تعارض

^۱ Schlesinger, S. E, & Epstein, N. B,

^۲ Addis & Bernard,

مشکل دار، ابراز خشم مخرب، قطع نمودن ارتباط خود با خانواده اصلی همسر، قطع نمودن ارتباط همسر با خانواده اش.

خانواده‌ها نیز برخی اوقات رفتارهای ناکارآمد و مختل‌کننده‌ای را به کار می‌برند: مطرح نمودن شروط غیرمنطقی مبنی بر بازگشت همسر به زندگی‌اش، تشویق فرزند برای تصمیم به طلاق، سرزنش نمودن فرزند در هنگام فکر کردن به طلاق، رفتارهای تنش‌زا هنگام تعارض زوجین^۲-وجود رفتارهای مثبت و تحکیم‌بخش رابطه: گذشت، معذرت‌خواهی، نرمش، کنترل خشم، بازخورد با بار مثبت.

درمان‌های رفتاری زوجین و خانواده‌ها بر این مفروضه زیر بنایی استوار است که تمام رفتارها آموختنی هستند و افراد من جمله کسانی که عضو خانواده هستند بر اساس اینکه قبلاً چگونه تقویت شده‌اند عمل می‌کنند. رفتار را پیامدهای آن ابقا می‌کند و تا زمان پیامدهای پاداش‌دهنده‌تری که ناشی از رفتارهای جدید است، ادامه خواهد یافت (گلادینگ، ۱۳۸۶)

بعد ارتباطی ساختاری بر موارد زیر تأکید دارد: الگوی ارتباطی ناسالم همچون اهانت، انتقاد، دفاعی بودن و کناره‌گیری، رابطه مبهم و غیرمستقیم و توأم با تهدید و ترس، عدم همراهی و مشارکت در زندگی، عدم پاسداری از حریم زوجی، رابطه متعارض یا منفعلانه با خانواده‌های اصلی.

اسپرچر و متس^۱ (۱۹۹۹) یادآور شده‌اند که بسیاری از مشکلات زن‌وشوهری ناشی از ارتباط غیر مؤثر است که نتیجه آن احساس ناکامی و خشم در زندگی زن‌وشوهری است. همچنین اولسون و فاورز^۲ (۱۹۹۳) بیان کرده‌اند که زوجین متعارض زوجینی هستند که در برقراری ارتباط و بحث در مورد مشکلات ارتباطی دچار مشکل می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند فعالیت‌های اوقات فراغت را باهم تنظیم کنند. ارتباط با خانواده و دوستان همسر برایشان مشکل‌آفرین است و خطر طلاق و داشتن ازدواجی ناشاد برای آن‌ها بالا است. معمولاً زوج‌های آشفته، مهارت ارتباطی کمتری را نسبت به زوج‌های غیر آشفته نشان می‌دهند و دید خوبی نسبت به ارتباطشان ندارند. این زوج‌ها بیشتر مایل هستند از یکدیگر اجتناب کنند به جای اینکه با استفاده از گفتگو آن را حل کنند (کار^۳، ۲۰۰۰). هنزل و سرگین^۴ (۲۰۰۹) نشان دادند که الگوهای ارتباطی نظیر الگوی توقع /کناره‌گیر یا تحقیر و انتقاد

¹Sprecher, S. & Metts, S.

² Olson, D. H. & Fowers, B. J.

³ Carr, A.

⁴ Hanzal and Segrin

برای رضایت زناشویی مخرب هستند و حذف این رفتارهای ارتباطی منفی می‌تواند به ارتقا رضایت زناشویی کمک کند.

بعد عاطفی: این بعد شامل صمیمیت و لذت در زندگی است. ضعف صمیمیت بالأخص عدم وجود رفتارهای حاکی از توجه، مراقبت، عشق‌ورزی و احترام، احساس‌های غمگینی و خستگی و ناکامی باعث سوق دادن زندگی به ناراضی‌تمندی می‌گردد. از سوی دیگر مراقبت، ابراز محبت به‌صورت کلامی و غیرکلامی، مراقبت، باعث افزایش هیجانات مثبت در زندگی می‌گردد

صمیمیت یکی از نیازهای انسانی است که یک فرایند تعاملی، پویا و ترکیبی است (باگاروزی، ۲۰۰۱). باگاروزی (۲۰۰۱) مؤلفه‌های صمیمیت را به ۹ حیطه تقسیم می‌کند. این ۹ حیطه عبارت‌اند از: ۱- صمیمیت عاطفی: نیاز به در میان نهادن و سهیم شدن در کلیه احساسات اعم از احساسات مثبت و احساسات منفی با همسر. ۲- صمیمیت عقلانی: نیاز به اشتراک گذاری ایده‌ها، افکار و باورهای مهم با همسر. ۳- صمیمیت روان‌شناختی: نیاز به ارتباط برقرار کردن و پیوند فرد از طریق افشای مطالب مهم در مورد خود حقیقی. ۴- صمیمیت جنسی. ۵- صمیمیت جسمی: نیاز به نزدیکی فیزیکی با همسر که هدف آن رابطه جنسی نیست. ۶- صمیمیت معنوی: نیاز به مشارکت و سهیم شدن در افکار و عقاید خود با همسر که به‌نوعی با مذهب و مفاهیم آن در ارتباط است. ۷- صمیمیت زیبایی‌شناختی. ۸- صمیمیت اجتماعی- تفریحی: نیاز به درگیر شدن و مشارکت در فعالیت‌ها و تجارب تفریحی و لذت‌بخش با همسر. ۹- صمیمیت زمانی: میزان تمایل زوجین برای صرف وقت با همسر خود و انجام فعالیت‌های صمیمانه.

اهداف درمانی الگو به‌صورت تیتروار در ادامه آورده شده است و به مقایسه آن با اهداف نظریه‌های رایج پرداخته شده است.

۱- کمک به مراجعان در شناسایی و اصلاح نگرش‌ها و باورهای ناکارآمد زوجی

خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی‌های شناختی رفتاری همگی تلاش می‌کنند تا باورهای غیرمنطقی و شناخت‌های ناکارآمد اعضای خانواده را تغییر دهند (گلادینگ، ۱۳۸۵)

۲- جایگزین سازی و تثبیت نگرش‌های تحکیم‌بخش بهزیستی فردی و زوجی همسران. شناخت درمانی در تلاش است تا با اصلاح شناخت‌های ناکارآمد، به فرد کمک کند که نگرش‌های کارآمد را جایگزین ساخته و آن را تثبیت نماید (داتیلیو، ۱۳۹۱).

۳-شناسایی و مقابله با نقص‌های ارتباط و غنی‌سازی رابطه زوجی و ۴- شناسایی نواقص مهارتی و آموزش مهارت‌ها و راهبردهای مؤثر. رویکرد غنی‌سازی ارتباط بیان می‌کند که همه ما به‌عنوان اعضای یک نظام ارتباطی که خانواده نامیده می‌شود وارد دنیا می‌شویم. الگوهای غنی‌سازی ارتباط در تلاش‌اند تا الگوهای مهارتی رفتار را غنی‌تر سازند (نظری، ۱۳۹۱).

۵-تقویت بعد صمیمیت در رابطه. جاکوبسی و ماین^۱ (۲۰۰۴) یادآور شده‌اند که برنامه آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه^۲ با آموزش ابعاد صمیمیت درصدد افزایش رضایتمندی و صمیمیت زناشویی زوجین هستند. ابعادی که این برنامه در راستای اصلاح و بهبود آن‌ها است همان ۹ بعدی هستند که قبلاً ذکر گردید.

۶-حریم سازی مشخص و تحکیم‌بخش واحد زوجی و تعامل مثبت با خانواده‌های اصلی که حافظ استقلال زوجین نیز باشد. هدف رویکرد ساختاری ایجاد تغییراتی از قبیل تغییر در سلسله‌مراتب، مرزها، زیر منظومه و نظایر آن در خانواده است به این صورت که آسیب‌های ساختار خانواده را شناسایی و آن‌ها را به ساختاری کارآمد تبدیل کند (گلادینگ، ۱۳۸۶).

نقش مشاور در این الگو ایجاد یک فضای گرم و حمایتی، ارزیابی نگرش‌ها و انتظارات درباره همسر، رابطه، زندگی، دوستان و خانواده‌های اصلی؛ ارزیابی الگوهای تبادلی؛ صمیمیت و ابعاد آن، نقش‌ها و مشکلات آن، کار و تفریح، حریم سازی و تعاملات با خانواده‌های اصلی؛ تعارض و مهارت‌های حل تعارض؛ منابع فشار روانی و چگونگی مقابله با فشار روانی است. همچنین مشاور درصدد به راه انداختن و تحریک تعاملات در جلسه زوجی و به‌کارگیری فنون و مداخلات اصلاح‌کننده تعاملات است. از وظایف دیگر مشاور در این الگو طراحی و مشخص نمودن تکالیف منزل در حوزه‌های متعدد ارزیابی‌شده و ارزیابی پیشرفت درمان است.

مشاور کارآمد مشاوره است که در عین حفظ اقتدار به اعضای خانواده توجه و علاقه نشان دهد و رابطه درمانی را ایجاد کند و همچنین از توجه به پویایی‌های غیرکلامی خانواده غافل نگردد. با ارزیابی‌ها به تشخیص‌گذاری مقدماتی پردازد، پویایی‌ها و آسیب‌های خانواده را ارزیابی و شناسایی نماید، با ایجاد توافق در اعضای حاضر در جلسه تکالیفی را محول نماید و با فنون درصدد تغییرات درمانی برآید و در زمان مناسب جلسه را به پایان برساند (گلادینگ، ۱۳۸۶).

¹ Jakaboski, S, F., & Mine, E.

² The Practical Application of Intimate Relationship skills

نقش مراجع همچون اکثر الگوهای زوج‌درمانی، همکاری و شرکت فعال در جلسات و در بین جلسات درمان در راستای ایجاد تغییرات درمانی و انجام تکالیف منزل است.

فنون و تکالیف درمانی به‌طور خلاصه شامل مهارت صحبت کردن کارآمد و مهارت گوش دادن کارآمد (رویکرد غنی‌سازی ارتباط (نظری، ۱۳۸۶))، شناسایی و ثبت باورهای ناکارآمد و مقابله و اصلاح نگرش‌ها و باورهای ناکارآمد زوجی (رویکردهای شناختی (داتیلیو، ۱۳۹۱))، رفتارهای افزایش‌دهنده صمیمیت عاطفی و فیزیکی «برنامه مهارت‌های ارتباط صمیمانه» (جاکوبسی و ماین، ۲۰۰۴))، اصلاح ارتباط مخرب (رویکردهای شناختی رفتاری (گلادینگ، ۱۳۸۶) و رویکردهای غنی‌سازی ارتباط (نظری، ۱۳۸۶))، چارچوب دهی مجدد، آموزش مهارت‌هایی که زوجین در آن نقص دارند همچون مهارت حل تعارض، شناسایی علایق و انتظارات همسران از یکدیگر و کمک در راستای افزایش تبادلات رفتاری مثبت و تکالیف مستحکم کننده منظومه زن‌وشوهری است (رویکرد ساختاری (گلادینگ، ۱۳۸۶)).

فرایند الگوی پایدارسازی روابط زن‌وشوهری: می‌توان گفت که مشاوره با زوجین به‌صورت یک فرایند انجام می‌گردد یعنی رویدادهایی با مشخصات خاص در طی زمان اتفاق می‌افتد. البته این فرایند به‌هیچ‌وجه خطی نیست. مرحله اول: (ایجاد یک رابطه درمانی با زوج) هدف مشاور در این مرحله تسهیل فرایند بیان مسائل و ایجاد یک فضای درمانی که در آن زوجین بدون ترس از متهم شدن و مقصر شناخته شدن بتوانند تعاملات واقعی خود را در جلسه به نمایش بگذارند و مسائل زندگی خود را بازگو نمایند. مرحله دوم: ارزیابی و فرضیه‌سازی راجع به مؤلفه‌ها و ابعاد مشکل‌دار یا دارای نقص. مشاور با مشاهده، مصاحبه، کاوش و پرسشنامه درصدد ارزیابی موارد مطرح‌شده در الگو برمی‌آید. مرحله سوم (مداخله): مرحله مداخله متمرکز بر اصلاح ابعاد و موردی است که در مرحله ارزیابی دارای مشکل یا نقص و کمبود شناخته‌شده است

مرحله چهارم (اختتام): در این مرحله به لزوم زیر نظر داشتن مداوم رابطه و استفاده از آموخته‌ها در زندگی و چگونگی استفاده از آموخته‌ها در موارد و زمان‌های دیگر می‌شود.

بخش کمی

در این قسمت نتایج پژوهشی به دست آمده ارائه می‌شود و به مقایسه این نتایج با مطالعات پژوهشی دیگر در این زمینه اقدام می‌شود و مشخص کردیم که نتایج مطالعه ما با چه مطالعاتی همسو و با چه مطالعاتی ناهمسو است. سپس دلایل احتمالی را که بر اساس دیدگاه‌های نظری در این زمینه مطرح می‌باشند ارائه خواهند شد. شیوه ارائه این بخش بدین گونه است که به ترتیب از فرضیه اول در مورد نتایج به دست آمده از لحاظ معناداری آماری و بالینی بحث خواهد شد و درباره دلایل به وجود آمدن تغییرات بدین شکل از پیش‌آزمون به پس‌آزمون و دوره پی‌گیری بحث و تبیین‌های لازم انجام می‌شود.

فرضیه اول. الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری بر افزایش رضایت زن و شوهری تاثیر دارد.

چون پرسشنامه به کاررفته برای سنجش رضایت زن و شوهری فاقد نمره کل بود و دارای خرده مقیاس‌هایی بود به تفکیک خرده مقیاس‌ها نتایج مورد بحث قرار گرفته است.

الف: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری رضایت زناشویی زوجین را بهبود می‌بخشد.

نتایج نشان‌دهنده آن است که هر دو آزمودنی سیر افزایشی را در نمرات زیر مقیاس رضایت زناشویی داشته‌اند و تغییرات در رضایت در هر دو آزمودنی دارای معناداری بالینی و معناداری آماری است. به این معنی که با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که برنامه درمانی بر بهبود رضایت زناشویی تأثیر داشته است.

نتایج حاصل با نتایج پژوهش‌های بابا پور خیرالدین، نظری و رشیدزاده (۱۳۹۰)، میری، میری، شریف زاده و میری (۱۳۹۳) و عاشوری و منشئی (۱۳۹۲) همسو است. به این صورت که باباپور خیرالدین، نظری و رشیدزاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که درمان شناختی رفتاری باعث افزایش رضایتمندی زناشویی زوجین می‌گردد. زوجین مجموعه‌ای از انتظارات، باورها و تصورات خیالی مربوط به صمیمیت را که عمدتاً غیرواقع‌بینانه است و منجر به کاهش رضایت می‌شود در پیوند زناشویی وارد می‌کنند. در نظریه‌های شناختی استنتاج افراد از مشاهده رفتارهای همسرشان به‌طور جدی بر رضایت آنان تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این باورهای غیرمنطقی، خطاهای شناختی و باورهای غیرواقع‌بینانه نیز در رابطه‌ی زوجین موضوعی دارای اهمیت است (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۰).

در پژوهش حاضر نیز زوج مورد نظر دارای خطاهای شناختی زوجی نسبت به همسر و خانواده اصلی همسر بودند که در طی درمان به زوجین کمک شد تا بفهمند که بخشی از مشکلات زوجی پیش‌آمده ناشی از نگرش‌های ناکارآمدی است که نسبت به همسر، خانواده اصلی همسر و زندگی دارند و زوجین به این شناخت رسیدند که زیربنای این نگرش ناکارآمد بایدها و نبایدهای غیرمنطقی است که از دوران کودکی و در خانواده یاد گرفته بودند و همچنین برخی از خطاهای شناختی نیز نقش محرک نگرش‌های ناکارآمد را بازی می‌کردند. پس‌ازاینکه در طی یک گفتگوی سقراطی و آموزشی، زوج به این نتیجه رسیدند که ریشه برخی از مشکلات نگرش‌های ناکارآمدی است که مبتنی بر بایدها و نبایدها غیرمنطقی و تحریف‌های شناختی است، با استفاده از برگه ثبت افکار و یادگیری مقابله با تحریف‌های شناختی و زیر سؤال بردن باورهای غیرمنطقی تلاش شد تا زیربنای نگرش‌های ناکارآمد تصحیح شود؛ و می‌توان گفت که این اصلاح نگرش‌های ناکارآمد و جایگزینی آن با نگرش‌های کارآمد زمینه را برای حل بخشی از عامل منجر به نارضایتی زوجین فراهم نموده است.

عامل بعدی که منجر به نارضایتی زوج شده بود ارتباط و تعامل مخرب بود. اسپرچر و متس^۱ (۱۹۹۹) یادآور شده‌اند که بسیاری از مشکلات زن‌وشوهری ناشی از ارتباط غیر مؤثر است که نتیجه آن احساس ناکامی و خشم در زندگی زن‌وشوهری است. همچنین اولسون و فاورز^۲ (۱۹۹۳) بیان کرده‌اند که زوجین متعارض زوجینی هستند که در برقراری ارتباط و بحث در مورد مشکلات ارتباطی دچار مشکل می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند فعالیت‌های اوقات فراغت را باهم تنظیم کنند. ارتباط با خانواده و دوستان همسر برایشان مشکل‌آفرین است و خطر طلاق و داشتن ازدواجی ناشاد برای آن‌ها بالا است. همان‌طور که در بالا اشاره شد همسو با نتایج پژوهش حاضر، میری و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان دادند که آموزش غنی‌سازی روابط بر رضایتمندی زناشویی مؤثر است. منجزی، شفیع آبادی و سودانی (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رضایتمندی زناشویی زوج‌ها مؤثر است.

هنزل و سرگین^۳ (۲۰۰۹) نشان دادند که الگوهای ارتباطی نظیر الگوی توقع /کناره‌گیر یا تحقیر و انتقاد برای رضایت زناشویی مخرب هستند و حذف این رفتارهای ارتباطی منفی می‌تواند به ارتقا رضایت زناشویی کمک کند.

^۱ Sprecher, S, & Metts, S.

^۲ Olson, D. H, & Fowers, B. J.

^۳ Hanzal and Segrin

در پژوهش حاضر نیز با کمک به زوجین در زمینه زیر نظر گرفتن ارتباط خود و کمک به آن‌ها در فهم الگوی مخرب ارتباطی خود (الگوی ارتباطی این زوج دارای میزان قابل توجه ای انتقاد، تحقیر و توهین و تدافعی بودن بود، همچنین ارتباط آن‌ها ناهمخوان و غیرمستقیم بود) و همچنین تغییر این الگوی مخرب با فنون و تکالیفی همچون گوش دادن و صحبت کردن مؤثر، کنار گذاشتن سپر در هنگام گفتگو، پرهیز از انتقاد و توهین در ارتباط و همچنین مستقیم و واضح نمودن ارتباط یکی از عامل‌های ایجادکننده نارضایتی اصلاح شد و این به افزایش رضایتمندی زوجین کمک می‌کند.

عاشوری و منشئی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که مداخلات برگرفته از رویکرد ساختاری بر افزایش رضایتمندی زناشویی مؤثر است. در همین راستا به یکی دیگر از مسائل این زوج می‌توان اشاره نمود که مشکلات آن‌ها در پاسداری از حریم زناشویی بود. به دلیل ضعف زوجین در پاسداری از حریم زناشویی و رفتارهایی که حریم زوجی را برای خانواده‌هایی اصلی سست جلوه می‌داد، خانواده‌های اصلی به راحتی وارد تعارض‌ها و مشکلات زوجی می‌شدند و بر شدت نارضایتی این زوج افزوده می‌شد. از سوی دیگر رفتارهای تحکیم کننده واحد زوجی نیز خیلی ضعیف بود و حمایت زوجی با نقص روبرو بود همچنین همسران در جمع احساس می‌کردند که نه تنها مورد حمایت همسر خود نیستند بلکه برخی اوقات در جمع مورد حمله همسر قرار می‌گیرند. در این راستا برنامه درمانی با ایجاد قواعدی روشن و تکالیف حریم ساز و تحکیم بخش واحد زوجی (همچون عدم اطلاع رسانی مسائل و تعارض‌ها به فردی خارج از واحد زوجی، نشستن در کنار یکدیگر در جمع‌ها و مهمانی‌ها و نشان دادن رفتارهای حاکی از توجه و مراقبت، رفتن به تفریحات زوجی بدون حضور فردی غیر از زوج) به زوج کمک نمود تا به یکدیگر نزدیک‌تر شده و بتوانند یک حریم زوجی روشن برای خود تشکیل دهند که خانواده‌های اصلی نیز به راحتی نتوانند از آن عبور کنند و هم وجهه واحد زوجی را نزد خانواده‌های اصلی قابل اعتمادتر جلوه دهد. همه این تغییرات به بهتر شدن رضایتمندی کمک می‌نماید.

ب: الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن و شوهری ارتباطات زوجین را بهبود می‌بخشد.

نتایج نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر افزایشی را در نمرات زیر مقیاس ارتباطات داشته‌اند. با توجه به اینکه درصد بهبودی هم در پایان دوره درمان و هم در پایان دوره پیگیری ۱ ماهه بیشتر از ۵۰ درصد است، می‌توان نتایج را از نظر بالینی معنادار قلمداد کرد. شاخص تغییر پایا نیز برای هر دو آزمودنی بیانگر آن است که تغییراتی که در آزمودنی‌ها ایجاد شده است از نظر آماری معنادار است ($RCI > 1.96$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است.

یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش با یافته‌های اسدی، نظری و ثنایی (۱۳۸۸) و عباسی، مدنی و غلامعلی لواسانی (۱۳۹۳) همسو است. هردوی این پژوهش‌ها به این نتیجه رسیدند که خانواده‌درمانی ستیر (اسدی، نظری و ثنایی، ۱۳۸۸) و کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه منجر به بهبود الگوی ارتباطی زوجین بالأخص الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر می‌گردد. زوج شرکت‌کننده در پژوهش حاضر نیز دارای الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر بودند.

یکی از طولانی‌ترین و عمیق‌ترین نوع ارتباط که همه ارتباط‌ها را دربر می‌گیرد، ارتباط زناشویی است که عبارت است از فرایندی که در طی آن زن و شوهر چه به‌صورت کلامی در قالب گفتار و چه به‌صورت غیرکلامی در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست‌های مختلف با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (اسدی، نظری و ثنایی، ۱۳۸۸). هم درمانگران و هم زوج‌ها عقیده دارند که مشکلات ارتباطی شایع‌ترین و مخرب‌تر بن مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده است (نظری، ۱۳۸۶). معمولاً زوج‌های آشفته، مهارت ارتباطی کمتری را نسبت به زوج‌های غیر آشفته نشان می‌دهند و دید خوبی نسبت به ارتباطشان ندارند. این زوج‌ها بیشتر مایل هستند از یکدیگر اجتناب کنند به‌جای اینکه با استفاده از گفتگو آن را حل کنند (کار^۱، ۲۰۰۰).

لاور^۲ (۲۰۰۵) بیان می‌کند که تعداد زیادی از زوج‌هایی که در جستجوی درمان روابط خود هستند به‌طور فراوانی فاقد مهارت‌های ارتباطی هستند.

با بهتر شدن گفت‌وگوشنود زوج که از طریق مهارت گوش دادن مؤثر و صحبت کردن مؤثر به زوجین آموزش داده شد و همچنین با فن‌هایی که باعث رفع مشکلات ارتباط همچون انتقاد، توهین و تحقیر و تدافعی بودن شد، باعث گردید که زوج شرکت‌کننده در این پژوهش بتوانند یک ارتباط رضایت‌بخش‌تری را تجربه کنند که در آن همراه با توجه به یکدیگر گوش دهند، با زبان تن خود به همسر خود نشان می‌دهند که مشتاق شنیدن حرف‌های وی هستند و با خلاصه کردن آنچه همسر گفته، هم همدلی خود را نشان دهند و هم به یک درک مشترک از گفته‌ها برسند و فرد صحبت‌کننده نیز با حذف تمسخر، توهین و تحقیر از کلام و استفاده از من فاعلی در شکایات خود به‌جای انتقادهای توهین‌آمیز منجر به بهبود کمی و کیفی رابطه می‌گردد.

¹ Carr, A.

² Lower, L. M.

ج: الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زن‌وشوهری به بهبود حل تعارض زوجین می‌انجامد.

نتایج جدول و نمودار نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر افزایشی را در نمرات زیر مقیاس حل تعارض داشته‌اند؛ و نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان از نظر بالینی و آماری معنادار قلمداد کرد؛ یعنی الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر بهبود حل تعارض زوجین مؤثر است.

یافته به‌دست‌آمده با یافته پژوهش‌های قبیری هاشم‌آبادی، مداح شورچه، وفای جهان وبلقان آبادی (۱۳۹۱)، جعفری (۱۳۸۸)، نوری پورولیان، زاده محمدی، دسترس و سرگلزایی (۱۳۹۳)، پروین، فاطمی، امینیان و رفیعی وردنجانی (۱۳۹۳)؛ یوسفی، عابدینی، تیرگری و فتح آبادی (۱۳۸۹)، پاداش، فاتحی زاده، عابدی و ایزدخواه (۱۳۹۱) همسو است.

پژوهش‌های یادشده نشان دادند که آموزش مهارت‌های ارتباطی (جعفری، ۱۳۸۸)، مداخلات شناختی (قبیری هاشم آبادی، مداح شورچه، وفای جهان وبلقان آبادی، ۱۳۹۱؛ یوسفی، عابدینی، تیرگری و فتح آبادی، ۱۳۸۹)، آموزش مهارت‌های زندگی (نوری پورولیان، زاده محمدی، دسترس و سرگلزایی، ۱۳۹۳؛ پروین، فاطمی، امینیان و رفیعی وردنجانی، ۱۳۹۳) و درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زناشویی (۱۳۹۱) بر بهبود حل تعارض مؤثر است.

مهارت حل تعارض یکی از مهارت‌های بااهمیت در موفقیت زندگی زوجی است که در تعاملات اثربخش و کارآمد تجربه می‌شود. حل تعارض یک مهارت بین فردی و نیز روشی عقلانی است که فرد را در تجزیه‌وتحلیل و درک رفتار خویش و همین‌طور در کسب آگاهی و قبول مسئولیت، با توجه به آنچه در زمان حال اتفاق می‌افتد یاری می‌دهد (قبیری هاشم آبادی، مداح شورچه، وفای جهان وبلقان آبادی، ۱۳۹۱).

با تمام چالش‌هایی که زوجین در جامعه امروزی با آن روبرو هستند، اثبات‌شده که ارتباط مؤثر به ارتقای حل تعارض می‌انجامد (کارل، هیل، یورگاسون، لارسون، سنبرگ^۱، ۲۰۱۳).

زوج‌ها معمولاً با دفاعی بودن در گفتگو موجب بدفهمی یا فهم ناقص گفته‌های همدیگر می‌شوند که می‌تواند تعارض‌ها را حل‌نشده باقی گذارده و تعارض‌های بیشتری نیز در رابطه ایجاد کند. یکی از مشکلات زوج پژوهش حاضر نیز دفاعی بودن همسران در گفتگو بود به‌نحوی که هیچ‌کدام از شیوه گوش دادن کارآمدی استفاده نمی‌کردند و شروع یک تعارض کوچک با گوش ندادن و همچنین سرزنش، تحقیر و پیش کشیدن مسائل قدیمی به یک تعارضی شدیدتر در رابطه تبدیل می‌گشت که حل آن نیز برای زوج سخت‌تر می‌شد و سپس باعث پایین

¹ Carroll, Hill, Yorgason, Larson, & Sanberg

آمدن رضایت زناشویی زوجین نیز می‌گشت. فن گوش دادن کارآمد که همسران را موظف نمود که به‌طرف مقابل با توجه کامل که همراه با توجه کلامی و غیرکلامی بود گوش دهند (همچنین در این فن همسران موظف شدند که شنیده‌های خود را خلاصه وار برای گوینده مطرح نمایند و از صحت درک خود مطمئن شوند) و از این طریق به فهم دقیق مسئله کمک کرده و باعث می‌شود در ابتدا زوجین به درک درست و مشترکی راجع به موضوعات و مسائل خود برسند سپس با آموزش مهارت‌های حل تعارض زوجین یاد گرفتند پس از مشخص شدن موضوع مورد تعارض چگونه فرایندی کارآمد را در حل تعارض‌های خود در پیش بگیرند.

می‌توان گفت که بهبود صحبت کردن و گوش دادن زوجین وقتی با استفاده از مهارت حل تعارض تلفیق گردد، می‌تواند زوجین را در مشخص نمودن و رسیدن به درکی مشترک در تعارض و سپس حل کارآمد تعارض کمک نماید. البته در زوج حاضر یکی دیگر از منابع ایجادکننده تعارض نگرش‌های ناکارآمد نسبت به همسر، خانواده همسر و زندگی بود که با استفاده از فنون شناختی زوج توانستند به این منبع مهم ایجادکننده بدفهمی و تعارض و درنتیجه نارضایتی پی ببرند و با انجام تکالیف شناختی در راستای کاهش این نگرش‌های ناکارآمد حرکت کردند.

فرضیه دوم. الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری بر کاهش تعارضات زن‌وشوهری تاثیر دارد.

نتایج جدول و نمودار نشان می‌دهد که هر دو آزمودنی سیر کاهشی را در نمره کل تعارض و همچنین زیرمقیاس‌های تعارض داشته‌اند و درمان از نظر آماری و بالینی معنادار و مؤثر بوده است؛ یعنی الگوی مشاوره پایدارسازی روابط زن‌وشوهری در بهبود تعارض زناشویی و ابعاد تعارض زناشویی مؤثر است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های امینی، امینی و حسینیان (۱۳۹۲)، حیدری، ثنایی ذاکر، نوایی نژاد و دلاور (۱۳۸۸)، امیدیان فر، رفاهی، قادری و افشون (۱۳۹۴)، آگاه، جان بزرگی و غفاری (۱۳۹۳)، سودانی، امیری مقدم و مهرابی زاده هنرمند (۱۳۹۲) همسو است. یافته‌های پژوهش‌های مذکور نشان داد که درمان‌های زوجی و خانوادگی می‌تواند در بهبود ابعاد تعارض زناشویی مؤثر باشد.

امینی، امینی و حسینیان، (۱۳۹۲) نشان دادند که آموزش مهارت‌های ارتباطی منجر به بهبود ابعاد واکنش‌های هیجانی، کاهش همکاری، رابطه با خویشان همسر و دوستان، رابطه با خویشان خود، جدا کردن امور مالی و رابطه جنسی می‌گردد. حیدری، ثنایی ذاکر، نوایی نژاد و دلاور (۱۳۸۸) نیز نشان دادند که آموزش گفتگوی مؤثر تمام ابعاد تعارض زناشویی به جزء رابطه با خویشان همسر را به‌طور معنادار بهبود می‌بخشد. امیدیان فر، رفاهی،

قادری و افشون نیز به نقش معنادار آموزش غنی‌سازی روابط زوجین بر بهبود تمام ابعاد تعارض زناشویی پی بردند. هر سه پژوهش یادشده نشان دادند که برای بهبود تعارض زوجین کار روی ارتباط می‌تواند نتیجه‌بخش باشد.

برای دو نفر در یک رابطه بین شخصی به‌طور اجتناب‌ناپذیری تعارض پیش خواهد آمد، اما همه زوجین از اینکه چطور تعارض خود را به شیوه سازنده حل کنند باخبر نیستند. پول، خویشان، تربیت فرزند و تفاوت‌های جنسیتی از علل عمده تعارض زناشویی در رابطه هستند (کار^۱، ۲۰۰۰).

دیدار، سیتوات و یاسین^۲ (۲۰۱۳) نشان دادند که زوجین پاکستانی بر سر موضوعاتی نظیر پرخاشگری همسر (شوهر)، فقدان همکاری، فقدان صرف زمان با یکدیگر، موضوعات خویشان، موضوعات مربوط به فرزندان، کاهش ارتباط کارآمد و مسائل مالی تعارض دارند.

کارل، هیل، یورگاسون، لارسون و سندبرگ (۲۰۱۳) نشان دادند که ارتباط ضعیف در سال‌های اولیه ازدواج منجر به تعارض زناشویی می‌شود. الگوی ارتباط توقع/کناره‌گیر، تحقیر و خوار نمودن و انتقاد سبک‌هایی هستند که معمولاً زوجین در پاسخ به زمان‌های تعارض به کار می‌برند و منجر به تشدید تعارض می‌گردد (هنزل و سرگین، ۲۰۰۹).

درواقع زوجین متعارض زوجینی هستند که در برقراری ارتباط و بحث در مورد مشکلات ارتباطی دچار مشکل می‌شوند، آن‌ها نمی‌توانند فعالیت‌های اوقات فراغت را باهم تنظیم کنند، روابط جنسی و ارتباط با خانواده و دوستان همسر برایشان مشکل‌آفرین است و خطر طلاق و داشتن ازدواجی ناشاد در آن‌ها بالا است (آگاه، جان بزرگی و غفاری، ۱۳۹۳).

یکی از ابعاد الگوی مشاوره‌ای پایداری زناشویی تمرکز بر بعد ارتباط زوجین است که در این بعد بر میزان ارتباط و کیفیت ارتباط توجه شده است به این صورت که در این الگو با کمک نمودن به زوجین به افزایش زمان با هم بودن به افزایش ارتباط کمک نموده و درعین حال با کار روی گوش دادن و صحبت کردن مؤثر و آموزش حل تعارض به زوجین کمک شد تا کیفیت رابطه خود را نیز بهبود ببخشند. یکی از منابع تعارض بدفهمی ناشی از گوش ندادن صحیح است که در فرایند مشاوره به تصحیح آن پرداخته شده است. یکی از منابع دیگر تعارض واکنش‌های چهره‌ای و چگونگی مقابله با تعارض بود که با کمک به زوجین به درک واکنش‌های چهره‌ای خود

¹ Carr, A.

²² Dildar, S.; Sitwat, A. and Yasin, S.

همچون انفجار و پرخاش در حین گفت‌وگو راجع به موضوعات مورد تعارض و همچنین دادن بازخوردها در طی درمان و چگونگی کنترل آن تلاش شد تا منابع رابطه‌ای تشدیدکننده تعارض به حداقل برسد.

آگاه، جان بزرگی و غفاری (۱۳۹۳) نیز دریافتند که گروه‌درمانی شناختی رفتاری موجب بهبود تمام ابعاد تعارض زناشویی به جزء بعد جدا کردن امور مالی می‌گردد.

در الگوی درمان شناختی رفتاری فرض بر این است که اسناد منفی به هنگام عدم برطرف شدن نیاز به صمیمیت موجب بروز رفتارهای منفی می‌شود که به‌نوبه خود زوجین را از لحاظ هیجانی آزرده‌خاطر می‌کند و به‌صورت پریشانی اولیه بروز می‌کند، این امر می‌تواند به کناره‌جویی زوجین از هم یا کاربرد کلمات نادرست بینجامد. این تعامل منفی متعاقباً به پریشانی ثانویه منتهی می‌شود و در بلندمدت به‌واسطه عدم برآورده سازی نیازها، زوجین دچار تنیدگی و تعارض می‌شوند (اسچلسینگر و اپستون^۱، ۲۰۰۷؛ به نقل از آگاه، جان بزرگی و غفاری، ۱۳۹۳). رویکرد رفتاردرمانی عقلانی هیجانی مدعی است که باورهای غیرمنطقی باعث ایجاد موقعیت‌های ایجادکننده تعارض هستند (آدیس و برنارد^۲، ۲۰۰۲).

در پژوهش حاضر با شناسایی نگرش‌های ناکارآمد همسران و کار بروی منابع این نگرش‌های ناکارآمد که شامل باورهای غیرمنطقی بود به آن‌ها کمک شد تا بتوانند در ابتدا باورهای غیرمنطقی و خطاهای شناختی خود را کشف نمایند و سپس آن‌ها را با باورهای کارآمد و شناخت‌های منتهی به نگرش‌های کارآمد زوجی جایگزین نمایند. اصلاح نگرش‌های زوج منجر به کاهش بدفهمی‌ها و سخت‌گیری‌های رابطه گردید و از این طریق ابعاد تعارض زوجین را بهبود بخشید.

همچنین با کار بر روی حریم سازی زوجین، آموزش ارتباط با خانواده‌های اصلی در عین حفظ حریم زوجی و همچنین بهبود ارتباط در جمع‌ها و مهمانی‌ها به‌نحوی که هم به ارتباط و افزایش عاطفه در رابطه کمک نماید و هم واحد زوجی را در بین خانواده‌های اصلی یک واحد قابل‌اطمینان نشان دهد به بهبود تعارض‌های زوج کمک شد.

¹ Schlesinger, S. E, & Epstein, N. B,

² Addis & Bernard,

محدودیت‌های پژوهش

- با توجه به اینکه بخش عمده این پژوهش با روش کیفی انجام شده است، محدودیت‌های روش کیفی ازجمله غیرممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر، عدم کنترل اعتبار نتیجه‌گیری محقق و عدم قابلیت تعمیم‌پذیری بر آن وارد است.
- در بررسی اثربخشی الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زن‌وشوهری فقط از یک زوج استفاده شد که تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌کند.

پیشنهادهای پژوهشی

- یافته‌های بخش اول پژوهش (تعیین عوامل مؤثر در ایجاد ازدواج‌های پایدار رضایتمند و تعیین عوامل مؤثر در فروپاشی ازدواج‌های زوجین در حال جدایی و ارائه الگوی مشاوره‌ای پایدارسازی روابط زن‌وشوهری) می‌تواند به‌عنوان یک مبنای نظری برای تهیه پرسشنامه‌ای قرار گیرد که از طریق آن بتوان وضعیت زوج را از لحاظ دارا بودن شاخص‌های پایداری بررسی نمود. پیشنهاد می‌شود متخصصان این حوزه با غنی‌سازی مبانی نظری نسبت به تهیه چنین پرسشنامه‌ای اقدام نمایند.
- پیشنهاد می‌شود که برای ارزیابی یافته‌های این پژوهش، این الگوی مشاوره‌ای روی تعداد بیشتری از مراجعان به‌صورت انفرادی اجرا و نتایج آن بررسی شود.
- پیشنهاد می‌شود که قابلیت اجرای گروهی این الگوی مشاوره و کارآمدی آن به‌صورت گروهی نیز با سنجش اثربخشی آن در مشاوره‌های گروهی با زوجین بررسی شود.

پیشنهادهای کاربردی

- در ارزیابی‌های روان‌شناختی در کار با زوجین دریافت‌کننده خدمات روان‌شناختی لازم است که به عوامل و شاخص‌های شناسایی‌شده در این پژوهش توجه شود و پیشنهاد می‌شود که از عوامل خطرزای طلاق و عوامل حفاظتی منجر به پایداری که در این پژوهش شناسایی شده است در مصاحبه‌های ارزیابی مشاوران در مشاوره با زوجین استفاده نمایند.
- می‌توان از این الگو بسته‌ی آموزشی تهیه نمود و در حوزه‌های آموزش ازدواج و خانواده جهت آگاه‌سازی زوجین از شاخص‌های پایداری و استفاده از این مؤلفه‌ها در زندگی‌شان استفاده نمود.

منابع

منابع فارسی

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). خانواده ایرانی. تهران: نشر علم.

آبروی، فاطمه؛ بهرامی، فاطمه؛ فاتحی زاده، مریم السادات و شاهمرادی، سمیه (۱۳۹۰). بررسی عوامل پیش‌بینی کننده طلاق بر پایه نظریه جان گاتمن در زوج‌ها. پژوهش‌های مشاوره. ۱۱(۴۴).

آگاه، لیلا؛ جان بزرگی، مسعود و غفاری، عذرا (۱۳۹۳). اثربخشی مداخله شناختی رفتاری گروهی، بر افزایش رضامندی زناشویی زنان دارای تعارض زناشویی (با مقیاس اسلامی). فصلنامه روانشناسی دین، سال ۷، شماره ۲.

آسوده، محمد حسین؛ خلیلی، شیوا؛ لواسانی، مسعود و دانشپور، منیژه (۱۳۸۹). ترجمه پرسشنامه رضایت زن‌وشوهری انریچ. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

اسدی، مسعود؛ نظری، علی محمد و ثنایی، باقر (۱۳۸۸). بررسی تأثیر خانواده درمانی کوتاه مدت ستیر بر الگوهای ارتباطی زوج‌ها. فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی. دوره ۳، شماره ۱.

اسماعیل زاده، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی رابطه نگرش مذهبی با کاهش تعارضات زناشویی در زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

امیدیان فر، مریم؛ رفاهی، ژاله؛ قادری، زهرا و افشون، اسفندیار (۱۳۹۴). اثربخشی غنی‌سازی روابط زوجین بر کاهش تعارضات زناشویی در کارمندان ادارات مختلف شهر یاسوج. فصلنامه ارمان دانش. دوره ۲۰، شماره ۶.

امینی، محمد؛ امینی، یوسف و حسینیان، سیمین (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی زوجین با استفاده از رویکرد تحلیل ارتباط متقابل (TA) بر کاهش تعارضات زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. سال ۳، شماره ۳.

باباپور خیرالدین، جلیل؛ نظری، محمدعلی و رشیدزاده، لیلا (۱۳۹۰). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر رضایت و صمیمیت زناشویی زوجین جانباز شیمیایی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، سال ۶، شماره ۲۴.

باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. فصلنامه خانواده‌پژوهی. دوره ۷، شماره ۲۶.

برآبادی، حسن احمد (۱۳۹۳). تدوین و بررسی اثربخشی الگوی مشاوره‌ای اسماء حسنا بر اصلاح تصور از خدا و کاهش استرس، اضطراب و افسردگی. رساله دکتری مشاوره. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

برنشتاین، فیلیپ. چ؛ برنشتاین مارسی. ت (۱۳۸۰). روش درمان مشکلات زناشویی، ترجمه حسن توزنده جانی و نسرين کمال پور. مشهد: نشر مرنديز.

بنائیان، شایسته؛ پروین، ندا و کاظمیان، افسانه (۱۳۸۵). بررسی ارتباط سلامت روان و رضایت زناشویی زنان متأهل. مجله علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۱۴، شماره ۲.

پاداش، زهرا؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمدرضا و ایزدخواه، زهرا (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر رضایت زناشویی. مجله تحقیقات علوم رفتاری. ۱۰(۵).

پروین، ندا؛ فاطمی، آذر؛ امینیان، فاطمه و رفیعی وردنجانی، لیلا (۱۳۹۳). تأثیر جلسات آموزش مهارت‌های زندگی بر وضعیت رضایت زناشویی پرسنل پرستاری زن شاغل در بیمارستان هاجر (س) شهرکرد: یک مطالعه کار آزمایی بالینی. مجله بالینی پرستاری و مامایی. دوره ۳، شماره ۱.

تقی زاده، محمد احسان و محمدی، نرگس (۱۳۹۳). نقش رضایت زناشویی مادران در پیش‌بینی اضطراب و خودپنداره دختران نوجوان. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۱۵(۴): ۷۹-۸۷.

ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

جعفری، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج. فصلنامه علوم رفتاری. دوره ۱، شماره ۳.

حسینی، محمد؛ مختاری، محمدرضا؛ صیادی، احمدرضا؛ ناظر، محمد و نیرومند، علی (۱۳۹۱). ارتباط بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال. فصلنامه سلامت جامعه. ۶(۳/۶).

حسینی، زهرا؛ خلقی، زهرا؛ جابری، سمیه؛ صدیقی، اکرم؛ صالحی، وجیهه؛ تفویضی، متین؛ جزایری، رضوان السادات و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو. مجله: پزشکی قانونی. ۱۹(۶۷).

حسینی نسب، سید داوود؛ بدری گرگری، رحیم و قائمیان اسکویی، آسان (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی. ۲(۱).

حیدری، حسن؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نوابی نژاد، شکوه و دلاور، علی (۱۳۸۸). اثربخشی گفتگوی مؤثر (برنامه‌ی ارتباط زوج‌ها CCP) بر کاهش تعارضات زناشویی. اندیشه و رفتار، دوره ۴، شماره ۱۴.

خالقی دهنوی، فرزانه و یزدخواستی، فریبا (۱۳۹۲). رابطه نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زن‌وشوهری (طلاق/عدم طلاق) در زنان و مردان شهر اصفهان. فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق. ۳(۱۱).

داتیلیو، فرانک ام (۱۳۹۱). زوج‌درمانی و خانواده درمانی شناختی-رفتاری. ترجمه معصومه اسمعیلی، الهام فتحی، زهرا گرجی. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.

زارعی محمد آبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان پیش‌بینی کننده‌های میل به طلاق در زوهای عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۳): ۵۷۱-۵۵۴.

زرگر، فاطمه و نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۸۶). عنوان مقاله: بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه خانواده پژوهی. دوره ۳، شماره ۱۱.

سازمان ثبت‌احوال ایران (۱۳۹۴). برگرفته از وبسایت <https://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4822>

سودانی، منصور؛ امیری مقدم، علی و مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۲). اثربخشی رویکرد ارتباطی ستیر بر تعارضات زناشویی و انطباق‌پذیری. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۳(۱).

شایسته، گلناز؛ صاحبی، علی و علیپور، احمد (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایت مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲(۷).

شریفی، شادی (۱۳۹۱). ارائه الگو مفهومی چگونگی انتقال باورهای دینی به فرزندان. پایان نامه دکتری مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

صاحبی، علی (۱۳۸۲). روش تحقیق در روانشناسی بالینی. تهران: انتشارات سمت

صادقی، مسعود؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۴). تدوین مدل خانواده سالم بر اساس دیدگاه متخصصان خانواده (یک پژوهش کیفی). فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۱): ۱۷۰-۱۴۱.

صداقت، کامران و اسدیان، عقیل (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی شهرستان قائم‌شهر). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵(۵۴).

صیدی، محمد سجاد؛ باقریان، فاطمه (۱۳۹۰). پیش‌بینی سرسختی خانواده توسط فراغت و انجام فرایض دینی در منزل با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۲): ۲۴۲-۲۲۶.

صیادی، محمد سجاد؛ نظری، علی محمد و ابراهیمی، محمد (۱۳۹۳). نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی. فصلنامه روان‌شناسی دین، ۷(۱).

عاشوری، جمال؛ منشئی، غلامرضا (۱۳۹۲). اثربخشی خانواده درمانی ساختاری بر سطح رضایت زناشویی زنان. زن و مطالعات خانواده. سال ۵، شماره ۱۹.

عباسی، مرتضی؛ مدنی، یاسر و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش گروهی برنامه کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر الگوهای ارتباطی زوج‌های در آستانه ازدواج. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۲): ۲۴۶-۲۲۷.

عباسی مولید، حسین (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش گروهی واقعیت درمانی بر تعهد زن و شوهری زوجین شهرستان خمینی شهر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

علیمردانی، صدیقه؛ باغبان، ایران؛ فاتحی زاده، مریم السادات و جلالی، کاظم (۱۳۸۹). مقایسه‌ی اثربخشی فرآیند داوری و مشاوره‌ی خانواده بر کاهش تعارض زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده‌ی شهر اصفهان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۱(۲).

فخری، سیروس و حکمت، شروین (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت. زن و مطالعات خانواده. سال ۲، شماره ۷.

قادرزاده، امید، قادر زاده، هیرش و حسن پناه، حسین (۱۳۹۱). عوامل پیش‌بینی کننده‌ی گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ویژه‌نامه خانواده و طلاق، شماره ۱.

قطبی، مرجان؛ هلاکویی نائینی، کوروش؛ جزایری، سید ابوالقاسم و رحیمی، عباس (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد. دوره ۱۳، شماره ۱۲.

قنبری هاشم آبادی، بهرام علی؛ مداح شورچه، راحله؛ وفایی جهان، زهرا و بلقان‌آبادی، مصطفی (۱۳۹۱). اثربخشی گروه‌درمانی شناختی رفتاری و تحلیل تبدیلی بر بهبود مهارت حل تعارض. مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، ۱۳(۱): ۴۸-۴۳.

گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۶). خانواده درمانی، تاریخچه، نظریه و کاربرد. ترجمه فرشاد بهاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی. تهران: انتشارات تزکیه

محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد و عارفی مختار (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زن و شوهری و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات راهبردی زنان. سال چهاردهم، شماره ۵۳.

محمدی، رحمت اله؛ احمدی، سید احمد؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساده و چندگانه بین سبک زندگی با تعالی خانواده. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳(۱): ۸۹-۱۰۴.

مشکی، مهدی؛ شاه قاسمی، زهره؛ دلشاد نوقابی، علی و مسلم، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه‌ی شهرستان گناباد در سال‌های ۸۸-۸۷. فصلنامه افق دانش. دوره ۱۷، شماره ۱.

منجری، فرزانه؛ شفیع آبادی، عبدالله و سودانی، منصور (۱۳۹۱). اثربخش آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد اسلامی بر رضایتمندی زناشویی زوج‌ها. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۱، پیاپی ۴۷.

منصوری نیا، آذر دخت؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم و حسن‌پور، افسانه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۶۵-۷۶.

میری، معصومه؛ میری، محمدرضا؛ شریف زاده، غلامرضا و میری، مریم (۱۳۹۳). تأثیر آموزش غنی‌سازی روابط بر رضایتمندی زناشویی در معلمان زن مقطع ابتدایی شهر بیرجند در سال ۱۳۹۱. فصلنامه مراقبت‌های نوین. دوره ۱۱، شماره ۳.

نصیری ده سرخی، راضیه و موسوی سیده فاطمه (۱۳۹۴). مطالعه برخی همبسته‌های رضایت جنسی و رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. فصلنامه رویش روانشناسی، سال ۴، شماره ۲.

نظری، علی محمد (۱۳۸۶). مبانی زوج‌درمانی و خانواده درمانی. تهران: نشر علم.

نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، محمدرضا و احمدی، سید احمد (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی خانواده (طبقه‌بندی و سنجش). اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

نوری پور لیاولی، رقیه؛ زاده محمدی، علی؛ دسترس، مجید و سرگلزایی، مهراوه (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر ارتقاء عزت‌نفس و رضایت زناشویی معتادان در حال ترک. فصلنامه اعتیاد پژوهی. دوره ۸، شماره ۲۹.

یوسفی، رحیم؛ عابدین، علیرضا؛ تیرگری، عبدالحکیم و فتح آبادی، جلیل (۱۳۸۹). اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرحواره‌ها در ارتقاء رضایت زناشویی. مجله روانشناسی بالینی. سال ۲، شماره ۳.

- Addis, J. & Bernard, M. (2002). Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of Rational- Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 20(1).
- Akter, M. and Begum, R.(2012). Factors for Divorce of Women Undergoing Divorce in Bangladesh. *Journal of Divorce & Remarriage*. 53.
- Amato, PR. and Previti, D.(2003). People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues*.24.
- Andersen, J. D.(2000). Financial Problems as Predictors of Divorce: A Social Exchange Perspective. Doctoral Dissertation In Family Life(Human Environments). Utah State University.
- Arriage, X. B. and Agnew,C. R.(2001). Being committed: affective, cognitive, and conative components of relationships commitment. *Personality and social psychology bulletin*, 27.
- Bachand, L. & Caron, S. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*, 23(1).
- Ball, L. J.(1999). How Gender Differences Contribute to Divorce: A Retrospective Qualitative Study. Doctoral Dissertation In Psychology. California school of professional psychology.
- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2).
- Barikani, A; Mohamad Ebrahim, S. and Navid, M. (2012). The Cause of Divorce among Men and Women Referred to Marriage and Legal Office in Qazvin, Iran. *Global Journal of Health Science*; 4(5).

- Bodenmann, G. Ledermann, T. & Bradbury, T. N. (2007). Stress, sex, and satisfaction in marriage. *Personal Relationships*, 14.
- Bogaerts, S; Dallder, A. L; Knap, L. M. V.; Kunst; M. J.J.M.& Buschman, J.(2008). Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: a comparison of three groups of security workers. *Social behavior and personality*, 36(8).
- Bagarozzi, D. A. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: A clinicians handbook*. BrunnerRoutledge.
- Brimhall, A. S., & Butler, M. H. (2007). Intrinsic vs. extrinsic religious motivation and the marital relationship. *American Journal of Family Therapy*, 35.
- Britt, S., Grable, J. E., Goff, B. S., & White, M. (2008). The influence of perceived spending behaviors on relationship satisfaction. *Financial Counseling and Planning*, 19.
- Brooks, Pruedence(2006). A qualitative study of factors that contribute to satisfaction and resiliency in long-term African American marriages. unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, our lady of the lake university.
- Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *The Journal of Sex Research*, 42 (2).
- Cammarano, p. j.(2011). A study of perceptions of marital satisfaction, positive illusions and idealistic distortion by clergy and laity. Phd doctoral dissertation., Illinois university.
- Cann, A ; Norman , M. A.; Welbourne, J. L. and Calhoun, L. G.(2008). Attachment styles, conflict styles and humour styles: interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European journal of personality*. 22.
- Carr, A. (2000). *Family therapy. Concepts, process and practice*. New York: wiley.

- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, 76.
- Carroll, S., Hill, E., Yorgason, J., Larson, J., & Sandberg, J. (2013). Couple communication as a mediator between work–family conflict and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 35(3).
- Center for Disease Control and Prevention. (2011). National Marriage and Divorce Rates Trends. Retrieved from: http://www.cdc.gov/nchs/nvss/marriage_divorce_tables.htm
- Cheung, M. (2005). A cross-cultural comparison of gender factors contributing to long-term marital satisfaction: A narrative analysis. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, vol. 4(1).
- Christan, D.(2014). how couples experience their enduring marriages: a study of six evangelical christen couples. A Doctoral Dissertation in human development. Fielding graduate university.
- Clarke-Stewart, A. and Brentano, C.(2006). Divorce: causes and consequences. Library of Congress Cataloging-in-Publication Data. Printed in the United States of America..
- Colamussi, A. L.(2013). Iranian Women in Marriage: An Exploratory Study. Doctoral dissertation in Couple and Family Therapy. Alliant International University
- Colarossi, M.(2007). The Different Voices .o f Separation and Divorce. M.A. Dissertation Sociology. Concordia University.
- Coontz, S. (2005). *Marriage a History: How Love Conquered Marriage*. New York: Penguin
- Copen, C., Daniels, K., Vespa, J., & Mosher, W. (2012). First marriages in the United States: Data from the 2006-2010 National Survey of Family Growth. *National Health Statistics Report*, 49.

- Daneshpour, M.(1998), Muslim families and family therapy. *Journal of marital and family therapy*. 24(3).
- Dew, J. (2009). Bank on it: Thrifty couples are the happiest. In W. B. Wilcox (Ed.), *The state of our unions*. Charlottesville, VA: The National Marriage Project.
- Dildar, S.; Sitwat, A. and Yasin, S.(2013). Intimate Enemies: Marital Conflicts and Conflict Resolution Styles in Dissatisfied Married Couples. *Middle-East Journal of Scientific Research* 15 (10).
- Dixon, D. C.(2013).christan spirituality and marital health: a phenomenological study of long-term marriages. A Doctoral Dissertation in Counseling. Liberty University.
- Driver, J. L. & Gottman, J. M. (2005). Dysfunctional marital conflict and everyday marital interaction. *Journal of Divorce and Remarriage*, 43(3/4).
- Duncan, E. M.(2011).african American marriages: the impact of levels of acculturation, commitment and religiosity upon marital stability. Doctoral dissertation in Marriage and Family Therapy. Saint Louis University.
- Dung Le, T. M.(2008). Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages. A M.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.
- Edathumparambil, B.(2014).strangers to spouses: a study of the relationship quality in arranged marriages in india. A Doctoral Dissertation in Family and Community Medicine. Saint Louis University.
- Ellis, A. (2001). *Overcoming destructive beliefs, feelings, and behaviors*. Amherst, NY: Prometheus Books.
- Fordm, GE.(2012). An investigation the professes that contribute to African Americans becoming divorced.Doctoral Dissertation in Social and Behavioral Sciences. United states :Capella University.
- Forness, S. R. (2003). The relationship between couples' attachment styles, selfdisclosure and marital satisfaction. *Dissertation Abstracts International*.

- Fowler, CH.(2014). The Role of Religious Affiliation and Attitudes in Marriage Maintenance Strategies. M.A. Dissertation In psychology. Utah State University.
- Fricker, J.(2006). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Love styles, and the Investment Model. unpublished doctoral dissertation. Swinburne University of Technology.
- Gnilka, A . S.(2007). A Study of the Development of Long-Term Marriages Lasting 25 Years or More. A Doctoral Dissertation in Counselor Education.The University of Tennessee.
- Goldberg, P., Peterson, B., Rosen, K., & Sara, M. (2008). Cybersex: The impact of a contemporary problem on the practices of marriage and family therapists. *Journal of Marital and Family Therapy*, 34.
- Gottman, J. M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Gottman, J. M., Coan, J., Carrere, S., & Swanson, C. (1998). Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions. *Journal of Marriage and the Family*, 60, 5-22.
- Gottman, J., & Levenson, R. (2002). A two-factor model for predicting when a couple will divorce: Exploratory analyses using 14-year longitudinal data. *Family Process*, 41(1).
- Gottman, J.M., & Levenson, R.W. (1999). Rebound from marital conflict and divorce prediction. *Family Process*, 38.
- Gottman, J. M. & Silver, N. (1999). The seven principles for making marriage work. New York,NY: Three Rivers Press).
- Guinn, A.(2005). Factors od contributing to long-term marriages among temple-married members of the church of Jesus Christ of latter-day saints. Doctoral Dissertation in Social work. California State University.

- Hanzal, A., & Segrin, C. (2009). The role of conflict resolution styles in mediating the relationship between enduring vulnerabilities and marital quality. *Journal of Family Communication*, 9(3).
- Harrar, S., & DeMaria, R. (2007). *The seven stages of marriage*. New York: The Readers Digest Association.
- Heiman, J. R., Long, J. S., Smith, S. N., Fisher, W. A., Sand, M. S., & Rosen, R. C. (2011). Sexual satisfaction and relationship happiness in midlife and older couples in five countries. *Archives of Sexual Behavior*, 40(4).
- Heller, D., Watson, D., & Ilies, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination. *Psychological Bulletin*, 130(4).
- Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: An overview. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, 4(2/3).
- Hertzog, S. M.(2010). *Is marriage good for your health? The influential role of marital quality and life evevnts on individual-level health and well-being*. Doctoral Dissertation in Developmental Psychology. Cornell University.
- Hindin, M. J. (2007). Role Theory. In G. Ritzer (Ed.), *The Blackwell Encyclopedia of Sociology* (pp. 3959-3962). Blackwell Publishing.
- Hopkins-Williams, Katrina D.(2007). “yes, they’re out there”: a qualitative study on strong African American marriages. unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Louisiana State University.
- Hyoun, K., & McKenry, P. (2002). The relationship between marriage and psychological wellbeing. *Journal of Family Issues*, 23.
- Iafrate, R.; Bertoni, A.; Margola, D.; Cigoli, V.; Acitelli, L. K.(2012). The Link Between Perceptual Congruence and Couple Relationship Satisfaction in Dyadic Coping. *EUROPEAN PSYCHOLOGIST* 17(1).
- Isabel Estrada, R.(2009). *An Examination of Love and Marital Satisfaction in Long-term Marriages*. unpublished doctoral dissertation. the Morgridge College of Education, University of Denver.

- Juvva, S., & Bhatti, R. S. (2006). Epigenetic model of marital expectations. *Contemporary Family Therapy*, 28.
- Kaslow, F. & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy*. 24(2).
- Levenson, R., Carstensen, L., & Gottman, J. (1993). Long-term marriage: Age, gender, and satisfaction. *Psychology and Aging*, 8(2).
- Lauer, R. H. ; Lauer, J. C. and Kerr, S. T .(1990). The long-term marriage: Perceptions of stability and satisfaction. *The International Journal of Aging & Human Development* 31.3
- Li, T., & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of marital satisfaction. *Review of General Psychology*, 15.
- Lower, L. M. (2005). Couples with young children. In: Harway, M. (Ed). *Handbook of couples therapy*. New York: Wiley.
- Lu, CH.(2011). Predicting Marital Dissolution Using Data from Both Spouses. Doctoral Dissertation Sociology. Brigham Young University.
- Luthar, S., and Cicchetti, D. (2000). The construct of resilience: Implications for interventions and social policies. *Development and Psychopathology*, 12, 857-885.
- Jakaboski, S, F., & Mine, E. (2004). A review of empirically supported marital Enrichment Programs. *Family Relations*, 53.
- Johnson, A. K.(2014). Divorce and forgiveness: a comparison between genders. Doctoral Dissertation in Adult Education. University of Southern Mississippi.
- Kardatzke , K. N.(2009). Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students. doctoral dissertation, University of North Carolina.
- Kaslow, F., & Robinson, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *American Journal of Family Therapy*, 24.

- Maddox, M.(2013). Perceptions of committed marriages in african American heterosexual couple married 25 years and longer. Doctoral dissertation in Family science. Texas women university.
- Marks, L. (2005). How does religion influence marriage? Christian, Jewish, Mormon,v and Muslim perspectives. *Marriage & Family Review*, 38(1).
- Marshall, J. P., & Skogrand, L. (2004). Newlywed debt: The anti-dowry. *The Forum for Family & Consumer Issues*, 9(2-3).
- Marston, P.J.; hecht, M. L.; manke, M. L.; mcdaniel, S. and reeder, H.(1998). The subjective experience of intimacy, passion, and commitment in heterosexual relationship. *Personal relationship*, 5, 15-30.
- McGoldrick, M,; Joe, G. and Nydia, G-P.(2005)*Ethnicity and family therapy*. Guilford Press
- Michalitsianos, N.(2014). Resiliency: a resorce for promoting marriage satisfaction. M.A. dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Miller, R., Yorgason, J., Sandberg, J., & White, M. (2003). Problems that couples bring to therapy a view across the family life cycle. *The American Journal of Family Therapy*, 31.
- Mirecki,R. M.(2013). Disruptions in marital bonds: the link between attachment styles and divorce initiator status on the preparnering process. Doctoral dissertation in Counseling & Family Therapy. Saint Louis University.
- Moen, D. A.(2011). Newlywed to Established Marriage: A Longitudinal Study of Early Risk and Protective Factors that Influence Marital Satisfaction. . A Doctoral Dissertation in Family, Consumer, & Human Development. Utah State University.
- Moore, V. L. and Schwebel, A.(1993). Factors contributing to divorce: A study of race differences. *Journal of Divorce & Remarriage*. 20(1/2).
- Nimtz, Mark A.(2011).satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage:a phenomenological study. unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.

- O’Leary, K.D., Acevedo, B.P., Aron, A., Huddy, L., & Mashek, D. (2011). Is long-term love more than a rare phenomenon? If so, what are its correlates? *Social Psychological and Personality Science*, 3.
- Olson, D. H, & Fowers, B. J.(1993). Five types of marriage: An empirical typology based on ENRICH. *The Family Journal*, 1.
- Olson, D. H, Olson-Sigg, A., & Larson, P. J. (2008). *The couple checkup*. Nashville, TN: Thomas Nelson.
- Paden, Q. M.(2014). What are that lead to marital dissolution in marriages after their 20th year?. Doctoral Dissertation in counseling, adult and higher education. Northern Illinois University.
- Parker, R. (2002). *Why marriages last: A discussion of the literature*. Australian Institute of Family Studies, Research Paper 28.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *American Journal of Family Therapy*, 36(5).
- Rauer, A. J.(2006). Identifying happy, healthy marriages for men, women, and children. A Doctoral Dissertation in Psychology. University of Michigan.
- Robinson, L .C.(1990). A qualitative study of marital strengths in enduring marriage. Doctoral dissertation Social sciences. The University of Tennessee.
- Robinson, L .C.(1994). Religious Orientation in Enduring Marriage: An Exploratory Study. *Review of Religious Research*. 35(3).
- Rogoff, L.(2013). The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States. Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.
- Rogge, R. D.(2002). An Examination of the Predictors of Discord and Divorce in the Early Stages of Marriage. A Doctoral Dissertation in Psychology. University of California.

- Rosen-Grandon, J. R, Myers, J. E., & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of Counseling and Development*, 82.
- Rowe, L. D.(2012). The expirnces of conflict in long-term marriages: from past to present. A Doctoral Dissertation in Psychology. Fielding Graduate University.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2005). After “I Do”: The newlywed transition. *Marriage and Family Review*, 38.
- Sprecher, S, & Metts, S.(1999). Romantic beliefs: Their influence on relationships and patterns of change over time. *Journal of Social and Personal Relationships*. 16.
- Shirisia, L.(2014). Strong Marriages in the African American Community: How Religion Contributes to a Healthier Marriage. M.A. Dissertation In Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.
- Strauss, A. and Corbin, J.(1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Sakayama, M.(2003). Six Elements as They Relate to Marital Satisfaction: Conflict. Household Tasks, Companionship, Trust, Understanding, and Feeling of Being Understood. M.A. Dissertation in Communication, Department of Communication and Journalism. University of Wyoming.
- Schlesinger, S. E, & Epstein, N. B.(2007). Couple problems. In F. M. Dattilio & A.Freeman (Eds.), *Cognitive-behavioral strategies in crisis intervention* (3rd ed., pp. 300–326). New York: Guilford Press.
- Stafford, L., & Canary, D. J. (1991). Maintenance strategies and romantic relationship type, gender, and relational characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8.
- Stafford, L., Dainton, M., & Haas, S. (2000). Measuring routine and strategic relational maintenance: Scale revision, sex versus gender roles, and the prediction of relational characteristics. *Communication Monographs*, 67.

- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W. (2002). Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process*, 41.
- Waite, L., & Gallagher, M. (2000). *The case for marriage*. New York, NY: Broadway Books.
- Weiss, J. M.(2014). Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages. M.A. Dissertation In Family, Consumer, and Human Development. Utah State University
- Weinrich, Debra De La O(2001). Factors relating to long-term marriages. unpublished degree master dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, California state university.
- Werner, E., and Smith, R. (2001). *Journeys from childhood to midlife: Risk, resilience, and recovery*. Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.
- Whitton, S.W.; Rhoades, G.K.; Stanley S.M.; Markman, H.J.(2008) Effects of parental divorce on marital commitment and confidence. *Journal of Family Psychology*.22.
- Whitty, M. & Quigley, L. (2008). Emotional and Sexual Infidelity Offline and in CyberSpace. *Journal of Marital and Family Therapy*, 34.
- Yabiku, S. T. & Gager, C. T. (2009). Sexual frequency and the stability of marital and cohabiting unions. *Journal of Marriage and Family*, 71.

پیوست‌ها

(پیوست الف): برنامه مشاوره‌ای پایداری زناشویی

جلسات درمانی

جلسه اول:

(ایجاد یک اتحاد درمانی، ارزیابی و تنظیم اهداف درمانی، ایجاد یک درک مشترک از مشکلات رابطه)(تصحیح انتظارات و باورهای غلط راجع به درمان، نقش درمانگر و نقش مراجع)
موارد ارزیابی‌شده: در جلسه مشترک و فردی (جلسه اول یک ونیم ساعت به طول انجامید که یک جلسه مشترک ۵۰ دقیقه‌ای و جلسات فردی حدوداً ۲۰ دقیقه‌ای را شامل شد) سعی شد یک ارزیابی از رابطه‌ی این زوج انجام گیرد و مورد زیر ارزیابی شد:

نگرش‌ها انتظارات درباره همسر، رابطه، زندگی، دوستان و خانواده‌های اصلی

الگوهای تبادلی (ارتباطی)

صمیمیت و محبت

نقش‌ها و مشکلات آن

کار و تفریح

ساختار خانواده (مرزها، مثلث سازی‌ها، قدرت)

تعارض و مهارت‌های حل تعارض

استرس‌ها و چگونگی مقابله با استرس‌ها

(در ابتدا توضیح داده شد که در این جلسه سعی می‌کنم درکی درست از مسائلی که شما با آن روبرو هستید به دست بیاورم و مسیر تقریبی و اهدافمان را مشخص کنیم)، در جلسه اول علاوه بر مصاحبه مشترک، مصاحبه جداگانه‌ای با هریک از همسران اجرا کردم و در آن سعی کردم اگر موضوعاتی است که از مطرح شدن آن در مصاحبه مشترک خودداری کرده است را جويا شوم و علت عدم مطرح کردنش را سعی کردم بفهمم. در ضمن بحث رازداری را نیز توضیح دادم و گفتم که من ممکن است هر چیزی که به‌طور فردی به من می‌گویید را با همسران مطرح نمایم مگر اینکه شما به من یادآور شوید که این موضوع را نباید با همسران در میان بگذارم، مثلاً یکی از موضوعاتی که خانم علاقه‌مند به بیان آن نبود مسئله میزان درآمد واقعی وی بود که از کار پاره‌وقت آرایشگری خود کسب می‌کرد و مقدار پس‌انداز خود.

در این جلسات با یک سؤال باز شروع کردم (چی باعث شد که به مشاوره بیاین؟) در همین حال سعی کردم در ابتدا بفهمم زوج چه نگرانی‌هایی از رابطه دارند و به نظرشان مشکل کجاست و چه چیزی باعث نارضایتی شده است به همین دلیل از آن‌ها پرسیدم برای اینکه رابطه آن‌طور که شما دوست دارید بشود، همسران چه

چیزهایی یا مواردی را باید متفاوت از قبل انجام دهد یا تغییر دهد؟ و همچنین شما باید چه چیزهایی را متفاوت انجام بدهید؟

در این جلسه با مشاهده تبادلات زوج در جلسه و با دقت در گفتگوهای زوج و همچنین سؤالهایی که پرسیده شد موارد زیر کشف گردید:

نگرش‌های ناکارآمد مربوط به همسر، خانواده اصلی همسر و خانواده اصلی خود و زندگی که زیربنای آن باید‌ها و نبایدهای غیرمنطقی و تحریف‌های شناختی بود (نظیر استنباط دلبخواهی، بزرگ‌نمایی، شخصی‌سازی، تفکر دو مقوله‌ای، بایدونبایدها)

مشکلات در ارتباط (۱- انتقادهای توهین‌آمیز، ۲- تحقیر، تمسخر، توهین، فحش به همسر و خانواده اصلی همسر، ۳- تدافعی بودن (تو حرف طرف مقابل پریدن، حمله متقابل به این صورت که در جواب شکایت همسر شکایت‌های خود را از وی مطرح کردن، رفتارهای غیرکلامی واضح مبنی بر تدافعی بودن)).

ارتباط در موقع تنش و تعارض بیشتر به سمت مبهم و غیرمستقیم سوق پیدا می‌کرد (مثلاً: برای گلایه راجع به تصمیم شوهر بدون هماهنگی در جمع خانوادگی واقعاً من که از شوهر شانس نیاوردم خودش می‌بره و میدوزه من هم که هیچ)

همچنین الگوی ارتباطی سرزنشگر در زوج غالب بود و همچنین کیفیت گوش کردن و صحبت کردن با نقص‌هایی روبرو بود.

عدم رضایت از میزان و کیفیت زمان با هم بودن: هر دو زوج از کیفیت زمان‌هایی که با هم هستند ناراضی بودند تا جایی که اواخر سعی می‌کردند که کمتر حضور مشترک داشته باشند.

تعارض‌ها و راهبردهای حل تعارض مشکل‌دار:

می‌توان گفت الگوی تعاملی و حل تعارض آن‌ها الگوی تعقیب‌کننده- دوری‌گزین بود که در آن زن حالت پرخاشگری به خود گرفته و تلاش کرده تا همسرش را تصحیح و درگیر در رابطه نماید که به همین خاطر همیشه با شروع کردن بحث، پیش کشیدن تعارضات، رفتار تعقیبی خود را انجام می‌داده و مرد نیز سعی می‌کند با ماندن بیشتر در سرکار و مشغول کردن خود به امور دیگر دوری کند

تلاش برای کنترل طرف مقابل در زمان تعارض به صورت ناسالم: کاستن از اهمیت نیاز به طرف مقابل، تهدید به ترک زندگی بالأخص از سوی زن، سرزنش کردن و تحقیر کردن، دادن احساس گناه، جداسازی بستر.

ابعاد صمیمیت ارزیابی شد که به نظر می‌رسید بعد عاطفی (درمیان نهادن احساسات مثبت و منفی) به شیوه‌ای سالم وجود نداشت به این صورت که احساسات منفی بیشتر بروز داده می‌شد. صمیمیت روان‌شناختی (درمیان نهادن امیدها، رؤیاهای و خیال‌پردازی‌ها و طرح‌های آتی و ترس‌ها و نگرانی‌ها) نیز در هر دو زوج پایین بود.

صمیمیت اجتماعی-تفریحی (درگیر شدن و مشارکت در فعالیت‌ها و تجارب تفریحی و لذت‌بخش با همسر) و صمیمیت زمانی (میزان زمانی که با همسر خود در فعالیت‌های صمیمانه صرف می‌کند) خیلی پایین بود.

خانواده دارای مرزهای مبهم و گنگ و به میزان زیادی نامشخص و نامتمایز بود، بدین‌صورت که زوجین در راستای پاسداری از مرز بین نسلی یا حریم زندگی زوجی خود موفق عمل نکرده بودند، قواعد راجع به اینکه چه مباحثی با خانواده‌های اصلی می‌تواند در میان گذاشته شود مشخص نبود، به صورتی که هم زن و هم شوهر تمام اختلاف‌های خود را به خانواده‌های اصلی اطلاع می‌دادند حتی همسایه‌ها نیز از ریزودرشت مشکلات و اختلاف‌های آن‌ها باخبر بودند که این باعث شده بود که هرکسی طرحی برای زندگی آن‌ها بریزد و توصیه‌ای داشته باشد. در ضمن در فرایند تصمیم‌گیری زوجین نیز تأثیر گذاشته بود به‌نحوی که بسیاری از تصمیمات در خارج از منظومه زوجی و توسط خانواده‌های اصلی به نحوی تحمیل می‌شد.

عدم حمایت از همسر در اجتماع: زن و مرد هر دو احساس می‌کردند که طرف مقابل در مجالس و مهمانی‌ها وی را با گفته‌هایش خراب می‌کند که نشان‌دهنده نبود حمایت در زیر منظومه زوجی و شاید پیامدی از عدم پاسداری از حریم زوجی باشد. از سوی دیگر به‌راحتی خانواده‌های اصلی در حضور زوج، تصمیم‌های یکی از همسران را زیر سؤال می‌بردند؛ که نشان‌دهنده این است که زوج نتوانسته یک واحد منسجم و قدرتمند را ایجاد کند که دیگران به خودمختاری و استقلال آن احترام بگذارند

البته این ارزیابی‌ها بیشتر از مشاهده تعاملات زوجین صورت گرفت و هنوز به‌صورت فرضیه‌هایی مطرح بود که برای تأیید نهایی در جلسات آتی با تحریک تعاملات بیشتر، سؤال‌های کاوشی و تکالیف خانگی ارزیابی‌ها تکمیل گردید.

در پایان این جلسه برگه ثبت افکار برای زوجین به‌صورت نمونه در جلسه تکمیل شد و قرار شد جلسه بعد در منزل هر دوبرگه ثبت افکار را تکمیل کنند و همراه خود به جلسه بیاورند. همچنین در پایان این جلسه به نقش مهم انجام تکالیف تأکید شد.

جلسه دوم:

هدف اصلی: شناسایی و اصلاح نگرش‌های مخرب

مدت زمان جلسه: یک و نیم ساعت

مراحل درمان:

- ادامه ارتباط درمانی
- بررسی تکلیف جلسه قبل (برگه ثبت افکار ناکارآمدی که زوجین تکمیل کرده بودند در جلسه مرور و بررسی شد این کار به منظور شناسایی نگرش‌های ناکارآمد، شناسایی ریشه این نگرش‌ها (بایدها و نبایدهای غیرمنطقی و تحریف‌های شناختی) و بینش نسبت به اینکه چگونه این نگرش‌های نشان گرفته از این بایدها و نبایدهای غیرمنطقی موجب مشکلات در رابطه شده است، صورت گرفت و به یک درک و تأیید مشترک رسیدیم که قسمتی از مسائل و نارضایتی‌ها از این قسمت ناشی می‌شود و سعی شد که زوجین نسبت به پرداختن به این حوزه تحریک و ترغیب شوند)
- اصلاح نگرش‌های مخرب (در اینجا برای نمونه چند نمونه از نگرش‌های ناکارآمد ثبت شده و چگونگی ساز کار آن‌ها در ایجاد مشکلات و چگونگی مقابله با این نگرش‌های ناکارآمد و جایگزینی این نگرش‌های ناکارآمد با نگرش‌های کارآمد در جلسه تمرین شد که مورد توجه زوج نیز قرار گرفت)
- لازم به ذکر است با مشاهده تعاملات زوج ارزیابی‌های بیشتر راجع به حوزه‌های مذکور در قسمت ارزیابی جلسه اول صورت گرفت.
- خلاصه مباحث جلسه و جمع‌بندی
- ✓ تکلیف درمانی: به عنوان تکلیف درمانی از مراجع خواسته شد تا در طول هفته آینده نگرش‌های مخرب خود را پیدا کرده، بایدها و نبایدهای زیربنایی و تحریف شناختی زیر بنایی آن‌ها را بیرون بکشند، آن‌ها را زیر سؤال ببرند و نگرش‌های جایگزین سالم را بیابند و در برگه مخصوص ثبت نمایند و در طول هفته خود را ارزیابی کنند.

جلسه سوم:

هدف اصلی: اصلاح نگرش‌های مخرب و شروع کار روی ارتباط و تعاملات

مدت زمان جلسه: یک و نیم ساعت

مراحل درمانی:

✓ مرور تکالیف جلسه گذشته و تثبیت یادگیری‌های جلسه گذشته (در این جلسه زوج در قسمت زیر

سؤال بردن شناخت‌های ناکارآمد خود با سؤال‌هایی روبرو بودند که راهنمایی‌ها صورت گرفت)

- بررسی نگرش‌های مخرب مراجع در رابطه با دیگر انسان‌ها، زندگی زناشویی، فرزندان و خدا
- چگونگی اصلاح این نگرش‌های مخرب در چهار حوزه بالا نیز تبیین شد و در جلسه تمرین شد
- با در نظر داشتن تعاملات زوجین، نقص‌های تعاملات آن‌ها همچون انتقاد، توهین، تدافعی بودن در مواقعی که مشهود می‌شد به آن‌ها یادآوری شد.

• ارزیابی تمام حوزه‌ها ادامه داشت

• خلاصه مباحث جلسه و جمع‌بندی

• تکالیف منزل:

✓ اصلاح نگرش‌ها و باورهای ناکارآمد زوجین: به‌عنوان تکلیف از مراجع خواسته شد که مانند جلسه

گذشته تمامی نگرش‌های منفی خود را در تمامی حیطه‌ها بررسی کرده با آن‌ها مقابل کند و در دفترچه

یادداشت خود بنویسد و خود را ارزیابی کند (بازسازی شناختی، مقابله با باورهای ناکارآمد و جایگزینی

افکار و باورهای کارآمد بهبوددهنده‌ی رابطه).

نتایج	پاسخ‌های متفاوت	افکار معیوب	عواطف	افکار خودکار	موقعیت
حالم بهتر شد. دیگه وقتی اومد خونه سرش غر نزدم	شاید کار مهمی داشته که باید میرسیده، زندگیه دیگه پیش میاد. منم کارایی از این دست زیاد کردم.	باید و نباید، بزرگنمایی، همه یا هیچ	رنجش، غم، ناراحتی شدید	اون یه آدم بی توجه هست، این زندگی درست بشو نیست.	غذا درست کرده بودم و منتظر بودم که بیاد با هم غذا بخوریم ولی زنگ زدم گفت من رفتم فلان جا کار داشتم

✓ همچنین قرار شد تا جلسه بعد میزان توهین، تحقیر، انتقاد و تدافعی بودن خود را ثبت کنند.

جلسه چهارم

هدف اصلی: بهبود توانمندی های ارتباطی و تحکیم یادگیری های قبلی

مدت جلسه: یک و نیم ساعت

مراحل درمان:

- ✓ مرور تکالیف شناختی جلسات گذشته و تثبیت یادگیری
- ✓ بررسی میزان مخرب بودن تعاملات با مرور شاخص های توهین، انتقاد و تدافعی بودن که در طول هفته ثبت شده بود که همان طور که در جلسه مشهود بود یکی از مشکلات ارتباطی زوج بود.
- ✓ اصلاح تعاملات ناکارآمد در جلسه بالأخص بیشتر روی حالات غیرکلامی که نشان دهنده تدافعی بودن و سوء تفاهم می شد کار شد.
- آموزش مهارت های خوب گوش دادن (در اینجا قرار شد زوجین در طول شبانه روز در هنگام گفت و گو مهارت هایی همچون توجه کلامی و غیرکلامی، خلاصه کردن بحث طرف مقابل در طی گفت و گو برای نشان دادن به وی که به او خوب گوش می دهد و همچنین به منظور اطمینان از فهم درست مطلب را تمرین کنند)
- آموزش مهارت های صحبت کردن کارآمد (توجه نمودن به حالت چهره در هنگام صحبت، پرهیز از کلمات توهین آمیز، پرهیز از انتقادهایی که شخصیت فرد مقابل را نشانه می رود، در صورت مطرح نمودن مسئله بر روی رفتاری تأکید کند که مشخص است و دوست دارد طرف مقابل انجام دهد و غیره)
- تمرین عملی گوش دادن فعالانه و ابراز وجود صحیح با درمانگر از طریق ایفای نقش
- خلاصه مباحث جلسه و جمع بندی
- تکالیف منزل
- ✓ به عنوان تکلیف از زوجین خواسته شد که گفتگوهای خود را هرروز زیر نظر گرفته و آن را ارزیابی کنند و به خود نمره بدهند و نتیجه را به جلسه مشاوره بیاورند.
- ✓ مهارت گوش دادن: خلاصه کردن، توجه کردن، برگرداندن محتوای کلام، روشن سازی، تأیید کردن در خانه تمرین شود.
- ✓ مهارت صحبت کردن: استفاده از بیان «من»، فاعلی صحبت کردن، اجتناب از حاکم شدن بر گفتگو، اجتناب از پیشنهادها آتش برانگیز، اجتناب از ناسزاگویی، اجتناب از برچسب زدن و فریاد زدن قرار شد در خانه تمرین شود.

✓ اصلاح ارتباط مخرب: گفتگو به صورت غیر تدافعی: توجه به نکات مثبت همسر، نشان دادن علاقه و توجه در هنگام گفتگوی همسر، زیر نظر داشتن و نظارت بر زبان تن خود در هنگامی که همسر صحبت می کند یا شکایت می کند، استفاده از فن گوش دادن مؤثر.

✓ تأکید مجدد بر تکلیف تأیید و روشن سازی و همدلی برای حل اهانت و انتقاد: گذاشتن خود به جای همسر و روشن سازی و تصریح آنچه همسر می گوید (آیا درست فهمیدم، منظورت این است که...)، گوش دادن فعال (شنیدن حاکی از توجه و خلاصه نمودن و به طرف مقابل برگرداندن آنچه از طرف مقابلش فهمیده است) و استفاده از مهارت های صحبت کردن (به عنوان مثال: آموزش داده شد و در جلسه تمرین شد تا هر همسر به اول سعی کند افکار، احساسات و خواست های خود را تشخیص دهد و بعد آن ها را به شیوه ای مشخص و روشن از زبان خود برای شخص مقابل بیان کند)، گوش دادن غیرکلامی مثبت (رفتارهای حاکی از توجه و تلاش برای فهم)، توجه به آنچه فرد می تواند انجام دهد و نه آنچه انجام نمی دهد (وقتی من بیرون هستم و تو مسیرت با مکانی که من هستم یکی است و دنبال من می آیی و باهم به خانه می رویم احساس میکنم که مورد توجه و محبت قرار گرفته ام به جای اینکه بگویم تو این قدر نفهم هستی که مسیرت با من یکی بود ولی یک زنگ نزدی که مرا برداری و با هم به خانه بیاییم)

جلسه پنجم:

هدف اصلی:

بهبود توانمندی‌های ارتباطی و آموزش عشق‌ورزی و صمیمیت و تحکیم یادگیری‌های قبلی

مدت جلسه: یک و نیم ساعت

مراحل درمان:

✓ مرور تکالیف جلسات گذشته و تثبیت یادگیری‌های مراجع (تکالیف شناختی ارزیابی شد، تکالیف

ارتباطی، گوش دادن و صحبت کردن مؤثر، حالات چهره‌ای در هنگام تعامل بررسی شد)

✓ تصریح نمودن الگوی تعاملی آن‌ها (غیرمستقیم تعامل نمودن، الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر که در آن

زن مباحث و نقدها را شروع می‌کند و مرد دوری و فرار را انتخاب می‌کند، اینکه چطور انتظارات

همدیگر را به‌صورت انتقادهایی که شخصیت طرف مقابل را زیر سؤال می‌برد مطرح می‌نمودند، تصریح

شد)

✓ تمرین تعاملات سالم در جلسه (چگونگی مطرح نمودن شکایات به‌صورت سالم از یکدیگر تشریح شد

مثلاً تصریح شد که به‌جای تو نمی‌فهمی که این رفتارت زشت است از حالت فاعلی من استفاده کند و

بگویند من وقتی شما این‌طور رفتار می‌کنی ناراحت می‌شوم. همچنین تصریح شد که به‌جای تأکید بر

جنبه‌هایی که نمی‌خواهیم طرف انجام دهد بر رفتارهایی تأکید کنیم که فرد مقابل می‌خواهیم برایمان

انجام دهد)

✓ بررسی و روشن‌سازی نقص‌های صمیمیت (عدم بیان روشن انتظارات از همدیگر به‌صورت مثبت، عدم

صرف زمان کافی زوجی برای در کنار هم بودن، عدم ابراز محبت به‌اندازه کافی، پیش‌قدم نشدن برای

ابراز محبت و منتظر دیگری ماندن رد پیش‌قدم شدن و نظایر آن که باعث شده بود صمیمیت افت کند

روشن شد)

✓ تکالیف منزل:

✓ تکالیف افزایش‌دهنده صمیمیت و بهبود الگوی ارتباطی (بیان روشن انتظارات از هم به‌صورت مثبت و

با تأکید بر رفتارهای مشخص و مثبت، گذراندن زمان در روز برای گفتگو به شیوه مؤثر، تمرین

رفتارهای محبت‌آمیز، پیش‌قدم شدن در برآوردن علایق یکدیگر)

✓ به‌عنوان تکلیف از زوجین خواسته شد که بدون داشتن توقعی از همسر در هفته آینده، برخی وظایفی را

که تا به حال انجام نداده‌اند و همسر آن‌ها مایل به دریافت آن است انجام دهد؛ و ۵ مورد کاری انجام دهد

که انگیزه اصلی از انجام این کار صرفاً برآورده کردن نیازهای همسر باشد. تکالیف صمیمیت که در جلسه تمرین یادآوری شد در خانه انجام شود، تکالیف ارتباطی و شناختی نیز قرار شد ادامه یابد. مهارت همدلی: هدف از این مهارت این است که «تو را درک می‌کنم» را به دیگری انتقال دهد. توصیه نکردن درزمانی که همسر ناراحتی خود را ابراز می‌کند بلکه فقط همدردی و همدلی کردن تکالیف منزل راجع به گوش دادن و صحبت کردن مؤثر، صمیمیت عاطفی، شناسایی و مقابله مؤثر با توهین و تمسخر، انتقاد توهین‌آمیز و تدافعی بودن، شناسایی باورهای ناکارآمد و خطاهای شناختی زوجی، مقابله و زیر سؤال بردن خطاهای شناختی، شناسایی خودگویی‌های مخرب، مقابله با خودگویی‌های منفی، مجدداً مورد تأکید قرار گرفت

صمیمیت عاطفی و فیزیکی: جستجو و کشف خواسته‌ها و نیازها برای صمیمیت عاطفی به‌عنوان تکلیف داده شد بازگویی شکایت به‌صورت تقاضای رفتار مطلوب مجدد مورد تأکید قرار گرفت: به‌عنوان مثال شکایت مرد که نمونه‌اش در زیر آمده است قرار شد به تقاضا برای رفتار مطلوب تبدیل شود: شکایت: تو اصلاً به من توجه نداری اگر توجه داشتی بعد از یک روز سخت وقتی به خانه می‌آمدم حداقل یک چای دم شده داشتیم.

بازگویی به‌صورت رفتار مطلوب: من دوست دارم هر موقع که از کار برمی‌گردم چای در خانه آماده شود تا با هم بنوشیم و راجع به کار امروزم با هم صحبت کنیم.

لیست کردن علایق و رفتارهای مطلوبی که مایل است همسر برای وی انجام دهد: با توجه به اینکه به نظر می‌رسید این زوج برخی اوقات از علایق یکدیگر اطلاع اندکی دارند و دوست‌داشتنی‌های هریک را کمتر می‌دانند قرار شد که یک فهرستی از علایق و رفتارهای مطلوب از سوی همسر خود را لیست نمایند و در جلسه برای همدیگر بازگو کنند و بر روی انجام تعدادی از آن‌ها توافق صورت گرفت.

جلسه ششم

هدف اصلی: یاددهی برخی مهارت‌ها و تحکیم یادگیری‌های قبلی

مدت‌زمان جلسه: یک و نیم ساعت

مراحل درمان:

✓ مرور تکالیف جلسه گذشته، شناسایی نواقص زوج در انجام تکلیف و بررسی راهبردهایی برای نهادینه کردن تکالیف (قسمت زیادی از جلسه به این مورد پرداخته شد).

- آموزش ایفای نقش صحیح و مشخص نمودن نقش و انعطاف‌پذیری در نقش‌ها و وظایف
- آموزش تصمیم‌گیری صحیح و رویکرد حل مسئله به‌جای روبرو شدن با تنش‌ها به‌صورت هیجانی یا اجتناب نمودن از تنش

✓ تکلیف: به‌عنوان تکلیف از زوجین خواسته شد تا با هم به یک سفر کوتاه رفته و تمرین‌های آموزش داده‌شده را با هم تمرین کنند

حل تعارض: برای حل تعارض قرار شد که زمان مکان خاصی برای بحث در نظر گرفته شود، مسئله یا موضع مورد اختلاف دقیق مشخص شود، هرکدام راجع به نقشی که در مسئله دارد صحبت نماید، تلاش‌های ناموفق قبلی برای حل مسئله لیست شود، با بارش فکری ده روش جدید حل تعارض لیست گردد، راه‌حل‌های احتمالی لیست شده مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد، راجع به امتحان یک‌راه حل توافق نمایند، در مورد نقش هریک در اجرای راه‌حل مورد نظر توافق کنند، قرار دیگری گذاشته و پیشرفت خودشان را ارزیابی کنند. تکالیف شناختی، ارتباطی و صمیمیت جلسات قبل قرار شد در این جلسه در حوزه‌های گسترده و با رفع نواقصی که در جلسه امروز شناسایی شد تا هفته بعد تمرین شود.

جلسه هفتم

هدف اصلی: آموزش حریم سازی و تعامل مثبت با خانواده مبدأ و تحکیم یادگیری‌های قبلی

مدت زمان جلسه: یک و نیم ساعت

✓ مرور تکالیف جلسات گذشته

- بررسی حریم سازی و روشن نمودن برای زوج که چگونه ضعف در حریم سازی هر دو زوج باعث شده که خانواده‌های اصلی رفتارهای مخربی را در پیش بگیرند و در تصمیمات و چگونگی گذران زندگی زوج مداخله نمایند و به واحد زوجی احترام نگذارند، به این درک مشترک رسیدیم که خانواده‌ها را در جریان ریزودرشت و مسائل زندگی گذاشتن باعث آسیب‌های به واحد زوجی شده است. همچنین چگونگی تعاملات زوج در جمع نیز که ناسالم بود و منجر به این می‌شد که خانواده‌ها این تصور را پیدا کنند که زوج با یکدیگر رابطه خوبی ندارند یادآوری شد و نشان داده شد که این عدم پاسداری از حریم زوجی و حرکت نکردن در مسیر تحکیم واحد زوجی است که مشکلات را به بار آورده است نه طبیعت دخالت گرانه خانواده‌های اصلی.

- بررسی تعامل مثبت با خانواده

- چارچوب دهی مجدد: برخی از تعارض‌های ارتباطی زوج به سبب برداشت‌های منفی آن‌ها از خانواده‌های اصلی بود به این صورت که نسبت به تمام گفته‌ها و رفتارهای خانواده‌های اصلی بدبین گشته و معنای دخالت مخرب می‌دادند که سعی شد با چارچوب دهی مجدد آمیخته با شوخی دیدگاهی جدیدتر و سودمندتر به آن‌ها داده شود (به نظرم می‌رسد اون‌ها خیلی دلشون به حال رابطه شما میسوزه که حاضرین با این وجود که خودشون هم گرفتاری‌هاشون کم نیست به فکر شما هم باشن، البته یادمون نره که شما نیز مرتب راجع به اختلاف‌های ریز و درشت و برنامه هاتون بهشون اطلاعات زیادی می‌دین (عدم پاسداری از حریم زوجی را به نحوی به اطلاع آن‌ها رسوندیم، همچنین مسئولیت ناپذیری آن‌ها راجع با اعمالشان در جلسات به صورت ضمنی و آشکار بارها مورد تأکید قرار گرفت))

✓ ارائه تکلیف: قرار شد هریک از زوجین هیچ اطلاعاتی را از تعاملات خود و مسائل زندگی حتی در مورد جلسات مشاوره به خانواده‌ها ندهند. در جمع کنار یکدیگر نشستند و رفتارهای گوش دادن و صحبت

کردن مؤثر را تمرین کنند؛ و در راستای تحکیم واحد زوجی و افزایش صمیمیت قرار شد بدون حضور عضو سوم هفته‌ای حداقل یک‌بار به تفریح بیرون از منزل بروند.

✓ تکالیف مستحکم کننده منظومه زن‌وشوهری:

✓ ۱- گردش زوجی ۲ بار در هفته بدون حضور هیچ‌یک از خانواده‌های اصلی (لازم به ذکر است که هر یک از زوجین از نبود تفریح زوجی و زمان‌های صمیمی زوجی شکایت داشتند و همچنین مرز نامشخص بین نسلی باعث دخالت خانواده‌های اصلی شده و مانع از شکل‌گیری یک زوج مستحکم شده بود و فرایند تصمیم‌گیری زوجی را مختل کرده بود)

✓ ۲- قاعده پاسداری از حریم زوجی (خانواده‌های اصلی عادت داشتند که هرروز از فرزند خود راجع به زندگی آن‌ها و دعوای آن‌ها در روز می‌پرسیدند و این باعث شده بود که از یک‌طرف هیچ‌گونه حریم زوجی رعایت نگردد از سوی دیگر زمینه را برای دخالت خانواده‌ها و مطرح‌شدن دعوای در فامیل فراهم نماید و همچنین زمینه را برای تعارض بین عروس-مادرشوهر و مرد و خانواده اصلی زن فراهم نموده بود) با توضیح این قاعده قرار شد که به‌هیچ‌وجه موضوعات جلسات مشاوره، موضوع‌های پیش‌آمده روزانه و تعارض‌های روزانه به خانواده‌ها گزارش نشود، به‌عنوان مثال زن به مادرش که هرروز با تلفن از وی راجع به مسائل می‌پرسید این راه‌حل را پیدا کرده بود که خدا را شکر زندگی می‌گذرد و در مقابل اصرار مادر برای دریافت اطلاعات مقاومت نموده بود. مرد هم در مورد خریدهای خانه، تعارض‌ها و امور به کسی اطلاع نداده بود.

✓ یادآوری و تأکید بر تکالیف جلسات قبل.

جلسه هشتم

هدف اصلی درمان: تحکیم حریم سازی زوجی و تعاملات با خانواده‌های اصلی و مروری بر یادگیری‌ها در تمام جلسات قبلی، تحکیم یادگیری‌ها و بررسی چگونگی به‌کارگیری‌ها در موقعیت‌هایی که در آینده پیش خواهد آمد.

مدت‌زمان جلسه: یک و نیم ساعت

- ✓ مرور تکالیف جلسات گذشته و مرور تغییرات مثبتی که زوج در زندگی تجربه کرده‌اند
- ✓ شناسایی نقاط و موارد آسیب‌زای احتمالی رابطه و بررسی چگونگی مقابله با آن
- ✓ مروری بر تکالیف شناختی
- ✓ مروری بر تکالیف ارتباطی
- ✓ مروری بر تکالیف ایجاد صمیمیت و عشق
- ✓ خلاصه نمودن آنچه در جلسات باهم به آن پرداختیم و اصلاح نمودیم.
- ✓ دادن تکالیفی که همواره باید به آن توجه نماییم در حوزه حریم سازی، ارتباط، صمیمیت و نگرش‌ها.

(پیوست ب): پرسشنامه تعارضات زناشویی

لطفا هریک از جملات زیر را به دقت بخوانید و به تمام آن ها پاسخ دهید . برای هر جمله پاسخ های "همیشه" ، "اکثرا" ، "گاهی" ، "بندرت" ، و "هرگز" در نظر گرفته شده است . لطفا با توجه به رابطه زناشویی خود ، برای هر عبارت ، آن را که متناسب است، را انتخاب کنید .

۱) هنگام مرافعه با همسر، رابطه من با خانواده پدر و مادری او قطع می شود.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲) من و همسر حساب های مالی جداگانه داریم.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳) همسر هرکاری از من بخواهد فراموش می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۴) هنگام دلخوری من و همسر، هیچ کدام برای رابطه جنسی پیش قدم نمی شویم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۵) من و همسر کتک کاری می کنیم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۶) هنگام دلخوری ، رابطه من با خانواده پدر و مادری خودم قطع می شود.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۷) برای فرزند(یا فرزندانم) حاضرم انتظارات نامعقول او(یا آنان) را برآورده کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۸) بدون اطلاع همسر، برای خود پس انداز شخصی دارم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۹) وقتی همسر از من تقاضایی دارد،خودم را به کارهای دیگر مشغول می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۰) رابطه جنسی من با همسر ارضا کننده نیست .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۱) وقتی با همسر مرافعه دارم، اتاق یا خانه را ترک می کنم.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۲) به تنهایی با خانواده پدر و مادری خود و خواهر و برادرانم رابطه دارم.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۳) درآمد همسر را به بهانه های مختلف صرف خواسته های شخصی خود می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۴) همسر را با ناقص انجام دادن کارهایی که ازم من می خواهد تنبیه می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۵) همسر رابطه جنسی را به من تحمیل می کند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۶) همسر را به رفتارهای غیر اخلاقی متهم می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۷) از اعضای خانواده پدری و مادری ام ، برای حل اختلافات خود با همسر، کمک می گیرم.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۸) فرزند(یا فرزندانم) ، اسرار همسر را به من می گویند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱۹) خانواده پدر و مادری همسر، به من بی احترامی می کنند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۰) خرج خانواده، در هر صورت (آشتی یا دعوا) در اختیار من است .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۱) همسر را با بی نظمی و نامرتب بودن، آزار می دهم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۲) وقتی با همسر دعوا می کنم ، فریاد می زنم و ناسزا می گویم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۳) خانواده پدر و مادری من ، همسر را با دیگران مقایسه و به حال من دلسوزی می کنند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز

۲۴	فرزند یا فرزندانم یکی از عوامل مهم حفظ و تداوم رابطه زناشویی من هستند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۵	دوست یا دوستانم در جریان اختلاف من و همسرم هستند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۶	من و همسرم با مشارکت و توافق یکدیگر پول و درآمد خانواده را خرج می کنیم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۷	حاصله ام از همسرم و خواسته هایش سر می رود .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۸	هنگام دعوا، تنها رابطه من با همسرم رابطه جنسی است .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۲۹	هنگام نزاع، از همسرم درخواست طلاق می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۰	خانواده پدری و مادری من ، تمام گناه ها را به گردن همسرم می اندازند.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۱	هنگام دعوا بین من و همسرم ، فرزند یا فرزندانم از من حمایت می کنند.	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۲	حاضر نیستم برای بدهی های همسرم از دیگران پول قرض کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۳	هنگام دعوا ، رابطه جنسی من و همسرم قطع می شود .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۴	با وجود داشتن همسر ، از تنهایی رنج می برم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۵	همسرم در حضور خانواده پدری و مادری خودم، مرا تحقیر می کند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۶	هنگام مرافعه من و همسرم، یکی از فرزندانم زیاد مریض می شود و نیاز به مراقبت دارد .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۷	همسرم و خانواده اش را در مقابل سایرین تحقیر می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۸	بدون اطلاع همسرم ، به والدین خود پول می دهم و یا از آن ها پول می گیرم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۳۹	دعوا با همسرم ، مرا نسبت به فعالیت های خودم بی علاقه می کند .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۴۰	با آن دسته از برنامه های مهمانی که با حضور خانواده همسرم باشد، مخالفت می کنم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۴۱	هنگام دعوا با همسرم نسبت به غذا بی اشتها می شوم .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۴۲	در هنگام دعوا با همسرم، رابطه من و او با دوستان مشترکمان قطع می شود .	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز

(پیوست ج): پرسشنامه رضایت زناشویی

این پرسشنامه جملاتی درباره جنبه های مختلف زندگی شماست که ممکن است با آن موافق یا مخالف باشید. لطفا هر جمله را به دقت بخوانید و سپس میزان موافقت یا مخالفت خود را با علامت (X) مشخص کنید.

	کاملا مخالفم	مخالفم	نه موافق نه مخالف	موافقم	کاملا موافقم
۱					من از چگونگی تصمیم گیری و حل تعارضمان راضی هستم.
۲					من می توانم احساسات حقیقی خود را به همسرم ابراز کنم.
۳					برای تمام کردن یک بحث من زود تسلیم می شوم.
۴					همسر من و من همدیگر را کاملاً درک می کنیم
۵					من از ارتباط مان ناخشنودم و احساس میکنم همسر من را درک نمی کند
۶					هنگامی که ما مشکل داریم همسر من اغلب از صحبت کردن درباره آن خودداری می کند
۷					عقاید من و همسر من در مورد حل مخالفت هایمان بسیار متفاوت است
۸					همسر من را کاملاً درک می کند و با هر خلقی من همدردی می کند
۹					من از نحوه تقسیم مسئولیت در امور خانه راضی هستم
۱۰					همسر من بعضی اوقات با اظهار نظرهایش من را کوچک می کند
۱۱					موقعی که ما در مورد مشکلاتمان بحث می کنیم همسر من نظرات و عقاید مرا درک میکند
۱۲					هر چیز جدیدی را که در مورد همسر من کشف می کنم خوشایند من است
۱۳					من بخاطر بعضی از ویژگیهای شخصیتی یا عاداتهای فردی همسر من ناخشنودم
۱۴					ای کاش همسر من بیشتر مایل بود که احساساتش را با من در میان بگذارد
۱۵					حتی در طی اختلاف سلیقه ها می توانم احساسات و عقاید من را با همسر من در میان بگذارم
۱۶					من هرگز از رابطه با همسر خود پشیمان نشده ام
۱۷					من از نحوه سرگرمی ها و فعالیت های مشترکمان راضی هستم
۱۸					گاهی اوقات برای من مشکل است خواست درونی ام را از همسر من بخواهم
۱۹					ما بعضی اوقات نزاع جدی بر سر مسائل بی اهمیت داریم
۲۰					همسر من تمام کیفیت هایی که من همیشه می خواستم در همسر من باشد را دارد
۲۱					من در مورد وضعیت مالی و نحوه تصمیم گیری در مسائل اقتصادی ناراضی هستم
۲۲					گاهی اوقات باور کردن همه حرفهای همسر من مشکل است
۲۳					من برای جلوگیری از نزاع با همسر من از خودگذشتگی میکنم
۲۴					من از چگونگی ابراز احساسات و روابط جنسی مان راضی هستم
۲۵					همسر من شنونده خیلی خوبی است
۲۶					بعضی اوقات احساس می کنم برخی از تفاوت های ما هیچ وقت حل نمی شود

					۲۷ من از چگونگی انجام مسئولیت هایمان به عنوان پدر و مادر ناراضی هستم
					۲۸ بیشتر اوقات همسرم درک نمی کند که من چه احساسی دارم
					۲۹ موقعی که با هم بحث می کنیم من معمولاً خودم را مقصر می دانم
					۳۰ من از روابط پدر و مادرم ، پدر و مادر همسرم و دوستان راضی هستم
					۳۱ از چگونگی حرف زدن مان با همدیگر خیلی راضی هستم
					۳۲ هنگام جر و بحث برای جلوگیری از جریحه دار شدن احساسات همسرم سکوت می کنم
					۳۳ بعضی اوقات همسرم اختلاف سلیقه مان را جدی نمی گیرد
					۳۴ برای من سخت است که احساسات منفی خود را با همسرم در میان بگذارم
					۳۵ من درباره اینکه هر کدام چگونه اعتقادات مذهبی و ارزشهای مذهبی مان را انجام دهیم احساس خیلی خوبی دارم

Abstract

A Long term satisfied marriage provides many positive outcomes for psychological, physical health and growth for the family members. The aim of this study was to identify and compare effective factors in satisfied long term marriages lasting more than 20 years and contributing factors among divorcing couples, in order to design an intervention program and then evaluate it. This mix method was used in this study. In the qualitative part, grounded theory method was used. Using purposeful sampling, subjects in both sample groups of couples with satisfied long term marriages and divorcing couples were selected. The sampling continued until theoretical saturation. Finally, 20 participants with satisfied long term marriage (10 couples) and 20 divorcing participants (10 couples) were interviewed with purposeful sampling in semi structured and in-depth method. In quantitative part of the study the single subject method (AB design) was used. One couple among the divorcing couples who came to the counseling center in Zanjan city, whose marital conflicts were high and their marital satisfaction were low, took part in therapy sessions. In Quantitative part of the research, Enrich Marital Satisfaction Inventory (Asoodeh et al, 2009) and Marital conflict Questionnaire (Sanae and Barati, 1999) was used to assess the marital condition of the couples during the intervention process. Data in qualitative part was analyzed using Strauss and Corbin method of grounded theory for two groups of long lasting and divorcing couples.

Findings from satisfied long term marriage sample indicated that a journey to a growing marriage was the core category of the study. Proper marriage selection category was the causal condition of the study. This category consisted of initial love, proper independence, proper preparation, sufficient dating before marriage. Intervening conditions were divided into three categories of Intra personal factors (functional attitudes and personality characteristics), inter personal factors (functional marital, parental and family of origin systems) and meta personal factors (financial issues). Couples functional strategies (forgiveness, problem solving, apologizing, humor styles) and family of origins functional strategies (mediating the problem) in difficulties of life and conflicts were explained. Finally Consequences consisted of satisfaction with self, spouse, children and long term marriage.

The results of divorcing couples indicated that the core category of this model is the process of collapsing marriage. Improper marriage formation category was the causal condition of collapsing marriage consisting of lack of initial interest, improper reason to marry, lack of preparation, insufficient dating before marriage, forced marriage and unaware spouse selection. Intervening conditions were divided into three categories of Intra personal factors (dysfunctional attitudes and characteristics); inter personal factors (dysfunctional marital, parental, and intergenerational systems) and meta personal factors (financial issues).. Couples and families dysfunctional strategies (expressing the marital issues to families, locking the wife at home, and lack of anger management, encouraging couples to divorce) were explained that lead to worsening the difficulties during conflicts. Consequences consisted of emotional, cognitive and behavioral consequences. Contextual conditions consisted of history of divorce and Unhealthy family of origins and having friendship with couples with unsuccessful marriages.

The results of quantitative part was analyzed through graphical representation, Percentage of improvement and clinical significance index. The results indicated that the program designed

based upon comparing effective factors in long term satisfied and divorcing couples (this counseling model was named long term marital relationships Models) can lead to the improvement of marital satisfaction and reducing marital conflicts

Finally this can be concluded that reaching to a growing marriage is not an onset event, but it is a process that couples can get that by passing the ups and downs of life. Like a journey it has its own beauties and difficulties. Those marriages reach to the growing marriages that are provided by appropriate elements and strategies.

Key words: long lasting, divorce, marital satisfaction, marital conflict



Allameh Tabataba'i University
Faculty of Psychology and Educational Sciences
Department of Counseling

A Dissertation
Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of
DOCTOR OF PHILOSOPHY
In Counseling

Designing a Satisfied Long Term Marriage Model and Examining
Effectiveness of Intervention Program Based Upon It

Supervisor:
Masumeh Esmaeili(Ph.D)

Advisors:
Kiumars Farahbakhsh(Ph.D)
Ahmad Borjali(Ph.D)

Examiners:
Bahman Bahmani(Ph.D)
Atousa Kalantar Hormozi(Ph.D)

By
Abolfazl Hatami Varzaneh

February, 2016